



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



الرحمن
علیه صاب

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



فرصت‌ناومی

تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی



به اعتماد جمهوری اسلامی
به نام بسیج نوپسندگان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

نویسنده:

محمود اصغری

ناشر چاپی:

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۷	جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی
۱۷	مشخصات کتاب
۱۸	اشاره
۲۰	فهرست اجمالی
۲۲	فهرست تفصیلی
۴۰	پیش گفتار
۴۴	بخش اول: مبانی و هدفها
۴۴	اشاره
۴۶	فصل ۱: واکاوی ریشه های پیام جهاد اقتصادی
۴۶	اشاره
۴۸	۱. امتیازخواهی و افزون طلبی
۴۹	۲. تحجرگرایی مذهبی و جزم اندیشی روشنفکری
۵۰	۳. کلان نگرى بلند پروزانه و تک بُعدی
۵۱	۴. جناح بندی، حزب بازی و سیاسی کاری
۵۲	۵. موج گرایی و بی هویتی
۵۶	فصل ۲: شاكله شناسی جهاد اقتصادی و هدفهای اصولی آن
۵۶	مفهوم جهاد اقتصادی
۵۷	تفاوت جهاد اقتصادی و تلاش اقتصادی
۶۱	هدفهای اصولی نظام اسلامی
۶۱	اشاره
۶۳	۱. فقر و محرومیت زدایی
۶۳	تعریف موضوع
۶۳	اهمیت موضوع

۶۴	جایگاه فقرزدایی در قانون اساسی
۶۵	۲. دستیابی به عدالت اجتماعی
۶۵	اشاره
۶۷	عدالت اقتصادی
۶۸	شرط تحقق عدالت از منظر رهبری
۶۸	۳. رفاه اجتماعی، تکافل اجتماعی -
۷۰	۴. زمینه سازی برای رشد علمی
۷۰	۵. نیل به رشد معنوی
۷۰	اشاره
۷۲	علل اصلی فقر و محرومیت
۷۲	۱. ناحق های اقتصادی
۷۳	۲. دنیاگرایی
۷۴	۳. افزون طلبی زمامداران
۷۶	۴. نبود تقوای مالی، و سوء استفاده از فرصتها
۷۷	۵. اتراف و تجمل گرایی
۷۸	راه حلهای فقر و محرومیت زدایی
۷۹	ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی در جهت افزایش تولید
۸۴	فصل ۳ : جامع نگری در جهاد اقتصادی
۸۴	اشاره
۸۵	پیامد اصلاحات تک بُعدی
۸۷	همپایی توسعه اقتصادی با عدالت اجتماعی
۸۹	زیانهای ناهمپایی عدالت اجتماعی با توسعه اقتصادی
۸۹	فرار سرمایه ها
۹۱	ناامنی و افزایش هزینه های اجتماعی
۹۲	نقش مسئولان در تحقق عدالت اجتماعی
۹۴	فصل ۴ : مبانی جهاد اقتصادی: توسعه روئیده در بستر دین و ارزشهای دینی

۹۴ اشاره
۹۴ الف) جهان اسلام و توسعه نیافتگی
۹۴ نگاهی تاریخی
۹۵ تعریف توسعه و توسعه نیافتگی
۹۶ نگاهی کلی به آرا و نظریات درباره رابطه اسلام با توسعه
۹۶ اشاره
۹۹ سخنی درباره نظریه اول
۱۰۱ نقش اسلام در توسعه و تمدن جهان
۱۰۳ تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در پیشرفت اقتصادی اسپانیا
۱۰۳ تأثیر عدالت اسلامی بر توسعه اقتصادی اسپانیا
۱۰۵ نقش مسلمانان در توسعه و پیشرفت علم و دانش
۱۰۵ تأثیر اسلام در توسعه و پیشرفت تجارت
۱۰۵ اشاره
۱۰۸ ارزیابی نظریات درباره ایستایی توسعه تمدن اسلامی
۱۱۳ (ب) مبانی توسعه روئیده بر بستر دین (بر مبنای اندیشه شهید مطهری)
۱۱۳ اشاره
۱۱۴ مبانی توسعه
۱۱۷ گزینش و انتخاب
۱۱۸ دستاورد توسعه به مفهوم انسانی آن
۱۱۹ مفهوم توسعه در نگاه اندیشمندان مسلمان
۱۲۰ برخی نظریات درباره رابطه دین و توسعه
۱۲۱ نقد و بررسی
۱۲۲ خاستگاه جدایی دین از زندگی اجتماعی
۱۲۵ جهات بی خبری مسلمانان
۱۲۵ ضرورت دین شناسی
۱۲۵ اشاره

۱۲۶	چرایی توسعه
۱۲۶	نیاز، مبنای توسعه
۱۲۷	اهمیت تفکیک نیازها
۱۲۹	جهت توسعه
۱۲۹	نگاه به انسان
۱۳۰	تجدید نظر در مفاهیم و جهت توسعه
۱۳۲	بخش دوم: موانع جهاد اقتصادی
۱۳۲	اشاره
۱۳۴	بی توجهی به پیش نیازهای رشد و توسعه اقتصادی
۱۳۴	اشاره
۱۳۵	فصل ۱: موانع غیر اقتصادی
۱۳۵	اشاره
۱۳۷	۱. نظم
۱۳۸	۲. وجدان کاری
۱۳۹	۳. مشارکت در فرایند توسعه
۱۴۰	۴. مصرف زدگی
۱۴۲	۵. خلاقیت
۱۴۳	۶. نظام آموزشی
۱۴۶	۷. شایسته سالاری
۱۴۷	۸. کار، محور ارزش
۱۴۸	۹. قانون گرایی
۱۴۸	۱۰. امنیت
۱۵۰	فصل ۲: چالش های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی
۱۵۰	۱. ناهماهنگی بین مقوم ها
۱۵۰	۲. عناصر انسانی نامطلوب
۱۵۲	۳. تنظیم نشدن بودجه ها براساس نیازها و بهره گیری از اهرمهای سیاسی در بودجه ریزی

۴. مسأله مهاجرت به شهرها و حاشیه نشینی ۱۵۲
۵. مهاجرت نخبگان علمی ۱۵۳
۶. وجود پارادوکس ها ۱۵۴
- الف) ناهمسوی سیاستهای اقتصادی ۱۵۴
- اشاره ۱۵۴
- تأثیر سیاستهای اقتصادی در هم گرایی و واگرایی ۱۵۴
- ب) توسعه از طریق رشد متمرکز با فقر زدایی ۱۵۵
- ج) فردگرایی با تعدیل شکاف طبقاتی ۱۵۵
- د) وضع قوانین و افزایش قانون شکنی ۱۵۶
- ه) کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان ۱۵۶
- و) سیاست تعدیل اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری ۱۵۷
- اشاره ۱۵۷
- خصوصی سازی ۱۵۷
- نقد و بررسی ۱۵۷
- کوچک سازی دولت ۱۵۸
- ج) اشتغال و بیکاری پنهان ۱۵۹
- بخش سوم: راهبردها : تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی ۱۶۱
- اشاره ۱۶۱
- اصلاح الگوها و روشها همسو با سند چشم انداز بیست ساله ۱۶۳
- اتخاذ الگو بر اساس سند چشم انداز ۱۶۳
- دستیابی به زبان مشترک ۱۶۵
- جامع نگری و همپایی ۱۶۵
- فصل ۱: در بعد نظری ۱۶۶
- تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه ۱۶۶
- الگوشناسی مدیریت و اقتصاد اسلامی در تحلیل پیام رهبری ۱۶۶
- واژه های کلیدی در پیام جهاد اقتصادی ۱۶۷

- تحلیل جهاد اقتصادی در پرتو مدیریت راهبردی دینی ۱۶۹
- الگوی جهاد اقتصادی ۱۷۰
- اشاره ۱۷۰
۱. سازگاری با استقلال و پرهیز از وابستگی ۱۷۰
۲. سازگاری با شرایط و هویت بومی ۱۷۱
۳. پرهیز از جزمیت و جمود ۱۷۱
- اقتصاد اسلامی در پرتو پیام جهاد اقتصادی ۱۷۲
- عدالت و توسعه در گفتمان جهاد اقتصادی ۱۷۴
- توانمندیهای موجود جهت دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و توسعه ۱۷۸
- جامعیت اسلام برای پاسخگویی به نیازها ۱۷۹
- شکل گیری تمدن اسلامی ۱۸۱
- کشف قوانین علمی پنهان در گزاره های دینی ۱۸۱
- نقش تقوا در پویایی، نوآوری و تولید علم ۱۸۳
- نوگرایی و نو اندیشی ۱۸۳
- بهره وری از پتانسیل های دین، عدالت و توسعه ۱۸۵
- فصل ۲: در بعد عملی؛ ایجاد بسترهای مناسب ۱۸۷
- الف) بستر اجتماعی ۱۸۷
- اشاره ۱۸۷
- توجه به قلمروهای عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در جامعه ۱۸۷
- چیستی عدالت اجتماعی ۱۸۸
- اشاره ۱۸۸
- تفسیر عدالت اجتماعی ۱۹۰
- اهمیت عدالت اجتماعی ۱۹۱
- قلمروهای عدالت اجتماعی ۱۹۳
- اشاره ۱۹۳
۱. عدالت زمینه ای ۱۹۳

۲. عدالت اجتماعی صیانتی ۱۹۴
۳. عدالت اجتماعی قضایی ۱۹۴
۴. عدالت اجتماعی توزیعی ۱۹۵
- بی توجهی به عدالت در مسلخ شعار ۱۹۶
- روند اجرایی عدالت اجتماعی ۱۹۸
- اشاره ۱۹۸
۱. توزیع امکانات ۱۹۸
۲. مبارزه با فساد مالی ۱۹۸
۳. آزادیهای اجتماعی، مشروع و قانونی ۱۹۹
۴. رشد میزان کارایی ها و بهره وریها ۱۹۹
۵. پایداری و ثبات حیات جمعی ۱۹۹
- اشاره ۱۹۹
- توزیع عادلانه امکانات ۱۹۹
- وضعیت توزیع درآمدها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۲۰۰
- روند مبارزه با فساد مالی ۲۰۳
- روند تحقق آزادیهای اجتماعی، بهره وریها و ثبات حیات اجتماعی ۲۰۴
- بایسته های اجرایی در تحقق عدالت اجتماعی ۲۰۵
- اشاره ۲۰۵
۱. بستر سازی مشارکت اقتصادی برای همه ۲۰۶
۲. اهمیت دادن به نخبگان علمی و فکری ۲۰۶
۳. جلوگیری از مصرف گرایی و تنبل پروری ۲۰۸
۴. مبارزه با فساد اقتصادی ۲۰۸
- (ب) بستر سیاسی ۲۱۱
- اشاره ۲۱۱
- انتخاب مسئولان حکومتی متعهد به مبانی و هدفهای نظام اسلامی بر مبنای رهنمودهای مقام معظم رهبری) ۲۱۱
- مسئولیت پذیری در راستای خدمت به مردم ۲۱۴

- ۲۱۵ تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی
- ۲۱۷ (ج) بستر فرهنگی
- ۲۱۷ آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی
- ۲۱۷ باورمندی به ایجاد پیوند بین دنیا و آخرت و مسئولیت پذیری
- ۲۱۸ رویکرد دین به تأثیر روابط انسانی در پیدایش برخی پدیده ها
- ۲۱۸ بعد اجتماعی
- ۲۱۸ پیشگیری از آسیبها و نیز بروز مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی
- ۲۱۹ تأثیر روابط انسانی بر حوادث طبیعی
- ۲۲۲ بُعد اقتصادی
- ۲۲۲ افزایش بهره وری و نیز کاهش آن
- ۲۲۴ تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی
- ۲۲۴ آثار و نتایج
- ۲۲۴ ایجاد اعتماد و امیدواری به آینده بهتر
- ۲۲۵ تأثیر آموزه های دینی در تقویت فرهنگ کارآفرینی
- ۲۲۵ کارآفرینی در برنامه چشم انداز بیست ساله
- ۲۲۶ تعریف فرهنگ کار و کارآفرینی
- ۲۲۶ اشاره
- ۲۲۶ کارآفرینی به عنوان تکلیف و وظیفه
- ۲۲۷ کار و کارآفرینی به عنوان جهاد در راه خدا
- ۲۲۷ کار و کارآفرینی، وسیله سعادت
- ۲۲۷ کار و کارآفرینی، وسیله عزت نفس
- ۲۲۸ کارآفرینان در ردیف انبیا
- ۲۲۸ عوامل تشبیهی
- ۲۲۸ اشاره
- ۲۲۸ دوری از رحمت خدا
- ۲۲۹ تضييع حقوق ديگران

- ۲۲۹ فساد و تباهی
- ۲۳۰ فقر و نابسامانی
- ۲۳۰ هلاکت و نابودی
- ۲۳۱ تعامل بین فرهنگ و کارآفرینی
- ۲۳۱ فرهنگ سازی در زمینه کار مولد
- ۲۳۲ بهره گیری از عوامل معنوی
- ۲۳۲ برقراری ثبات در نظام اقتصادی
- ۲۳۳ (د)بستر اقتصادی
- ۲۳۳ اشاره
- ۲۳۳ اصلاح ساختار اقتصادی در راستای سند چشم انداز
- ۲۳۴ تأکید سند چشم انداز بر افزایش بهره وری
- ۲۳۵ رویکردها برای دستیابی به رشد اقتصادی
- ۲۳۶ اصلاح بازارها در راستای افزایش بهره وری و استفاده بهینه از منابع
- ۲۳۶ الف) اصلاح بازار سرمایه
- ۲۳۶ اشاره
- ۲۳۶ مدیریت سرمایه ها در مسیر تولید
- ۲۳۷ زیانهای اقتصادی وجود نقدینگی
- ۲۳۷ اشاره
- ۲۳۷ تورم
- ۲۳۹ پیامدهای تورم
- ۲۳۹ جایگاه بانک در نظام اقتصادی
- ۲۴۰ ضرورت اصلاحات در نظام بانکی
- ۲۴۱ تسریع رشد و توسعه اقتصادی با بهره گیری از سیاستهای پولی
- ۲۴۱ هدفهای سیاست پولی
- ۲۴۱ اشاره
- ۲۴۱ ۱. تسریع رشد اقتصادی

- ۲۴۳ ۲. ایجاد اشتغال کامل
- ۲۴۳ ۳. تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها
- ۲۴۳ ۴. ایجاد تعادل در تراز پرداختها
- ۲۴۳ کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی
- ۲۴۴ کارآمد نمودن بخش خصوصی
- ۲۴۶ (ب) اصلاح بازار کار
- ۲۴۶ اشاره
- ۲۴۶ توجه به تطابق شغل با مهارت‌های تحصیلی
- ۲۴۷ اصلاح باورها نسبت به کار و شغل
- ۲۴۸ اصلاح برداشته‌ها از بخش خدمات
- ۲۴۸ نقش خدمات در فرایند تولید و اشتغال
- ۲۴۹ ویژگی‌های خدمات
- ۲۵۰ خدمات در حسابداری اقتصادی ملی
- ۲۵۴ اهمیت بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال
- ۲۵۶ (ج) بازار تولید
- ۲۵۶ ایجاد ساز و کار لازم در بازار برای تولید توازن
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۶ (۱) تلاش برای ایجاد رقابت سالم
- ۲۵۶ (۲) ترویج تعاون و مشارکت
- ۲۵۶ اشاره
- ۲۵۷ اهمیت تعاون در قانون اساسی
- ۲۵۹ بهره‌گیری از سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی
- ۲۵۹ راهبردهای عملی جهت تحقق اصل ۴۴
- ۲۶۱ توسعه و افزایش بازارهای داخلی
- ۲۶۱ رشد تولید ناخالص داخلی
- ۲۶۱ افزایش سرمایه‌گذاری

- ۲۶۱ ارتقاء سطح بهره‌وری
- ۲۶۲ رشد صادرات
- ۲۶۲ بهبود توزیع درآمدی
- ۲۶۲ اهمیت بخش کشاورزی در توسعه بازار
- ۲۶۳ پیش‌گیری از مهاجرت
- ۲۶۳ توسعه بخش صنعت
- ۲۶۳ رشد همراه با توزیع عادلانه در آمد
- ۲۶۵ (د) اصلاح بازار مصرف
- ۲۶۵ اشاره
- ۲۶۵ الگوی مصرف
- ۲۶۵ اشاره
- ۲۶۶ ۱. مالکیت خداوند
- ۲۶۷ ۲. اعتقاد و باور به معاد
- ۲۶۸ ۳. رضای خداوند
- ۲۶۸ ۴. ثروت و درآمد
- ۲۶۸ پرهیز از اسراف و تبذیر
- ۲۶۹ اعتدال و کفاف
- ۲۷۰ انفاق در راه خدا
- ۲۷۰ جهت‌دهی به احساسات خیرخواهانه
- ۲۷۱ توزیع ثروت
- ۲۷۳ تخصیص بهینه منابع
- ۲۷۳ تلاش در جهت تغییر الگوی مصرف
- ۲۷۴ فرهنگ‌سازی در جهت استفاده از تولیدات داخلی
- ۲۷۴ پرهیز از خودباختگی و تقویت وجدان کاری
- ۲۷۵ پرهیز از تبلیغات وسوسه‌انگیز
- ۲۷۵ جلوگیری از قاچاق کالا

۲۷۷ کتابنامه

۲۷۷ الف) کتابها

۲۸۶ ب) مجلات

۲۸۹ درباره مرکز

جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

مشخصات کتاب

سرشناسه: اصغری، محمود، ۱۳۳۴ -، گردآورنده

عنوان و نام پدیدآور: جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی / به اهتمام محمود اصغری؛ به قلم جمعی از نویسندگان.

مشخصات نشر: مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: ۲۴۸ ص.

شابک: ۷۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۳-۷۹۳-۸

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: The economic jiha ...

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۳] ۲۴۸.

موضوع: خامنه ای، سیدعلی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- نام گذاری سال ها

موضوع: خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

موضوع: رشد اقتصادی -- ایران

موضوع: سرمایه گذاری -- ایران

موضوع: سیاست کار -- ایران

موضوع: توسعه صنعتی -- ایران

موضوع: درآمد ملی -- ایران

موضوع: ایران -- سیاست اقتصادی -- ۱۳۹۱

شناسه افزوده: دانشگاه علوم اسلامی رضوی

رده بندی کنگره: HC۴۷۳/الف ۶ج ۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۳۴۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۶۳۰۹۲

ص: ۱

اشاره

جهاد اقتصادی، تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

به اهتمام: محمود اصغری

ویراسته: حمید رضا نویدی مهر (نگهبان)

طراح جلد: آیه های نیایش

چاپ اول: مرداد ۱۳۹۱

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

مدیر اجرایی پژوهش و ناظر چاپ: علی اصغریار

حروفچینی و صفحه آرایی: سید محمد صادق حسینی معینی

چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

مرکز توزیع: مشهد مقدس: حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی

صندوق پستی: ۱۱۹۳-۹۱۷۳۵ تلفن و دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷

www.razavi.ac.ir

حق چاپ محفوظ است

ص: ۲

بخش اول: مبانی و اهداف..... ۱۷

فصل ۱: واکاوی ریشه های پیام جهاد اقتصادی / سید مصباح عاملی.. ۱۹

فصل ۲: شاکله شناسی جهاد اقتصادی و هدفهای اصولی آن / علی اکبر نوایی و محمود اصغری... ۲۹

فصل ۳: جامع نگری در جهاد اقتصادی / محمود اصغری... ۵۵

فصل ۴: مبانی جهاد اقتصادی: توسعه روئیده در بستر دین و ارزشهای دین / محمود اصغری... ۶۵

بخش دوم: موانع و چالشهای جهاد اقتصادی.... ۱۰۳

فصل ۱: موانع غیر اقتصادی / دکتر مصطفی سلیمی فر.. ۱۰۶

فصل ۲: چالشهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی / محمد حسین پژوهنده..... ۱۱۸

بخش سوم: راهبردها: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی.... ۱۳۱

اصلاح الگوها و روشها همسو با سند چشم انداز بیست ساله / محمود اصغری... ۱۳۳

فصل ۱: در بُعد نظری

الگوشناسی مدیریت و اقتصاد اسلامی در تحلیل پیام رهبری / سید مجید ظهیری... ۱۳۶

تواتمندیهای موجود در جهت دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی توسعه / محمود اصغری..... ۱۴۸

فصل ۲: در بُعد عملی؛ ایجاد بسترهای مناسب

الف) بستر اجتماعی

توجه به قلمروهای عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در جامعه / علی اکبر نوایی.. ۱۵۷

انتخاب مسئولان حکومتی متعهد به مبانی و هدفهای نظام اسلامی / محمود اصغری... ۱۷۰

ب) بستر سیاسی

انتخاب مسئولان حکومتی متعهد به مبانی و هدفهای نظام اسلامی / محمود اصغری..... ۱۸۱

ج) بستر فرهنگی

آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی / محمود اصغری... ۱۸۶

د) بستر اقتصادی

اصلاح ساختار اقتصادی در راستای سند چشم انداز / محمود اصغری... ۲۰۱

نقش خدمات در فرایند تولید و اشتغال / دکتر صادق بختیاری..... ۲۱۵

ص: ۳

پیشگفتار..... ۱۳

بخش اول (۱۰۰-۱۵)

مبانی و هدفها

فصل ۱: واکاوی ریشه های پیام جهاد اقتصادی... ۱۹

۱. امتیازخواهی و افزون طلبی ۲۱

۲. تحجرگرایی مذهبی و جزم اندیشی روشنفکری ۲۲

۳. کلان نگری بلند پروازانه و تک بُعدی ۲۳

۴. جناح بندی، حزب بازی و سیاسی کاری..... ۲۴

۵. موج گرایی و بی هویتی..... ۲۲

فصل ۲: شاکله شناسی جهاد اقتصادی و هدفهای اصولی آن..... ۲۹

مفهوم جهاد اقتصادی..... ۲۹

تفاوت جهاد اقتصادی و تلاش اقتصادی..... ۳۰

هدفهای اصولی نظام اسلامی..... ۳۴

۱. فقر و محرومیت زدایی..... ۳۶

اهمیت موضوع ۳۶

جایگاه فقر زدایی در قانون اساسی..... ۳۷

۲. دستیابی به عدالت اجتماعی..... ۳۸

عدالت اقتصادی..... ۴۰

شرط تحقق عدالت از منظر رهبری..... ۴۱

۳. رفاه..... ۴۱

۴. زمینه سازی برای رشد علمی ۴۲

۵. نیل به رشد معنوی..... ۴۳

علل اصلی فقر و محرومیت..... ۴۵

۱. ناحق های اقتصادی..... ۴۵

۲. دنیاگرایی..... ۴۶

ص: ۴

۳. افزون طلبی زمامداران ۴۷
۴. نبود تقوای مالی، وسوءاستفاده از فرصتها ۴۹
۵. اتراف و تجمل گرایی ۵۰
- راه حل‌های فقر و محرومیت زدایی ۵۱
- ضرورت تحکیم ساختار اقتصادی در جهت افزایش تولید .. ۵۲
- فصل ۳: جامع نگری در جهاد اقتصادی ۵۵
- پیامد اصلاحات تک بُعدی ۵۵
- همپایی توسعه اقتصادی با عدالت اجتماعی ۵۸
- زیانهای ناهمپایی عدالت اجتماعی بارشد اقتصادی .. ۶۰
- فرار سرمایه ها ۶۰
- نامنی و افزایش هزینه های اجتماعی ۶۲
- نقش مسئولان در تحقق عدالت اجتماعی ۶۳
- فصل ۴: مبانی جهاد اقتصادی: توسعه روئیده در بستر دین و ارزشهای دینی .. ۶۵
- الف) جهان اسلام و توسعه نیافتگی ۶۵
- نگاهی تاریخی ۶۵
- تعریف توسعه و توسعه نیافتگی ۶۶
- نگاهی کلی به آراء و نظریات درباره رابطه اسلام با توسعه. ۶۷
- سخنی درباره نظریه اول ۷۰
- نقش اسلام در توسعه و تمدن جهان ۷۲
- تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در پیشرفت اقتصادی اسپانیا ... ۷۴

تأثیر عدالت اسلامی بر توسعه اقتصادی اسپانیا.....۷۴

نقش مسلمانان در توسعه و پیشرفت علم و دانش...۷۶

تأثیر اسلام در توسعه و پیشرفت تجارت.....۷۶

ارزیابی نظریات درباره ایستایی توسعه تمدن اسلامی.۷۹

ب) مبانی توسعه روئیده بر بستر دین (بر مبنای اندیشه شهید مطهری). ۸۴

مبانی توسعه..... ۸۵

دستاورد توسعه در نگاه اندیشمندان مسلمان.....۸۹

مفهوم توسعه در نگاه اندیشمندان مسلمان.. ۹۰

ص: ۵

- برخی نظریات دربارهٔ رابطهٔ دین و توسعه. ۹۱
- نقد بررسی..... ۹۲
- خاستگاه اندیشهٔ جدایی دین از زندگی اجتماعی.. ۹۳
- جهات بی خبری مسلمانان..... ۹۶
- ضرورت دین شناسی..... ۹۶
- چرایی توسعه..... ۹۷
- نیاز ، مبنای توسعه ۹۷
- اهمیت تفکیک نیازها..... ۹۸
- جهت توسعه..... ۱۰۰
- نگاه به انسان..... ۱۰۰
- تجدید نظر در مفاهیم و جهت توسعه..... ۱۰۱

بخش دوّم (۱۲۰-۱۰۱)

موانع و چالشهای جهاد اقتصادی

- بی توجهی به پیش نیازهای توسعهٔ اقتصادی... ۱۰۶
- فصل ۱: موانع غیر اقتصادی..... ۱۰۶
۱. نظم ۱۰۸
۲. وجدان کاری..... ۱۰۹
۳. مشارکت در فرایند توسعه..... ۱۱۰
۴. مصرف زدگی..... ۱۱۱
۵. خلاقیت..... ۱۱۲

۶. نظام آموزشی..... ۱۱۳

۷. شایسته سالاری..... ۱۱۶

۸. کار، محور ارزش..... ۱۱۷

۹. قانون گرایی..... ۱۱۸

۱۰. امنیت..... ۱۱۸

فصل ۲: چالشهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی.... ۱۲۰

۱. ناهماهنگی بین مقومها..... ۱۲۰

۲. عناصر انسانی نامطلوب..... ۱۲۰

ص: ۶

۳.تنظیم نشدن بودجه ها بر اساس نیازها و بهره گیری از اهرمهای سیاسی در بودجه ریزی.....۱۲۲

۴.مسأله مهاجرت به شهرها و حاشیه نشینی.....۱۲۲

۵.مهاجرت نخبگان علمی.....۱۲۳

۶.وجود پارادکس ها.....۱۲۴

الف)ناهمسویی سیاستهای اقتصادی.....۱۲۴

تأثیر سیاستهای اقتصادی در همگرایی و واگرایی...۱۲۴

ب)توسعه از طریق رشد متمرکز با فقر زدایی.....۱۲۵

ج) فر گرایی با تعدیل شکاف طبقاتی.....۱۲۵

د)وضع قوانین و افزایش قانون شکنی.....۱۲۶

ه) کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان. ۱۲۶.

و)سیاست تعدیل اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری.....۱۲۶

خصوصی سازی.....۱۲۶

نقد و بررسی.....۱۲۶

کوچک سازی دولت۱۲۸

ح) اشتغال و بیکاری پنهان.....۱۲۹

بخش سوم (۲۵۲-۱۲۱)

راهبردها: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایران

اصلاح الگوها و روشها همسو با سند چشم انداز بیست ساله.. ۱۳۳

اتخاذ الگو براساس سند چشم انداز.....۱۳۳

دستیابی به زبان مشترک.....۱۳۵

جامع نگری و همپایی.....۱۳۵

فصل ۱: در بعد نظری

تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه ۱۳۶

الگوشناسی مدیریت و اقتصاد اسلامی در تحلیل پیام رهبری.. ۱۳۶

واژه های کلیدی در پیام جهاد اقتصادی.. ۱۳۷

تحلیل جهاد اقتصادی در پرتو مدیریت راهبردی دینی.. ۱۳۹

الگوی جهاد اقتصادی.. ۱۴۰

۱. سازگاری با استقلال و پرهیز از وابستگی.....۱۴۰

ص: ۷

۲. سازگاری با شرایط و هویت بومی..... ۱۴۱
۳. پرهیز از جزمیت و جمود..... ۱۴۱
- اقتصاد اسلامی در پرتو پیام جهاد اقتصادی.. ۱۴۲
- عدالت و توسعه در گفتمان جهاد اقتصادی.. ۱۴۴
- توانمندیهای موجود در جهت دستیابی به الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت و توسعه ۱۴۸
- جامعیت اسلام برای پاسخگویی به نیازها..... ۱۴۹
- شکل گیری تمدن اسلامی..... ۱۵۱
- کشف قوانین پنهان در گزاره های دینی..... ۱۵۱
- نقش تقوا در پویایی، نو آوری و تولید علم..... ۱۵۳
- نو گرایی و نو اندیشی..... ۱۵۳
- بهره وری از پتانسیلهای دین، عدالت و توسعه..... ۱۵۵
- فصل ۲: در بعد عملی؛ ایجاد بسترهای مناسب
- الف) بستر اجتماعی..... ۱۵۷
- توجه به قلمرو عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در جامعه ۱۵۷
- چیستی عدالت اجتماعی..... ۱۵۸
- تفسیر عدالت اجتماعی..... ۱۶۰
- اهمیت عدالت اجتماعی..... ۱۶۱
- قلمرو های عدالت اجتماعی ۱۶۳
۱. عدالت زمینه ای..... ۱۶۳
۲. عدالت اجتماعی صیانتی..... ۱۶۴

۳. عدالت اجتماعی قضایی..... ۱۶۴

۴. عدالت اجتماعی توزیعی..... ۱۶۵

بی توجهی به عدالت در مسلخ شعار. ۱۶۶

روند اجرایی عدالت اجتماعی... ۱۶۸

۱. توزیع امکانات..... ۱۶۸

۲. مبارزه با فساد مالی..... ۱۶۸

۳. آزادیهای اجتماعی، مشروع و قانونی..... ۱۶۸

۴. رشد میزان کرایه و بهره وریها..... ۱۶۹

ص: ۸

۵. پایداری و ثبات حیات جمعی..... ۱۶۹
- توزیع عادلانه امکانات..... ۱۷۰
- وضعیت توزیع درآمدها پس از پیروزی انقلاب اسلامی .. ۱۷۰
- روند مبارزه با فساد مالی .. ۱۷۳
- روند تحقیق آزادیهای اجتماعی، بهره‌وریها و ثبات حیات اجتماعی .. ۱۷۳
- بایسته‌های اجرایی در تحقق عدالت اجتماعی .. ۱۷۴
۱. بستر سازی مسارکت اقتصادی برای همه ۱۷۵
۲. اهمیت دادن به نخبگان علمی و فکری..... ۱۷۶
۳. جلوگیری از مصرف‌گرایی و تنبل‌پروری..... ۱۷۷
۴. مبارزه با فساد اقتصادی..... ۱۷۷
- (ب) بستر سیاسی..... ۱۸۰
- انتخاب مسئولان حکومتی متعهد به مبانی و هدفهای نظام اسلامی .. ۱۸۱
- مسئولیت‌پذیری در راستای خدمت به مردم. ۱۸۳
- تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی..... ۱۸۵
- (ج) بستر فرهنگی..... ۱۸۶
- آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی .. ۱۸۶
- باورمندی به ایجاد پیوند بین دنیا و آخرت و مسئولیت‌پذیری .. ۱۸۸
- رویکرد دین به تأثیر روابط انسانی در پیدایش برخی پدیده‌ها ۱۸۸
- بُعد اجتماعی..... ۱۸۸
- پیشگیری از آسیبها و نیز بروز مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی..... ۱۸۸

تأثیر روابط انسانی بر حوادث طبیعی.....۱۸۹

بُعد اقتصادی.....۱۹۱

افزایش بهره وری و نیز کاهش آن۱۹۱

تقویت و افزایش سرمایه اجتماعی.....۱۹۲

آثار و نتایج۱۹۳

ایجاد اعتماد و امید واری به آینده.....۱۹۳

تأثیر آموزه های دینی در تقویت فرهنگ کارآفرینی.. ۱۹۳

کارآفرینی در برنامه چشم انداز بیست ساله.....۱۹۴

ص: ۹

- تعریف فرهنگ کار و کارآفرینی.....۱۹۵
- کار و کارآفرینی به عنوان تکلیف و وظیفه.....۱۹۵
- کار و کارآفرینی به عنوان جهاد در راه خدا.....۱۹۵
- کار و کارآفرینی، وسیله سعادت.....۱۹۶
- کار و کارآفرینی، وسیله عزت نفس.....۱۹۶
- کارآفرینان در ردیف انبیا.....۱۹۶
- عوامل تنبیهی.....۱۹۷
- دوری از رحمت خدا.....۱۹۷
- تضییع حقوق دیگران.....۱۹۷
- فساد و تباهی.....۱۹۸
- فقر و نابسامانی.....۱۹۸
- فلاکت و نابودی.....۱۹۹
- تعامل بین فرهنگ و کارآفرینی .. ۱۹۹
- فرهنگ سازی در زمینه کار مولد.....۲۰۰
- بهره گیری از عوامل معنوی.....۲۰۰
- برقراری ثبات در نظام اقتصادی.....۲۰۰
- د)بستر اقتصادی.....۲۰۱
- اصلاح ساختار اقتصادی در راستای چشم انداز.....۲۰۱
- تاکید سند چشم انداز ب افزایش بهره وری.....۲۰۳
- رویکرد برای دستیابی به رشد اقتصادی.....۲۰۴

اصلاح بازارها در راستای افزایش بهره‌وری و استفاده بهینه از منابع. ۲۰۴

الف) اصلاح بازار سرمایه..... ۲۰۴

مدیریت سرمایه‌ها در مسیر تولید.. ۲۰۵

زیانهای اقتصادی وجود نقدینگی.. ۲۰۶

تورم..... ۲۰۶

جایگاه بانک در نظام اقتصادی.. ۲۰۷

ضرورت اصلاحات در نظام بانکی..... ۲۰۸

تسریع رشد و توسعه اقتصادی با بهره‌گیری از سیاستهای پولی.. ۲۰۸

ص: ۱۰

- هدف سیاست پولی..... ۲۰۸
۱. تسریع رشد اقتصادی..... ۲۰۹
۲. ایجاد اشتغال کامل..... ۲۰۹
۳. تثبیت سطح عمومی قیمت‌ها..... ۲۰۹
۴. ایجاد تعادل در تراز پرداختها..... ۲۱۰
- کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی..... ۲۱۰
- کارآمد نمودن بخش خصوصی..... ۲۱۱
- ب) اصلاح بازار کار..... ۲۱۲
- تطابق شغل با مهارت‌های تحصیلی..... ۲۱۳
- اصلاح باورها نسبت به کار و شغل..... ۲۱۴
- اصلاح برداشتها از بخش خدمات..... ۲۱۴
- نقش خدمات در فرایند تولید و اشتغال..... ۲۱۵
- ویژگیهای خدمات..... ۲۱۶
- خدمات در حسابداری اقتصاد ملی..... ۲۱۷
- اهمیت بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال ۲۲۰
- ج) بازار تولید..... ۲۲۲
- ایجاد ساز و کار لازم در بازار برای تولید توازن..... ۲۲۳
۱. تلاش برای ایجاد رقابت سالم..... ۲۲۳
۲. ترویج تعاون و مشارکت..... ۲۲۳
- اهمیت تعاون در قانون اساسی..... ۲۲۳

بهره گیری از سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی..... ۲۲۶

راهبرهای عملی جهت تحقق اصل ۴۴..... ۲۲۶

توسعه و افزایش بازارهای داخلی..... ۲۲۷

رشد تولید ناخالص داخلی..... ۲۲۷

افزایش سرمایه گذاری..... ۲۲۷

ارتقاء سطح بهره وری..... ۲۲۸

رشد صادرات..... ۲۲۸

بهبود توزیع درآمدی..... ۲۲۸

ص: ۱۱

- اهمیت بخش کشاورزی در توسعه بازار..... ۲۲۹
- پیشگیری از مهاجرت..... ۲۲۹
- توسعه بخش صنعت..... ۲۳۰
- رشد همراه با توزیع عادلانه توزیع درآمد..... ۲۳۰
- د) اصلاح بازار مصرف..... ۲۳۲
- الگوی مصرف..... ۲۳۲
۱. مالکیت خداوند..... ۲۳۲
۲. اعتقاد و باور به معاد..... ۲۳۴
۳. رضایت خداوند..... ۲۳۴
۴. ثروت و درآمد..... ۲۳۴
- پرهیز از اسراف و تبذیر..... ۲۳۵
- اعتدال و کفاف..... ۲۳۵
- انفاق در راه خدا..... ۲۳۶
- جهت دهی به احساسات خیر خواهانه..... ۲۳۶
- توزیع ثروت..... ۲۳۷
- تخصیص بهینه منابع..... ۲۳۹
- تلاش در جهت تغییر الگوی مصرف..... ۲۴۰
- فرهنگ سازی در جهت استفاده از تولیدات داخلی..... ۲۴۰
- پرهیز از خود باختگی..... ۲۴۱
- پرهیز از تبلیغات و سوسه انگیز..... ۲۴۱

جلوگیری از قاچاق کالا..... ۲۴۲

کتابنامه ۲۴۳

الف) کتابها..... ۲۴۳

ب) مجلات..... ۲۴۷

ص: ۱۲

اقتصاد، اساسی‌ترین محوری است که دشمن از سالهای آغازین انقلاب اسلامی، تهاجم به آن را در دستور کار قرار داده است. استکبار جهانی به ویژه در سالهای اخیر بسیار کوشید تا با تمام توان خود، ضربه نهایی را به اقتصاد ایران وارد و نظام اسلامی را سرنگون کند.

در این میان، آنچه دشمن را در حسرت رسیدن به هدفهای شومش باقی می‌گذارد، آگاهی مردم به پشتوانه یاری خداوند و ارشاد رهبران فکری و اعتقادی، به ویژه رهبر معظم انقلاب اسلامی است که با اتخاذ تدابیر صحیح، بجا و به موقع مانع رسیدن آنها به هدفهایشان می‌گردد. با این توصیف، رهبر فرزانه، سال نود را سال «جهاد اقتصادی» و سال نود و یک را به عنوان سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نامگذاری کردند تا تمامی نیروها و افکار صرف مقابله با این نوع تهاجم شود.

در تعبیر حکیمانه مقام معظم رهبری، آمیزه‌ای از دو مفهوم جهاد و اقتصاد بیانگر پیوستگی توأمان ارزشهای مادی و معنوی در فرهنگ اقتصادی کشور است. ترکیب این دو واژه، نشان دهنده هر دو وجه مادی و ارزشی است که خود بیانگر نگاه جامع و چند وجهی آموزه‌های اسلامی به دنیا و آخرت در کنار هم می‌باشد. در

راستای چنین نگاه جامعی است که در «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه» توسعه اقتصادی به تنهایی هدف نهایی نیست، بلکه توسعه جهت دار خواهد بود. با این رویکرد، جهاد اقتصادی تلاشی یک سویه نیست که تنها انگیزه عمل جلب منافع را صد چندان کند، بلکه نوعی تلاش آگاهانه مادی و معنوی برای تعدیل انگیزه و عمل در جلب منافع یا دفع مضرات زندگی خود و دیگرانی است که با او در یک محیط زیستی، در سرنوشت مشارکت دارند.

رهبر معظم انقلاب، هدف انقلاب را ساختن ایرانی مستقل، آزاد، برخوردار از ثروت و امنیت، متدین و بهره مند از معنویت و اخلاق، پیشرو در مسابقه جامعه عظیم بشری در علم و بقیه دستاوردها می دانند. ایشان عشق به معنویت و ارتباط با خدا را مهمترین عاملی می دانند که پیشرفت ملت را به معنای واقعی آن تضمین می کند.

در نگاه رهبری، افزایش بهره وری، ارتقای سطح سواد، افزایش سطح معلومات عمومی، ارتقای خدمات شهروندی، خدمت دادن به شهروندان، رشد امید به زندگی و نیز خودکفایی کشور در مسائل حیاتی و اساسی، نشانه های پیشرفت به شمار می روند، همچنان که مبارزه با فقر، تبعیض، بیماری، ناامنی، بی قانونی؛ افزایش ضریب امنیت، افزایش رشد درآمد و ثروت ملی، رشد علم، رشد اقتدار ملی، رشد اخلاق و رشد عزت ملی و اجرای عدالت را در این تحول و پیشرفت مؤثر دانسته و از آنها به عنوان پایه های اساسی نام می برند.

بدین جهت است که از نظر ایشان، پیشرفت مبتنی بر فرد محوری و اباحه گری در لذات، پیشرفت به معنای صحیح آن نیست. بر این اساس، الگوهای غربی پیشرفت را الگوهایی ناموفق و مردود می داند که بشریت را از مسیر پیشرفت صحیح باز داشته است.

جهاد اقتصادی در این عرصه معنادهی، با مفهومی مرتبطی همچون تقوا، جهاد اکبر و اصغر، قصد و میانه روی، اخلاص در عمل و عقیده، توازن دنیا و آخرت همسویی دارد.

بدیهی است، تحقق چنین امری به نهادینه شدن فرهنگ آن نیاز دارد و اهمیت عوامل «غیر اقتصادی» به ویژه نقش فرهنگ را که شرط اساسی برای تحقق جهاد

اقتصادی است، دوچندان می سازد.

با این رویکرد، به طرح بحث در کتاب پرداخته و مسئله را در سه بخش پی می گیریم: در بخش اول به مبانی و هدفهای جهاد اقتصادی، در بخش دوم به نقاط کور آسیبها و موانع تحقق هدفهای آن، در بخش سوم راهبردها و در بخش چهارم تلاشهای انجام شده در رابطه با موضوع جهاد اقتصادی در فضای سایبر بررسی خواهد شد.

مجموعه حاضر تنظیم و بازنگری مقاله هایی است که در شورای طرح و برنامه مجله «اندیشه حوزه»، برای تألیف کتاب در دستور کار قرار گرفته و نیز بخشهایی در همین راستا به آن اضافه گردیده است که حاصل تلاش مدیر مسئول و سردبیر محترم مجله، حجه الاسلام و المسلمین سید مصباح عاملی و اعضای شورای طرح و برنامه آقایان اصغری، پژوهنده، ظهیری و نوایی و مساعدتهای عملی ریاست محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی حجه الاسلام و المسلمین فرزانه و معاون پژوهشی دانشگاه جناب آقای حیدری است.

امید است این تلاش اندک پژوهشی، پاسخ کوچک به اساسی ترین خواست مقام معظم رهبری و یکی از اساسی ترین مسائل مبتلابه جامعه اسلامی بوده باشد.

ص: ۱۵

بخش اول: مبانی و هدفها

اشاره

ص: ۱۷

حرکت توحید محور و انسان مدار جهاد اقتصادی، ریشه در اندیشه ی الهی - انسانی و حیات بخش اسلام و مبانی و هدفهای والای انقلاب دینی در عصر حاضر دارد. عزت و استغنا و تکریم انسان در این اندیشه، اصل اساسی و محور بنیادی است، که همه حرکت‌های تعالی بخش توحیدی را در قالب جهاد فی سبیل الله به سمت ساختن انسانی کامل و با کرامت سوق می دهد و جامعه را به پی ریزی نظامی مبتنی بر مجاهدت، در راستای شکوفایی استعدادها و قابلیت‌های کران ناپیدای آدمی، در تمامی ابعاد مادی و معنوی فرا می خواند.

تحقق این هدفهای بلند و والا- در سایه نظامی مبتنی بر عقل و ایمان، اراده و اختیار و قسط و مساوات و شکل گیری بستری مناسب با شاکله مادی و معنوی انسان امکان پذیر گشته و بالندگی همه جانبه ی آدمی را تضمین می کند.

هر حرکت تاریخی و سرنوشت ساز، همچون همه دگرگونیهای دیگر در طول تاریخ، از آفتها و آسیبهای داخلی و خصومتها و منازعات خارجی برکنار نیست. چالشها و فراز و نشیبهای گوناگون در مسیر این حرکت، برخاسته از همین قاعده کلی است، چنان که

رهنمودهای مستمر و مقاومتهای خستگی ناپذیر معماران و پیشتازان آن، در همین راستا شکل می گیرد.

با استفاده از همین قاعده کلی می توان ریشه های هر چالش و یا هر رهنمود، به ویژه پیامهای اصولی و تعیین کننده را جستجو نمود.

پیامهای اصولی، به رهنمودها و یا هشدارهایی گفته می شود که به چالش و یا آفت جنبه های ماهوی حرکت توجه دارد.

پیام جهاد اقتصادی و نیز شعار تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، از سوی رهبر اندیشمند و فرزانه انقلاب نیز از آن جمله است. این پیام، پس از گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی، نشانگر آسیب پذیری برخی از زیرساختهای نظام، یعنی تولید ثروت و استفاده بهینه از منابع در راستای تقویت بنیه اقتصادی نظام و کاهش فاصله درآمدی در بین دهک های جامعه و دستیابی به عدالت اجتماعی است.

... من دو سال قبل در زمینه ی مسأله ی صرفه جوئی و مشکلاتی که در باب بهره وری وجود دارد، در همین سخنرانی اول سال مطالبی عرض کردم. مردم باید این ها را بدانند. من به مسؤولان کشور توصیه می کنم که در زمینه ی اهمیت ارتقاء سهم بهره وری در رشد اقتصادی کشور با مردم حرف بزنند؛ بگویند ارتقاء سهم بهره وری در رشد اقتصادی کشور و همچنین کاهش فاصله ی درآمدی دهک های بالا و پائین جامعه - این شکاف درآمدها، شکاف اقتصادی بین بخش های مختلف جامعه - چقدر اهمیت دارد. این شکاف ها مطلوب ما نیست؛ اسلام این را نمی پسندد. تا حدی که در برنامه ی پنجم تعیین شده است، باید تلاش کنند این کارها انجام بگیرد. (۱)

به نظر می رسد دغدغه مقام معظم رهبری در این پیام، سمت گیریهای انحرافی و اتخاذ خط مشیهای وارونه در امر مهم کارگزاری و فعالیتهای حزبی و جناحی است. همزمان با شکل گیری نظام اسلامی، استکبار جهانی برای جلوگیری از تأثیرگذاری مثبت انقلاب در افکار مردم، به شکلهای مختلف، اعم از کودتا، جنگ، حمایت از گروهکهای دست نشانده، تحریم اقتصادی، اختلاف و تفرقه داخلی و... تلاشهای زیادی را انجام داد. هدف اصلی این تلاشها خنثی سازی تحرک ایدئولوژی دینی و متوقف کردن آن در مرحله

ص: ۲۰

تئوری و ذهنیت و جلوگیری از تحقق آن در قالب عمل و عیّت، با استفاده از زمینه سازیهای زیر بوده است:

۱. زیر سؤال بردن باورهای دینی؛

۲. اثبات ناکارآمدی نظام؛

۳. ایجاد یأس نسبت به آینده به ویژه در نسل جوان؛

۴. کم رنگ کردن حضور مردم در صحنه؛

۵. ایجاد بحران هویت و بستر سازی برای پذیرش مکاتب وارداتی.

دشمن تلاش دارد تا با حل نشدن مشکلات اقتصادی و همزمان تهاجم پرحجم تبلیغاتی بر ضد باورهای مردم به اسلام، جهاد، اصل انقلاب، امام، قانون اساسی و تمام مقدسات و گرفتن جرأت اقدام از دستگاه های اطلاعاتی و قضایی، نظام اسلامی را به طور طبیعی در ذهن مردم، به ویژه جوانان، ناکارآمد و آینده را یأس آلود جلوه دهد. (۱)

در برابر این تهاجم همه جانبه، با برنامه و برخوردار از توانمندیهای متنوع سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی، تنها تکیه بر ارزشها و اهتمام به تئوری خدمت با سمت دهی همه ظرفیتهای جهاد اقتصادی می تواند از جامعه دژی استوار، آسیب ناپذیر و تسخیر نشدنی بسازد.

... در بسیاری از اوقات یک مسأله اصلی در کشور وجود دارد که همه باید همت کنند و به سراغ این مسأله اصلی بروند؛ باید مسأله ای کانونی کشور این باشد؛ ناگهان می بینیم از یک گوشه ای یک صدائی بلند می شود، یک مسأله ای حاشیه ای درست می کنند، ذهن ها متوجه آن می شود... توجه شود مسائل حاشیه ای کانون توجه افکار عمومی قرار نگیرد. (۲)

آنچه از آنها می توان به عنوان چالشهای پیش روی این جهاد در ابعاد سیاسی و اجتماعی نام برد، به اختصار اشاره می شود:

۱. امتیازخواهی و افزون طلبی

گروه ها و یا افرادی که خود را صاحب انقلاب و پیشکسوت مبارزه می دانند، همواره

ص: ۲۱

۱- همان، ۸/۳/۱۳۸۰.

۲- همان، ۱/۱/۱۳۹۰.

در معرض وسوسه های نفسانی و مطالبات شیطانی قرار دارند. گاه حقوق ویژه ای را در عرصه های مختلف برای خود قایلند و به جای این که خود را مدیون انقلاب و مردم بدانند، انقلاب و مردم را مدیون خود می دانند. این اندیشه خطرناک نه تنها محور خدمت را در نگاه آنان به فراموشی می سپارد، بلکه بین آنان و مردم فاصله ای آشکار ایجاد و در ارتباط با سایر گروه ها و شخصیت های پیشکسوت، تعارض و اصطکاک ایجاد می کند. و خطرناک تر از این گروه، فرصت طلبان از راه رسیده اند که قدرت را طعمه پنداشته و از پستان حکومت شیر می خواهند و همواره در پی دوشیدن آن و پرکردن پیمانۀ خود و اطرافیانشان هستند.

سوء استفاده از مقام و مسئولیت برای پیشبرد هدفهای مادی و برآورده کردن نیازهای دنیوی، نوعی انحراف و فساد است که اگر اصلاح نشود به نظام آسیب می رساند.

در نظام اسلامی، کشور متعلق به مردم، و اصل، رضایت مردم است و نظام اسلامی برخلاف نظام های دیگر، نظام زورگویی، تحکم و تحمیل فکر و اندیشه بر مردم نیست. (۱)

«وَإِنَّ عَمَلَكُمْ لَيْسَ لَكُمْ بِطُعْمِهِ وَ لَكِنَّهُ فِي عُنُقِكُمْ أَمَانَةٌ» (۲)؛ «حوزه فرمانروایی ات طعمه تو نیست، بلکه امانتی است بر گردن تو.»

۲. تجرّ گرای مذہبی و جزم اندیشی روشنفکری

از دیرباز دگماتیسم در هر چهره ای که رخ نموده، بزرگ ترین آفت را ابتدا در عرصه آگاهی و دانایی و سپس در زندگی فردی و جمعی، بر مردم وارد ساخته است. تجرّ گرای در چهره مذہبی و تجدد گرای در چهره روشنفکری، هر دو از یک منبع درونی سرچشمه می گیرند، در یک مسیر حرکت می کنند و سرانجام جامعه را قربانی پندارهای خرافی و موهوم خود می کنند. هر دو دچار نوعی متیت فکری و نقص معرفتی بوده و جز باورهای خود، پدیده فکری و معرفتی دیگری را باور ندارند. در نتیجه، در منجلا ب عقل فردی و جزئی گرفتار می شوند و عقل جمعی و کلی فرهیختگان جامعه را مطرود می دانند. حاکمیت هر یک از این دو جریان، پیامدی جز به بازی گرفتن جامعه و

ص: ۲۲

۱- همان، ۲۷/ ۸/ ۱۳۷۹.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵.

بی‌اعتنایی به اراده ملت و محروم ساختن مردم از حقوق اولیه فکری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی آنان ندارد و مجال رشد و ترقی تنها برای تملق‌گویان متحجر و یا فرصت‌طلبان متجدد باقی می‌ماند.

تحجر و نادیده گرفتن گذران تاریخ و تحول فکر انسانها، ولننگاری فکری و عملی، و... از جمله زمینه‌هایی است که دشمن خارجی همواره تلاش دارد تا این زمینه‌های داخلی را برجسته و از آن بهره‌برداری کند. (۱)

۳. کلان‌نگری بلندپروازانه و تک‌بعدی

سازندگی و آینده‌نگری، لازمه مدیریت لایق و درخور جامعه بالنده است. روزمرگی در مدیریت جامعه، نوعی ولننگاری سازمانی و تشکیلاتی است که جامعه را به ضعف و تباهی می‌کشاند. مهم‌مبناگرایی و هدفمندی در سازندگی است که به حرکت سازنده، جهت مناسب و تأثیرگذاری مطلوب می‌بخشد. در نظام مردم‌سالاری دینی، مبنا و هدف، خدمت به مردم و ساختن جامعه‌ای در خور شأن نظام اسلامی است. در چنین نظامی، سیاست‌گذارانها و برنامه‌ریزها در صورتی سازنده است که مردم برکات عادلانه آنها را لمس کنند و طعم شیرین زندگی سالم و آسان را بچشند. این نوع سازندگی به همه ابعاد زندگی مردم توجه می‌کند؛ نگرش به آینده، او را از وضعیت حال مردم غافل نمی‌کند، کلان‌نگری او را از جزئی‌نگری به زندگی مردم باز نمی‌دارد و با گنده‌گویی در پاسخگویی به مردم، مغالطه نمی‌کند. کلان‌نگریهای تک‌بعدی، در بسیاری موارد باعث بی‌عدالتی و بی‌توجهی به مردم می‌شود که به طور طبیعی پیامدهای ناگوار دیگری را به دنبال دارد. کلان‌نگری تک‌بعدی، موجب از دست دادن پایگاه مردمی در امر کارگزاری و به وجود آمدن زد و بندهای سیاسی و اقتصادی طیفی خاص با هزینه‌هایی گزاف می‌گردد. ابتکار و خلاقیت این طیف، زد و بند، و ره آورد آن، فساد مالی و تخریب و تبعیض اقتصادی و فقر و فلاکت تعداد زیادی از اقشار جامعه است. ناگفته پیداست، خدمات ارزنده نظام هیچ ربطی به این طیف ندارد، بلکه مرهون تلاشهای گسترده تلاشگران متعهد، خردمند، خلاق و سربازان واقعی نظام در عرصه‌های مختلف است.

ص: ۲۳

شکل گیری اندیشه ها و سلیقه های مختلف در قالب تحزب و تشکل، امری طبیعی و بلکه ضروری است. چنانچه این تحزب در مجرای درست خود قرار گیرد، تجارب افکار و تبادل اندیشه ها و در نتیجه رشد، آگاهی و بصیرت جامعه را به همراه دارد و به این سخن حکیمانه رسول اعظم (صلی الله علیه و آله وسلم) که می فرمایند «إِخْتِلَافُ أُمَّتِي رَحْمَةٌ»^(۱) عینیت می بخشد. در این فرض، حرکت حزب، از آگاه سازی و اطلاع رسانی همراه با رقابت سالم و سازنده شروع، و در صورت پیروزی در این میدان به حاکمیت آگاهانه و انتخابی مردم منتهی می شود. چنانچه حزب بر پایه زدوبندهای سیاسی شکل بگیرد، بر مدار خود محوری جناحی، ترجیح منافع حزبی بر منافع ملی، اصطکاک فکری و تنش عملی می چرخد. همچنین، فعالیت او از قدرت طلبی آغاز و با اغواگری و برخورد، تداوم و در صورت رسیدن به حاکمیت، با براندازی و سیطره حزبی پایان می یابد. قطار حاکمیت، کارگزاران قبلی را در ایستگاه حزب مغلوب پیاده و کارگزاران جدید تشنه قدرت را از ایستگاه جناح غالب سوار می کند. نه از شایسته سالاری خبری است و نه مردم سالاری، بلکه جناح سالاری و باند سالاری حاکم می گردد. سیاسی کاری، قدرت طلبی، و تمامیت خواهی گونه ای، از همین ناهنجاری حزبی و خودمحوری جناحی است که همواره نیروهای فکری و توانمندیهای ملی را به عرصه کشمکش خسته کننده و گاه مایوس کننده کشیده است. نبود تحمل در جناحها و حتی هر جناحی در درون خود، ناشی از فرهنگ فردگرایی و یا آگاهی نداشتن از قاعده بازی جمعی و در نتیجه باختهای شکننده در عرصه مدیریت جامعه است. مشکل اصلی این است که گفت جناح گرا و یا خود محور، وحی الهی و رهنمودهای دینی و یا ارشاد عقلی و وجدان فطری را پذیرا نیست: «وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ»^(۲) و «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا»^(۳)

برای برون رفت از حصار خود محوری جناحی و آفات و پیامدهای منفی آن:

مجموعه ی دوستداران نظام اسلامی و جناح های مختلف انقلاب باید ضمن پرهیز از

ص: ۲۴

۱- حر عاملی، محمد حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۱۴۱.

۲- انفال (۸) آیه ۴۶.

۳- آل عمران (۳) آیه ۱۰۳.

اختلافات و دامن زدن به آنها، با یادآوردن عهد و پیمان خود با خدا و مردم با همدلی و همراهی و در راه خدمت به مردم و حل مشکلات جامعه گام بردارند. (۱)

من به مسئولین کشور به طور جد این را تذکر و هشدار می دهم. ممکن است مسئولین از هم گله داشته باشند که همیشه بوده؛ از اول انقلاب که ما دست اندر کار مسائل بودیم، دیدیم؛ گاهی قوه مجریه از قوه مقننه، گاهی قوه قضائیه، گاهی قوه قضائیه از قوه مجریه، گله هائی داشتند؛ طبیعت کار هم همین است، گله به وجود می آید، ممکن است گله ها به حق هم باشد؛ اما این نباید در عرصه ی افکار عمومی بیاورند، ذهن مردم و دل مردم را ناراحت کنند، مردم را مأیوس کنند؛ بین خودشان حل کنند. (۲)

۵. موج گرایی و بی هویتی

تحریک فکری، سیاسی و اقتصادی و کسب معارف و دستاوردهای بشری، لازمه داشتن یک جامعه زنده و پویاست. به همین دلیل، اسلام مجاهدت در راه طلب علم را از هر کجا و هر کس، هر چند به قیمت تقدیم جان و گرفتار شدن در گرداب امواج خطرناک، توصیه و بلکه فریضه می داند.

«لَوْ عَلِمَ النَّاسُ مَا فِي الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوْ بِسَفْكِ الْمُهْجِ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ» (۳)

«أَطْلَبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ» (۴)

«لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ وَ أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ» (۵)

افسردگی، خمودی، ناتوانی و عقب ماندگی سرنوشت محتوم جامعه ای است که پیرامون خود را حصار فکری و علمی کشیده و همچون کرم ابریشم، در یک حرکت دورانی، در دام تنیده های خود گرفتار شود. باید حصارهای ساخته دست تحجر، جزمیت و جهالت را در هم کوبید و دروازه های دانش و بینش را به روی جامعه گشود.

اما آنچه در این رهگذر قابل تأمل است و مراقبت و تدبیر لازم را می طلبد، حفظ هویت

ص: ۲۵

۱- مقام معظم رهبری، ۲۲ / ۹ / ۱۳۸۰ .

۲- همان، ۱ / ۱ / ۱۳۹۰ .

۳- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱ ، ص ۱۷۷ .

۴- همان، ص ۱۸۰ .

۵- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الحکم، ص ۴۳۸ .

و پرهیز از موج گرایی است. لازمه این مهم، شناخت همه جانبه از دین، فرهنگ و تمدن خود از یک سو و فهم سره از ناسره، فکر از تخیل و صلاح از فساد سایر دستاوردها از سوی دیگر است. ورود به وادی تعاملهای فکری و فرهنگی، بدون داشتن هویت محکم و ریشه دار، قرار گرفتن در کام امواجی است که جامعه را بی اختیار، هر روز به سمتی می کشاند و مانع ثبات آن می شود. خودباختگی و نبود خودباوری، از بارزترین نشانه های جریانهایی از این قبیل است. نه چارچوب مشخص قابل ارائه دارد و نه خط کشی های روشن و قابل اندازه گیری. هر روز به سمتی حرکت می کند و همواره گرفتار امواجی است که از آن سوی مرزها خودنمایی کرده و او را به کام خود می کشاند. از خود هیچ ندارد، دنبال صدای دیگری است. به بوتۀ بی ریشه ای می ماند که کندن آن نیاز به طوفان ندارد، با وزش اندک بادی از جای کنده می شود و به پرتگاه بی هویتی سقوط می کند.

«الْأَنسُ ثَلَاثَةٌ عَالِمٌ رَبَّانِيٌّ وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَى سَبِيلِ نَجَاهٍ وَ هَمِيحٌ رَعَاعٌ أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ لَمْ يَسْتَضِئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ» (۱)؛ «مردم سه دسته اند: عالم ربانی، آموزنده ای که در راه راست گام برمی دارد و بی هویتیهایی که نه می فهمند و نه می خواهند بفهمند. از پی هر آواز می روند و با وزش هر باد، به چپ و راست خم می شوند. از فروغ دانش بی بهره اند و به رکن استواری پناه نجسته اند».

او همین بی هویتی را به جامعه القا می کند. جامعه را نسبت به برداشتها و دستاوردهایش بدبین می کند. دین، فرهنگ، تمدن، حکومت، رهبر، قانون اساسی و... هر چه را خودی است، نفی می کند و اگر شهامت نفی را نداشت، قرائت خاص، تجدید نظر، اصلاح بی مفهوم و... را سفارش می دهد. جامعه به ویژه نسل جوان را در چنبرۀ اوهام خود گرفتار می کند. به جای گوش دادن به صدای خودی و داخل جامعه، برای شنیدن صداهای بیگانه تلاش می کند. بین او و مردم فاصله به قدری می افتد که گویی او را دردی است و مردم را درد دیگر. درد مردم را نمی فهمد تا به فکر دفاع از حقوق مردم و خدمت به آنان بیفتد. مردم را درد فقر و فساد و تبعیض و تنگناهای معیشتی رنج می دهد، و او با درد قرائت خاص، تجدید نظر سفارشی، حقوق بشر کذایی و آزادی با قرائت اجنبی، وقت می گذراند.

کوتاه سخن این که، مسلمان از امواج دانش و معرفت، فناوری و صنعت استقبال

ص: ۲۶

می کند، اما اسیر موج نمی شود، بلکه بر آن سوار می شود.

آنچه تاکنون به صورت کوتاه در رابطه با چالش جهاد اقتصادی به آنها اشاره شد، بخشی از واکاوی ریشه های پیام جهاد اقتصادی رهبر بزرگوار و فرهیخته انقلاب است که مصرف آن دعوت همه دانشمندان، اندیشمندان، سیاستمداران، کارگزاران، احزاب و جناحها به رها کردن دل مشغولیهای کاذب، پرهیز از درگیر کردن چرخ انقلاب با مسائل غیراصولی و یا انحرافی و بازگشت به مهمترین مسئله در نظام اسلامی است، که تولید ثروت و تقویت بنیه اقتصادی و رفاه اجتماعی است.

اگر کشور عزیز ما بتواند در زمینه ی مسائل اقتصادی، یک حرکت جهاد گونه ای انجام بدهد، این گام بلندی را که برداشته است، با گام های بلند بعدی همراه کند، بلاشک برای کشور و پیشرفت کشور و عزت ملت ایران تأثیرات بسیار زیادی خواهد داشت. ما باید بتوانیم قدرت نظام اسلامی را در زمینه ی حل مشکلات اقتصادی به همه ی دنیا نشان دهیم؛ الگو را سر دست بگیریم تا ملت ها بتوانند ببینند که یک ملت در سایه ی اسلام و با تعالیم اسلام، چگونه می تواند پیشرفت کند. (۱)

بنابر این از منظر رهبری:

جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. (۲)

ص: ۲۷

۱- مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- همان، ۱/۱/۱۳۹۱.

مفهوم جهاد اقتصادی

کلمه جهاد، و اضافه شدن آن به واژه اقتصاد، اصطلاحی استعاره‌ای است و دلالت‌های گوناگونی دارد. کلمه جهاد، معمولاً با نوعی تقدس همراه است، که در حوزه فرهنگ دینی کاربرد و الا یافته است. در آیات فراوانی از قرآن مجید، واژه جهاد، با قیود ضمیمه‌ای خودش به جهاد مالی، انفسی، با سوگیری فی سبیل الله مطرح گردیده است. این کلمه به عنوان‌های گوناگونی اضافه می‌شود؛ همچون جهاد علمی، جهاد اقتصادی، جهاد سیاسی، جهاد نفسی، جهاد نظامی و

والایی کلمه جهاد به حدی است که در کنار ایمان به خدا، به عنوان لازمه ایمان مطرح شده و در کنار عمل صالح نشسته و معیاری برای ایمان و بلوغ و اوج آن مطرح است. در همین راستا، رهبری معظم انقلاب اسلامی توضیح می‌دهند.

در مفهوم جهاد، در فرهنگ اسلامی، تقابلی مقدس و مسلکی و عقیدتی وجود دارد. جهاد باب الهی است برای ورود به بهشت: (۱)

ص: ۲۹

«أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ الْجِهَادَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ» (۱).

با این رویکرد است که جهاد مفهوم قدسی و معنوی می یابد.

«الجهاد في اللغة هو بذل الجهد» (۲).

«من الجهد بالفتح، التعب و المشقة، و شرعاً بذل النفس و ما يتوقف عليه من المال في محاربه المشرکين او الباغين على وجه مخصوص، او بذل النفس و المال و الوسع، في اعلاء كلمه الاسلام و اقامه شعائر الايمان» (۳)؛ «جهاد در لغت از جهد به معنای سختی و مشقت گرفته شده و شرعاً فداکردن جان و مال و آنچه که مترتب بر آن باشد در مسیر مبارزه با مشرکین است یا در مسیر مبارزه با سرکشان است بر شیوه ای خاص، یا عبارت است از بذل جان و مال و توانمندیهای وجودی در راه اعلاء کلمه اسلام و اقامه شعائر دینی».

از مجموعه مفاهیمی که از کلمه جهاد به دست می آید این است که جهاد دارای خصوصیات مهم است:

۱. جهت الهی داشتن و در مسیر هدفی بزرگ سیر نمودن؛
۲. امام و ولی و رهبر را قطب حرکت دانستن، زیرا در کنار ولی الهی، به جهاد مفهوم و جهت الهی می دهد؛
۳. گرایش به ارزشها در ضمن جهاد؛ زیرا جهاد اسلامی، تجاوز و نابودی و خیانت را نمی یابد؛
۴. محترم شمردن حدود الهی و قُرُقگاه های خداوند در ضمن جهاد الهی و مسلکی؛
۵. در نظر داشتن اعلاء کلمه حق و کلمه اسلام؛
۶. در نظر داشتن خفت و خواری کافران معاند.

تفاوت جهاد اقتصادی و تلاش اقتصادی

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیت الله خامنه ای، در این زمینه می فرمایند:
جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنای ویژه ای دارد. هر

ص: ۳۰

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۷.

۲- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام، ج ۲، ص ۳.

۳- همان.

تلاش را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن مفروض است.

انسان یک تلاشی می کند، دشمنی در تقابل او نیست. این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاشی را انجام دهید که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است. این می شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد، به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد نفسی باشد، همه ی این ها جهاد است، انواع و اقسام جهاد و مبارزه است، اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می شود مبارزه، جهاد اقتصادی یعنی مبارزه ی اقتصادی. (۱)

چنان که از بیانات رهبری برمی آید، تلاش اقتصادی مقوله ای است که همه انسانها اعم از مؤمن و ملحد و الهی و غیر الهی آن را انجام می دهند، حتی حیوانات هم به نوعی دارای تلاش اقتصادی و معیشتی برای سیر کردن خود هستند. پس تلاش چند خصوصیت می یابد:

۱. لزوماً انگیزه الهی در آن نیست؛

۲. هدف مقدس در آن نهفته نیست، اگرچه می تواند باشد؛

۳. اگر فرد تلاش کننده صرفاً هدفش دستیابی به منافع اقتصادی به هر شکلی باشد، تضییع حقوق و نابودی حقوق دیگران را هم در پی می آورد؛

۴. تلاشهای اقتصادی بی هدف، می تواند با انجام محرماتی نظیر ربا، رشوه، غصب، سرقت و امثال آنها درآمیزد؛

۵. گرایش به ارزشها لزوماً در آن رخ نمی دهد؛

۶. اعلاء کلمه حق و اسلام را در پی ندارد؛

۷. امری شخصی، مادی و سودگراست، نه انسانی، الهی و معناگرا.

امروز نظام لیبرال، واقعا دارد تلاش اقتصادی انجام می دهد و هرگز در اندیشه توده های انسانی نیست ولو حقوقش پایمال شده و ضایع گردد. آنها قایل به آزادی تملک، آزادی بهره کشی و استثمار انسانها، آزادی در کسب درآمد به هر طریق، آزادی در هدف به هر طریقی هستند. تلاش بزرگ اقتصادی هست، ولی هرگز با مفاهیم ارزشی جهاد نسبتی ندارد.

ص: ۳۱

«کینز» اقتصاددان معروف و مشهور قرن بیستم در جریان بحران اقتصادی ۱۹۳۰ می گوید:

آزمندی، رباخواری، و سوء ظن باید همچنان برای یک مدت کوتاه دیگر، خدایان ما باشند. زیرا فقط آنها می توانند ما را از گذرگاه تاریک نیاز اقتصادی به روز روشنایی برسانند.^(۱)

«روژه گارودی» در بخشی از کتاب خود، هشدار به زندگان، با عنوان «اسراف دیوانه وار در مصرف» می نویسد:

ما چگونه در حال مردن و میراندن نوع بشر هستیم؟ و این کار را چگونه با مصرف همه گونه منابع انرژی را داریم انجام می دهیم؟ و چگونه کره زمین را داریم غیرقابل زندگی می سازیم؟ انرژی و منابع زمینی در طول میلیونها سال در دل خاک نهفته و ذخیره شده است. ما «غریبها» به غیر حق ادعا کرده ایم و مدعی هستیم که حق داریم همه این انرژی و منابع زیرزمینی را در طی یک نسل به هدر دهیم.^(۲)

این در حالی است که ظهور و بروز اصلاحات اجتماعی در غرب بعد از رنسانس، این امید را در بعضی دلها زنده کرد که شاید بتوان به بشریت این نوید را داد که به دور از ظلم، تعدی، تجاوز و تبعیض در برخورداری از حقوق اجتماعی و... زندگی آرام و بی هول و هراسی را پایه ریزی کرد؛ اما طولی نکشید که فریاد بسیاری از اندیشمندان این جوامع به آسمان بلند و زبان اعتراض به فجایعی که در پی اصلاحات به وجود آمد، گشوده شد. به تعبیر «هابز»:

اگر قرار است انسانها از نابود کردن یکدیگر و تبدیل زندگی اجتماعی به جنگل یا محیط وحش بازداشته شوند، موانع بزرگ تری باید به وجود آید تا آنها را سر جایشان بنشانند.^(۳)

«کارل یاسپرس» با اذعان به قربانی شدن عدالت در نظام لیبرالیستی برخاسته از دامن اصلاحات در غرب می گوید:

عدالت خواهی در برابر بی عدالتیها و بدبختیهای ناشی از اقتصاد آزاد دوره لیبرالیستی،

ص: ۳۲

۱- شوماخر، ای. اف.، کوچک زیباست، ص ۱۸.

۲- گارودی، روژه، اسراف دیوانه وار در مصرف، ص ۵۰.

۳- یاسپرس، کارل، آغاز و انجام تاریخ، ص ۲۳۷.

قد برافراشته است. (۱) وی در تشریح پیامد چنین نظامی می گوید:

چنین پیداست که راهی که جهان در پیش گرفته است به چنین بلایی خواهد انجامید که نتیجه اش چیزی جز هرج و مرج و بدبختی و بیچارگی نخواهد بود. چاره تنها در برقراری نظامی است استوار بر حق و قانون که چنان نیرومند باشد که بتواند صلح جهانی را پایدار نگه دارد و زورگویی و بی قانونی را جنایت شمارد و سربکوبد و هیچ زوری نتواند در برابرش ایستادگی کند. (۲)

نابرابریهای اقتصادی، اختلافهای طبقاتی و تضادهای سیاسی و افزایش جرم و فساد و تبهکاری در جوامع غربی، چیزی نبود که بتوان به آسانی از کنار آن گذشت و آن را به فراموشی سپرد.

بروز و افشای رسواییهای مالی و اخلاقی در سطح دولتمردان در کشورهای غربی، نقض حقوق بشر، خرید و فروش کودکان و گسترش فقر و فساد حکایت از آن داشته و دارد که تیر اصلاحات در غرب به جای گشایش روزنه امید و شکافتن تیرگی شب، بر سینه شفق نشسته و طلوع فجر صادق را به تأخیر انداخته است.

ایالات متحده در بحبوحه یک انقلاب دفتری و اداری است، که بیشترین سرمایه گذاریهای سالهای اخیر بخش خصوصی در زمینه اتوماسیون را باعث شده است. این معما مطرح است که چرا دانش فنی وارد تشکیلات می شود، اما آنچه از آن خارج می گردد، بهره وری منفی است. (۳)

درآمدهای طبقات متوسط و پایین جامعه به طور روزافزون کاهش می یابد. به تعبیر «لسترتارو»:

حقایق مثل روز روشنند. نابرابری ثروتها و درآمدها همه جا رو به افزایش است، اکثر عظیم با تنزل دائمی درآمدهای واقعی خود رو به رو هستند... نظام تأمین اجتماعی که در صد سال گذشته درمان اصلی درد نابرابریها بوده است، در حال عقب نشینی است. (۴)

همچنین به اعتقاد وی:

این روندها حاصل نیروهایی چنان بنیادی هستند که همه می دانیم با اصلاحات آبکی

ص: ۳۳

۱- همان.

۲- همان.

۳- عبیری، غلامحسین، معمای آزاد سازی، ص ۸.

۴- نارو، لستر، آینده سرمایه داری، ص ۳۹۰.

سیاستهای اقتصادی، وارونه نمی گردند. تغییرات ساختاری بزرگی مورد نیاز است. این همان جایی است که پای دموکراسیها می لنگد. (۱)

این نکات، بیان گر واقعیت تلاش اقتصادی غرب است، که هیچ گونه ارزشی در آن پاس داشته نمی شود. آنها به فکر داشتن بیشتر، درآمد بیشتر، قدرت و ثروت بیشترند، حال به چه قیمتی باشد، مهم نیست.

هدفهای اصولی نظام اسلامی

اشاره

انقلاب اسلامی که توسط مصلح بزرگ قرن بیستم امام خمینی (قدس سرّه) در ایران به پیروزی رسید، با ارائه طرح نوینی از نظام اجتماعی براساس تعالیم اسلام ناب محمدی، هدفهایش را این گونه به تصویر کشید:

اساس کار جمهوری اسلامی، تأمین استقلال مملکت و آزادی ملتها و مبارزه با فساد و تنظیم و تدوین قوانین است که در همه زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با توجه به معیارهای اسلامی، اصلاحات لازم را به عمل آورد. این اصلاحات با مشارکت کامل مردم خواهد بود و هدفش قبل از هر چیز از بین بردن فقر و اصلاح شرایط زندگی برای اکثریت قاطع مردم ماست که از همه جهت مورد ظلم واقع شده اند. (۲)

در بینش معمار انقلاب، آنچه به عنوان هدف اصلی و تغییرناپذیر مورد توجه قرار گرفته و از آن می توان به عنوان معیار اصلاحات نام برد، توجه جدی به از بین بردن فقر و محرومیت و ایجاد رفاه اجتماعی برای عامه مردم است. همان چیزی که به تعبیر مقام معظم رهبری:

اگر مشکلات معیشتی مردم حل نشود و تلاش جدی برای حل این معضلات صورت نگیرد، سایر خدمات و تلاشهای دولت تحت الشعاع قرار خواهد گرفت و عوارض جبران ناپذیری برای نظام اسلامی خواهد داشت. (۳)

از طرفی، نظام سلطه گر آمریکا با طرح اصلاحات برگرفته از مبانی لیبرالیستی با هدفهای

ص: ۳۴

۱- همان، ص ۳۸۸ .

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۶ .

۳- مقام معظم رهبری، ۱/۱۰/۱۳۷۹.

استعماری در تلاش است تا اصلاحات مطابق میل و خوی استکباری را بر کشورها از جمله ایران تحمیل کند، آن چنان که اصلاحات دیکته شده خود را بر شوروی سابق تحمیل نمود. در راستای به ثمر رسیدن این هدفهای استکباری «ریچارد نیکسون» به سیاستمداران آمریکا توصیه می کند:

ضرورت ندارد که آمریکا از صحنه رقابت بین المللی پا پس گذارد، برعکس، نیازمند آن هستیم که دولتمردان و صاحبان حرفه و فن برای تسخیر بازارهای خارجی جدید، دست کمک به یکدیگر بدهند. زمان ایجاد شورای امنیت اقتصادی مانند شورای امنیت ملی که سیاسته ای امنیتی ما را هماهنگ می سازد، برای تنظیم استراتژی اقتصادی بین المللی صلح فرارسیدن است. صلح و امنیت ایالات متحده پیوندی تنگاتنگ با سرنوشت اصلاحات سیاسی و اقتصادی روسیه دارد... امروز یلتسین برنامه رادیکال اصلاحات اقتصادی را اجرا کرده است... و پیامد قمار گستاخانه او بر تاریخ قرن ۲۱ تأثیر بسزایی خواهد داشت... برای تعیین نقش جهانی آمریکا، در لحظه انتخاب قرار داریم. در دوران جنگ سرد، نقش دراماتیک اما دفاعی در محاصره کردن کمونیسم داشتیم. در اواسط سالهای پس از جنگ، استراتژی دو شاخه ای را برای بیرنگ کردن تهاجم غافل گیرانه مسکو به اروپا اجرا کردیم. استفاده از نیروی نظامی برای جلوگیری از تجاوز و نیروی اقتصادی از طریق طرح مارشال برای مقابله با هموردطلبی عقیدتی کمونیسم. (۱)

حال چگونه می توان پذیرفت که دولتمردان آمریکا به خود اجازه بدهند ایران اسلامی به آسانی بتواند مشکلات اجتماعی و اقتصادی خود را برطرف سازد تا جامعه مورد نظر اسلام را به نمایش بگذارد و الگوی بیش از یک میلیارد انسان مسلمان در جهان قرار بگیرد.

نشریه مید در ۲۸ فوریه ۱۹۹۲ نوشت:

ایالات متحده آمریکا جمهوریهای آسیای میانه را تا مدتی از یاد برده بود. با آگاهی از نقش تازه ایران در سال ۱۹۹۲، چنان به خود آمد که به عنوان حامی جاه طلبی های ملی گرایانه ترکها در منطقه و با این امید که از میزان نفوذ ایران بکاهد، وارد عمل شد. جمیز بیکر، وزیر امور خارجه ایالات متحد آمریکا، در ماه فوریه از همه جمهوری های شوروی دیدار کرد و قول کمکهایی را نیز به این جمهوری ها داد. (۲)

ص: ۳۵

-
- ۱- نیکسون، ریچارد، غفلت از نقش جهانی، ماهنامه صفحه اول، سال دوم، شماره نهم، ص ۴۹.
 - ۲- ایران: در کانون پیمانهای جدید بازرگانی، ماهنامه صفحه اول، سال دوم، شماره نهم، ص ۷۰.

با توجه به آنچه گفته شد، هدفهای جهاد اقتصادی چیزی جز دستیابی به همان هدفهای اصلی نظام اسلامی نخواهد بود، که عبارتند از:

۱. فقر و محرومیت زدایی

تعریف موضوع

چنانچه محرومیت را به معنای برآورده نشدن نیازهای ضروری و حیاتی انسان در نظر بگیریم، شامل نیازهای مادی و معنوی انسانها خواهد شد که به صورت جریانی مستمر باید همواره مورد توجه قرار گیرد.

اهمیت موضوع

در نظام اسلامی، فقر و محرومیت به عنوان یک امر عادی و دائمی نمی تواند جایگاهی داشته باشد؛ زیرا فقر در آموزه های دینی برابر با موت اکبر است.^(۱) اگر قرار است جامعه ای آثار حیات بر آن بار شود و انسانها بتوانند استعدادهای خدادادی خود را آشکار سازند، باید عواملی که مانع بروز و ظهور این استعدادها می شوند ریشه کن گردد.

در بینش دینی، فقر و محرومیت سبب نقص دین و سرگردانی عقل و موجب دشمنی و ایجاد ناآرامی و اغتشاش و بلواست.^(۲) جامعه ای که مردمانش به نان شب محتاج هستند و برای تهیه نیازهای اولیه زندگی خود چشم به دست دیگران دارند، از چنین جامعه و مردمی

ص: ۳۶

۱- نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳.

۲- همان، حکمت ۳۱۹.

چگونه می توان دینداری و عبودیت خدا را توقع داشت. از این رو، علی (علیه السلام) می فرماید: «انسان باید از فقر به خدا پناه ببرد؛ زیرا فقر بلایی است که اگر فرد یا جامعه ای دچار آن گردید، همه خوبیها و زیباییهایش به زشتی تبدیل شده، کارهای نیک آن، به نظر سیئه خواهد آمد.»^(۱)

شاید کمتر انسان منصفی را بتوان یافت که نقش فقر و محرومیت، یا ثروت و دارایی را در مراودات اجتماعی بتواند انکار کند، و تأثیرگذاری و اثرپذیری افراد و جوامع را نسبت به آنها نادیده بگیرد.

«ماهاتیر محمّد» در دوران نخست وزیری اش در مالزی، در سخنرانی خویش پیرامون جهانی شدن اقتصاد در گردهمایی وزرای خارجه کشورهای اسلامی در کوآلا لامپور، با اذعان به همه زیانهایی که جهانی شدن اقتصاد برای کشورهای فقیر و کم درآمد در پی دارد، و با این که بسیاری از کشورهای اسلامی جزء کشورهای کم درآمد به شمار می آیند، می گوید:

ما جهانی شدن اقتصاد را می پذیریم و به آن تن می دهیم، زیرا کسی منطقی ما را نه تنها نخواهد شنید و به سخن حق ما تن نخواهد داد، بلکه حتی ما را متهم می کنند مرتجع و واپسگرا هستیم.^(۲)

زیرا به گفته امام علی (علیه السلام): «الْفَقْرُ يَخْرُسُ الْفِطْرَةَ عَنِ حُجَّتِهِ»^(۳)؛ «فقر و محرومیت کارآیی و کارآمدی را از منطق انسان سلب کرده، آن را از قدرت باز می دارد.»

«وَ الْمُقِلُّ غَرِيبٌ فِي بَلَدَتِهِ»^(۴)؛ «نیازمندی حق شهروندی را از انسان بازداشته، او را در شهر و دیار خود غریب می گرداند.»

جایگاه فقرزدایی در قانون اساسی

انقلاب شکوهمند اسلامی با طرح شعار حمایت از محرومان و مظلومان و رفع فقر و محرومیت که ریشه در باورهای دینی و اعتقادی مردم مسلمان این کشور دارد، شکل

ص: ۳۷

۱- همان، حکمت ۳ و ۹.

۲- خبرگزاری جمهوری اسلامی (صدا و سیما) ۱۳۷۹ / ۴ / ۸.

۳- نهج البلاغه، حکمت ۳.

۴- همان.

گرفت و به پیروزی رسید. با توجه به اهمیت این مطلب در قانون اساسی، که توسط خبرگان ملت تهیه و تدوین و به همه پرسی نیز گذاشته شد، در اصل چهل و سوم آن آمده است:

برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می شود:

تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه. (۱)

در ادامه این فصل، قانونگذار درصدد بیان راههای تأمین این نیازها برآمده که از جمله آنها «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند، ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد». (۲)

با نگاهی گذرا به این فصل که شامل ۱۳ اصل می شود، این حقیقت به دست می آید که سنگ بنا و اصول و مبانی نظام مقدس اسلامی بر پایه محرومیت زدایی و دفاع از حقوق محرومان و مظلومان قرار گرفته است. حتی در اصل سی و یکم نیز دولت را موظف نموده که در زمینه مسکن متناسب با نیاز افراد تلاش جدی نماید و با «رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند، به ویژه روستائینان و کارگران، زمینه اجرای این اصل را فراهم کند». (۳)

۲. دستیابی به عدالت اجتماعی

اشاره

واژه عدالت اجتماعی، از جمله مفاهیمی است که در فلسفه سیاسی مورد بحث قرار گرفته است. این واژه ترکیبی، بیانگر مفهومی خاص از عدالت است که با دیگر گونه

ص: ۳۸

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۳۹.

۲- همان.

۳- همان.

های آن، تفاوت دارد.

عدالت اجتماعی در سلسله هدفهای رسالت‌های انبیا، پس از گرایش به خدا و اعتقاد به توحید در تمام سطوح و ابعاد آن، بزرگ‌ترین هدف رسالت آن پیامبران الهی شمرده می‌شود. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ» (۱).

عدل در اجتماع، به منزله پایه ساختمان است. البته اجرای عدالت، مستلزم چند گزینه مهم است:

اول: مبارزه مستمر و جدی با فساد مالی، به عنوان پیش شرط اجرای عدالت در جامعه. مبارزه با فساد مالی، باید از حد شعار بگذرد، هم در عمل، با فساد گران برخورد جدی و

مناسب روی دهد و هم سیاستهای اقتصادی در شاکله وجودی خود این هدف عمده را لحاظ نمایند.

دوم: برخورد با متخلفان از قوانین، بسان راهی برای آماده کردن فضای عدالت. اگر با متخلفان از قوانین، برخوردهای سنجیده و به موقع و متناسب صورت گیرد، برای تحقق عدالت، فضا سازی مناسبی روی داده است.

سوم: مقابله با تبعیض‌ها و رانت خواریها

رانت خواریها و تبعیضها، جامعه را دچار اختلافهای فاحش طبقاتی می‌سازد که خود، بستر بی عدالتی و ظلم را فراهم می‌سازد. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می‌فرماید: «وَإِيَّاكَ وَالْأَشْيَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ» (۲)؛ «از مقدم داشتن خود در اموری که مردم در آن مساوی اند بر حذر باش».

وظیفه مهم و اساسی حکومت به طور خاص، تحقق عدالت است. قرآن کریم نبی مکرم اسلام را به عنوان حاکم اسلامی می‌وول مستقیم ایجاد عدالت در میان مردم معرفی می‌کند

ص: ۳۹

۱- حدید (۵۷) آیه ۲۵.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

آنجا که میفرماید: «وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ» (۱)؛ بگو که من به کتابی که خدا فرستاد ایمان آورده ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست و پاداش عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست برهان بین ما و شما باقی نیست، خدا میان ما جمع می کند و به سوی او باز می گردیم.

مقوله عدالت، دارای ریشه ای تکوینی در نهاد بشر است که اگر اجرا نشود، فشارهای فراوان اجتماعی، روحی، روانی، سیاسی و... را بر جامعه وارد می کند و آن را از مسیر رشد و تعالی باز خواهد داشت.

عدالت در حوزه های گوناگونی تحقق می یابد.

عدالت اقتصادی

عدالت اقتصادی، عدالت در توزیع ثروت و عدالت در توزیع امکانات، ابزار، و فرصتهاست. همچنین، به معنای تأمین حداقل رفاه و آسایش برای همه افراد جامعه، به دور از گزینشی عمل کردن است. و به معنای تعیین مرزها و حدود مصرف و جلوگیری از رفاه زیاد، جلوگیری از احتکار اموال و تجمع ثروت در دست بخشی از جامعه و فراهم ساختن امکان کار و تولید برای همه به دور از شعارهای مصلحتی و هدفمند غیر واقعی است. تا جایی که قرآن حتی غیر مسلمان رانیز در بهره گیری از عدالت اقتصادی در جامعه اسلامی مورد نظر قرار داده و می فرماید: «لَا يَنْهَى كُفْرَ اللَّهِ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُواكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُواكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (۲)؛ خداوند شمارا از کسانی که در دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا عدالت ورزان را دوست دارد.

اصل مداخله دولت در امور اقتصادی که به موجب آن، دولت تولید را ارشاد نماید، به

ص: ۴۰

۱- حدید (۴۲) آیه ۱۵.

۲- ممتحنه (۶۰) آیه ۸.

مثابه وسیله ای است که دولت اسلامی همواره برای ضمانت اجرای قوانین عمومی توزیع و جلوگیری از کجرویها و تخلف از عدالت اجتماعی، در اختیار دارد.^(۱)

همچنین، دولت و مجموعه های فرهنگی دارای رسالت فرهنگی و اخلاقی باید بکوشند عدالت اخلاقی را حاکم نمایند. عدالت اخلاقی آن است که انسانها در درون خود به حد اعتدال رسیده و عدالت، نفسانی آنها گردد که در نتیجه دنبال تبعیض، ربا، رشوه، واسطه گری و... نباشند.

همچنین، در حیطه های سیاسی، اجتماعی، قضایی، علمی و... باید عدالت اساس باشد چنان که علی (علیه السلام) فرمودند: «العدل اقوی اساس»^(۲)؛ «عدل، محکمترین بناست».

شرط تحقق عدالت از منظر رهبری

مقام معظم رهبری، عدالت را در هم تنیده با دو مفهوم کلیدی دیگر دانسته اند و شرط تحقق آن را در پیوند آن دو مفهوم با یکدیگر می دانند:

من می خواهم این نکته را عرض کنم که اگر بخواهیم عدالت به معنای حقیقی خودش در جامعه تحقق پیدا کند، با دو مفهوم دیگر به شدت تنیده است؛ یکی مفهوم عقلانیت است، دیگر معنویت، اگر عدالت از عقلانیت و معنویت جدا شد، دیگر عدالتی که شما دنبالش هستید، نخواهد بود. اصلاً عدالت نخواهد بود. عقلانیت به خاطر این است که اگر عقل و خرد در تشخیص مصادیق عدالت به کار گرفته نشود، انسان به گمراهی و اشتباه دچار می شود. خیال می کند چیزهایی عدالت است، در حالی که عدالت نیست و چیزهایی را هم که عدالت است، گاهی نمی بیند. بنابراین، عقلانیت و محاسبه، یکی از شرایط لازم به عدالت است. عدالت باید با معنویت همراه باشد؛ یعنی شما باید برای خدا و اجر الهی دنبال عدالت باشید. در این صورت، می توانید با دشمنان عدالت مواجهه و مقابله کنید. البته معنویت هم بدون گرایش به عدالت، یک بُعدی است. بنابراین عدالت با معنویت در هم تنیده است.^(۳)

۳. رفاه اجتماعی، تکافل اجتماعی

از دیگر هدفهایی که باید جهاد اقتصادی در مسیر تحقق آن حرکت کند، رفاه اجتماعی

ص: ۴۱

۱- صدر، سید محمد باقر، اقتصادنا، ج ۲، ص ۲۷۳.

۲- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، ص ۴۴۶.

۳- مقام معظم رهبری، ۸/۶/۱۳۸۴.

است.

مقوله رفاه با شاخصهایی اساسی همراه است. چنانچه این شاخصها عملیاتی و با مقیاس موفقی در صحنه اجتماع مشاهده شوند، رفاه حاصل گردیده است:

۱. حل معضل بیکاری؛

۲. کاهش منطقی نرخ تورم؛

۳. تغییر شاخصهای توزیع درآمد؛

۴. حل مشکل مسکن، یا به تعبیری خانه دار شدن افراد؛

۵. بالا رفتن امنیت شغلی.

به تعبیر مقام معظم رهبری:

ما ملتی هستیم با امکانات زیاد و می توانیم زندگی مادی و معنوی سطح بالایی داشته باشیم. هم آزاد و آقا و عزیز باشیم، هم مؤمن، پرهیزگار، درستکار و پاکدامن باشیم و هم مرفه، راحت و برخوردار از خیرات مادی باشیم. این آن زندگی است که اسلام برای امت اسلامی و طرفداران خود خواسته و ما می توانیم ... چنین وضعی را به وجود بیاوریم. (۱)

ایشان در جایی دیگر برای اینکه رفاه مادی با ترویج روحیه مصرف گرایی اشتباه نشود می فرماید:

رفاه مادی به معنای ترویج روحیه ی مصرف گرایی نیست، که خود یکی از سوغاتهای شوم فرهنگ غرب است. بلکه بدین معنی است که کشور از نظر آبادی و عمران، استخراج معادن و استفاده از منابع طبیعی، تأمین سلامت و بهداشت جامعه، رونق اقتصادی و رواج تولید و تجارت با تکیه بر استعدادهای ذاتی نیروهای انسانی

خودی به حد قابل قبول برسد و علم و فرهنگ و تحقیق و تجربه همگانی شود و نشانه های فقر و عقب افتادگی رخت
بربندند. (۲)

بنابر این، جهاد اقتصادی، تلاشی هدفمند در راستای دستیابی به رفاه اجتماعی ارزیابی می گردد.

ص: ۴۲

۱- مقام معظم رهبری، ۲۵/۴/۱۳۶۸.

۲- همان، ۲۳/۴/۱۳۶۸.

۴. زمینه سازی برای رشد علمی

رشد علمی، به معنای رسیدن به قله های بلند علمی است که لازمه آن جهاد علمی است. «رشد» و «رشد» هم خانواده اند. رشد علمی زمانی حاصل می شود که افرادی رشید (رشد یافته علمی، فکری، معرفتی، سیاسی و...) زمام امور را در اختیار داشته باشند.

در قرآن مجید، رشد، بیشتر در مقوله عقل و مدیریت بیشتر به کار رفته است، چنان که می فرماید: «رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَ هَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا» (۱) و یا از قول جنیان می گوید: «إِنَّا سَيِّمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ» (۲) و یا موسی به خضر می گوید: «هَلْ أَتَبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا» (۳)؛ «آیا تو را پیروی کنم بر این که مرا از آنچه به تو آموخته اند بیاموزی تا به رشد راه یابم؟» «وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ» (۴)؛ «ما از قبل، به ابراهیم رشد لازم را عنایت کردیم».

رشد علمی نتیجه ای روشن از رشد اقتصادی است، زیرا هنگامی که افراد اجتماعی به رفاه نسبی اقتصادی برسند، دغدغه ای برای تحصیل و فراگیری دانش نخواهند داشت. در نتیجه، در ساختمان نظام اسلامی، مقوله رشد علمی نهفته است.

۵. نیل به رشد معنوی

اشاره

اقتصاد در نگرش اسلامی، به گونه ای بازسازی و تعریف می شود که ارتباط تنگاتنگ و استواری با معنویت می یابد. بدین جهت، اقتصاد اسلامی، از هویتی معنوی برخوردار می شود و در خدمت معنویت جامعه قرار می گیرد.

در تحلیلهای دینی و قرآنی، برخورداری از نعمت های اقتصادی خداوند، نشانه و آیتی الهی تلقی و قلمداد می گردد:

«لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلَدَهُ طَيِّبَةً وَ رَبُّ غَفُورٌ» (۵)؛ «برای قوم سبا در محل سکونتشان نشانه ای از قدرت الهی بود،

ص: ۴۳

۱- کهف (۱۸) آیه ۱۰: «پروردگارا، از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان برسان».

۲- جن (۷۲) آیه ۱.

۳- کهف (۱۸) آیه ۶۶.

۴- انبیاء (۲۱) آیه ۵۱.

۵- سبأ (۳۴) آیه ۱۵.

دو باغ بزرگ (با میوه های فراوان) از راست و چپ (رودخانه عظیم) و به آنها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به جای آورید. شهری است پاک و پاکیزه و پروردگاری آمرزنده و مهربان».

در قرآن مجید، سعادت معنوی انسان، رشد معنوی و رفتن به سوی خدا، ارتباط روشنی با اقتصاد دارد: «قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»^(۱)؛ «دلیل روشنی از جانب پروردگارتان برایتان آمده، بنابراین این حق وزن و پیمان را ادا کنید و از اموال مردم کم نگذارید و در روی زمین بعد از آن که اصلاح شده است، فساد نکنید. این برای شما بهتر است اگر ایمان داشته باشید». این آیه نشان می دهد که نتیجه اقتصاد مطلوب، اصلاح معنوی جامعه است.

قرآن مجید ثروت و اقتصاد را قوام حرکت اجتماعی معرفی می کند «وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا»^(۲)؛ «اموالتان را که خداوند، وسیله قوام زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان نسپارید».

از این موارد دانسته می شود که اقتصاد، هدف نهایی نیست. اقتصاد مطلوب، وسیله ای است برای رشد فضیلتها، تعالی ها و گرایشهای معنوی.

بنابراین، جهاد اقتصادی، مقوله ای ارزشمند و ارزش گراست که می خواهد با تحول ساختاری در اقتصاد اجتماعی، این مسئله مهم را تحقق ببخشد. لذا، باید عوامل مادی و معنوی شکوفایی اقتصادی دریافت و جهادی هدفمند و ارزشی به سوی حاکمیت اقتصاد دینی و الهی رخ دهد. زیرا در بینش اسلامی ریشه فقر و محرومیت به کاستی در طبیعت و نارسایی منابع طبیعی بازگشت نمی کند، بلکه عوامل اصلی فقر به رفتارهای انسانی بازگشت دارد که در ادامه به این مطلب پرداخته خواهد شد.

ص: ۴۴

۱- اعراف (۷) آیه ۸۵ .

۲- نساء (۴) آیه ۵ .

۱. ناحق‌های اقتصادی

بعضی از صاحب‌نظران اقتصادی در نظام سرمایه‌داری چون «مالتوس» و «ریکاردو» ریشه و علل اصلی فقر را به فقر و محرومیت در طبیعت برمی‌گردانند. به نظر آنان، با وجود فقر و محرومیت در جامعه نه تنها کسی را نمی‌تواند سرزنش کرد، بلکه تلاش برای فقرزدایی و ایجاد جهانی آباد و مرفه برای همگان، تلاشی بی‌ثمر و کاری بی‌فایده است. از این مهمتر، به نظر «مالتوس» هرگونه رحم و شفقت نسبت به افراد فقیر عقوبتی را در پی خواهد داشت که دامنگیر ترحم‌کنندگان خواهد گردید. به اعتقاد وی «کسانی که از قبل دنیا را در اختیار دارند از حق استفاده از این مواهب نیز برخوردارند و اگر به قدری گمراه باشند که بر تهیدستان گرسنه رحم آورند، به زودی جزای این خطای خود را خواهند دید».^(۱)

«ریکاردو» نیز که در عمل موافق دیدگاه‌های اقتصادی «مالتوس» بود، جزء مخالفان طرح‌های حمایتی در دفاع از فقرا قرار داشت و خواستار لغو آنها بود.^(۲) «تاکری» اقتصاددان لیبرال نیز اعتقاد داشت: «اگر قوانین علم اقتصاد چنین حکم می‌کند که توده‌های فقیر همچنان فقیر باقی بمانند، چاره‌ای نیست و باید پذیرفت». زیرا به نظر وی «مسئله فقر مثل مسئله مرگ، بیماری، زمستان یا انواع پدیده‌های طبیعی دیگر است».^(۳)

امّا از نظر آموزه‌های اسلامی، این دیدگاه‌ها به کلی مردود است. از نظر علمی نیز امروزه ثابت شده است که حتی با همین امکانات فعلی و توانایی علمی، بشر می‌تواند جمعیتی چند برابر جمعیت فعلی جهان را تغذیه کند. امروزه کارشناسان هلندی با به‌کارگیری روش‌های علمی در کشاورزی، ثابت کرده‌اند که اگر شیوه آنها در تولید مواد غذایی در سایر مناطق جهان به کار گرفته شود، هم اکنون جمعیتی معادل ۳۰ میلیارد نفر را می‌توان به خوبی تغذیه کرد. یا با روشی که ژاپنی‌ها در تهیه مواد غذایی به کار می‌برند،

ص: ۴۵

۱- بلاستر، آنتونی آر، لیبرالیسم غرب، ص ۳۸۰.

۲- همان، ص ۳۸۴.

۳- همان، ص ۳۹۰.

حتی نود میلیارد انسان را می توان تأمین نمود.^(۱)

در آموزه های اسلامی، فقر و محرومیت ناشی از فقر طبیعت و تقدیرگرایی نیست، بلکه برخاسته از زیاده خواهی ها و افزون طلبی ها و به تعبیر دیگر ناحق های اقتصادی و محروم ساختن افراد از حقوق حقه آنهاست، چنان که علی (علیه السلام) می فرماید: «فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَنَعَ غَنَى»^(۲)؛ «هر جا فقیر نیازمندی هست، حق او در سفره رنگین اغنیا و ثروتمندان قرار دارد.» اینان به سبب دست یافتن به ثروتها و سرمایه های کلان در جامعه، و در اختیار گرفتن شاهرگهای حیاتی اقتصاد جامعه و ایجاد انحصارهای مرئی و نامرئی و بستن راه فعالیت و تلاش بر روی افراد و گروه هایی که توان مقابله با آنها را ندارند، انسانها را به استضعاف کشیده، آنها را بنده لقمه نانی می گردانند.

۲. دنیاگرایی

در نامه ای که علی (علیه السلام) به سهل بن حنیف فرماندار مدینه می نویسد، به تحلیل این مطلب می پردازد و در بیان علت رویگردانی عده ای از حق و گرویدن به باطل که از مصداقهای بارز آن حاکمیت معاویه بن ابوسفیان در شام بود، می فرماید:

آنان دنیاپرستانی هستند که به سرعت به جانب دنیا روی آورده اند، در حالی که عدالت را به خوبی شناخته و دیده و گزارش آن را شنیده اند، و به خاطر سپرده و دانسته اند که همه مردم در نزد ما و در آیین حکومت ما حقوق برابر دارند. آنها از این برابری به سوی خودخواهی و تبعیض و منفعت طلبی گریخته اند. خداوند آنها را از مرحمتش دور گرداند! سوگند به خدا، آنها از ستم نگریخته و به عدل روی نیاورده اند.^(۳)

حضرت در بخشی از وصیتنامه اش به امام مجتبی (علیه السلام) چهره زشت و کریه دنیازدگان را تصویر و درباره آنان می فرماید:

دنیاپرستان همچون سگانی هستند که بی صبرانه همواره صدا می کنند و درندگانی هستند که دائماً در پی یکدیگرند. بعضی بر بعضی فریاد کشند. زورمندان آنان ضعیفان را و بزرگترها، کوچکترها را می بلعند. مثل آنها مثل چارپایانی است که عده ای از آنان پاهایشان بسته و گروهی دیگر رها شده اند. اینان راه های صحیح و درست را گم کرده

ص: ۴۶

۱- بی آزار شیرازی، عبدالکریم، زمینه سازی برای تحقق عدالت اقتصادی، ج ۱، ص ۳۵۸.

۲- طبرسی، ابوالفضل علی بن حسن، مشکاه الانوار، ص ۱۲۸.

۳- نهج البلاغه، نامه ۷۰.

و به راههای نامعلوم گام می گذارند. در وادی پر از آفت رها شده، و در سرزمین شن زار که حرکت در آن به کندی امکان پذیر است، در حرکتند. نه چوپانی دارند که آنها را جمع کند و نه کسی که آنها را به منزل و چراگاه برساند. دنیا آنان را در طریق کوری به راه انداخته، و چشم هایشان را از دیدن نشانه های هدایت بر بسته. از این رو، در حیرت و سرگردانی دنیا مانده و در نعمتهای آن غرق گردیده اند. آنها را مالک و پروردگار خویشتن برگزیده. در نتیجه، دنیا آنان را و آنان دنیا را به بازی گرفته و ماورای آن را به فراموشی سپرده اند. (۱)

مقام معظم رهبری در هشداری به قوه قضائیه در رابطه با برخورد با این گروه آنان را این گونه توصیف می کند:

... عده ای بنا دارند بیرحمانه و وحشیانه با زیر پا گذاشتن قوانین برای به دست آوردن ثروتهای زیاد تلاش کنند. بنابراین باید قوه قضائیه به سراغ این گونه افراد و برخورد با این پدیده خطرناک برود... چگونگی مقابله با ثروتهای حرام در اصل ۴۹ قانون اساسی پیش بینی شده است و دستگاه قضایی باید در برابر انسانهای زیاده طلب و کسانی که به دنبال قارون شدن هستند، با آنها مقابله کنند. (۲) به یقین، در جامعه ای که ثروتمندان با همان روحیه سیری ناپذیری از دنیا، به مال اندوزی پردازند و وظایف خود را در مقابل طبقات محروم فراموش کنند و حاضر نباشند از امانتی که خداوند به آنان داده است، بگذرند، امید هرگونه خیر و سعادت از آن جامعه رخت برمی بندد، و بروز شکاف طبقاتی در آن جامعه امر مسلمی خواهد بود.

۳. افزون طلبی زمامداران

از جمله عوامل محرومیت زاء، برتری خواهی و افزون طلبی زمامداران و مشروعیت دادن به زیاده خواهی های آنهاست. کمتر زمامداری را می توان یافت که خود را محق بشمارد و

تافته ای جدابافته از مردم نداند و برای خود در زندگی پایگاهی جداگانه فرض نکند. به تعبیر امام خمینی (قدس سرّه) در یک طرف صدها میلیون گرسنه و محروم از بهداشت و فرهنگ قرار گرفته است و در طرف دیگر اقلیتهایی از افراد ثروتمند و صاحب قدرت

ص: ۴۷

۱- همان، نامه ۳۱.

۲- مقام معظم رهبری، ۱۰/۴/۱۳۷۶.

سیاسی که عیاش و هرزه گرد و فاسدند. مردم گرسنه و محروم کوشش می کنند خود را از ظلم حکام غارتگر نجات بدهند تا زندگی بهتری پیدا کنند. این کوشش ادامه دارد، لیکن اقلیتهای حاکم و دستگاه های حکومتی جائر مانع آنهاست. (۱)

در نظامهای مبتنی بر دموکراسی و مردم سالاری به علت کوتاه بودن و مدت دار بودن دوران زمامداری حکومتها، این افزون خواهی کم و بیش محدود شده و دامنه مشروعیت آن تعریف می گردد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل یکصد و چهل و دوم، آمده است: «دارایی رهبر، رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می شود که برخلاف حق، افزایش نیافته باشد» (۲). این موضوع جلو هر نوع افزونخواهی را گرفته و دامنه مشروعیت ثروت آنها را معین و محدود ساخته است، امّا از آنجا که به طور کلی در فرهنگ جوامع، زمامداران و مسئولان عالی رتبه جامعه جزء طبقاتی هستند که از حیث شئون اجتماعی در صدر قرار می گیرند، انتظارات آنها با دیگر افراد این طبقه همانندی خواهد یافت. در نتیجه، خواسته یا ناخواسته آنها را به سوی اسراف و تبذیرهای آن چنانی می کشاند، که حتی نظر مجری قانون را در تشخیص و برداشت از آن که آیا نوع هزینه کردها در حیطة اختیارات مسئولان قرار می گیرد یا نه، دچار مشکل می سازد. به عنوان مثال، از هزینه های هنگفتی که در وزارتخانه ها و ادارات تابعه آنها صرف تجملات، تشریفات، میهمانی ها، مسافرت ها و... می شود، می توان یاد کرد.

علی (علیه السلام) در نامه ای که به عثمان بن حنیف می نویسد، با توجه به اهمیت این موضوع که زمامداران و مسئولان عالی رتبه در جامعه نباید خود را جدا از دیگر مردم بدانند، و برای خود مزایا و امتیازهایی را در نظر بگیرند که حتی دیگران در رؤیا هم به آن دست پیدا نمی کنند، می گوید: «أَفْتَعُ مِنْ نَفْسِي بِأَنْ يُقَالَ هَذَا أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلَا أُشَارِ كُهُمْ فِي مَكَارِهِ الدَّهْرِ أَوْ أَكُونَ أَسِيوَةً لَهُمْ فِي جُشُوبَةِ الْعَيْشِ» (۳)؛ «آیا به همین مقدار اکتفا بکنم که بگویند فلاّنی امیر و زمامدار جامعه است و در سختیها و محرومیتهای مردم خود شریک نباشم؟ یا

ص: ۴۸

۱- امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۶۳.

۲- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۶.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

این که خود اسوه و جلودار نباشم، در تلخکامیها و گرفتاریها».

۴. نبود تقوای مالی، و سوء استفاده از فرصتها

از عوامل مهم برهم زدن امتیث اقتصادی در جامعه و جلوگیری از فعالیتهای مفید و سازنده و کشاندن بخشهای مهم تولیدی به رکود و بیکاری و برهم زدن تعادل اقتصادی و اجتماعی، نبودن تقوای مالی و اقتصادی در جامعه بویژه در زمامداران و مدیران و کسانی است که با ثروتهای انبوه و کلان جامعه سروکار دارند؛ همان چیزی که به کار و تلاش و فعالیت صحیح و معقول آسیب می رساند و با وجود آن هرگز نمی توان از جامعه ای انتظار داشت به رشد و شکوفایی اقتصادی دست یابد. در جامعه ای که فرد یا افرادی بتوانند یک شبه به ثروتهایی که هرگز در مخیله آنها نمی گنجید دست پیدا کنند، و دیگران با سالهای متمادی کار و کوشش طاقت فرسا از تأمین نیازهای اولیه زندگی خود محروم باشند، امتیث اقتصادی و به دنبال آن رفاه اجتماعی هرگز اتفاق نخواهد افتاد؛ زیرا از یک طرف با وجود چنین معضل اجتماعی، انگیزه کار و تلاش و صبر و استقامت و رشد و نموّ خلاقیت و ابتکار در جهت درست و صحیح آن فروکش کرده، در نتیجه ارکان اصلی اقتصاد جامعه از درون متزلزل می گردد و به طور مضاعف فقر و محرومیت در جامعه گسترش می یابد. از طرف دیگر، مانع همراهی و همگرایی در ساختار اداری و اجتماعی حکومت گردیده، تلاشهای نظام را در جهت رفع محرومیت بی ثمر و خنثی می سازد.

رهبر معظم انقلاب، در باره عملکرد منفی این گروه و پیدایش استضعاف در جامعه می فرماید:

خاصیت دوران سازندگی در این است که پول، نقدینگی وانجام هزینه های فراوان در کشور افزایش پیدا میکنند. در چنین دورانی اگر قوانین بدقت رعایت نشود، نوکیسه گانی در کشور به وجود خواهد آمد که به هیچ حدی از حدود، در استکتناع مادی و بهره گیری از امکانات قانع نیستند و به ثروتهای با آورده دست می یابند که در

نتیجه آن، عده ای در استضعاف مالی و ستم اجتماعی قرار میگیرند و حقوق بسیاری نیز ضایع می شود. (۱)

۵. اتراف و تجمل گرایی

اتراف از نظر اقتصادی عامل فقر در جامعه است، زیرا ویژگی آشکار زندگی اترافی، اسراف و زیاده روی در مصرف امکانات مادی است (در واقع آنان مترف کسی است بیش اندازه به تجملات می پردازد) (۲)، از نظر اجتماعی عامل فساد است. زیرا انسان مترف با خرید و مصرف کالاهای لوکس و تجملاتی و روی آوردن به مد و مد پرستی و بریز و پباش های پیش از اندازه، علاوه بر اتلاف سرمایه ها و هدر دادن منابع اقتصادی، سبب بسیاری از مفاسد اخلاقی و اجتماعی در جامعه می گردد و از نظر سیاسی باعث تشتت و تفرقه در جامعه می شود. زیرا جامعه را به قطبهای مختلف در آمدی غنی و فقیر تقسیم می کند و در نتیجه کینه و حد را در جامعه رواج می دهد. بدین جهت است که رهبر معظم انقلاب، در برخورد با این پدیده، چنین هشدار می دهند:

اگر روجه تجمل گرایی در جامعه ما رواج پیدا کند، که متأسفانه تا میزان زیادی هم رواج پیدا کرده است، مشکلات اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی کشور اصلاح نخواهد شد. تجمل گرایی و گرایش به اشرافی گری در زندگی ضررها و خطرهای زیادی دارد، هیچ وقت عدالت اجتماعی تامین نخواهد شد. هیچ وقت روحیه برادری و القت و انس و همدلی پیش نخواهد آمد؛ تجمل دو جنبه دارد: یک جنبه از لحاظ اصل پابندی به تجملات است، به علاوه مسرفانه است، تضيع اموال و تضيع موجودیهاست و دوم، انعکاس تجمل در بین مردم است. (۳)

اتراف و تجمل گرایی، یک حالت روانی ناشی از نداشتن تکیه گاه معنوی است. توجّه تامّ صاحبان ثروتهای کلان و نامشروع به لذات زودگذر، آسایش و تنعم است و چون روح

ص: ۵۰

۱- مقام معظم رهبری، ۸/ ۴/ ۱۳۷۶.

۲- ر. ک. به: ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۷؛ راغب اصفهانی، مفردات، ص ۱۶۶.

۳- مقام معظم رهبری، ۷/ ۱۰/ ۱۳۷۸.

آنان با آسایش و تنعم ارضاء نمی شود، پیوسته در تکثیر گونه های تجمل و اختراع راههای جدید اسراف بیشتر می کوشند و به هیچ حدی از مصرف قانع نیستند. و به تعبیر مقام معظم رهبری:

مترقین یعنی کسانی که پول را بی حساب و کتاب برای عیش و زندگی مادی خرج می کنند، عامل اصلی اسراف محسوب می شوند. (۱) آنان با داشتن این روحیه و طرز فکر، به هیچ گونه حدود و مقرراتی تن نمی دهند، دستور خدا و پیامبر را نادیده می گیرند، سر به طغیان و عصیان و کفران نعمت می زنند و به بهانه های مختلف از زیر بار مسئولیت و تکلیف، شانه خالی می کنند.

بنابراین، اگر در جامعه ای ارزشهای مادی بر آن حاکم شود، و مترقین و متجملین هیچ حدّ و مرزی را برای خود در نظر نگیرند، پیدایش دو طبقه فقیر و غنی امری اجتناب ناپذیر خواهد بود.

راه حل های فقر و محرومیت زدایی

اصول محرومیت زدایی را می توان در دو بخش خلاصه نمود:

بخش اول: عوامل غیراقتصادی، شامل اصلاح فرهنگ از طریق تقویت ایمان و اعتقادات دینی و مذهبی در مردم و مسئولان؛ نظیر:

۱. خدا باوری؛

۲. اعتقاد به قیامت و معاد؛

۳. ایجاد روحیه حق محوری؛

۴. پرورش روحیه تعاون و نودوستی؛

۵. مسئولیت پذیری و امانت داری؛

۶. پرهیز از اسراف و تبذیر؛

۷. دوری از فرونخواهی و زیاده طلبی و تجاوز به حقوق دیگران؛

ص: ۵۱

۸. نگاه ابزاری داشتن به دنیا و مرعوب، هوی و هوس نشدن؛

۹. تقویت روحیه کار و تلاش و خلاقیت و نوآوری؛

۱۰. دوری از مصرف زدگی و ترویج روحیه اقتصاد و میانه روی در مصرف.

بخش دوم: عوامل اقتصادی مانند:

۱. ایجاد فرصتهای شغلی؛

۲. به کارگیری سرمایه ها در بخشهای تولیدی؛

۳. توجه به سرمایه گذاری در بخشهای زیربنایی؛

۴. توجه و اهمیت دادن به بخش کشاورزی در جهت تأمین نیازهای اساسی جامعه؛

۵. جلوگیری از انحصارات.

ضرورت اصلاح ساختار اقتصادی در جهت افزایش تولید

در بخش عوامل اقتصادی اصلاح ساختار اقتصادی در راستای تقویت و افزایش تولید ملی می تواند نقش به سزایی در رفع فقر و محرمیت زدایی داشته باشد.

امام علی (علیه السلام) به مالک در عهدنامه، می گوید: «باید تلاش و کوشش تو در توسعه و آبادانی زمین بیشتر از توجه به جمع آوری مالیات و خراج باشد».^(۱)

در نگاه آغازین به این جمله این معنی تداعی می شود که حضرت به بحث مالیات و توجه مسئولان حکومت در رعایت وضع مالیات از جهت زمان، مکان، مقدار و بقیه امور توجه دارد، که البته در آن هیچ جای تردیدی نیست. ولی آنچه بیش از بحث مالیات حایز اهمیت است و مالیات در واقع فرع بر آن قرار می گیرد، توجه به بنیانهای تولیدی و ساختار اقتصادی کشور است، همان چیزی که استکبار جهانی قبل و بعد از جنگ جهانی دوم توانست با تضعیف بنیانهای اقتصادی کشورهای تحت سلطه، ساختار اقتصادی آنها را به گونه ای پایه ریزی کند که هرگز روی استقلال واقعی را به خود نبینند و همواره محتاج کشورهای سلطه گر برای رفع نیازهای اقتصادی خود باشند. امروز کدام صاحب نظر منصف است که اذعان و اعتراف نداشته باشد که بدون قدرت اقتصادی و توانمندیهای

تولیدی می توان به استقلال سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دست یافت!

اگر قرار است جامعه ای روی پای خود بایستد و حکومتها در سایه و حمایت ملتها به هدفهای خود دست پیدا کنند، گام اول داشتن بنیه اقتصادی قوی و محکم و مستقل است. این مهم امکان پذیر نیست، مگر اینکه ساختار اقتصادی جامعه برگرفته از اصولی متقن و بر شالوده ای علمی و مطابق با شرایط فرهنگی، جغرافیایی، اجتماعی، اعتقادی و... استوار باشد. زیرا بدون چنین اصولی، دستیابی به توسعه و توانمندیهای اقتصادی ممکن نیست. از آنجا که کشاورزی زیربنایی ترین بخش اقتصادی جامعه آن روز بوده و تمام فعالیتهای اقتصادی بر محور کشاورزی می گردد و از طریق تولیدات کشاورزی می توان رونق اقتصادی و رفاه اجتماعی را برای جامعه فراهم نمود، اهمیت این مطلب نزد آن حضرت به قدری زیاد است که معتقد است نظامی که بدون توجه به تقویت و تحکیم زیر ساختهای اقتصادی خود به دنبال ظاهر فریبی و تزئین رویناهای اقتصادی بوده و از طریق فشارهای مالیاتی و درآمدهای اجباری در صدد حفظ ظاهری حکومت برآید، بی جهت به خود زحمت می دهد زیرا حکومتش دوامی نخواهد یافت و امیدی به بقایش نخواهد بود.

تجربه عملی کشورهایمانند آلمان و ژاپن نشان می دهد که این کشورها با توجه به اینکه از ساختار اقتصادی صبح برخوردار بودند حتی جنگهایی مانند جنگ جهانی دوم با همه ضربات مهلکی که بر اقتصاد این کشورها وارد ساخت، به سرعت در کمتر از نیم قرن توانستند نه تنها تمام خرابیهای جنگ و خسارتهای اقتصادی آن را جبران کنند، بلکه در صحنه اقتصاد جهانی به صورت دو قطب قدرتمند اقتصادی ظاهر شوند. بدین جهت است که، اصلاح ساختار اقتصادی کشور اهمیت بسزایی دارد.

برای مثال، در حالی که بخش عمده ای از منابع انرژی جهان در کشورهای اسلامی قرار دارد و از طریق این کشورها به بازار جهانی ارزانی می شود، اگر روزی کشورهای اسلامی بخواهند جلو نابودی این سرمایه خدا دادی را بگیرند و از هدر دادن آن خودداری کنند آیا بجز تغییر ساختار اقتصادی و تبدیل بنیانهای درآمدی از تکیه به درآمدهای فروش مواد خام نفتی به درآمدهای تولیدات داخلی، راه دیگری وجود دارد؟ چگونه می توان تصور کرد کشوری که دست کم ۵۰٪ نیازهای داخلی اش از طریق فروش نفت خام در بازار جهانی تأمین می شود، بتواند روزی با همین ساختار اقتصادی جلو فروش نفت را بگیرد و در عین حال از ثبات و امنیت برخوردار باشد.

این در حالی است که کشور از جهت رشد و توسعه اقتصادی از ظرفیت بالقوه بالایی برخوردار بوده و هست. برای مثال، تحقیقات نشان می دهد در بخش کشاورزی از ۵۰۰ میلیارد متر مکعب آب قابل دسترسی در کشور تنها ۳۰ میلیارد متر مکعب آن در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد. در صورتی که به باور محققان، با یک کیلومتر مکعب [یک میلیارد متر مکعب] آب می توان حداقل ۲۰۰ هزار هکتار زمین را آبیاری نمود و ۸۰۰ هزار تن گندم تولید کرد، و نان مورد نیاز ۴ میلیون نفر را در سال تأمین نمود. (۱)

در استفاده از زمینهای کشاورزی نیز فقط ۳۶٪ زمینهایی که استعداد کشاورزی دارند، بهره برداری می شوند. (۲)

درباره هدفهای فقر و محرومیت زدایی نیز می توان به موارد زیر اشاره کرد .

۱. ایجاد زمینه های لازم برای حق پرستی؛

۲. تقویت ایمان و باورهای دینی؛

۳. دسترسی همگان به رفاه و آسایش و برخورداری از نعمات الهی؛

۴. حریت و آزادی و تن ندادن به ذلت و پستی؛

۵. پرورش اخلاق و فضایل انسانی؛

۶. فراهم سازی زمینه های شکوفایی استعدادها و بروز و ظهور آنها؛

۷. ایجاد امتیت روحی و روانی؛

روشهای فقر و محرومیت زدایی نیز عبارتند از:

۱. برنامه ریزی و ارائه طرحهای عملی برای محرومیت زدایی؛

۲. اولویت دادن به طرحها و برنامه های اشتغال زا؛

۳. جلوگیری از تمرکز ثروت در دست افراد و گروههای خاص؛

۴- توزیع و تقسیم امکانات به طور مساوی و تلاش برای دسترسی همگان به آن؛

۵. برخورد با ثروتهای باد آورده و بازپس گیری آنها؛

۶- ارائه برنامه و طرحهای اختصاصی برای حمایت از گروههای آسیب پذیر؛

۷. همسویی و تلاش برای همسانگری مسئولان در بهره‌گیری از امکانات دولتی با مردم؛

۸. جلوگیری از به هدر دادن اموال عمومی و پرهیز از تجمل‌گرایی.

ص: ۵۴

۱- زندگی بدون نفت، «امنیت غذایی»، صفحه اول، ش ۱۳، ص ۱۸.

۲- همان.

در غرب پس از رنسانس انسان در خدمت اقتصاد و رفاه مادی قرار گرفت. به تعبیر ویل دورانت:

«همه جا همکاری ذاتی و طبیعی بشری رو به کاهش است و روابط مصنوعی و ظاهری نظم و قانون و اجبار و همکیشی موقتاً جای آن را می‌گیرد. این اصالت فرد در سیاست و اقتصاد سرانجام در اصالت فرد در اخلاق منعکس می‌گردد که به سود پرستی بی‌نهایت منجر می‌شود و یکی از مظاهر نابودی تمدنهای بزرگ است»^(۱).

در بینش اسلامی، قبل از آن که انسان نسبت به آبادی این جهان مسئول باشد، در قبال خودش مسئولیت بالاتری دارد، زیرا «خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً»^(۲)؛ «هر آنچه در زمین است، برای انسان خلق شده» و انسان برای هیچ کدام از آنها آفریده نشده است. چون انسان خلیفه الله است، لذا به زیور «کرمنا» آراسته گردیده است. براساس چنین باوری است که

ص: ۵۵

۱- دورانت، ویل: لذات فلسفه، ص ۹۶.

۲- بقره (۲)، آیه ۲۹.

جهاد اقتصادی در راستای افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نمی تواند هیچ یک از جداییهایی را که امروزه به سبب اصلاحات برای دست یابی به رونق اقتصادی در غرب اتفاق افتاده، همراه داشته باشد.

جدایی انسان از خدا، جدایی دنیا از آخرت، جدایی دین از دنیا، جدایی انسان از انسان، جدایی دین از سیاست، جدایی مردم از دولت، جدایی ماده از معنا، جدایی حقوق از اخلاق، جدایی فرد از جامعه، جدایی اخلاق از فطرت، جدایی عدالت از حقوق، جدایی بشریت از رهبری الهی و... (۱).

پیامد اصلاحات تک بُعدی

یکسونگری و توجه افراطی به بُعد مادی و پشت پازدن به باورهای دینی و به تعبیر روایات، خود را به دنیا فروختن و از حقیقت این عالم و خود غافل شدن، از دنیای متمدن غرب چهره ای ضد بشری ساخته است. که کمترین تعهد را نسبت به ارزش های انسانی پذیرا نیست. پروفیسور چارلز بی، هندی در این باره می گوید:

ما هرگز این منظور را نداشتیم که بی ارتباط با دیگران و تنها باشیم. ما باید به چیزی جایی یا کسی تعلق داشته باشیم. تنها در جایی که «تعهد متقابل» وجود دارد می توان افرادی را دید که آماده ی فداکاری و از خود گذشتگی به خاطر دیگران هستند. ولی ما (غربیها) به هر حال با توجه به اعتقادی که به لیبرالیسم و اندیویجوالیسم - فردگرایی - داریم، نسبت به مسأله «تعهد» بسیار محتاط و محافظه کارانه عمل می کنیم، ما به واژه هایی مثل: وفاداری، وظیفه و تعهد با شک و تردید می نگریم. (۲)

لذا به تعبیر نویسنده کتاب جوان مسلمان و دنیای متجدد، «... هیچ لازم نیست کسی غیبگو و غیب دان باشد تا بفهمد که دنیای متجدد در همه زمینه ها بویژه در زمینه های اجتماعی و اقتصادی با بحرانی عمیق مواجه است، حتی این که کمونیسم قالب تهی کرده است و بسیاری از مردم گمان می کنند نظام جدیدی که در غرب تکوین و توسعه یافته کاملاً پیروز شده است. این بحران همچنان ادامه دارد و حتی به واقع وخیم تر شده است. این واقعیت را در ساخت اجتماعی که از خود بیگانگی، خیانت، اعتیاد به مواد مخدر و

ص: ۵۶

۱- اصغری، سید محمد، رشوه و احتکار، ص ۵۵.

۲- هندی، چارلز بی، عصر تضاد و تناقض، ص ۳۶۲.

بسیاری دیگر از آسیبها و اختلافات اجتماعی کل بافت جامعه جدید را تهدید می کند، یا در انهدام محیط زیست و این که حیات کل بشریت را بر روی زمین در معرض مخاطره جدی قرار داده است، به وضوح می توان دید»^(۱).

تا انسان به این باور و اعتقاد نرسد و ایمان پیدا نکند که همه انسانها یا در خلقت و آفرینش با او برابرند، و یا در دین با او برادرند^(۲)؛ چگونه ممکن است از مصلحت اندیشیهای نفس مدارانه و خودخواهانه دست بردارد و دست به تبعیضات و تزییع حقوق دیگران نزند. بر این اساس، جامعه وقتی می تواند به سامان یابی دست یابد که بین اقتصاد و دین، اقتصاد و اخلاق، اقتصاد و ارزشها و فضایل انسانی رابطه ای تنگاتنگ وجود داشته باشد.

در سایه این باورهاست که جامعه در دوران رشد و شکوفایی اقتصادی از بحرانهای بی نظمی عمومی و تبهکاری به جهت تکاثر و بخل و حسد و حرص و ولع محفوظ می ماند و جامعه گرفتار شکاف طبقاتی و تجمل پرستی نمی گردد. به تعبیر بعضی از صاحب نظران این دوران:

«برای نظم عمومی کمتر از بحران اقتصادی خطرناک نیست، زیرا موجب توسعه تجمل و تولید نیازمندیهای نوین است و چون تمام طبقات اجتماع به طور مساوی از رواج امور اقتصادی بهره مند نمی گردند و اقناع حس تجمل جویی و برآوردن نیازمندیهای نوین برای همه از طرق مشروع ممکن نیست، ناگزیر گروهی بویژه جوانان، به وسایل نامشروع متوسل و مرتکب جرم می گردند»^(۳).

امروزه پیامدها و خسارتهای جبران ناپذیر اصلاحات تک ساحتی به محیط زیست و منابع طبیعی به گونه ای است که زنگ خطر جدی را برای تمامی ساکنان کره زمین به صدا در آورده است.

در سی سال گذشته کشورهای غربی ۴۰۴۰۳۶۲ تن سوخت پرتوزا و بیش از ۴ میلیون مترمکعب زباله های آلوده کننده تولید کرده اند، که بعضی از این مواد ۲۵۰۰۰ سال فعال باقی می ماند. در سال ۱۹۷۹ بر اثر فروریختن یکی از سکوهای حفاری نفت در خلیج مکزیک روزانه ۵۰۰۰ تن نفت خام به مدت ۱۰ ماه به دریا سرازیر شد و در جنگ اخیر کشورهای غربی با عراق میلیونها تن نفت و گاز، فضا و دریا را آلوده کرد.

ص: ۵۷

۱- همان، ص ۵۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- قربان نیا، ناصر، نگاهی به فقر از منظر جرم شناسی، نامه مفید، شماره ۱۷، ص ۱۷۰.

در دریای مدیترانه، سالیانه یک میلیون تن ئیدورکربن، ۱۲۰۰۰۰ تن روغنهای معدنی، ۶۰۰۰۰ تن مواد پاک کننده، ۲۴۰۰۰۰ تن کلر و ۱۰۰ تن جیوه سرازیر می شود. مسمومیت مواد آلی و جیوه ای یک کارخانه در میناماتای ژاپن ۲۰۰۰۰ نفر را به اختلالات عصبی دچار کرد و ۸۵۷ نفر را به هلاکت رساند. این مسمومیت در اثر خوردن ماهی آلوده به وجود آمد. تولید دی اکسید کربن باعث افزایش اثر گلخانه ای در جو زمین شده و پیش بینی می شود با افزایش دو درجه حرارت در کره زمین یخ های قطب شمال آب شده و باعث بالا آمدن آب دریا شود و حیات ۳۰۰ میلیون نفر در کشورهای مختلف به مخاطره خواهد افتاد. این تهدید با تخریب جنگل ها که قادر به جذب دی اکسید کربن هستند، جدی است. (۱)

همپایی توسعه اقتصادی با عدالت اجتماعی

از جمله مسائل مورد اختلاف نظر بین صاحب نظران مکاتب اقتصادی این است که آیا اصلاحات به سمت رشد و توسعه اقتصادی مقدم بر اصلاحات اقتصادی در جهت برقراری عدالت اجتماعی است یا خیر؟ همچنین، آیا در صورت تقدم عدالت اجتماعی، رشد اقتصادی متوقف شده و یا دچار رشد منفی می گردد؟ و سرانجام، آیا ممکن است بین عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی جمع نمود؟

به نظر بعضی از اقتصاددانان مکتب نئوکلاسیک مانند «نورکس» و همفکرانش اصلاحات اقتصادی در جهت رسیدن به عدالت اجتماعی در کشورهایی که رشد اقتصادی را تازه شروع کرده اند و هنوز به مرحله رشد مداوم نرسیده اند، سبب کندی و تأثیر معکوس در رشد اقتصادی خواهد بود، زیرا رفتن به سمت عدالت اجتماعی که به همراه خود توزیع عادلانه ثروت را نیز خواهد داشت، مانع از انباشت سرمایه می شود و سرمایه ها به جای تمرکز و انباشت در جهت سرمایه گذاری برای تولید، صرف رفاه اجتماعی و مصرف کوتاه مدت می گردد و جامعه را از تحرک و پویایی اقتصادی باز می دارد.

مبنای چنین نظریه ای این است که سرمایه ها را فقط منحصر در سرمایه های فیزیکی می داند، زیرا به اعتقاد نورکس:

معنا و مفهوم تمرکز سرمایه این است که یک جامعه تمام ظرفیتهای مولد جاری خود

ص: ۵۸

۱- یوسف پور، قربان، انتقال تکنولوژی در جهان سوم و ایران، ص ۳۳.

را صرف تأمین نیازهای مصرفی خود نمی کند، بلکه بخشی از منابع مالی خود را صرف تولید کالاهای سرمایه ای مانند ماشین آلات، تجهیزات، ابزارهای تولید، تسهیلات حمل و نقل و غیره می کند. تمام اشکال سرمایه واقعی می تواند در بلند مدت و میان مدت ظرفیتهای مولد و بازدهی اقتصادی را افزایش دهد... ماهیت یا جوهر جریان تمرکز سرمایه عبارت است از تخصیص بخشی از منابع جاری سرمایه جامعه به بخشهای دیگر به منظور افزایش ذخایر سرمایه به صورت کالاهای سرمایه ای، تا بتوان

در آینده امکان بسط و توسعه بخشهای تولید کالاهای مصرفی را ایجاد کرد. (۱)

نویسنده کتاب توسعه و رشد در توضیح مطلب «نورکس» می گوید:

تعریف «نورکس» از جریان تمرکز سرمایه، به روند تمرکز سرمایه مادی منحصر است و در نتیجه از تعریف جریان تمرکز سرمایه انسانی غافل شده است. (۲)

وی در تبیین بیشتر نظریه نورکس می گوید:

نورکس معتقد است میل نهایی به مصرف در طبقات کم درآمد اجتماع بسیار زیاد و نزدیک به یک و میل نهایی به پس انداز در میان افراد طبقات مرفه در کشورهای در حال توسعه بسیار زیاد است. در این شرایط، توزیع عادلانه در آمد به معنای مصرف بیشتر و کاهش سرمایه گذاری و تولید است. البته او توزیع ناعادلانه در آمد را همیشگی نمی داند، بلکه معتقد است زمانی که اقتصاد در مرحله رشد مداوم قرار می گیرد، می توان توزیع آن را عادلانه تر کرد تا بتوان از طریق تقویت بنیه مالی طرف تقاضا رشد طرف عرضه را تداوم بخشید. (۳)

دسته دیگر اقتصاددانانی هستند که برخلاف نورکس سرمایه ها را خلاصه در سرمایه های مادی و فیزیکی نمی دانند، بلکه سرمایه های انسانی را نیز داخل در تمرکز سرمایه به شمار می آورند، مانند «سینگر» که معتقد است:

جریان تمرکز سرمایه هم شامل کالاهای قابل لمس مانند واحدهای صنعتی، ابزار تولید و ماشین آلات می شود و هم شامل کالاهای (خدمات) غیرقابل لمس (نامحسوس) مانند استاندارد بالاتر آموزش و پرورش، بهداشت، سطح علمی و تحقیقات می گردد. (۴)

از این رو، اقتصاددانان امروزه تأکید زیادی بر اهمیت سرمایه گذاری در زمینه بهداشت،

ص: ۵۹

۱- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۲، ص ۵۲۵.

۲- همان.

۳- همان، ص ۵۲۴.

۴- همان.

نقش مهمی که سرمایه انسانی، و نه صرفاً سرمایه مادی می تواند در افزایش توسعه اقتصادی و تغییرات فنی داشته باشد باید در مدلها و سیاست گذاریهای توسعه بیش از پیش مورد توجه قرار گیرد.^(۱)

«میردال»، اقتصاددان سوئدی، نیز در بررسی مجدد دیدگاه های خود درباره توسعه به این نتیجه می رسد که:

برای بالابردن سطح زندگی توده های فقیر لازم است که اصلاحاتی اساسی در نهادها انجام شود. این امر سبب می شود تا به دو هدف با هم برسیم؛ اول برابری بیشتر و دوم رشد اقتصادی.^(۲)

به اعتقاد نویسنده کتاب اقتصاد توسعه یک الگوی جدید: «رشد توأم با برابری باید موضوع اصلی اقتصاد توسعه باشد».^(۳)

به نظر این نویسنده:

هیچ کشوری را که به توسعه اقتصادی رسیده باشد سراغ نداریم که در گام اول تغییرهای عمیقی در نهادهای اجتماعی بخصوص در زمینه توزیع مجدد ثروت و درآمد به وجود نیاورده باشد.^(۴)

با توجه به آنچه گفته شد، می توان نتیجه گرفت صاحب نظرانی که به سرمایه های انسانی اهمیت داده و آنها را در جریان تمرکز سرمایه قرار می دهند و اولویتهای آنها را نیز در تقویت و حمایت از سرمایه های انسانی می دانند، نمی توانند با تقدم یا همگامی عدالت اجتماعی نسبت به رشد اقتصادی مخالفت کنند.

زیانهای ناهمپایی عدالت اجتماعی با توسعه اقتصادی

فرار سرمایه ها

از نظر عملی هم تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می دهد برخلاف انتظار

ص: ۶۰

۱- همان، ص ۵۲۶.

۲- حیدر نقوی، سید نواب، اقتصاد توسعه، یک الگوی جدید، ص ۱۱۲.

۳- همان.

۴- همان، ص ۱۱۳.

طرفداران توزیع نابرابر درآمدها که انباشت سرمایه و به کارگیری آن در تولید توسط صاحبان سرمایه باعث رشد و شکوفایی اقتصادی گردد، این سرمایه ها یا به خارج از کشور منتقل شده و یا صرف افزایش استاندارد زندگی شخصی و رساندن آن به سطح کشورهای سرمایه داری و تجمل گرایی شده است. در مورد فرار سرمایه ها به خارج از کشور مسئله بسیار جدی است، چنان که حتی وامهایی که صاحبان قدرت اقتصادی از منابع داخلی و خارجی دریافت می کنند نیز از این امر مستثنا نبوده و نیست.

عامل مهم دیگری که فاجعه اقتصادی کشورهای بدهکار را عمیق تر کرده، فرار سرمایه از این کشورها از سوی سرمایه داران محلی و نخبگان حکومتی است. مبالغ کلانی که به عنوان وام در ظاهر برای توسعه صنعتی و یا جبران کسری بودجه از بانکهای خصوصی تجاری و یا دولتهای غربی گرفته می شود، دوباره به سوی غرب سرازیر شده، و به حسابهای سپرده سرمایه داران و مقامهای دولتی و صاحبان شرکتهای محلی واریز می گردد.

بانک واریزهای بین المللی تخمین زده است که در فاصله سالهای ۱۹۷۷ تا ۱۹۸۳، ۵۵ میلیارد دلار از سرمایه های کشورهای آمریکای لاتین به بانکهای اروپایی و آمریکایی روانه شده است. در سال ۱۹۸۶ بانک آمریکایی مورگان کارانتی میزان فرار سرمایه از ده کشور عمده بدهکار آمریکای لاتین را معادل هفتاد درصد کل وامهای دریافتی آنان از ۱۹۸۳ تا ۱۹۸۵ اعلام نمود. در این لیست، دولت مکزیک با وام دریافتی به میزان نه میلیارد دلار در طول دو سال و شانزده میلیارد دلار سرمایه های فراری به خارج، در ردیف اول قرار دارد.

مدیر مکزیک بانک توسعه آمریکای لاتین، رقم سرمایه های فراری از مکزیک در فاصله سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ را نود میلیارد دلار اعلام نموده که این مبلغ بیشتر از کل بدهی خارجی مکزیک در آن زمان می باشد. یک نشریه مکزیک در سال ۱۹۸۵ اسامی ۵۷۵ نفر از مکزیکایی هایی را چاپ کرد که هر کدام حداقل یک میلیون دلار در حساب های سپرده خود در بانکهای خارجی پس انداز کرده اند.^(۱)

گزارش بانک جهانی در سال ۱۹۹۰ نشان می دهد در سال ۱۹۸۹ ثروتهای انتقال یافته از کشورهای در حال توسعه به کشورهای سرمایه داری به رکورد تازه ای دست یافته و از مرز ۹/۴۲ میلیارد دلار گذشته است و این نشانگر افزایش سه میلیارد دلار نسبت به سال ۱۹۸۸

ص: ۶۱

نامنی و افزایش هزینه های اجتماعی

«آرتور لوئیس»، از طرفداران توزیع نابرابر درآمدها در اصلاحات اقتصادی برای افزایش رشد اقتصادی، معتقد است:

نسبت پس انداز به درآمد ملی نه تنها تابعی از توزیع ناعادلانه در آمد و ثروت است، بلکه دقیقاً تابعی از نسبت سود به درآمد ملی نیز هست. (۲)

لذا معیارهایی را که «لوئیس» به منظور توسعه اقتصادی مطرح می کند، سبب افزایش توزیع نابرابر درآمدهای ملی می گردد.

«پروفسور گادگیل» در ردّ نظریه «لوئیس» و امکان این که چنین نظریه ای در کشورهای جهان سوم جواب مثبت ندهد، می گوید:

افزایش سهم سود در درآمد ملی به بهای افزایش پس انداز برای تمرکز هر چه بیشتر سرمایه در کشورهای در حال توسعه که سازماندهی سیاسی محکمی ندارند، اغتشاش و تنشهای سیاسی ایجاد می کند و سرمایه گذاری را برای طبقه سرمایه دار ناممکن و غیر اقتصادی می سازد، زیرا طبقات سوداندوز لزوماً تمایلی به افزایش و بهبود شرایط رفاهی زندگی توده های مردم ندارند، بلکه هدف اصلی آنها تجمع ارزش اضافی و سود است. (۳)

«گارگیل» با کمی تردید نسبت به بیان زیانهای اجتماعی و بالا رفتن هزینه های سرمایه گذاری در بی توجهی به اصلاحات اقتصادی در جهت توزیع درآمدی و تحقق عدالت اجتماعی اظهار نظر کرده است، اما واقعیت این است که این موضوع حتی کشورهایی را که به نظر گارگیل ثبات سیاسی دارند، به مشکل جدی دچار کرده است. برای مثال:

تبعیض اقتصادی واقعی، آمریکا را دوپاره می کند، در این دیار که از هر هشت کودک یکی به اندازه نیازش غذا ندارد، درصد مرگ و میر کودکان در فقیرنشین ترین محله ها مدام افزایش می یابد و از میزان مرگ و میرهایی که در

ص: ۶۲

۱- گارودی، روزه، آمریکا پیشتاز انحطاط، ص ۶۶.

۲- قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، ج ۲، ص ۵۳۳.

۳- همان، ص ۵۳۴.

کشورهایی چون سریلانکا، پاناما، شیلی و جامائیکا می بینیم، فراتر می رود. در پای کاپیتول، محله هایی یافت می شود که تمام انواع دردهای شهری آنها را در بر می گیرد: خشونت، بزهکاری، نوجوانهایی صاحب فرزند، فقر، سازمانهای آموزشی مبتدل، همه بر زمینه ای از شکاف اجتماعی و مواد مخدر قوی. قطعاً واشینگتن یکی از کلان ترین بودجه های مربوط به امداد پزشکی کشور را دارد، ولی نظام بهداشتی در آنجا چنان است که تعداد زایمانهای پیش از هنگام، به خصوص درست پس از اول ماه که دولت کمکهای اجتماعی را پرداخت می کند، به شدت زیاد می شود. در نیمه دوم ماه باید با مسائلی از نوع دیگر مقابله کرد: پولی وجود ندارد و به این ترتیب چیزی برای خوردن یافت نمی شود. آن وقت زیر زمینی که به عنوان ستاد «برنامه سلامت نوزادان» مورد استفاده قرار می گیرد، شاهد هجوم افراد می شود. (۱)

نقش مسئولان در تحقق عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی صرفاً با صدور فرمانهای حکومتی امکان پذیر نیست، بلکه افراد جامعه باید عدالت اجتماعی را در زندگی روزمره خود لمس کنند و در عمل آن را ببینند. در این صورت است که در جامعه تحرک و پویایی و همبستگی و دلگرمی در کارهای اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی به وجود خواهد آمد. اما اگر افراد جامعه احساس کنند کار و تلاش و کوشش و رنج و زحمت از آنهاست ولی بهره گیری و آسایش و راحتی و تفریح و خوشی از آن دیگران است، یقیناً تن به کار و کوشش و مجاهدت نخواهند داد. در چنین جامعه ای، شکوفایی و رونق اقتصادی هرگز به وقوع نخواهد پیوست و جامعه از درون دچار فقر عمومی خواهد شد.

از این رو، از عواملی مهمی که می تواند عدالت اجتماعی را در جامعه خدشه دار و زمینه فساد اجتماعی را فراهم سازد، زندگی اشرافی و تجملاتی مسئولان و دست اندرکاران نظام اجتماعی جامعه است، زیرا بدون شک این گونه زندگی مسئولان نه تنها موجب بروز انحرافات در مردم می شود، بلکه سبب می گردد تا رده های پایین تر مسئولین که از آن نوع زندگی برخوردار نیستند، برای دستیابی به آن نوع زندگی که نداشتن آن نوعی حقارت و کمبود شخصیت برای آنها به دنبال دارد، دست به سرقت، ارتشا، اختلاس و کارهایی از این قبیل بزنند. ابن خلدون در تحلیل این مطلب که همراهی و

ص: ۶۳

همگامی مسئولین با مردم و زندگی ساده و به دور از زرق و برق آنها چه تأثیر بسزایی می تواند در رونق یافتن فعالیتهای اقتصادی و شکوفایی جامعه داشته باشد، می نویسد:

اگر حاکم، همراه و مهربان باشد آرزوهای رعیت گسترش می یابد و برای آبادانی و فراهم نمودن اسباب آن فعال تر می شوند. باید دانست که تجاوز به اموال مردم، آنان را از به دست آوردن و بارور کردن ثروت نومید می سازد، چرا که می بینند در چنین شرایطی، سرانجام هستی شان را به غارت می برند و آنچه را به دست می آورند، از ایشان می ربایند و هرگاه مردم از به دست آوردن و تولید ثروت نومید شوند، از کوشش و تلاش در راه آن دست برمی دارند. بنابراین، اگر مردم در راه معاش خود کوشش نکنند و دست از پیشه ها بردارند، بازارهای اجتماعی و آبادانی بی رونق می شود و احوال متزلزل می گردد و مردم در جستجوی روزی از آن سرزمین رخت بر می بندند و در نواحی دیگر که بیرون از قلمرو فرمانروایی آن ناحیه است، پراکنده می شوند و در نتیجه، جمعیت آن ناحیه تقلیل می یابد و شهرهای آن از سکنه خالی می شود و شهرستانهای آن ویران می گردد و پریشانی آن دیار به دولت و سلطان هم سرایت می کند.^(۱)

ص: ۶۴

۱- عسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، ص ۱۰۳ .

فصل ۴: مبانی جهاد اقتصادی: توسعه روئیده در بستر دین و ارزشهای دینی

اشاره

آنچه مسلم است، جهاد اقتصادی در بستر رشد و توسعه اقتصادی می تواند تحقق یابد و از آنجا که دین اسلام و بویژه مکتب و مذهب تشیع، در برابر توسعه نه تنها منفعل نیست، بلکه با توجه به جهت گیری خاص و فعالی که در رابطه با چگونگی زندگی این جهانی برای انسان دارد، در خصوص مبانی، اهداف و جهت گیریهای توسعه نیز دارای موضعی مشخص و معین است.

در راستای چنین باوری است که در این فصل تلاش می شود هم به چرایی توسعه نیافتگی در جهان اسلام پاسخ داده شود، و هم به مبانی توسعه از منظر اسلام با توجه به آراء و نظریات شهید مطهری پرداخته شود.

الف) جهان اسلام و توسعه نیافتگی

نگاهی تاریخی

ایستایی فرهنگ و تمدن اسلامی پس از قرنهای متمادی تحرک و پویایی، این سؤال

ص: ۶۵

جدی را در تمامی اذهان اندیشمندان جهان اعم از مسلمان و غیرمسلمان برانگیخت که چه عامل یا عواملی باعث شد تمدن اسلامی با آن همه عظمت و شکوفایی که در مدت قریب به هشت قرن جهانیان را به خود خیره کرده و به قدری در تمامی ابعاد اجتماعی از جاذبه قوی برخوردار بود که بسیاری از ملتها به سراغ آیین حیات بخش اسلام آمدند، ناگهان به خاموشی گرایید؟ فرهنگ و تمدن اسلامی در بیش از نیمی از سرزمینهای آباد جهان آن روز توانسته بود توسعه و پیشرفت روزافزونی را به وجود آورد؛ چنان که به تعبیر «کریمرز» «اگر می خواستیم نقشه ای از اوضاع سیاسی اروپا، آفریقا و آسیای غربی در اواسط قرن دهم ترسیم نماییم، مشاهده می نمودیم که قسمت اعظم دنیای مسکون، به وسیله کشورهای که

حکومت اسلامی و تمدن اسلامی داشتند، تصرف شده بود».^(۱)

با ظهور و پیدایش تمدن غرب بعد از رنسانس، یافتن پاسخ این سؤال برای مسلمانان حیاتی و سرنوشت ساز به شمار می آمد؛ زیرا تمدن غربی ناخودآگاه پاسخ به این سؤال را این گونه در اذهان القا می نمود که شاید علت ایستایی و پویا نبودن تمدن اسلامی، ریشه در خود اسلام داشته باشد که نتوانسته نیاز زمانه را برآورده سازد و همراه زمان به پیش برود. اما با حضور دوباره اسلام در دهه های آخر قرن بیستم در صحنه حیات اجتماعی و ایجاد تحرک و پویایی بی نظیر آن در ملتهای اسلامی، از جمله به شکل گیری انقلاب اسلامی در ایران، چالش جدی را در برابر این پاسخ که اسلام را متهم به ناتوانی می کرد به وجود آورد و به تعبیر «رنان» «چه بسا اندیشه زاینده و مستعد اسلامی بار دیگر به ابداع تمدنی نایل آید که از تمدن از میان رفته آن نیز پیشرفته تر باشد».^(۲)

تعریف توسعه و توسعه نیافتگی

چنانچه توسعه را فرایند یک تمدن بدانیم و تمدن را دستاوردهای مادی و معنوی انسانها که برگرفته از اندیشه ها و بینشها و باورهای آنها نسبت به این جهان است، معنی کنیم؛ در این صورت مراد ما از توسعه «فرایندی است که طی آن همه ابعاد زندگی مادی و معنوی انسان را در راستای رسیدن به هدفی متعالی که برخاسته از باورها و اعتقادات اوست، به

ص: ۶۶

۱- قربانی، زین العابدین، علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، ص ۱۶.

۲- جندی، انور، اسلام و جهان معاصر، ص ۲۰.

بعضی معتقدند «توسعه اصطلاحی نیست که به دلخواه از پیش خود بخواهیم آن را تعریف کنیم ... به این ترتیب حتی نباید ارزشها یا آرمانهایی را که بنابر تمایلات فرهنگی خود برای تحول جامعه ضروری می دانیم، در تعریف توسعه دخالت دهیم»^(۱)؛ اما واقعیت (در ردّ این تنگ نظری) چه در بُعد عملی و چه در بُعد نظری، خلاف آن را به اثبات رسانده است.

امروزه تعریفهای متفاوت و الگوهای مختلف توسعه نشان می دهد نمی توان برای توسعه یک معنی و یک الگوی جهان شمول فرض کرد و همگان را به پیروی از آن واداشت.

با توجه به تعریفی که از توسعه ارائه شد، توسعه نیافتگی را چنین تعریف می کنیم:

توسعه نیافتگی عبارت است از در جایگاه تاریخی خود زیست نکردن و از موقعیت و زمان خود عقب ماندن.^(۲)

نگاهی کلی به آرا و نظریات درباره رابطه اسلام با توسعه

اشاره

امروزه آنچه در جهان با عنوان «توسعه» اعم از اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... شناخته می شود در بستری غیردینی به وقوع پیوسته است و به طور طبیعی این سؤال را در اذهان تداعی می کند که آیا دین و به تبع آن جوامع دینی ظرفیتهای لازم را برای تحقق توسعه در هر یک از ابعاد آن دارند یا نه؟ اگر جواب مثبت است، چه عواملی سبب شده است جوامعی که مدعی اسلام هستند، توسعه نیابند؟ این سؤال به جواب قانع کننده ای نیاز دارد، که اگر اسلام طرح و برنامه ای برای توسعه یافتگی این جهان ندارد و از چنین توانی برخوردار نیست، به طور طبیعی باید چشم به الگوهای توسعه غربی دوخت و از آنها پیروی کرد. در این راستا، حداقل دو نظریه و دو طرز تفکر حایز اهمیت است:

الف) یک نظریه مربوط به کسانی است که معتقدند اسلام هرگز سخنی برای نظام اجتماعی جامعه نداشته و ندارد و مسلمانان بی جهت خود را به زحمت می اندازند تا دین را وارد صحنه نظام اجتماعی کنند. به نظر این گروه، دین انعطاف پذیری لازم را برای انجام

ص: ۶۷

۱- قاضیان، حسین، درباره تعریف توسعه، (ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۶۳-۶۴) ص ۱۰۰.

۲- عظیمی، حسین، ایران امروز در آیینۀ مباحث توسعه، ص ۴۴.

چنین کاری ندارد و بهترین دفاع از دین، دور نگه داشتن آن از ورود به مسائل اجتماعی است.

خاستگاه این تفکر را باید در اروپا و غرب پس از قرن هفدهم جستجو کرد؛ زیرا فیلسوفان و متفکران غربی با همان بینش و تفکری که نسبت به دین مسیح داشتند - که آن را مانع توسعه و پیشرفت مادی می دانستند - بقیه ادیان از جمله اسلام را نیز با همین معیار و بینش می سنجیدند. «گرچه نحوه تلقی مسیحیت از زندگانی در دوره قرون وسطی با طرز تلقی مذاهب بودایی کنفوسیوس - تائونی، اسلام، هندو، و سایر مذاهب یا فلسفه های غیرغربی در بسیاری از مناطق جهان یکسان نیست، آثار عملی این عقاید و نظریات از نظر امور اقتصادی به طوری که در جهان غرب استنباط کرده اند، کما بیش یکسان است. (۱) لذا به اعتقاد یکی از اندیشمندان اسلامی «... این نظریات شگفت انگیز را همانند سایر چیزها، از ماورای بحار و آن طرف دنیا گرفته ایم». (۲)

مهندس مهدی بازرگان در بخشی از گفتارش با تصریح به اینکه «شرایع الهی و به خصوص اسلام در مجموعه تعلیمات و احکام خود صراحتاً یا تلویحاً وارد همه قضایای زندگی این دنیای مردم شده است، از خوردن و خوابیدن و پوشیدن و ازدواج و خانواده تشکیل دادن گرفته تا بهداشت و اقتصاد و اخلاق و جنگ و حکومت. اگر کلمه طیبه لاله الاالله را که چکیده آیین و کلید رضوان است نگاه کنیم، با گفتن آن تندترین و فراگیرترین شعار سیاسی را ادا کرده ایم و به جنگ تمام پادشاهان و فرمانروایان و دیکتاتورهای تاریخ و نظامهای سیاسی و ایدئولوژی های دنیا رفته ایم. ورود و دخالت در سیاست از این بیشتر نمی شود...» (۳). با این حال، وی خیلی محترمانه اصرار دارد که دست دین را از نظام اجتماعی کوتاه کند و نگذارد شریعت اسلام وارد زندگی اجتماعی و حیات دنیوی مردم گردد. لذا می گوید:

قرآن که ثمره و خلاصه دعوت و زبان رسالت است، نه تنها سفارش و دستوری برای

ص: ۶۸

۱- موسائی، میثم، دین و فرهنگ توسعه، ص ۲۱.

۲- قطب، سید محمد، عدالت اجتماعی در اسلام، ص ۳۷.

۳- بازرگان، مهدی، آخرت و خدا، هدف بعثت انبیاء، (کیان، شماره ۲۸)، ص ۵۲.

دنیا به ما نمی دهد، بلکه ما را ملامت می کند که چرا این اندازه به دنیا می پردازید... (۱)

شاید بتوان گفت آنچه سبب شده بازرگان دچار چنین نظریه و اعتقادی شود، ریشه اصلی آن بازگشت به توسعه نیافتگی جوامع اسلامی و ناتوانی آنان از سر و سامان دادن به زندگی اجتماعی آنان باشد. از این رو، وی برای این که مبادا بی پاسخ ماندن این توسعه نیافتگی دامن شریعت را نیز بگیرد، می گوید:

چنانچه آخرت و خدا را برنامه اصلی بعثت انبیا بدانیم و امر و اصلاح دنیا هدف و وظیفه ادیان الهی نباشد، دیگر ایراد و نقصی برای ادیان نخواهد بود که گفته شود در اصول و احکام دین همه مسائل و مشکلات زندگی و دستورات عملی جامع و کامل سیاسی و اجتماعی و اقتصادی مورد نیاز جوامع وجود ندارد. (۲)

دکتر عبدالکریم سروش نیز در این باره می نویسد:

... کار تمدن اسلامی به سامان نمی رسد، مگر این که عقلانیت مستقل غیرنقلی و غیر ولایی در این تمدن تزریق شود. فقط با این نوع عقلانیت مستقل از دین است که می توانیم ضعفهای این تمدن را، اگر چاره پذیر باشد چاره کنیم... این از پیامدهای ناخواسته ظهور یک رسول است که پیروان او پس از او، از همه لحاظ به او متکی می شوند، همه چیزشان را از او می خواهند و در نتیجه تعادلشان را در می بازند. (۳)

سروش برای بازیابی این تعادل و دستیابی به عقلانیت مستقل غیردینی و ساماندهی تمدن اسلامی، تنها راه ممکن را فراخوانی به سوی جامعه مدنی می داند؛ جامعه ای که قوانین آن برگرفته از قرارداد اجتماعی و شالوده آن بر توافق جمعی استوار و معتقد است: «... رضایت عامه و توافق عامه چنین حقی را دارد و لا غیر...» (۴) و این «... هم مشروع و هم موفق است» (۵).

ب) نظریه دوم بر تفکر و بینشی استوار است که پیروانش معتقدند دین نه تنها دارای این توان و ظرفیت است، بلکه توسعه در تمامی ابعادش که دارای کمترین پیامد و آسیبهای اجتماعی و زیست محیطی است، در پرتو اجرای احکام دین و نظام دینی به وجود آید.

ص: ۶۹

۱- همان، ص ۶۲.

۲- همان، ص ۵۴.

۳- سروش، عبدالکریم، بعثت و بحران هویت، (کیان، شماره ۴۹) ص ۱۱.

۴- همو، نسبت عدالت و قانون، (جهان اندیشه، شماره ۲) ص ۲۳.

۵- همان.

نویسنده کتاب توسعه در اسلام در این باره می گوید:

نگرش اسلام به توسعه، بر این پایه استوار است که خداوند سبحان هستی را آفرید و انسان را در زمین جانشین خود قرار داد تا طبق روش و شریعت الهی به عمران و آبادانی زمین پردازد. خداوند متعال همچنین انسان را متمایز از سایر مخلوقات آفرید، تا او بتواند این وظیفه را انجام دهد. پروردگار همچنین به فضل و کرم خویش تمام امکانات لازم را در انجام این مأموریت برای وی فراهم کرد. از این رو سرنوشت انسان و آینده او در دنیا و آخرت، با توجه به انجام (یا عدم انجام) این مأموریت توسط او رقم می خورد و تعیین می شود.

منظور از روش الهی، قوانین نظم دهنده حیات بشری است که پیامبران الهی برای مردم آوردند، تا آن که نوبت به رسالت اسلام رسید که پرچم آن را حضرت محمد(صلی الله علیه و آله وسلم) بر دوش داشت و آن را برای همه مردم جهان ارائه نمود.^(۱)

از منظر نویسنده کتاب مدینه اسلامی آنچه فرهنگ و تمدن اسلامی را از سایر فرهنگها و تمدنها جدا می سازد، این است که این فرهنگ و تمدن برخاسته از شریعت اسلام است؛ شریعتی که برای تمامی ابعاد زندگی انسان برنامه واحکام خاص خود را وضع کرده و در تمامی زمانها و مکانها ساری و جاری است و با عمل به این قوانین شریعت است که بشر می تواند به مدینه فاضله دست یابد.^(۲)

علامه طباطبایی(رحمه الله) در تفسیر المیزان با بیان این مطلب که قرآن کریم احکام و سنتهایی را که برای تمامی ابعاد زندگی بشر تشریح کرد، به گونه ای است که نوع انسان را در تمامی حالاتش محکوم به احکام خود دانسته، و در تمامی شئون او اعم از مادی و معنوی، نظر دارد. در پایان نیز نتیجه می گیرد که قرآن نسبت به تمامی علوم و صناعی که به نوعی با زندگی بشر در ارتباط هستند، بی تفاوت نبوده، بلکه صاحب نظر می باشد.^(۳)

سخنی درباره نظریه اول

این نظریه از دو جهت قابل نقد و بررسی است: نخست از جهت نظری. این نظریه با متون دینی سازگاری ندارد و دچار تناقض است؛ زیرا چگونه می توان پذیرفت که دین

ص: ۷۰

۱- عسل، ابراهیم، توسعه در اسلام، ص ۷۶.

۲- عبدالستار، عثمان محمد، مدینه اسلامی، ص ۱۲.

۳- طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ج ۵، ص ۴۴۳.

برای اداره نظام اجتماعی جامعه هیچ برنامه و نظری نداشته باشد و نسبت به آن بی تفاوت باشد و مسلمانان در زندگی اجتماعی شان تابع قوانین و نظامهایی باشند که بر اصول و مبانی کفر و شرک برپا شده اند؛ در حالی که خدای سبحان در سوره مبارکه نساء (آیه ۹۷) وقتی شرح حال عده ای را که از آنها تعبیر به ظلم کنندگان به خود بیان می کند و به شرح پرسش و پاسخ آنها با ملائکه ای که جان آنها را ستانده اند می پردازد، در رد عذری که آنان به آن چنگ زده خود را مستضعف معرفی می کنند، می فرماید:

«آیا زمین خدا وسعت یافته نبود، تا با هجرت از سرزمینی که در آن نمی توانستید با احکام الهی آشنا و عامل به آن باشید، به جایی مهاجرت کنید که زمینه برای فراگیری و

عمل به آن فراهم باشد». قرآن تنها عذر یک گروه را می پذیرد؛ کسانی که هیچ چاره ای جز پذیرش شرایط حاکم بر زندگی خود را نداشته اند، و از هر نوع واکنش در برابر شرایط موجود ناتوان بوده اند. تازه این گروه را هم خداوند با منت نهادن بر آنها می فرماید، امید است که خداوند از آنچه نباید به آن تن می دادند در گذرد و آنها را مورد عفو و بخشایش خود قرار دهد.

دوم، از جهت عملی آیا یک فرد مسلمان می تواند بپذیرد که دستورهای عملی و رفتاری اسلام برای دعوت و فراخوانی انسانها به سوی زندگی بدوی و غارنشینی آمده است، تا هر کسی در سوراخی خزیده، به زندگی فردی خود پردازد، یا اینکه احکام و دستورات عملی دین، تمامی انسانها را به سوی زندگی جمعی و ایجاد نظام اجتماعی فرا می خواند و به تعبیر شیخ محمد مهدی شمس الدین «... ساختار هدفهای اسلام ایجاب می کند که به امور مادی و معنوی به یک اندازه در کنار هم اهمیت دهد که بر جامعیت ماده و معنی به گونه ای متعادل تأکید کرده است. مسئولیت انسان را به امور معنوی محدود نکرده است، و به همان نسبت که دستورهای معنوی دارد، بشر را به مسئولیت های دنیایی و تنظیم روابط اجتماعی مکلف کرده است. از ساده ترین مسائل جامعه تا پیچیده ترین مشکلات روابط اجتماعی را روشن کرده است، و راه حل مشکلات احتمالی را نشان داده است و راهنمایی لازم را درباره هر مسئله به وضوح بیان کرده است، به گونه ای که در همه زمانها صلاحیت بقا و اجرا را داشته باشد؛ زیرا اسلام می داند که پایه استوار حیات جامعه در گرو اهتمام به این هردو جنبه است. با این توضیح، فرضیه جدایی دین از زندگی

اجتماعی به هیچ رو نمی تواند با طبیعت دین اسلام سازگار باشد. (۱)

بی شک، دینی که مدعی است پیروانش حق ندارند حتی برای محاکمات قضایی خود نزد طاغوت بروند و حل و فصل خصومات را از وی بخواهند و اگر کسی چنین کاری را انجام داد، قرآن از او تعبیر می کند به کسی که گمان می کند مؤمن است و ایمان دارد، و در حقیقت او را از صف مؤمنان خارج می سازد (نساء، ۶۰). از سوی دیگر، حرمت ربا، حرمت تکیه بر ظالم، حرمت کتز اموال، قطع دست سارق، جلوگیری از مفسد اجتماعی و ایجاد عدالت اجتماعی و... را طرح کند و با این حال بخواهد این خواسته ها در نظام کفرآمیز سرمایه داری، یا نظام برده وار سوسیالیستی یا هر نظام دیگری به غیر از نظام دینی و اسلامی، به اجرا در آورد.

از سویی هم در تلاش باشد تا از پیروان خود اسوه و الگو برای تمامی ادوار و نسلهای آینده بسازد؛ زیرا آنان خیر امت هستند. آیا اینها خود تناقضی آشکار نخواهد بود؟ لذا از منظر امام خمینی (قدس سرّه) «اسلام دارای سیستم و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است که برای تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی قوانین خاص دارد و جز آن را برای سعادت جامعه نمی پذیرد». (۲)

نقش اسلام در توسعه و تمدن جهان

اسلام توانست سالیان متمادی نقش بسیار سرنوشت ساز و تعیین کننده ای را در توسعه و پیشرفت فرهنگ و تمدن مادی و معنوی بخش عظیمی از جهان بر جای بگذارد.

اسلام از عرب جاهلی انسانی متمدن تربیت نمود که روح تعاون و همکاری و برادری و ایمان به نصرت الهی، خمیرمایه اصلی تحرک و تکاپوی اجتماعی او بود و با پیوند بین حیات دنیوی و اخروی و تلاش برای رسیدن به سعادت اخروی، زندگی هدفمندانه ای را برای او ترسیم کرد. در سایه چنین بینشی، جلوه های گوناگون زندگی مسلمانان رنگ و بوی دینی به خود گرفت.

تعالیم اسلام نه تنها مانعی بر سر راه پیشرفت و ترقی و تعالی زندگی اجتماعی نبود، بلکه

ص: ۷۲

۱- شمس الدین، محمد مهدی، نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ص ۲۱.

۲- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶۷.

بهترین وسیله و عاملی شد برای توسعه و آبادانی و رونق شهرها و این مسئله به قدری مورد توجه مسلمانان قرار گرفت که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با وجود گرفتاریها، لحظه ای از سروسامان دادن به نظام شهری مدینه و عمران و آبادانی آن غافل نمی شد.

امور عمرانی شهر مدینه با اشراف رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) گامهای سریع و گوناگونی برداشت و در نهایت منجر به پیدایش سنتهای جدیدی در امور عمرانی شد که این سنتها بعدها در بنای شهرهای جدید به کار گرفته می شدند... (۱)

مسلمانان با تاسی به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و بهره گیری از تعالیم حیات بخش اسلام توانستند در توسعه و عمران شهرها از خود نوعی نشان دهند که زبانزد خاص و عام گردید.

با توجه به جنبه های مادی تمدن اسلامی، یعنی بازرگانی، صنعت و کشاورزی، این تمدن بر تمدن اروپای باختری هم عرش برتری داشت. هنر، علم، پزشکی، فلسفه و به طور کلی دانشها مصداقهای این برتری بودند. (۲)

در سایه چنین تمدن برگرفته از فرهنگ اسلامی بود که شهرهایی مانند دمشق و قاهره از زیبایی وصف ناپذیری برخوردار بودند که چشم هر بیننده ای را به خیرگی وا می داشت.

جهانگردی که به نزدیکی دمشق می رسد، خود را در یک فضای با عظمت و زیبا و سحرانگیزی می نگرد که نظیر آن را در دنیا نخواهد دید. سبزه زارهای اطراف شهر که در یک دشت پهناور قرار گرفته، باغهای با طراوتی که شهر را احاطه کرده، خانه های زیبایی که در لابلاي درختان به چشم می خورد، باروی شهر دمشق که خود به طرز باشکوه و زیبایی گرداگرد شهر کشیده شده و برخلاف برج و باروهای خفه و کثیف شهرهای اروپا این بارو از سنگهای زرد و سیاه و الوان و اشکال مختلف، برخی سه گوش و برخی گرد و بعضی چهار گوش، با مهارت فنی خاص به کار رفته... (۳)

نویسنده تاریخ تمدن اسلام و عرب، در قسمتی از کتابش به این مطلب تصریح می کند در روزگاری که اروپا دوران توحش خودش را می گذراند و هیچ بهره ای از تمدن نبرده بود، اسلام توانست نور علم و دانش و تمدنی جذاب را در دو مرکز اصلی خلافت اسلامی بغداد و قرطبه به نمایش بگذارد، و مانند دو چراغ فروزان به سراسر جهان

ص: ۷۳

۱- عبدالستار، عثمان محمد، مدینه اسلامی، ص ۶۲.

۲- لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳- لوبون، گوستاو، تمدن اسلام و عرب، ص ۱۹۸.

تأثیر فرهنگ و تمدن اسلامی در پیشرفت اقتصادی اسپانیا

فتح اسپانیا توسط مسلمانان و ورود علم و دانش به آن جا پس از سده دهم میلادی (سوم هجرت) در تاریخ این سرزمین اهمیت ویژه ای دارد. زندگی مردم این کشور با پذیرش فرهنگ و تمدن اسلامی به سرعت با تحولی عظیم روبرو شد و شهرهای قرطبه، طلیطله و غرناطه به مراکز شکوفایی اقتصادی مبدل گردید و شهرها رشد و توسعه یافت؛ زیرا مسلمانان با به کارگیری شیوه های نوین کشاورزی، در بخش آبیاری در اسپانیا، حتی زندگی روستایی را با بردن انواع بذر و نباتات از قبیل هلو، زردآلو، انار، پرتقال، برنج، زعفران، پنبه و نیشکر رونق و دگرگونی خاصی بخشیدند، به گونه ای که با تحول در بخش کشاورزی، بازرگانی نیز توسعه و رونق پیدا کرد، و بندرهای مالقه، والمریه به مراکز پررونق تجاری تبدیل شد. (۲)

تأثیر عدالت اسلامی بر توسعه اقتصادی اسپانیا

یکی از دلایل مهم رونق اقتصادی اسپانیا در دوره اسلامی، علاوه بر آنچه ذکر شد، توجه مسلمانان به عدالت اجتماعی و عمل کردن به آن در این سرزمین بود؛ زیرا اولاً، امتیازهای طبقاتی و زندگی اشرافی از میان رفت و لذا سرفها و غلامان توانستند در زمینهایی که به تصرف مسلمانان درآمده بود، به کشت و کار و تولید محصول بپردازند.

ثانیاً، مالیاتها و باج خواهی هایی که مانع کارهای هنری و فنی بود و باعث لطمه زدن به تجارت و کسب و کار می گردید، از میان برداشته شد.

ثالثاً، توجه به عدل و انصاف در تعیین مالیات، و در نتیجه با تغییر شرایط و تطبیق آن با پرداخت مالیات و در نظر گرفتن وضعیت زندگی مودعی مالیاتی، مورد دقت قرار می گرفت.

رابعاً، مسلمانان به غیر از اراضی اشراف و یاغیان و فراریانی که املاک خود را ترک کرده بودند، هیچ گونه تعرضی نسبت به اراضی و املاک عامه مردم شهرهای اسپانیا

ص: ۷۴

۱- همان، ص ۲۰۴.

۲- لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۶۷.

نداشتند و براساس قراردادهای و پیمانهای که با آنان بسته بودند، به همان عمل می کردند.^(۱)

از منظر یک خاورشناس بزرگ مسیحی «اسپانیا در همه تاریخ خود حکومتی عادل و مهربان چون دوران فاتحان عرب نداشته بود»^(۲).

گرچه «ویل دورانت» می گوید سخن این نویسنده مسیحی را برخاسته از احساسات و هیجان او نسبت به مسلمانان قلمداد کند، با این حال معتقد است که «رای وی با کمی تعدیل درست و بجاست»^(۳).

این مورخ شهیر تصریح می کند: «باید اعتراف کنیم که خلفای دوران اول از ابوبکر تا مأمون، در قسمت وسیعی از دنیا، مقررات شایسته و مناسبی برای زندگی انسانی پدید آوردند و از همه فرمانروایان تاریخ تواناتر بودند. آنها نیز می توانستند مانند مغولان و مجاران یا نورس های مهاجم، همه چیز را مصادره کنند یا به ویرانی کشانند، اما نکردند و فقط به وضع مالیات اکتفا کردند»^(۴). وی به بیان حقیقتی پرداخته است که نشانه شیوه و نظم و مدیریت خاص مسلمانان در اداره و نظم اجتماع است؛ شیوه ای که برگرفته از آیین جامع و کامل اسلام بود، چنان که قرآن حتی نسبت به دشمنان نیز اجازه برخورد غیرعادلانه را به مسلمانان نمی دهد، و از آنان می خواهد که موازین عدل و انصاف را نسبت به تمام افراد و اقوام، اعم از دوست و دشمن، جاری سازند.

مسلمانان با اتخاذ چنین شیوه و سیاستی توانستند دروازه های شهرهای بزرگ را بدون کمترین مقاومتی به روی خود بکشایند و موفقیت فراوانی را در جهت توسعه و آبادانی شهرها به دست آوردند. «ویل دورانت» با اشاره به بخشی از شیوه و روش اداره نظام اجتماعی در اسپانیا توسط حاکمان مسلمان و نتیجه و دستاورد خوب آن در رونق اقتصادی و افزایش رفاه اجتماعی، می نویسد:

حاکمان اموی در اداره امور عامه در دنیای مغرب آن عصر توانایی کافی داشتند. مقرراتشان براساس عقل و ترحم بود و یک هیئت قضایی منظم بر اجرای آن نظارت داشت. درباره بومیان غالباً مطابق قوانین خودشان و به وسیله مأموران بومی قضاوت

ص: ۷۵

۱- ممتحن، حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، ج ۲، ص ۴۲۱-۴۲۲.

۲- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۷۹.

۳- همان.

۴- همان، ص ۲۹۰.

می شد. در شهر پلیسی بود که مراقبت از امنیت را برعهده داشت و بر بازارها و پیمانان و وزن نظارت دقیق می کرد. دولت، در فواصل منظم، آمارهای مردم و املاک می گرفت. مالیاتها در مقایسه با روم و روم شرقی معتدل بود. درآمد دولت به دوران عبدالرحمان سوم ۱۲۰۴۵۰۰۰ دینار طلا- (معادل ۵۷۲۱۳۷۵۰ دلار آمریکا) بود. به احتمال قوی، این مبلغ از مجموع درآمد حکومتهای ممالک مسیحی لاتینی بیشتر بوده است. این درآمد بیشتر نتیجه حکومت خوب و بهبود زراعت و صناعت و رواج تجارت بود تا اخذ مالیات های گزاف.^(۱)

نقش مسلمانان در توسعه و پیشرفت علم و دانش

اسلام به علم و دانش و فراگیری و گسترش آن اهمیت بسیاری قایل است و نه تنها دانستن را حق افراد، بلکه وظیفه و تکلیفی برای آنها می داند. این نوع توجه و نگرش به علم سبب شد در مدت کوتاهی از دوران حکومت اسلامی، در کشورهایی که اسلام توانسته بود در آن جا حضور پیدا کند و دامنه تعالیم فرهنگ حیات بخش خود را گسترده سازد، دانشمندان بزرگی در تمامی زمینه های علمی پرورش یابند. در اکثر نواحی زیر نفوذ اسلام، کتابخانه های گسترده و وسیعی به وجود آمد و اسپانیای مسلمان آن روز را به عنوان متمدن ترین نقطه اروپا قرار داد. به تعبیر ویل دورانت قرطبه به حدی در دوران اسلامی پیشرفت کرده بود که شهری جز بغداد و قسطنطنیه نمی توانستند هم ردیف آن باشند. ثروت و رفاه عمومی در این شهر به قدری افزایش یافته بود که هر مسافری را به حیرت وا می داشت.^(۲)

وجود دانشگاه ها و مراکز علمی و فرهنگی در اسپانیای مسلمان و غنای علمی آن سبب شده بود دانش پژوهان از سراسر اروپا و آفریقا و آسیا اعم از مسلمان و مسیحی بدان جا مراجعه کنند؛ زیرا مسلمانان در مراکز علمی خود آخرین یافته های علمی و تحقیقی را در اختیار داشتند.^(۳)

تأثیر اسلام در توسعه و پیشرفت تجارت

اشاره

آنچه اسلام توانست در دوران حکومت خود بر این کشورها نصیب آنان سازد، از این

ص: ۷۶

۱- همان، ص ۳۷۹ .

۲- همان، ص ۳۸۴ .

۳- ممتحن، حسینعلی، کلیات تاریخ عمومی، ج ۲، ص ۴۵۱ .

جهت بسیارحایز اهمیت است که «توسعه درون زا» را در این کشورها به وجود آورد و به منصفه ظهور رساند و سرچشمه های خلاقیت، ابداع، کار و تلاش و تولید را در جامعه مورد نظر پدید آورد. به اعتقاد همه صاحب نظران مسائل توسعه، دستیابی به این نوع از توسعه کشور را در زمره کشورهای توسعه یافته قرار دهد و زمینه های رشد همه جانبه و پویا و پایدار را فراهم می سازد.

چنان که نویسنده کتاب فرهنگ اسلام در اروپا اظهار می دارد «حتی در زمینه تجارت که یکی از پایه های ارکان اصلی توسعه اقتصادی به شمار می آید، حکومت های اسلامی نقش بسیار سرنوشت سازی را برای کشورهای اروپایی فراهم آوردند. مهمترین پیروزی بندقیه، رابطه رفت و آمد و رابطه دادوستد بین آسیا، اروپا و آفریقا بود که کشورهای اسلامی آن را به وجود آوردند. این رابطه موجب ترقی تجارت ایتالیا شد. تجارت ایتالیا، تجارت آلمان، فرانسه و هلند را هم به قدرت و شکوفایی رساند. این رشد به شکل جریانی حیات بخش در همه اروپا راه یافت و راه ها و شهرها را رونق و وسعت بخشید و تا انگلستان و کشورهای اسکاندیناوی نیز نفوذ کرد و در پی آن شهرهای این سرزمین نیز تحرک و رشد غیرقابل تصویری یافتند» (۱).

تلاشها و کوششهای زیادی می شود تا نقش اعجاب انگیز فرهنگ و تمدن اسلامی در پویایی و شکوفایی اقتصادی و اجتماعی اروپا نادیده گرفته شود، اما همان گونه که نویسنده کتاب فرهنگ اسلام در اروپا معتقد است «به اشکال مختلف، خاطره زمانی که کشورهای اسلامی رهبر تمدن و اقتصاد جهان بودند و به اروپا که در آن زمان فقیرتر از آنان بود، چه از لحاظ اقتصاد و چه از لحاظ تمدن کمک می کردند، زنده مانده است. اصطلاحات فراوانی در دریانوردی، شاهد این واقعیت هستند. روابط بازرگانی دریای مدیترانه، این اصطلاحات غربی را در تمام اروپا رواج داد...» (۲).

ویل دورانت در زمینه نقش مسلمانان در تجارت جهانی و برتری آنان بر سایر حکومت های هم عصر خود، می نویسد:

بازرگانی و صنعت آسیای غربی در دولت اسلامی رونقی گرفته بود که اروپای غربی

ص: ۷۷

۱- هونکه، زیگرید، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۶۷.

۲- همان، ص ۸۵.

... آسیای غربی، که پیش از آن میان چهار دولت تقسیم شده بود، قلمرو یک دولت شد. این وضع امتیازات مهم اقتصادی داشت که در نتیجه آن در داخل این حوزه، مقررات گمرکی و موانع تجارتي از میان رفته بود و وحدت دین و زبان نیز حمل کالا را آسان کرده بود. به علاوه، اعراب چون اشراف اروپا تاجران را تحقیر و تمسخر نمی کردند و آنها نیز کار انتقال کالا را با سود ناچیز از تولید کننده به مصرف کننده [انجام می دادند]... تا دوران جنگهای صلیبی، بازرگانی اسلام بر مدیترانه تسلط داشت و از یک سوی دریا، یعنی از شام و مصر، به یک سوی دیگر، یعنی تونس و سیسیل و مراکش و اسپانیا می رسید... همچنین فعالیت بازرگانی مسلمین تا رود ولگا و حاجی طرخان و نو و گورود بسط یافت و فنلاند، اسکاندیناوی و آلمان را زیر سلطه خود در آورده بود... وقتی کشتیهای چینی به بازدید بندر بصره آمدند، اعراب متقابلاً کشتیهای خود را از خلیج فارس تا هند و سیلان فرستادند، که از تنگه سیلان گذشته و در امتداد سواحل چین تا خانفو (کانتون) پیش رفتند... این فعالیت بازرگانی که نیروی زندگی را در همه اطراف کشور برانگیخته بود، در قرن دهم، یعنی موقعی که اروپا به نهایت سقوط و فلاکت افتاده بود، به اوج رسید... (۱).

با توجه به آنچه بیان شد، به این نتیجه می رسیم که اسلام نه تنها قدرت و ظرفیت لازم را برای ایجاد توسعه و تحول در تمامی بخشهای اجتماعی داراست، بلکه در این زمینه پویایی و قدرت فوق العاده ای دارد که می تواند خلق اعجاز کند. با توجه به اهمیت این مطلب، بجاست که ببینیم از نظر مورخان چه عواملی سبب شد مسلمانان با داشتن چنان ویژگیهایی، آن موقعیت ممتاز خود را از دست دادند و از جایگاه تاریخی خود نزول کردند و در زمره کشورهای روبه توسعه قرار گرفتند، درحالی که به گفته یکی از پژوهشگران غربی به نام «ولفرد کانتول اسمیت» «شخص مسلمان احساسی جدی نسبت به تاریخ دارد. او به تحقق بخشیدن حکومت خدا در زمین ایمان دارد و باورش آن است که خداوند نظامی عملی و واقعی وضع کرده است که انسان را به مقتضای خود در زندگی به جلو می راند. مسلمانان همیشه می کوشند تا واقعیت زندگی را در محدوده آن جریان دهند و از همین جاست که شخص مسلمان همیشه در تلاش فردی یا اجتماعی است... و تاریخ در نظر مسلمان شناسنامه

تلاش پیگیر انسان در جهت تحقق بخشیدن به حکومت خدا در زمین است؛ زیرا زمان حال نتیجه گذشته است و آینده نیز بر حال تکیه دارد» (۱).

در میان آراء و نظریات تاریخی، به ذکر دو نظریه از دو مورخ مشهور جهان اکتفا می‌کنیم، زیرا بقیه آراء و نظریات را می‌توان به این دو نظریه ارجاع داد. در ادامه، به ارزیابی این دو نظریه خواهیم پرداخت.

ارزیابی نظریات درباره ایستایی توسعه تمدن اسلامی

به نظر «گوستاو لوبون» بسیاری از عوامل و عللی که سبب توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی گردید، پس از گذشت زمان باعث شکست و انحطاط تمدن اسلامی شد. وی می‌نویسد:

... از علل و اسبابی که در ردیف اسباب عظمت ایشان ذکر کردیم، می‌توان آن را سبب انحطاط ایشان نیز دانست؛ همان نظامات سیاسی و اجتماعی اعراب بود، به بیان این که اعراب نتوانستند دنیا را فتح کنند مگر پس از آن که در برابر شریعت جدیدی که پیغمبر اسلام آورد، خاضع و تسلیم گشته و در زیر پرچم اسلام با یکدیگر متحد شدند، و همان قانون بود که توانست قدرتهای پراکنده را در جزیره‌العرب جمع کند. و البته این شریعت تا زمانی مفید به حال آنان بود که با احتیاجات امت اسلام سازگار باشد، ولی هنگامی که در نتیجه پیشرفت و توسعه تمدن عرب قوانین آن محتاج به اصلاح گشت و اصلاح آن میسر نبود، معلوم گردید که سنگینی قوانین گذشته به حدی است که به هیچ وجه تغییر و تبدیل در آن ممکن نیست. همان نظامات مذهبی که در صدر اسلام موافق احتیاجات مردم بود، پس از گذشت چند قرن کافی به تمام احتیاجاتشان نبود، و چون قرآن در عین این که دستور دینی بود هم چنان دستور اجتماعی و سیاسی نیز بود و نظر به این که جنبه آسمانی و الهی داشت، تغییر و تبدیل در احکام اساسی آن مقدور نبود (۲).

جواب این مطالب را با کمی تأمل در ادامه نوشتار این مورخ فرانسوی خواهیم یافت، آن جا که می‌نویسد:

«... مسلمانان در دوران خلفای بغداد و اندلس و دوران قدرت حکومت اسلامی به

ص: ۷۹

۱- جندی، انور، اسلام و جهان معاصر، ص ۱۲۰.

۲- لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۷۶۱.

خوبی می دانستند چگونه دستورات مذهبی و تعالیم قرآن را با احتیاجات ملتهای اسلامی وفق دهند» (۱). به تصریح خود نویسنده تمدن اسلامی در اوج عظمت و کمال علمی و فرهنگی در جهان قرار داشت، به گونه ای که قرطبه تا سیصد سال به جهت مجد و عظمت علمی به برکت فرهنگ اسلامی تاج افتخار تمامی شهرهای عالم به شمار می رفت (۲)؛ چنان که «اعراب توانستند در مدت چند قرن اسپانیا را از نظر علمی و اقتصادی یکسره زیر و رو کنند و آن را در رأس تمام ممالک اروپایی در آورند، و تنها به پیشرفتهای علمی و اقتصادی اکتفا نکردند، بلکه در جنبه های اخلاقی مردم نیز مؤثر بودند» (۳).

حال چگونه می توان به تمدنی که بستر پویایی علم و عقل و در نتیجه ابداعات و اختراعات و نوآوری است، نسبت ناتوانی و نارسایی را در برخورد با مسائل داد و آن را از حل مشکلات ناتوان یافت؟ این مطلب چیزی نیست که بتوان آن را کتمان نمود؛ زیرا در جای جای کتاب ارزشمند این نویسنده فرانسوی می توان آن را به وضوح دید. این مورخ فرانسوی آن جا که به نتایج جنگهای صلیبی می پردازد، می نویسد:

... ما وقتی به شرق نگاه کنیم، می بینیم از برکت وجود اعراب و مسلمانان از یک تمدن درخشانی بهره مند بوده اند. از آن طرف می بینیم غریبها در یک توحش عجیبی غوطه ور بودند... و همه را از دم شمشیر می گذرانند و در قسطنطنیه آن همه ذخایر علمی و صنعتی یونان و روم را که نمی توان گفت چه اندازه گرانها بوده، همه را نابود ساختند. و بدین جهت مردم مشرق زمین از این مردم هیچ گونه سودی نبردند و در حقیقت چیزی نداشتند که مورد استفاده شرق قرار گیرد. (۴)

به نظر ویل دورانت، آنچه سبب ایستایی و انحطاط تمدن اسلامی گردید، به دو عامل بیرونی و درونی قابل تقسیم است. عامل بیرونی آن به حملات وحشیانه مغولان و عامل درونی آن به چیزی غیر از خود اسلام که لذت طلبی و رفاه زدگی افراطی مسلمانان باشد، بازمی گردد. وی در توضیح این مطلب می نویسد:

هیچ یک از تمدنهای تاریخ چون تمدن اسلام دچار چنین ویرانی ناگهانی نشده

ص: ۸۰

۱- همان.

۲- همان، ص ۳۳۶.

۳- همان، ص ۳۴۱.

۴- همان، ص ۴۱۴.

است... مغولان ... نیامده بودند که فتح کنند و بمانند، بلکه می خواستند بکشند و غارت کنند و حاصل آن را به مغولستان ببرند. وقتی موج خونین مغول باز پس رفت، آنچه بر جای ماند، عبارت بود از اقتصادی به شدت آشفته، قناتهایی ویران یا کور، مدرسه ها و کتابخانه هایی سوخته، دولتهایی چنان فقیر و ضعیف و از هم گسیخته که قدرت اداره کشور را نداشتند، و نفوسی که به نیم تقلیل یافته و روحیه باخته بودند؛ اما پیش از حمله خارجی، لذت طلبی اپیکوری، خستگی جسمی و روحی، بزدلی و بی لیاقتی جنگی، فرقه گرایی و... ده ها شهرآباد و معتبر شام و بین النهرین و ایران و قفقاز و ماوراءالنهر را به فقر و بیماری و عقب ماندگی کنونی دچار ساخت. (۱)

شهید مطهری نیز معتقد است: «اسلام عامل انحطاط مسلمانان نیست، بلکه مسلمانان در اثر کوتاهی و انحراف از تعلیمات اسلامی دچار انحطاط شدند و این مسلمانانند که مسئول عقب ماندگی خود می باشند». (۲)

به نظر محمد غزالی نویسنده کتاب جنایات غربی در شرق آنچه باعث افول تمدن اسلامی و انحطاط مسلمانان گردید، ریشه در عملکرد مسلمانان دارد نه در اسلام.

آری تمدن اسلام و تکامل مسلمانان در امور زندگی و عمران و منافی که از علوم جهان و مادیات بردند، فقط پیرامون توجه دقیق به تمدن اسلام و چشیدن معنای آزادی و عظمت و تکامل بود، ولی موقعی که این تمدن در دست آنان فاسد شد و از توجه به آن عاجز گردیدند و نتوانستند از آن بهره برداری نمایند، گرفتار پراکندگی و بیچارگی شدند و این وضع در جمیع حالات آنان به وجود آمد. (۳)

به اعتقاد این نویسنده «... اگر وضع سیاسی و اقتصادی و تربیت مردم با هدایت خدا و رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) همدوش می گردید، تا شعاع و سیعی در راه رشد و ترقی گام برمی داشتیم... و این عقب ماندگی ما به خاطر این است که دین صحیح را تقویت نکرده و در اجتماع ما به ثمر نرسیده است...». (۴)

نویسنده کتاب جامعه شناسی غرب گرایی نیز بر این عقیده است که «تا وقتی شرق اسلامی از ایمان زنده و عقیده ای محکم برخوردار بود و ریسمان الهی را محکم در دست

ص: ۸۱

۱- دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ج ۴، صص ۴۳۱-۴۳۳.

۲- مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، ص ۱۸.

۳- غزالی، محمد، جنایات غربی در شرق، ص ۳۳۳.

۴- همان، ص ۲۸۲.

داشت و از مزایای وحدت و تعالیم قرآن و در نتیجه از پویایی فکری و فرهنگی بهره مند بود، هیچ یک از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها نتوانست بر مسلمانان چیره گردد»^(۱).

«لورا واگلیری» در کتابی با عنوان ندای اسلام از قلب ایتالیا، به رمز پیروزی اسلام و جاودانه بودن برنامه های آن اشاره کرده، می نویسد:

... خداوند برای آخرین بار پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) را به رسالت مبعوث گردانید تا یک برنامه اساسی برای مردم آورده و آنها را از تنگنای تیره بختی به کرانه روشن زندگی برساند. حقیقتاً چنین آیینی سزاوار است تا ابد باقی بماند و در میان تمامی نژادهای بشر نفوذ کند؛ هرچند عده ای از دیدن این حقیقت ناپینا هستند و یا خود را به کوری می زنند.^(۲)

بنابراین، عامل انحطاط تمدن اسلامی را نه در بُعد نظری و نه در بُعد عملی نمی توان به اسلام نسبت داد. چگونه می توان چنین نسبتی را پذیرفت، در حالی که خدای سبحان انبیا (علیهم السّلام) را برای احیا و اصلاح انسانها و تبدیل «دنیا شهری» به «دین شهری» فرستاد و آنان تلاش می کردند شهرها و سرزمینها از مزایای امنیت در تمامی ابعاد آن برخوردار باشند.^(۳) از این رو، قرآن کریم از قول ابراهیم (علیه السّلام) در مورد ام القرای جهان، مکه معظمه، از خدای سبحان تقاضای امنیت و رزق و روزی برای ساکنان آن شهر می کند^(۴)، در حالی که ابراهیم (علیه السّلام) از هر جهت اسوه و الگوی تمام عیاری است برای همه آنهایی که خود را پیرو راه و رسم ابراهیمی می دانند، که به نص صریح قرآن، پیامبر و امت اسلامی از اولویت خاصی برخوردارند^(۵). از این رو، در بینش دینی توجه به شهر و شهرنشینی اهمیت خاصی دارد؛ آن هم به خاطر هویت دینی داشتن آن که در نتیجه امنیت و آسایش و رفاه در آن فراهم خواهد بود. علی (علیه السّلام) نیز در قسمتی از نامه اش به حارث همدانی می فرماید: «شهرهای بزرگ را برای سکونت برگزین که محل اجتماع مسلمانان است و پرهیز از آن جاهایی که

ص: ۸۲

۱- نقوی، علی محمد، جامعه شناسی غرب گرایی، ج ۱، ص ۱۴۳.

۲- واگلیری، لورا، ندای اسلام از قلب ایتالیا، ص ۲۲.

۳- برای اطلاعات بیشتر ر.ک: داود مهدیزادگان، اسلام و سنت وبری، ص ۱۴۲.

۴- بقره (۲)، آیه ۱۲۶.

۵- آل عمران (۳)، آیه ۶۸.

افراد از یاد خدا غافلند و به یکدیگر ستم می رانند و بر طاعت خدا کم یاراند» (۱).

بنابراین، باید عوامل انحطاط مسلمانان را در خارج از خود اسلام جستجو کرد و در حوزه بیرونی دین به دنبال آن گشت. این مهم در دو بخش قابل بررسی است: یک بخش به رفتار و عملکرد مسلمانان مربوط است و دیگری موانعی است که مخالفان اسلام، چه در دوران استعماری و چه بعد از آن، بر سر راه پیشرفت و توسعه اسلام در کشورهای اسلامی پس از دوران شکوفایی و رونق تمدن اسلامی به وجود آوردند و هیچ پروایی هم از بیان آن ندارند. البته، این خود بهترین گواه بر این است که اسلام هر زمان به صحنه حیات اجتماعی برگردد و مسلمانان به پیروی از احکام نورانی آن در نظام اجتماعی خود تن دهند، می توانند در اوج عظمت و شکوفایی در تمامی ابعاد زندگی اجتماعی قرار گیرند. انقلاب اسلامی در ایران یک نمونه روشن و آشکار از کارآمدی اسلام در ایجاد نظام اجتماعی در عصر حاضر است. افزون بر اینکه چنانچه این توانمندی در درون اسلام نبود و افول تمدن اسلامی ریشه در ناکارآمدی مبانی اسلام داشت، ایجاد موانع و برخوردهای تند و خشن نسبت به اسلام معنا و مفهومی نداشت.

بنابراین، از آنجا که اسلام به هر دو ساحت انسان، هم ساحت مادی و هم ساحت معنوی توجه دارد، و هیچ یک از آن دو ساحت وجودی انسان را مورد غفلت قرار نداده است، تنها مکتب و آیینی است که می تواند جامعه توسعه یافته ای را براساس مؤلفه ها و مبانی و اصول خود پی ریزی کند، که به دور از پیامدهای خواسته و ناخواسته جوامع غربی باشد. محور این توسعه انسان به دور از امتیازهای فردی و اجتماعی اوست؛ لذا انحصارگری، استعمارطلبی و ظلم و تعدی و پایمال کردن حقوق انسانی در فرایند این توسعه، معنا و مفهومی نخواهد داشت و از آنجا که خاستگاه آن چیزی جز اندیشه انسانها نخواهد بود - زیرا مهمترین کار انبیا(علیهم السلام) بازسازی اندیشه و توسعه در تفکر و تعقل انسانها بوده است - این توسعه قبل از آن که وارداتی باشد، برخاسته از درون جامعه و نیز یک نوع دگرگونی است. در واقع، این نوع از توسعه است که همیشه زایش و نوآوری دارد و جامعه را بر محوری محکم و استوار بنیان می سازد.

ص: ۸۳

اشاره

توسعه به مفهوم واقعی بستری برای رسیدن انسان به کمال انسانی اش است و کمال انسانی به تعبیر شهید مطهری، در تعادل و توازن انسان مصداق می یابد. از این رو، هدف و جهت توسعه باید ارتقای مستمر یک جامعه یا نظام اجتماعی به سوی یک زندگی بهتر و انسانی تر باشد. بدین ترتیب، جهت و هدف توسعه چیزی جز گسترش و تقویت گزینه های انسانی نیست. بر این مبنا، چنین توسعه ای نه تنها ناسازگار با دین نیست، بلکه زمینه ای برای دستیابی دین به هدفهایش را فراهم می کند، زیرا چنین توسعه ای در تمامی ابعادش - اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - سبب بروز و ظهور استعدادهای نهفته در انسان می گردد و راه

را برای تحقق استعدادها و قابلیت های او میسر می سازد. همان چیزی که، به تعبیر شهید مطهری، «قرآن تصریح می کند که نظام هستی و آفرینش، بر عدل و توازن و براساس استحقاقها و قابلیتهاست» تا بشر بتواند به شکوفایی استعدادهای نهفته در ذات و آفرینش خود پردازد.

در این بینش، دین اسلام، و به ویژه مکتب و مذهب تشیع، در برابر توسعه نه تنها منفعل نیست، بلکه با توجه به جهت گیری خاص و فعالی که در خصوص چگونگی زندگی این جهانی برای انسان دارد، در خصوص هدفها و جهت گیریهای توسعه نیز موضعی مشخص و معین دارد، زیرا دین اسلام به دلیل جامعیت و کاملیت و مبتنی بودن آن بر پایه فطرت و آفرینش انسان، پاسخگوی تمام نیازهای انسانی است. بنابراین، می توان گفت در نظر این شهید گرانقدر انسان، هم موضوع توسعه است، و هم عامل و هم غایت و هدف توسعه. همان چیزی که به اعتقاد این شهید بزرگوار در جهت توسعه در غرب به فراموشی سپرده شده است، و در نتیجه پیامدهای ناگواری را برای بشریت به همراه آورده است. شهید مطهری در این باره چنین می گوید:

بشر امروز پس از این همه موفقیت های علمی، دردمندانه می نالد. از چه می نالد؟ کسری ها و کمبودهایش در کدام ناحیه است؟ آیا جز در ناحیه خلق و خوی و «آدمیت» است؟ بشر امروز از نظر علمی و فکری پا به جایی نهاده که آهنگ سفر افلاک کرده و سقراط ها و افلاطون ها باید افتخار شاگردیش را بپذیرند، اما از نظر روح و خوی و منش، یک «زنگی مست تیغ بران به دست» بیش نیست. انسان امروز با همه پیشرفتهای معجزه آسا در ناحیه علم و فن، از لحاظ مردمی و انسانیت گامی پیش نرفته، بلکه به سیاه ترین دوران سیاه خویش بازگشته است؛ با یک تفاوت، و آن اینکه از برکت قدرت علمی و فلسفی و ادبی خویش، برخلاف گذشته، تمام جنایتها را در زیر پرده ای از تظاهر به انسانیت و اخلاق، نوع پرستی، آزادی خواهی و صلح دوستی

انجام می دهد... این یکی از تناقضاتی است که منطق بشر امروز گرفتار آن است. (۱)

لذا «ریشه مشکلات امروز بشر را در همین جا باید جست، همچنان که ریشه نیاز بشر به دین و معنویت و ایمان به پیامبر را نیز در همین جا باید به دست آورد». (۲) در نظر وی، «در میان مکتبها و مسلکها و دینها و آیینها، تنها اسلام است که قدرت پاسخگویی به این نیاز را دارد». (۳)

مبانی توسعه

برخی در تلاشند تا توسعه را نتیجه مدرنیته بدانند و خاستگاه آن را در مدرنیته خلاصه کنند. در نتیجه، آن را صرفاً محصولی می دانند که تنها در کشتزار مدرنیته می روید. در این صورت، چنین توسعه ای هرگز سرسازش با دین و آموزهای دینی ندارد. زیرا «مدرنیته سازمان بخردانه (فکری - روشنگرانه) جامعه است، گونه ای گسست تمام از باورهای فرجام شناسانه (باور به پایان تاریخ، و به جامعه آرمانی و آرمان شهر) است و اعتقاد به هدفی علمی و از دیدگاه عقلانی توجیه شدنی. مدرنیته به این اعتبار «آغاز پله حکومت خرد» است، و ایده آن همبسته با ایده خرد باوری است، چنان که هرگاه یکی را کنار بگذاریم، دیگری از کف خواهد رفت». (۴)

به تعبیر دیگر «مدرنیته به مفهوم باور به عقل» همان قدر وابسته است که به مفهوم «پیشرفت»، در معنایی کلی و «پیشرفت عقل انسانی» در معنایی خاص. یعنی رشد اقتصادی، افزایش رقم شهرنشینی، پیشرفت ابزار ارتباطی و اطلاعاتی، معنای مدرنیته است. (۵) و خلاصه اینکه «مدرنیته یعنی خرد باوری، و تلاش برای بخردانه کردن هر چیز، شکستن و ویرانگری عاداتهای اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزشها، حس ها، باورها و در یک کلام شیوه های مادی و فکری زندگی کهن». (۶)

ص: ۸۵

۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۶، صص ۲۵-۲۶.

۲- همان، ص ۲۷.

۳- همان، ص ۲۹.

۴- احمدی، بابک، مدرنیته و اندیشه انتقادی، ص ۱۰.

۵- همان.

۶- همان، ص ۱۱.

بنابراین، براساس آنچه گذشت، جامعه ای مدرن خوانده می شود که بنا به «قوانین انسانی» اداره شود و نه براساس قوانین الهی و آسمانی.

بر مبنا و اعتقاد شهید مطهری، به دلایل متعددی می توان استناد نمود که چنین ملازمه ای بین مبانی مدرنیته و توسعه و پیشرفت و دستاوردهای علمی وجود ندارد.

الف) در نگرش شهید مطهری، عامل اصلی و اساسی توسعه، نیاز بشر است که به دورانی خاص اختصاص نداشته و ندارد (به این مبحث در آینده، در بحث «نیاز به عنوان مبنای توسعه»، به طور مفصل خواهیم پرداخت).

از دیدگاه وی، به طور کلی نیازها و نیازمندیها در دو بخش جای می گیرند:

۱. نیازمندیهای اولی؛

۲. نیازمندیهای ثانوی.

نیازمندیهای اولی از عمق ساختمان جسمی و روحی بشر و از طبیعت زندگی اجتماعی سرچشمه می گیرد. تا انسان انسان است و تا زندگی وی زندگی اجتماعی است، این قبیل نیازمندیها هست. این نیازمندیها یا جسمی است، یا روحی و یا اجتماعی. نیازمندیهای جسمی از قبیل نیازمندی به خوراک، پوشاک، مسکن، همسر و...؛ نیازمندیهای روحی از قبیل علم، زیبایی، نیکی، پرستش، احترام و تربیت؛ نیازمندیهای اجتماعی از قبیل معاشرت، مبادله، تعاون، عدالت، آزادی و مساوات. نیازمندیهای ثانوی، نیازمندیهایی است که از نیازمندیهای اولی ناشی می شود. نیازمندی به انواع آلات و وسایل زندگی که در هر عصر و زمانی با عصر و زمان دیگر فرق می کند، از این نوع است.

نیازمندیهای اولی، محرک بشر به سوی توسعه و کمال زندگی است، اما نیازمندیهای ثانوی ناشی از توسعه و کمال زندگی است و در عین حال محرک به سوی توسعه بیشتر و کمال بالاتر است. (۱)

بنابراین، پویایی و نوآوری، که در راستای رفع نیازهای بشر به وجود می آید، چیزی نیست که بتوان آن را پدیده دوران مدرنیته و تجدد دانست، بلکه تا بشر بوده و هست این نیاز در او وجود داشته و دارد، و انسان در هر عصر و زمانی بر مبنای علم و دانش آن عصر

ص: ۸۶

۱- مطهری، مرتضی، ختم نبوت، ص ۵۰ و مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۸۴.

به برآوردن نیازهای خود می پردازد.

ب) متمم و مکمل بودن علم و ایمان

علم و دانش عامل آگاهی و بیداری وجدان و بستر اندیشه و تفکر برای خودیابی و ایجاد سؤالهای اساسی در هدف از زندگی و در پی یافتن پاسخ به این پرسشهاست. در حقیقت، این همان چیزی است که ادیان الهی آن را در رأس برنامه های خود قرار دارند تا بشر خود را بشناسد و فلسفه آفرینش خود را درک کند. از این رو، انبیای الهی معلمان و آموزگاران بشریتند. بدین جهت است که بدخواهان بشریت در صدد برآمدن تا این کارآمدی را، با از بین بردن اخلاق و فاسد نمودن آن، از علم بگیرند و در نتیجه، علم را در خدمت شهوتهای بشر به کار اندازند. شهید مطهری در این باره می گوید:

... پیشرفت و توسعه تمدن خواه ناخواه منجر به یک سلسله بیداریها می شود. ماشین چاپ که اختراع شد، مطبوعات خواه ناخواه زیاد می شود؛ استعمار چه بخواهد چه نخواهد، افکار پخش می شود و انواع وسایل ارتباطی دیگری که هست؛ این بود که به فکر نیرنگ دیگری افتادند و آن این است که آن بال دیگر را خراب کنند. بال دیگر چیست؟ بال اراده، بال احساس شرف و کرامت ذات و این که من انسان هستم، بال اخلاق. تا وقتی که مردم جاهل بودند، برنامه فاسد کردن انسانها از نظر اخلاق چندان برای استعمار مطرح نبود، نیازی به آن نبود، ولی از روزی که دیدند آگاهی تدریجاً دارد پیدا می شود، نمی شود جلو آگاهی را گرفت و مردم را برای همیشه در بی خبری گذاشت، گفتند حالا- وقت این است که آن بال دیگر را از مردم بگیریم و آن، بال اخلاق، بال پاکی و طهارت است. اینجا بود که به مسأله اشاعه انواع فساد اخلاقها به عنوان یک مخدر و یک امر تخدیر کننده پرداختند، ولی این مسئله را به این نام نمی گفتند، همان را هم به نام تمدن می گفتند، به نام پیشرفت، به نام آزادی، به نام تمدن و پیشرفت و آزادی. از راه فساد اخلاق، بی حسی ایجاد می کردند. انسان اگر عالم و آگاه هم بشود، وقتی که خُلُقش، روحیه اش فاسد شد، نه تنها آن آگاهی به سود خودش و به سود جامعه اش نیست، بلکه همان آگاهی بیشتر به زیان جامعه اش تمام می گردد. «چو دزدی با چراغ آید، گزیده تر برد کالا». تا روزی که دزد نبود، چراغ نداشت. از روزی که چراغ پیدا کرد، دزدش کردند که از آن چراغ به نفع دزدی استفاده کند. (۱)

ص: ۸۷

ج) تجربه مسلمان تاریخی در توسعه و پیشرفت علم و دانش و توسعه فرهنگ و تمدن در بستر اسلام.

به اعتقاد شهید مطهری، «علمای اسلام در دوره های درخشان تمدن اسلامی، که جامعه ای بسیط و بدوی به سرعت رو به گسترش و توسعه گذاشت، آسیا و قسمتهایی از اروپا و آفریقا را در بر گرفت و بر ملتها و نژادهای گوناگون که هر کدام سابقه و فرهنگ خاصی داشتند حکومت کرد و هزارها مسأله نو و جدید به وجود آورد، به خوبی از عهده ی وظیفه ای که به آنها محول شده بود بر آمدند و اعجاب جهانیان را برانگیختند. علمای اسلام ثابت کردند که منابع اسلامی، اگر مقرون به حسن تشخیص و حسن استنباط باشد، قادر است با یک اجتماع متحول و متکامل پیش برود و آن را راهنمایی کند. ثابت کردند که حقوق اسلامی زنده است و قابلیت دارد با مقتضیات ناشی از پیشرفت زمان، هماهنگی کند و به احتیاجات هر عصری پاسخ بگوید»^(۱).

د) تفکیک بین مبانی مدرنیته و یافته های علمی و قدرت انتخاب، و نیز توسعه و پیشرفت علوم در جوامعی که بر سنتهای بومی خود پایبند مانده اند، مانند برخی از کشورهای آسیایی از قبیل ژاپنی ها.

ه-) آسیبهای جبران ناپذیر روند توسعه در گذشته، و در نتیجه تجدید نظر در هدف و جهت توسعه و تأکید بر نقش ارزشها و قضاوتهای ارزشی جامعه در مفهوم توسعه. به نظر «مایکل تودارو»، «توسعه، هم واقعیتی مادی و هم حالتی ذهنی است»^(۲). از این رو، برخی با تأکید بر ابعاد فرهنگی حیات بشری، هدف از توسعه را ایجاد زندگی پر ثمری که توسط فرهنگ تعریف می شود دانسته و توسعه را دستیابی فزاینده انسان به «ارزش فرهنگی خود» تعریف می کنند^(۳).

گزینش و انتخاب

شهید مطهری با توجه به همین حساسیت نسبت به پیامدها و زیانهای جبران ناپذیر توسعه بر مبنای مدرنیته و تجدید نظر در روند آن، ره آورد و دستاوردهای آن را در کتاب اسلام

ص: ۸۸

۱- همو، ختم نبوت، ص ۷۰.

۲- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی در جهان سوم، ج ۱، ص ۱۳۸.

۳- میسرا، پراساد، برداشتی نو از مسائل توسعه، ص ۶.

و مقتضیات زمان، با نگاه نقادانه ی خود، به دو بخش تقسیم می کند، که بخشی را قابل قبول، و بخشی را مردود و جمع نشدنی با اندیشه اسلامی می داند؛ آنجا که می گوید: «تغییراتی که در زندگی بشر پیدا می شود، دو نوع است؛ یک نوع تغییرات صحیح و یک نوع تغییرات ناصحیح، اعتلائی و غیراعتلائی».

آن گاه با طرح این سؤال که کدام تغییرات را باید به حساب ترقی و اعتلا بگذاریم، می گوید: «یک مقیاس کلی این است که ببینیم پدیده هایی که در زمان به وجود می آیند، چه عواملی باعث به وجود آمدن آنها شده است و در چه جهتی به وجود آمده اند، یعنی عامل پدیده مورد نظر کدام استعداد از استعدادهای گوناگون انسانی است، و [بینیم آن پدیده] برای چه منظوری به وجود آمده و چه آثاری دارد؟ باید ببینیم آنچه در زمان پیدا شده «آیا محصول عقل و علم بشر است یا چیز دیگری دخالت کرده است؟» شما هر چیزی را که دیدید در زمان پیدا شد، اگر روی آن حساب بکنید، گاهی می بینید صد درصد محصول علم و عقل است، و گاهی می بینید محصول علم هست، اما نه علم آزاد بلکه علم بیچاره ی اسیر».^(۱)

از این رو، به اعتقاد وی «همیشه تغییرات زمان مصیب نیست. زمان معصوم نیست. تغییراتی که در زمان پیدا می شود، همانهاست که به دست بشر و از ناحیه بشر ناشی می شود، و هر چه از ناحیه بشر ناشی می شود، ممکن است [صواب باشد و ممکن است] صواب نباشد، ممکن است تقدم باشد و ممکن است انحراف باشد، ممکن است پیشرفت باشد و ممکن است خطا باشد».^(۲)

بدین جهت است که به اعتقاد وی «اسلام از طرفی با انحرافات زمان شدیداً مبارزه می کند و از سوی دیگر با پیشرفت واقعی زمان پیش می رود. نه تنها با پیشرفت زمان پیش می رود، بلکه زمان را رهبری می کند و خودش زمان را جلو می برد».^(۳)

دستاورد توسعه به مفهوم انسانی آن

در نگاه شهید مطهری، توسعه به مفهوم انسانی، کمال انسانی و انسانیت انسان را هدف و

ص: ۸۹

۱- مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۴۲.

۲- همو، ختم نبوت، ص ۵۷.

۳- همان، ص ۱۴۱.

جهت خود قرار می دهد و می تواند جهان خشک و سرد مکانیکی و مادی را به جهانی جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل کند؛ همچنان که ایمان مذهبی تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می سازد.

از این رو، لذا وی با استناد به نظر «ویلیام جیمز»، فیلسوف و روانشناس آمریکایی اوایل قرن بیستم، که می گوید:

دنیایی که یک فکر مذهبی به ما عرضه می کند، نه تنها همان دنیای مادی است که قیافه آن عوض شده باشد، بلکه در ساختمان آن عالم چیزهای بیشتری است از آنچه یک نفر مادی می تواند داشته باشد. (۱)

معتقد است: «گذشته از همه اینها، گرایش به سوی حقایق و واقعیاتی مقدس و قابل پرستش، در سرشت فرد بشر هست. انسان کانون یک سلسله تمایلات و استعدادهای غیر مادی بالقوه است که آماده پرورش است. تمایلات انسان منحصر به تمایلات مادی نیست و گرایشهای معنوی صرفاً تلقینی و اکتسابی نیست. این حقیقتی است که علم آن را تأیید می کند.» (۲)

مفهوم توسعه در نگاه اندیشمندان مسلمان

برخی از اندیشمندان مسلمان با توجه به مفهوم انسانی توسعه معتقدند «اسلام به مسأله توسعه اقتصادی اهمیت زیادی داده است، اما در عین حال آن را بخشی از مسئله ای گسترده، که عبارت باشد از توسعه انسانی، می داند. بدین جهت است که حتی در بخش اقتصادی نیز بر توسعه انسانی تأکید می کند. توسعه اقتصادی، عنصری اساسی و جدایی ناپذیر از توسعه اخلاقی و اجتماعی - اقتصادی جامعه انسانی به شمار می رود.» (۳)

برخی مفهوم تام توسعه (نه صرفاً اقتصادی) را از دیدگاه علامه طباطبایی (رحمه الله) تحول مداوم در روابط، قوانین و ابزار حیات برای دستیابی به هدفهای انسانی دانسته اند. (۴)

شهید مطهری قایل به تفکیک میان پیشرفت و تکامل و معتقد است هر تکاملی پیشرفت

ص: ۹۰

۱- همان.

۲- همان، ص ۶۵.

۳- احمد، خورشید، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ص ۲۴۱.

۴- موسایی، میثم، دین و فرهنگ توسعه، ص ۴۶.

است، ولی هر پیشرفتی تکامل نیست، و در مفهوم تکامل، تعالی اخذ شده است. از این رو، توسعه به مفهوم انسانی آن را می توان مترادف و هم معنی با تکامل دانست.

زیرا «تکامل این است که یک شیء، یک مرتبه واقعی را داشته باشد، بعد در مرحله بعد همان واقعیت را در درجه بالاتر داشته باشد. در واقع، تکامل تعالی در وجود و اشتداد در هستی است. هر چه کثرتها و تغایرها و اختلافها به وحدت بیشتری می رسند و هر چه تنازع ها و تضادها جای خود را به تعاون و هماهنگی بیشتری می دهند و وحدت ارگانیک زیاده تری می یابند، کامل تر می گردند...» (۱).

بنا بر آنچه گذشت، توسعه فرایندی کمی و کیفی است که در یک جامعه در همه ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن اثر می گذارد و سطوح مختلف زندگی را دربرمی گیرد. به تعبیری، توسعه فرایندی است که یک جامعه را از وضعی خاص به وضعی بهتر (دست کم از نظر کیفیت زندگی) می رساند.

برخی نظریات درباره رابطه دین و توسعه

آنچه بیشتر به عنوان نظریه غالب در میان آراء و نظریات اندیشمندان اروپایی مطرح است، این است که به طور کلی همه مذاهب، مانع توسعه هستند و گفته می شود: «گرچه نحوه تلقی مسیحیت از زندگانی در دوره قرون وسطی با طرز تلقی مذاهب بودایی، کنفوسیوس، تائوئی، اسلام، هندو، و سایر مذاهب یا فلسفه های غیر غربی در بسیاری جهات یکسان نیست، ولی آثار عملی این عقاید و نظریات از نظر امور اقتصادی، به طوری که در جهان غرب استنباط کرده اند، کمابیش یکسان است.» (۲).

چنان که ملاحظه می شود، طرز تلقی مغرب زمین از اسلام نیز مانند مسیحیت قرون وسطی است و همان طور که مسیحیت را مانع توسعه تلقی می کنند، اسلام را نیز مانع توسعه می دانند.

از این رو، برخی مانند «ارنست رنان»، علت توسعه نیافتگی جهان اسلام را مخالفت اسلام با پیشرفت و نوآوری علم و صنعت می داند. وی در کتاب اسلام و دانش چنین

ص: ۹۱

۱- مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، ص ۲۷۶.

۲- الیاسی، حمید، واقعیات توسعه نیافتگی، ص ۱۴۰.

اسلام با پیشرفتهای علمی و ترقیات صنعتی مخالف است و با دانش و فرهنگ سر ستیز دارد. (۱)

برخی دیگر نوع نگرش به دنیا در اسلام را مانع توسعه می دانند، در حالی که به این موضوع اعتراف دارند که در اسلام چیزی به نام شریعت وجود دارد، که در آن کلیه قواعد و روش زندگی برای رفع نیازهای زندگی و نظام اجتماعی وجود دارد، در عین حال چنین نتیجه می گیرند که آنچه در این بخش آمده، با آنچه مربوط به امور معنوی می شود که انسان را از تلاش در امور دنیوی باز می دارد، قابل مقایسه نیست. بر این اساس است که می گویند:

قرآن، کتاب مذهبی مسلمانها، تنها ترکیبات پرستش و نیایش خداوند را برای مؤمنین معین نخواست، بلکه کلیه قواعد و طرز زندگی افراد را نیز معلوم و روش اجتماعی و قانون گذاری خاصی را نیز مقرر ساخته، که به آن شریعت می گویند. به این ترتیب، توفیقهایی که در راه مادیات به دست می آید، در مقابل وجود نهانی که عبارت است از قادر مطلق جهانی، بسیار ناچیز است. از افراد آدمی انتظار می رود وجود فانی و هستی نسبی خود را در برابر حاکم علی الاطلاق و سرمدی جهان، خوار و حقیر بشمارند. اطاعت، تسلیم، استرحام، ایمان به خدا و تعظیم و تکریم، اصطلاحات خاصی هستند که روحیه این گونه افراد را به خوبی نشان می دهند. (۲)

نقد و بررسی

سلامت جامعه، نخست در نوع روابط اجتماعی نهفته است. چنانچه نوع روابط براساس باور انسانها و پذیرش ارزش واقعی همگان استوار گردد و در چارچوب قانون (به عنوان مدافع حقوق همگان) صورت گیرد، و بالاتر از قانون، حتی با مبانی ارزشی و اخلاقی در آمیزد، سلامت جامعه به طور بنیادی، تضمین شده است. این گونه روابط، از هرگونه ستمگری میان افراد جلوگیری می کند، مانع تحمیل اندیشه و استبداد فکری می گردد، ریشه هرگونه سلطه جویی و برتری طلبی را می سوزاند، رابطه طبقاتی براساس تبعیضهای ناروا پدید نمی آید و اهرمهای قدرت اقتصادی و سیاسی، به صورت ابزاری، در دست ثروتمندان

ص: ۹۲

۱- فروغی، محمد علی، سیر حکمت در اروپا، ص ۱۲۸.

۲- الیاسی، حمید، واقعیات توسعه نیافتگی، ص ۱۲۸.

قرار نمی گیرد. به سبب این پیامدهای ضد الهی و غیرانسانی مال اندوزی است که در ادیان و به ویژه در اسلام، با خصصتهای سرمایه دارانه مبارزه شده است، زیرا این روحیه برتری طلبی و سلطه جویی، با ماهیت تفکر الهی اسلام ناسازگار است:

«تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛^(۱) «این سرای آخرت را از آن کسانی ساخته ایم که در این جهان نه خواهان برتری جویی هستند و نه خواهان فساد و سرانجام نیک از آن پرهیزگاران است».

از نگاه قرآن، این روحیه در رابطه با انسانها، از ثروتهای افراطی و قدرت اقتصادی ریشه گرفته است: «الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ»؛^(۲) «آن که مالی گرد آورد و به شمارش آن می پردازد، می پندارد که دارایی اش جاودانش می گرداند».

به اعتقاد شهید مطهری «این گروه از نویسندگان، دانسته یا ندانسته، مبارزه اخلاقی اسلام را با پول پرستی و این که نباید هدف زندگی تحصیل درآمد و انباشتن ثروت باشد، به حساب گناه شمردن کار و فعالیت و کسب و صنعت و تولید ثروت، هر چند به منظور خدمت و توسعه زندگی اجتماعی باشد (که بسیار مورد تشویق و توصیه اسلام است) می گذارند و میان زهد و تقوا به مفهوم بودایی و مسیحی، که هر یک از عبادات و فعالیت را به یک دنیای جداگانه مربوط می دانند و زهد و تقوای اسلامی که عبارت است از علو نظر و پاکی و طهارت نفس، فرق نمی نهند و یا نمی خواهند فرق نهند».^(۳)

بر مبنای آنچه گذشت، از دیدگاه شهید مطهری، ریشه و منشأ چنین برداشت و تصویری نسبت به مکتب اسلام را می توان در دو چیز یافت:

۱. استعمار که خواستار جدایی دین از زندگی اجتماعی است؛

۲. غفلت و بی خبری مسلمانان از حقایق دین مبین اسلام.

خاستگاه جدایی دین از زندگی اجتماعی

استعمارگران تلاش زیادی کردند تا رابطه دین و نظام اجتماعی را در کشورهای

ص: ۹۳

۱- . قصص (۲۸) آیه ۸۳ .

۲- همزه (۱۰۴) آیات ۲-۳ .

۳- مطهری، مرتضی، انسان کامل، ص ۱۵۶ .

مسلمان قطع کنند. از جمله این تلاشها، طرح مسئله ای است به نام «علمانیت» که به معنای جدایی دین از زندگی اجتماعی است. (۱) این در حالی است که، به تعبیر دکتر شریعتی «دین و دنیا در اسلام قابل تفکیک نیست و نمی توان آن دو را جدا از یکدیگر شناخت. در عین حال، چگونه استعمار به دهان ما انداخت که دین و مذهب از زندگی اجتماعی جداست». (۲)

در صورتی که اسلام، مکتبی است جامع و واقع گرا که به همه جوانب نیازهای انسانی، اعم از دنیایی یا آخرتی، جسمی یا روحی، فکری و عقلی، عاطفی و احساسی، فردی و اجتماعی توجه می کند. بر این مبنا، به اعتقاد شهید مطهری «احکام، یعنی دستورهایی که مربوط است به فعالیت‌های خارجی و عینی انسان، اعم از فعالیت معاشی و معادی، دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی». (۳)

وی در کتاب نظری به نظام اقتصادی اسلام می نویسد:

کسانی که فکر می کنند مسائل زندگی از یکدیگر جداست و هر چیزی یک مرز و یک قلمرو خاص دارد... تعجب و احیاناً انکار می کنند که کسی مسئله ای به نام اقتصاد اسلامی طرح کند، زیرا به عقیده اینها هر یک از اسلام و اقتصاد، یک مسئله جداگانه است. اسلام قلمروی دارد و اقتصاد قلمرو دیگر، همچنان که فرهنگ، سیاست، قضاوت و حتی اخلاق هر کدام قلمروی جداگانه از اسلام دارند.

بعضی پا را فراتر نهاده و گفته اند زندگی به طور کلی یک مسئله است و دین مسئله دیگر. دین را نباید با مسائل زندگی مخلوط کرد. این اشخاص اشتباه اولشان این است که مسائل زندگی را مجرد فرض می کنند. خیر زندگی یک واحد و همه شئون آن توأم با یکدیگر است. ممکن نیست اجتماعی، مثلاً فرهنگ یا سیاست، یا قضاوت یا اخلاق و تربیت و یا اقتصادش فاسد باشد، اما دینش درست باشد و بالعکس.

اگر فرض کنیم دین تنها رفتن به مسجد و کلیسا و نماز خواندن و روزه گرفتن است، ممکن است کسی ادعا کند مسئله دین از سایر مسائل مجزاست، ولی این مطلب فرضاً درباره مسیحیت صادق باشد، درباره اسلام صادق نیست. (۴)

در نظر شهید مطهری به حدی این مسئله بدیهی است که می گوید:

ص: ۹۴

۱- همو، انسان و سرنوشت، ص ۲۷ .

۲- شریعتی، علی، مجموعه آثار، ج ۵، ص ۷۵ .

۳- مطهری، مرتضی، انسان کامل، مجموعه آثار، ج ۲، ص ۶۳ .

۴- همو، نظری به نظام اقتصادی اسلام، صص ۱۵-۱۶ .

من نمی توانم باور کنم یک نفر در یک کشور اسلامی زندگی کند و این اندازه از منطق اسلام بی خبر باشد. مگر قرآن هدف انبیا و مرسلین را در کمال صراحت بیان نکرده است؟ قرآن عدالت اجتماعی را به عنوان یک هدف اصلی برای همه انبیا ذکر می کند. اگر می خواهید به قرآن عمل نکنید، چرا گناه بزرگ تری مرتکب می شوید و به اسلام تهمت می زنید. (۱)

شهید مطهری در رد این تفکر، با استناد به تجربه اسلام در شکوفایی تمدن جهانی به نام تمدن اسلامی، می گوید:

ایران در پرتو گرایش به اسلام در همان وقت که کشورهای گرونده به مسیحیت در تاریکی قرون وسطی فرو رفته بودند، همدوش با سایر ملل اسلامی، و پیشاپیش همه آنها، مشعل دار یک تمدن عظیم و شکوهمند به نام تمدن اسلامی شد.

اینجا این پرسش به ذهن می آید که اگر خاصیت مسیحیت آن است و خاصیت اسلام این، پس چرا امروز کار برعکس است؟ جوابش روشن است: آنها از هفت، هشت قرن پیش، مسیحیت را رها کردند و ما از همان وقت اسلام را. (۲)

لذا به نظر ایشان، «آن کس که تنبلی، ویرانه نشینی، خراباتی گری، گدایی و دریوزگی را محصول تعالیم اسلامی می داند، در یک تناقض آشکار گرفتار آمده است، زیرا چطور ممکن است که تعلیماتی این چنین قادر باشد حتی جامعه ای مثل عربستان آن روز را مرکزیت و وحدت و قدرت بدهد؟ ثانیاً اگر چنان بود باید ملل اسلامی از ابتدای نفوذ اسلام در میان آنها، دچار رخوت و سستی و انحطاط می شدند. در کار زندگی به عنوان این که دنیا جیفه است لاقید می گشتند و دست روی دست می گذاشته همه چیز را حواله به تقدیر می کردند و خود خراباتی می شدند، حال آن که طبق گواه قطعی تاریخ با ظهور اسلام در مردم منطقه ای وسیع از شمال آفریقا تا شرق آسیا حیات و جنبش و نهضتی عظیم و وسیع پدید آمد، و تمدنی کم نظیر پایه گذاری شد و تا شش قرن ادامه یافت، و پس از آن رکود و جمود و روح خراباتی گری بر مردم این منطقه مسلط گشت». (۳)

با توجه به آنچه گذشت، شهید مطهری چنین نتیجه می گیرد که «اسلام - برخلاف

ص: ۹۵

۱- همو، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۹۲.

۲- همو، مجموعه آثار، ج ۱۴، ص ۳۱۴؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ص ۱۵۶.

۳- همان، ص ۱۵۷.

مسیحیت تحریف شده - تمام شئون زندگی بشر را زیر نظر دارد؛ قانون اجتماعی دارد، قانون اقتصادی دارد، قانون سیاسی دارد» (۱).

جهات بی خبری مسلمانان

در نگاه شهید مطهری، بی خبری و غفلت مسلمانان، ریشه در دو چیز دارد:

الف) تصور غلطی که برخی از روشنفکران مسلمان از مقررات اسلامی در اذهان خویش دارند که آن را بسته و انعطاف ناپذیر می دانند. (۲)

ب) تحریک نداشتن اجتهاد در طی قرون که به این تصورات غلط دامن زده است.

از این رو، به اعتقاد وی آنچه سبب ایستایی، شکوفایی و پویایی تمدن اسلامی گردید، جدا از عوامل بیرونی، از قبیل توطئه ها و ترفندهای استعمار، رکود و جمود فکری است که در جهان اسلام به وجود آمده است، که سبب پیدایش روح تمایل و نگرش به گذشته، و پرهیز از مواجهه با روح زمان است. (۳)

برای بیرون رفت از این جمود و رکود است که در گام نخست، دین شناسی به عنوان یک ضرورت خود را نمایان می کند.

ضرورت دین شناسی

اشاره

واکاوی ابعاد و زوایای دین و دینداری و شناخت صحیح پیدا کردن نسبت به حقایق دینی، لازمه پاسخگویی به نیازها و فایده آمدن بر مشکلات جهان جدید است. در نگاه شهید مطهری، شناخت اسلام شرط اول رشد و عدم شناخت اسلام، عامل نفوذ و سیطره دستاوردهای دنیای جدید بر زندگی ماست. در این رابطه می گوید:

... اسلام، به عنوان یک سرمایه معنوی و یک ثروت معنوی و یک امکان فوق العاده در اختیار ماست و ما در مقابل این سرمایه معنوی مسئولیت داریم، چه مسئولیتی؟ مسئولیت شناخت، مسئولیت حفظ، مسئولیت بهره برداری ... تا سرمایه خود را شناسیم و از موجودی آن آگاه نباشیم و ارزش سرمایه خود را ندانیم که چیست، شرط اول

ص: ۹۶

۱- همان، ص ۱۸.

۲- همو، علل گرایش به مادیگری، ص ۷۲.

۳- همان.

رشد را واجد نیستیم، از همان قدم اول لنگ هستیم. (۱)

... سالهاست که در اثر بی‌رشدی ما، در اثر بی‌لیاقتی ما، در اثر عدم شناخت ما از اسلام و فلسفه اجتماعی و انسانی اسلام، مقررات اسلام، به عنوان چیزهای دور

ریختنی، بتدریج از مدار زندگی اجتماعی ما خارج می‌شود... مسئله عدم توجه ما به مسئولیت حفظ و نگهداری مقررات اسلامی از راه عدم شناخت ما به فلسفه نظامات اجتماعی، سیاسی، حقوقی، جزایی، خانوادگی اسلام و عدم قدرت و توانایی ما بر دفاع از آنها یکی از مسائل بسیار حساس است. (۲)

استاد شهید، در مقام عمل، برای این غفلت زدایی و آگاهی بخشیدن به این قوانین الهی در جوامع اسلامی، می‌فرماید:

امروز جهان اسلام بیش از هر وقت دیگر نیازمند یک نهضت قانون گذاری است که با یک دید نو و وسیع و همه جانبه از عمق تعلیمات اسلامی ریشه بگیرد و این ریسمان استعمار فکری غربی از دست و پای مسلمانان باز شود. (۳)

باید پیوند مسائل الهی با مسائل اجتماعی و سیاسی مشخص شود، ... وظیفه دانشمندان روشنفکر اسلامی است که مکتب حقوقی اسلام را از وجهه های سیاسی و اقتصادی و بالاخص از وجهه اقتصادی معرفی کنند. (۴)

با توجه به آنچه گذشت، پاسخ به چرایی توسعه را در نگرش شهید مطهری می‌توان مشاهده کرد که در ادامه به توضیح آن می‌پردازیم.

چرایی توسعه

نیاز، مبنای توسعه

در پاسخ به چرایی توسعه باید گفت، انسان موجودی نیازمند است و به هر میزان که از نیازهای حقیقی او برآورده شود، به همان مقدار او را از نقص به کمال سیر می‌دهد. می‌توان گفت، کمال آدمی برابر با رفع نیازهای اوست، به همین جهت رفع نیاز به عنوان هدفی مبنایی و پایه ای در زندگی او تبلور می‌یابد. به طور کلی، نیازهای آدمی دو دسته اند:

ص: ۹۷

۱- همو، امدادهای غیبی، ص ۱۶۰.

۲- همان، ص ۱۶۸.

۳- همو، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۹۹.

۴- همو، علل گرایش به مادیگری، ص ۲۵۶.

۱. نیازهای ثابت؛

۲. نیازهای متغیر.

هر یک از این نیازها به دو بخش تقسیم می شوند:

۱. نیازهای مادی؛

۲. نیازهای معنوی.

قوانین و مقررات اسلامی برای برآوردن نیازهای انسان قرار داده شده اند. بدین جهت است که به تعبیر شهید مطهری «... قوانین اسلامی، به اصطلاح امروز در عین این که آسمانی است، زمینی است. یعنی بر اساس مصالح و مفاسد موجود در زندگی بشر است؛ به این معنا که جنبهٔ مرموز صددرصد مخفی و رمزی ندارد که بگویید حکم خدا به این حرفها بستگی ندارد... اسلام اساساً خودش بیان می کند که هر چه قانون من وضع کرده ام، براساس همین مصالحی است که یا به جسم شما مربوط است یا به روح شما، به اخلاق شما، به روابط اجتماعی شما، به همین مسائل مربوط است»^(۱). بنابراین، هدف اصلی از وضع قوانین اسلام نیز اشباع و برطرف ساختن نیازهای انسانهاست.

اهمیت تفکیک نیازها

به اعتقاد شهید مطهری «روش اسلام در تفکیک نیازهای ثابت و متغیر زندگی، یکی از جنبه های اعجاز آمیز دین مبین اسلام است که هر مسلمان فهمیده و دانشمند از آن احساس غرور و افتخار می کند، زیرا اسلام در مورد احتیاجات ثابت فردی یا اجتماعی قوانین ثابت و در مورد احتیاجات موقت و متغیر، وضع متغیری را در نظر گرفته است»^(۲).

از دیدگاه ایشان «تغییر نیازمندیها و نو شدن و کهنه شدن آنها مربوط به نیازمندیهای ثانوی است. نیازمندیهای اولی نه کهنه می شود و نه از بین می رود؛ همیشه زنده و نو است. پاره ای از نیازمندیهای ثانوی نیز چنین است. از آن جمله است نیازمندی به قانون. نیازمندی به قانون، ناشی از نیازمندی به زندگی اجتماعی است و در عین حال دائم و همیشگی است.

ص: ۹۸

۱- همان، ص ۲۷ .

۲- همو، نظام حقوق زن در اسلام، ص ۱۰۹ .

بشر هیچ زمانی بی نیاز از قانون نخواهد شد»^(۱).

ایشان در چگونگی جمع بین نیازهای متغیر انسان که در پی توسعه و پیشرفت علم و دانش و رشد و توسعه تمدن به وجود می آید، و دستورات و مقررات دینی می گوید:

درست است که توسعه عوامل تمدن نیازمندی های جدیدی به وجود می آورد و احیاناً یک سلسله قراردادها و قوانین فرعی را ایجاد می کند؛ مثلاً وسایل نقلیه ماشینی

ایجاد می کند که یک سلسله قراردادها و مقررات به نام مقررات راهنمایی برای شهرها و یک سلسله مقررات بین المللی میان کشورها وضع بشود که در گذشته نیازی به چنین مقررات نبود، اما توسعه عوامل تمدن ایجاد نمی کند که قوانین حقوقی و جزایی و مدنی مربوط به داد و ستدها و وکالتها و غصبها و ضمانتها و ارث و ازدواج و امثال اینها - اگر مبتنی بر عدالت و حقوق فطری واقعی باشد - عوض بشود، چه رسد به قوانین مربوط به رابطه انسان یا رابطه انسان با طبیعت^(۲).

قانون، راه و طریقه عادلانه و شرافتمندانه تأمین نیازمندیها را مشخص می کند. تغییر و تبدیل وسایل و ابزارهای مورد نیاز راه تحصیل و استفاده و مبادله عادلانه آنها را عوض نمی کند، مگر آنکه فرض کنیم همان طور که اسباب و وسایل و ابزارهای زندگی تغییر و تکامل می یابد، مفاهیم حق و عدالت و اخلاق نیز تغییر می کند. به عبارت دیگر، فرض کنیم حق و عدالت و اخلاق یک سلسله مفاهیم نسبی هستند. یک چیز که در یک زمان حق و عدالت و اخلاق است، می تواند در عصر و زمان دیگر ضد حق و عدالت و اخلاق باشد.

این فرضیه در عصر ما زیاد بازگو می شود. درک نکردن مفهوم واقعی حق، عدالت و اخلاق باعث چنین فرضیه ای شده است. آنچه در باب حق و عدالت و اخلاق متغیر است، شکل اجرایی و مظهر عملی آنهاست، نه حقیقت و ماهیتشان.

یک قانون اساسی، اگر مبنا و اساس حقوقی و فطری داشته باشد، زنده و پویا باشد، خطوط اصلی زندگی را رسم کند و به شکل و صورت زندگی که وابسته به درجه تمدن است پردازد، می تواند با تغییرات زندگی هماهنگ بلکه رهنمون آنها باشد.

تناقض میان قانون و نیازهای نو زمانی پیدا می شود که قانون به جای این که خط سیر را

ص: ۹۹

۱- همو، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۱۸۴.

۲- همان.

مشخص کند، به تثبیت شکل و ظاهر زندگی پردازد. برای مثال، وسایل و ابزارهای خاصی را که وابستگی تام و تمام به درجه فرهنگ و تمدن دارد، بخواهد برای همیشه تثبیت نماید.

اگر قانون بگوید الزاماً همیشه باید برای نوشتن از دست، برای سوار شدن از اسب و الاغ، برای روشنایی از چراغ نفتی، برای پوشیدن از منسوجات دستی و ... استفاده کرد، چنین قانونی به مبارزه با توسعه علم و تمدن و نیازهای ناشی از آن برخاسته و بدیهی است که جبر تاریخ آن را عوض می کند.

«قانون هر اندازه جزئی و مادی باشد؛ یعنی خود را به مواد مخصوص و رنگ و شکل های مخصوص بسته باشد، امکان بقا و دوام کمتری دارد، و هر اندازه کلی و معنوی باشد و توجه خود را نه به شکلهای ظاهری اشیا، بلکه به روابط میان اشیا یا میان اشخاص معطوف کرده باشد، شانس بقا و دوام بیشتری دارد»^(۱).

جهت توسعه

نگاه به انسان

در جهت توسعه، نوع نگاه به انسان و تعریف و شناخت او و تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب او، همچنین شناخت وظیفه و رسالت و هدف از آفرینش و خلقت او، اهمیت بسیاری دارد.

در بینش توحیدی، انسان آفریده ای است «ذاتمند»، «دو ساحتی»، «مختار»، «مسئول» و «هدفمند». از این رو، رسالت انسانی او در آن است که جامعه و نظام اجتماعی خود را به سوی کمال حقیقی «إِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» سیر دهد. این سیر در عین حال باید هماهنگ و همگام با حرکت طبیعت باشد، زیرا انسان با شناخت و قدرتی که از قوانین طبیعی دارد، می تواند آگاهانه با انتخاب خود، با استفاده از قوانین طبیعی، بر جهت حرکت جامعه تأثیر بگذارد و آن را در جهت مطلوب و مقصود خود قرار دهد. به تعبیر شهید مطهری «انسانها با اراده خودشان، با اختیار خودشان و با طرح ریزی خودشان برای جامعه شان راه تکامل یا توقف و یا عقبگرد را برگزیده اند»^(۲).

ص: ۱۰۰

۱- همان، ص ۱۸۵.

۲- همو، عدل الهی، ص ۱۵.

در پرتو چنین نگرشی به انسان و جایگاه و ارتباط او با طبیعت است که توسعه متوازن و متعادل به عنوان یک راهبرد کارآمد در حوزه دین، اهمیت بسزایی دارد. در حقیقت، می توان گفت نگاه دین به توسعه، نگاه جامع و کامل به انسان و نیازهای اساسی و حقیقی او و نیز چگونگی و میزان بهره گیری از طبیعت و ارتباط او با طبیعت است. در نگاه شهید مطهری «توسعه به مفهوم انسانی آن، که کمال انسانی و انسانیت انسان را هدف و جهت

خود قرار می دهد، می تواند جهان خشک و سرد مکانیکی و مادی را به جهانی جاندار و ذی شعور و آگاه تبدیل کند، چنان که ایمان مذهبی تلقی انسان را نسبت به جهان و خلقت دگرگون می سازد»^(۱).

آنچه در روند توسعه غربی (اگر نگوئیم به عمد) مورد غفلت واقع شد، پیامدهای جبران ناپذیری را بر جوامع بشری تحمیل نمود و انتقادهای فراوانی را برانگیخت و ناگزیر از تجدید نظر در روند توسعه گردید.

تجدید نظر در مفاهیم و جهت توسعه

توسعه تک بُعدی و پیامدهای سوء آن، و نیز بی توجهی به محیط زیست و شرایطی که بشر برای بقا نیازمند آن است، تحولات اساسی در نگرش به توسعه به وجود آورد و روند توسعه و پیشرفتی را که جوامع غربی در طی دوران جدید تجربه کردند، مورد انتقادهای جدی قرار داد. منتقدان را می توان به دو گروه تقسیم کرد:

الف) کسانی که از ابعاد معرفتی و با نگاه معرفت شناسانه به توسعه نگریسته و از این زاویه به نقد و انتقاد پرداخته اند.

برای مثال، برخی مانند پست مدرنیست ها، با به چالش کشاندن دستاوردهای دوران مدرنیته، به لحاظ معرفتی، نحوه نگرش مکانیکی و علم پرستانه مدرنیته را با پرسشها و تردیدهای جدی مواجه ساختند و خواستار تجدید نظر در آنها شدند.

ب) دسته دوم، کسانی هستند که توسعه را با توجه به آسیبهای جبران ناپذیری که به محیط زیست وارد نموده، مورد نقد و انتقاد قرار دادند. زیرا در مدرنیته، نیازهای انسان نامتناهی معرفی گردید؛ در نتیجه مصرف گرایی و تنوع طلبی، تبلیغ و ترویج و بسیاری از

ص: ۱۰۱

نیازهای کاذب و سیری ناپذیر، جایگزین نیازهای اولیه انسانی شد.

بنابراین ، توسعه ای که دین در پی آن است ، توسعه ای است که بتواند در راستای تعادل و توازن و کمال انسانها قرار داشته باشد؛ همان چیزی که در فرایند توسعه غربی ، به عمد یا غیر عمد فراموش شد.

ص: ۱۰۲

بخش دوم: موانع جهاد اقتصادی

اشاره

ص: ۱۰۳

تلاش ما در این بخش، که در دو فصل انجام خواهد شد، بدین صورت می باشد که در فصل اول، اشاره ای هر چند گذرا به عوامل و موانع غیراقتصادی است که در روند توسعه اقتصادی هر کشور در حال توسعه از جمله ایران تأثیر مهمی دارند. ده عامل نظم، وجدان کاری، مشارکت در فرایند توسعه، مصرف زدگی، خلاقیت، نظام آموزشی، شایسته سالاری، کار محور ارزش، قانون گرایی و امنیت را در این رابطه به اختصار بیان خواهیم کردیم. البته، هرگز مدعی نیستیم که عوامل مذکور جامع و مانع بوده و اهمیت یکسانی دارند، بلکه آنچه اهمیت دارد، توجه به عوامل غیر اقتصادی در کنار عوامل اقتصادی تسریع کننده یا بازدارنده توسعه اقتصادی است.

در فصل دوم، به چالشها و پارادوکسهای موجود در جامعه که می تواند روند حرکت جهاد اقتصادی و در پی آن افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را کند کند پرداخته خواهد شد.

به نظر می رسد سیاست گذاران به شکل شایسته به این دسته از عوامل توجه نکرده اند و همین امر از دلایل مهم عدم توفیق کشور در نیل به توسعه اقتصادی، با وجود بیش از شصت سال تجربه برنامه ریزی و اجرای ۹ برنامه توسعه اقتصادی، است.

اگر خواهان نیل به توسعه هستیم، باید ضعفهای موجود در این زمینه را شناسایی کنیم و مدبرانه برای رفع آنها بکوشیم. در این صورت، می توان امیدوار بود که به هدفهای جهاد اقتصادی در بستر افزایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی دست یافت.

اقتصاددانان، دسترسی به عوامل متعددی را برای نیل به توسعه اقتصادی در جوامع در حال توسعه ضروری دانسته اند، مانند سرمایه، نیروی انسانی ماهر، برخورداری از منابع طبیعی و... که می توان عوامل مذکور را به دو گروه عوامل اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم کرد. آنچه در ادیات توسعه دیده می شود، تکه زیاد بر عوامل اقتصادی و به ویژه انباشت سرمایه و سرمایه گذاری است. (۱)

شاید تجربه موفق کشورهای اروپایی پس از جنگ جهانی دوم و کشورهای آسیای جنوب شرقی مشهور به «چهار پیر کوچولو» این باور را ایجاد نموده است.

نگاهی اجمالی به تاریخ کشورمان در دوران مدرن (سالهای پس از ۱۹۰۰ میلادی) نشان از آن دارد که تلاشهای قابل توجهی به منظور دستیابی به توسعه اقتصادی صورت گرفته است. حداقل می توان گفت از دهه های اولیه قرن چهاردهم هجری. سیاست گذاران اقتصادی کشور با مفاهیم مذکور آشنا بوده و کوششهایی را برای هدایت جامعه به سمت توسعه انجام داده اند. به عبارت دیگر، کشور ما به طور رسمی برنامه ریزی توسعه اقتصادی از سالهای ۱۳۲۷ به بعد را تجربه نموده است، به این معنا که پنج برنامه عمرانی هفت و پنج ساله قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و چهار برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در دوران پس از پیروزی انقلاب در کشور اجرا شده است و بیش از پنجاه سال از عمر برنامه ریزی اقتصادی در کشور و پیش از هشتاد سال از تلاش برای صنعتی شدن سپری می شود. با وجود این، چرا کشور نتوانسته در جایگاه اصلی خودش قرار بگیرد؟ علت آن چیست؟

به نظر می رسد امروزه بیش از هر زمانی به ریشه یابی علل عدم توفیق کشور در زمینه های فوق نیاز است. بدیهی است، کاوش در این زمینه همت افراد متخصص در علوم

مختلف اقتصاد، مدیریت، جامعه شناسی، جغرافیا، روان شناسی و فنی را می طلبد. آنچه در این بخش به دنبال آن هستیم، پی جویی برخی از علل یاد شده است.

به نظر می رسد دلیل عمده به بار نشستن تلاشهای کشور در دستیابی به توسعه اقتصادی، موانعی است که آنها را موانع غیراقتصادی می نامیم. به عبارت دیگر، گرچه کشور نیازمند وجوه لازم برای سرمایه گذاری در امور و بخشهای مختلف اقتصادی - اجتماعی است، ولی مشکل اصلی کمبود سرمایه نیست، زیرا کشور با بهره مندی از ذخایر فراوان نفت و گاز و سایر منابع طبیعی، رقمی افزون بر ۴۸۰ میلیارد دلار فقط درآمد ارزی حاصل از نفت طی دوره ۱۳۴۸-۱۳۷۵ داشته است. (۱)

چنانچه درآمدهای ارزی غیرنفتی را طی دوره مذکور ۵۰ میلیارد دلار برآورد کنیم به این نتیجه خواهیم رسید که کشور در دوره مورد مطالعه بیش از ۵۳۰ میلیارد دلار درآمد ارزی داشته است. آیا سرمایه گذاریهای آمریکا و سایر کشورها در کره جنوبی و دیگر کشورهای جنوب شرقی آسیا از این مبلغ بوده است؟ آیا چنین که نرخهای رشد اقتصادی آن در سالهای اخیر دنیا را متعجب کرده است، به درآمدهای ارزی بسیار فراتر از آنچه ما داشته ایم دسترسی داشته است؟

پاسخ به این سؤاها مثبت نخواهد بود، زیرا این کشور به عنوان موفق ترین کشور در حال توسعه در زمینه جذب سرمایه های خارجی توانسته است در دوره ده ساله

۱۹۹۵ - ۱۹۸۶)، (دوره اوج جذب سرمایه های خارجی توسط این کشور) رقمی حدود ۵ / ۱۲۸ میلیارد دلار سرمایه جذب کند. (۲) از طرفی، می دانیم که مجموع جذب سرمایه های خارجی این کشور تا سال ۱۹۷۵ حدود ۵۰۰ میلیون دلار بوده است. بنابراین، می توان گفت چین با احتساب متوسط سالیانه ۲/۵ میلیارد دلار جذب FDI در دوره ۱۹۸۲-۱۹۹۱ در دوره بعد از انقلاب سوسیالیستی تا سال ۲۰۰۰، حدود ۲۰۰ میلیارد دلار از سرمایه گذاریهای خارجی سود برده است (ذکر این نکته مفید خواهد بود که چین در سال ۱۹۹۵ به تنهایی ۸۶٪ از کل سرمایه گذاریهای مقیم خارجی مربوط به کشورهای کم درآمد را جذب نموده است).

بنابراین، برخورداری کشور از منابع ارزی قابل توجه از یک سو و وجود شصت سال

ص: ۱۰۷

۱- مجلس در پژوهش، شماره های ۷ و ۸ و ۹ (مرکز آمار ایران ۱۳۷۱).

۲- روند، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، شماره های ۲۴ و ۲۵ ص ۲۸ (تهران، ۱۳۷۶).

سابقه برنامه ریزی توسعه از دیگر سو و در نهایت وضعیت فعلی، ما را متقاعد می کند که دلایل عدم توفیق کشور در نیل به توسعه اقتصادی را در وجود موانعی فراتر از کمبود سرمایه جستجو کنیم. به نظر می رسد اصلاح عملکرد جامعه در زمینه عوامل ده گانه زیر، از پیش نیازهای دستیابی به توسعه اقتصادی باشد و بدون بهبود چشمگیر در این زمینه ها، حتی در صورت برخورداری سخاوتمندانه از منابع سرمایه ای، تحولی جدی در وضعیت توسعه نیافتگی کشور ایجاد نخواهد شد. این عوامل عبارتند از:

۱. نظم

در دستورهای دینی و توصیه های ائمه اطهار (علیهم السلام) و سایر رهبران دینی به رعایت نظم در امور زندگی سفارش شده ایم، تا حدی که حضرت علی (علیه السلام) در آستانه شهادت فرزندان خود را از میان همه خوبیهای قابل سفارش، به تقوای خدا و نظم در امور سفارش می کند! امروز نه تنها این سفارش مولای متقیان (علیه السلام) در زندگی فردی و اجتماعی ما تحقق نیافته است، بلکه گاه دیده می شود رعایت نظم به عنوان یک عمل غیرمطلوب تلقی می شود.

مثالهای بسیاری را می توان در این زمینه ذکر کرد. اگر فردی رأس ساعتی که به جلسه ای دعوت شده است حضور یابد، به علت تأخیر دیگران مجبور است مقداری از وقت خود را از دست بدهد؛ یعنی او به خاطر حضور به موقع جریمه شده است. یا اگر یک کارمند یا مدیر نظم را سیره عملی خود قرار داده و از مجموعه تحت امر خود نیز همین انتظار را داشته باشد، گاه از آنها به عنوان افراد خودخواه، سخت گیر و... نام برده می شود. اگر هر یک از ما مروری به زندگی فردی و اجتماعی خود داشته باشیم، می بینیم که فرصتهای بسیاری را در اثر رعایت نکردن نظم از دست داده ایم و چنانچه عملکرد ما در شئون اجتماعی نافذ بوده است، جامعه را از فرصتهای قابل توجهی محروم کرده ایم. در مقابل، چنانچه زندگی افراد موفق جامعه را مطالعه کنیم، خواهیم دید یکی از صفات بارز آنها در سراسر زندگی شان «نظم» بوده است. بی نظمی که گونه ای از آن تأخیر در انجام امور نسبت به وقت مقرر است، به صورت یک بیماری فراگیر اغلب شئون جامعه ما را در بر گرفته است. تأخیر در تصویب، ابلاغ و اجرای قوانین، پاسخ به مراجعان در سازمانها و نهادها، حرکت هواپیماها، قطارها، اتوبوسها، شروع کلاسهای درس، حضور در محل کار

و... نمونه های اندکی است از سیطره بی نظمی در جامعه. بدون تردید، جامعه توسعه یافته، جامعه ای است که در آن نظم نهادینه شده باشد. تجربه کشورهای توسعه یافته، نشان از صحت این مدعا دارد.

۲. وجدان کاری

دومین پیش نیاز توسعه یافتگی، تبلور وجدان کاری در عملکرد مردم و کارگزاران آن جامعه است. وجدان کاری از دو زاویه احساس مسئولیت کردن در مقابل سرنوشت جامعه، منابع و امکانات جامعه، انسانها، محیط زیست و... و نیز تقویت به رعایت استاندارد لازم در تولید کالاها و ارائه خدمات موردنظر است. اگر امروز شاهد استقبال مردم از کالاهای خارجی هستیم، عمدتاً ناشی از نبود کیفیت لازم در تولیدات مشابه داخلی است. کیفیت پایین محدود به کالاها نمی شود، بلکه در عرصه خدمات نیز این پدیده نامناسب به گونه ای گسترده شایع است. اغلب مصرف کنندگان و مشتریان از ارائه کیفیت نازل خدمات توسط عرضه کنندگان آنها شکایت می کنند. به نظر می رسد برای پیشرفت و بهبود اقتصاد کشور چاره ای جز ایجاد اعتماد در مردم نسبت به تولیدات داخلی وجود ندارد و اعتماد جز با ارتقای کیفی محصولات امکان پذیر نیست. ارتقای کیفیت نیز جز با تقویت وجدان کاری در آحاد افراد جامعه و درک منافع آینده دور نسبت به توجه صرف به منافع کوتاه مدت، تحقق پذیر نخواهد بود.

مصادقهای ضعف وجدان کاری در جامعه بسیار زیاد است و در همه بخشهای دولتی و غیردولتی قابل مشاهده است. دستگاههای تأثیرگذار بر افکار و احساسات مردم مسئولیت نهادینه کردن «وجدان کاری» را در جامعه دارند. وسایل ارتباط جمعی، نظام آموزشی، علما، خطباء، سیاست گذاران، قانون گذاران، مدیران و... همگی در تقویت حس وجدان کاری مسئولیت دارند. تأثیر شگرف شکوفایی احساس مسئولیت در برابر سرنوشت کشور را در دوران پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی شاهد بودیم. اکنون لازم است مصادقهای وجدان کاری به صورت پویا به جامعه عرضه شود. در این میان رهبران، علما و مدیران با رفتار عملی خود، تأثیرگذاری بیشتری در تقویت یا تضعیف وجدان کاری در جامعه دارند.

از ضروریات حرکت یک جامعه به سمت توسعه یافتگی، مشارکت آحاد جامعه در فرایند توسعه است. اگر مردم همراهی نکنند، ولو این که تمامی ابزارهای مادی فراهم باشد، جامعه به توسعه دست نخواهد یافت. «مشارکت» در فرایند توسعه زمانی تحقق خواهد یافت که نیاز به توسعه یافتگی در میان مردم یک جامعه ایجاد شده باشد؛ زیرا مسیر توسعه، با سختکوشی، قناعت و زحمت و تلاش همراه است. توسعه برای هیچ ملتی آسان به دست نیامده است. از انگلستان که پیشرو در انقلاب صنعتی بوده است، تا ژاپن که دیرتر به گروه کشورهای توسعه یافته پیوست، توسعه یافتگی قرین با زحمت و رنج و تلاش بوده است. به نظر می رسد سنت آفریدگار چنین است که فرموده است: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ»^(۱)؛ «همانا ما انسان را در رنج آفریدیم».

درباره خصوصیات مردم ژاپن گفته می شود کارگران بنگاههای اقتصادی نسبت به سرنوشت شرکتی که در آن شاغل هستند بی تفاوت نبوده، برای پیشرفت شرکت محل کارشان در مقایسه با شرکتهای رقیب تعصب می ورزند و این تعصب آنها را به کار و تلاش بیشتر برمی انگیزد.

البته، جامعه ای که با فقر و تنگدستی شدید دست به گریبان است، امکان مشارکت در فرایند توسعه را نخواهد یافت و مردمی که درگیر حل مشکل «معاش» روزمره خود هستند، فرصت تفکر به منافع درازمدت جامعه را نخواهند داشت.

از دیگر اموری که مشارکت مردم را در فرایند توسعه تقویت خواهد کرد، اعتقاد به منافع حاصل از توسعه است. بدیهی است، اگر مردم شناخت درستی از جامعه توسعه یافته

نداشته باشند یا اصولاً آن را مطلوب ندانند، آمادگی همکاری به منظور تسریع آن را نخواهند داشت. لذا، ایجاد این باور که جامعه توسعه یافته جامعه ای است که هرگونه سرمایه گذاری برای رسیدن به آن توجیه عقلایی دارد، ضروری به نظر می رسد. ایجاد این باور مستلزم وجود بینشی عمیق در مردم و مسئولان جامعه و برخوردار از توانایی آینده نگری است. از موانع آینده نگری، همان طور که گفته شد، فقر شدید حاکم بر یک

ص: ۱۱۰

۴. مصرف زدگی

اولین درسهای اقتصاد کلان این اتحاد را به ما می آموزد که $y = C + S$. درآمد ملی (y) همیشه برابر است با مجموع پس انداز (S) و مصرف (C)، به طوری که بین اجزای درآمد ملی **Trade off** وجود دارد؛ یعنی افزایش یکی موجب کاهش دیگری خواهد شد، به این معنا که اگر خواهان افزایش سرمایه گذاری و افزایش تولید هستیم، به ناچار باید سهم کمتری از درآمد ملی را مصرف کرده، نرخ پس انداز را افزایش دهیم. الگوی مصرف جامعه ما در این رابطه از دو جهت قابل تأمل است. نخست آن که سهم مصرف از درآمد ملی بالاست. آمار موجود حاکی از آن است که حدود ۸۰٪ از درآمد ملی در سالهای ۱۳۷۰ به بعد توسط خانوارها و دولت مصرف شده است و حتی در برخی سالها این رقم بالغ بر ۸۲٪ از درآمد ملی (بر قیمت‌های ثابت سال ۱۳۶۱) شده است. جدول زیر روند تغییرات نرخ پس انداز خالص و ناخالص را در سالهای ۱۳۶۵-۱۳۷۷ نشان می دهد.

تغییرات نرخ پس انداز طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۷

نرخ پس انداز (%)

ناخالص ۱/۱۸

خالص -۹/۰

سال ۱۳۶۵

۱۳۷۰

۸/۹

۱۳۷۳

۱/۱۸

۵/۷

۱۳۷۴

۴/۱۹

۲/۷

۱۳۷۵

۱/۲۲

۴/۱۰

۱۳۷۶

۱/۲۳

۲/۱۱

۱۳۷۷

۶/۲۲

۴/۱۰

همان طور که از جدول فوق پیداست، نرخ پس انداز خالص که در سال پایانی مورد بحث تقریباً با مقدار آن در سال ۱۳۷۰ برابر بوده، درصد پایینی از درآمد ملی را تشکیل می دهد. اگر در یک برآورد اجمالی نرخ رشد جمعیت را ۵/۱ درصد و ضریب ICOR را برای کشور ۵ در نظر بگیریم، برای دستیابی به یک نرخ رشد اقتصادی خالص ۳٪ در سال

ص: ۱۱۱

باید:

$$rs = ICOR \cdot rp + rNNI = 5(\%1.5 + \%3) = \%22.5$$

۲۲/۵٪ از تولید ملی پس انداز شود، در حالی که عملکرد اقتصاد کشور در بهترین سالهای خود حدود نصف نرخ مورد نیاز را نشان می دهد. بنابراین، قناعت در مصرف از اموری است که جامعه سخت نیازمند آن است. علاوه بر این، تحول دیگری که ضرورت آن احساس می شود، تغییر ذائقه مردم از کالاهای خارجی به سمت کالاهای تولید داخل است.

در وضعیت فعلی، با وجود اینکه تولید داخلی در بسیاری از زمینه ها قادر به تأمین نیازهای جامعه است، مصرف کنندگان ترجیح می دهند از کالاهای مشابه خارجی استفاده کنند که این گرایش را می توان ناشی از باورهای فرهنگی شکل گرفته در طی سالهای متمادی و نیز کیفیت غیراستاندارد تولیدات داخلی (در اغلب موارد) دانست. علاوه بر این نکات، باید گفت در جامعه بخشی از مصرف به خاطر نیاز به کالای خریداری شده نیست، بلکه با هدف کسب موقعیت و منزلت بالاتر است که به آن «مصرف پرستیژی» گفته می شود و «دوزبری» از آن با عنوان «مصرف به خاطر چشم و همچشمی» یاد می کند. واضح است، چنانچه انگیزه مصرف «پرستیژ» باشد، خرید کالای خارجی اولویت خواهد داشت. برای مثال، در حالی که برای محصولات تولید صنعت نساجی کشور تقاضای کافی وجود ندارد، انواع و اقسام پارچه و پوشاک خارجی در بازارهای کشور مورد استقبال مصرف کنندگان قرار می گیرد.

بنابراین، به نظر می رسد ضرورت دارد تمهیداتی اندیشیده شود که سهم مصرف از درآمد ملی کاهش یابد و ضمن اصلاح انگیزه مصرف، الگوی مصرفی جامعه از توجه به کالاهای خارجی، به تولیدات داخلی گرایش یابد. بدیهی است، این تعدیل و اصلاح با صدور بخشنامه و... انجام نخواهد شد، بلکه از طریق ارتقای فرهنگ مصرف و تولید

جامعه، ممکن است.

۵. خلاصیت

«شومپیتر» نوآوری و خلاقیت را موتور رشد می نامد. به گمان وی، افراد مبدع و مبتکر

ص: ۱۱۲

منادی توسعه اقتصادی هستند و وظیفه دولت، حمایت از این افراد است. نقش نوآوری در فرایند توسعه اقتصادی انکارناپذیر است و جامعه ای که از این موهبت الهی کم بهره باشد، فرصتهای اندکی را برای پیمودن این راه دشوار ایجاد خواهد کرد. اما به منظور بروز خلاقیت‌های افراد یک جامعه، باید بستر لازم برای به فعلیت درآمدن استعدادها فراهم شود. همچنین زمینه‌های به کارگیری نوآوری‌های انجام شده باید فراهم گردد، زیرا هر کدام از این دو مورد غفلت قرار گیرند، باعث محروم شدن جامعه از ابداعات و ابتکارهایی خواهد شد که می‌توانند روند توسعه کشور را تسریع نمایند. برای مثال، اگر سازمانها در قراردادهای خود پیش بینی کنند چنانچه پروژه مورد قرارداد شش ماه قبل از موعد مقرر (با حفظ استاندارد لازم) به پایان برسد، پیمانکار ۲۵٪ اضافه دریافت خواهد کرد. از این طریق، هم خلاقیت‌ها گسترش خواهد یافت و هم کشور از منافع حاصل از بهره برداری سریع‌تر پروژه‌ها بهره خواهد جست.

اکنون باید از خود پرسیم جامعه ما چقدر زمینه خلاقیت را در زمینه‌های فنی، مدیریتی، اقتصادی و اجتماعی فراهم نموده است؟ چقدر به مدیران نوآور و خلاق امکان به کارگیری تواناییهایشان را داده ایم؟ به چه میزان از صنعتگران و تولیدکنندگان مبتکر حمایت کرده ایم؟ اینها سؤالی است که پاسخ به آنها به تأمل جدی نیاز دارد و ریشه‌های توسعه نیافتگی را در جامعه مشخص می‌کند.

۶. نظام آموزشی

آموزش مانند هر کالای دیگری دو جنبه عرضه و تقاضا دارد. عرضه آموزشی و به ویژه آموزش عالی، در کشورهای در حال توسعه در عین حال که با هدف تغییر ساختار جامعه سنتی و قبیله‌ای به یک جامعه مدرن شهری و دارای نهادهای مدنی و تفکر نوین صورت می‌گیرد، متأثر از مسائل و انگیزه‌های سیاسی نیز هست. دولتمردان این کشورها به گسترش آموزش به طور عام و آموزش عالی به طور خاص به عنوان یک شاخص توسعه یافتگی

می‌نگرند، فارغ از اینکه این گسترش تا چه حد با نیازهای واقعی جامعه آنها منطبق است.

طرف تقاضای آموزش نیز تحت تأثیر دو انگیزه مهم است:

نخست، به دلیل تفاوت بسیار زیاد درآمد خصوصی و هزینه خصوصی آموزش (و به

ویژه آموزش عالی) تقاضای زیادی برای آموزش وجود دارد. دوم، آموزش عالی برای موقعیتی تلقی می شود که در اختیار عده معدودی قرار گرفته و صاحبان این فرصت از شأن و منزلت اجتماعی نسبتاً والایی برخوردارند که این امر موجب تقاضا برای آموزش (عالی) تحت تأثیر انگیزه «پرستیژی» می شود. بنابراین، عناصر مهمی در طرفین عرضه و تقاضای آموزش در این کشورها وجود دارد که تحت تأثیر نیازهای آن جوامع شکل نگرفته اند. به همین دلیل، گسترش آموزش بدون ارتباط ارگانیک با ضروریات جوامع، به بروز مشکلات ساختاری در نظام آموزشی انجامیده است که در ادامه به چهار مشکل به طور اجمالی اشاره می شود:

الف) اتلاف وقت دانش آموزان و دانشجویان با ارائه دوره ها و درسهای غیرضروری.

در این زمینه، نظری به وضعیت آموزشی کشور می اندازیم. در نظام آموزشی کنونی هر دانش آموز مجبور است ۱۲ سال (به جز دوره پیش دبستانی) تحصیل کند (۵ سال دوره ابتدایی، سه سال دوره راهنمایی، سه سال دوره دبیرستان و یک سال دوره پیش دانشگاهی) و در ۱۸ سالگی در صورت درخشش نسبی در این مراحل، آماده ورود به دانشگاه می شود. در غیر این صورت، به اخذ دیپلم نایل می گردد.

سؤال این است که این جوان هجده ساله دیپلمه چه تخصصی را فرا گرفته است و در چه زمینه ای از نیازهای اقتصادی، اجتماعی جامعه می تواند مشغول به کار شود؟ و آیا اصولاً او تخصص و مهارتی دارد؟ جواب به این سؤال، مثبت نیست.

در ضرورت آموزش دبستانی تردیدی نیست. آموزش راهنمایی نیز به مثابه دوره تکمیلی دوره دبستانی شاید قابل توجیه باشد، ولی آیا زمان آن نرسیده است که در مورد آموزش دبیرستانی با شکل و محتوای فعلی به طور جدی تأمل کنیم؟ آیا نمی توان از پایان دوره راهنمایی تکلیف دانش آموزان را روشن کرد؟ مستعدان ورود به دانشگاه را به رشته های مورد علاقه شان که توانایی لازم را برای ادامه تحصیل دارند منطبق بر نیاز کشور راهنمایی کرده و بقیه نیز قبل از آن که بخش قابل توجهی از عمر خود را صرف فراگرفتن آموزشهای عمومی و کم فایده کنند، برای آینده خود چاره ای بیندیشند.

مشکل طولانی بودن دوره های تحصیلی منحصر به دوران پیش دانشگاهی نمی شود، بلکه به دوره های دانشگاهی نیز تسری دارد. واحدهای درسی زیاد که گاه ضرورت زیادی

برای ارائه آنها به چشم نمی خورد و مهمتر از آن، ارائه درسهای گاه تکراری در سطوح مختلف کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری، از مشکلاتی است که گریبانگیر آموزش عالی کشور می باشد.

ب) نظام آموزشی فعلی کشور بیش از آنکه توجه خود را معطوف به پرورش استعدادهای دانش آموزان و دانشجویان نماید، محفوظات آنان را ارزشگذاری می کند و نحوه ارزشیابی به جای تکیه بر قدرت درک و استنباط متعلم به شکل یک یا دو امتحان برای هر درس تجلی کرده است؛ امتحانی که اغلب به عنوان تکلیف شب امتحان تلقی می شود. اصولاً نه معلم شکوفایی استعداد را وظیفه خود می داند و نه برخی انگیزه و توانایی لازم را برای این امر دارند. نظام ارزشیابی نیز همان طور که گفته شد، چنین سمت و سویی ندارد. در نتیجه، مقداری اطلاعات برای کسب نمره حفظ می شود و در فاصله کمی پس از سپری شدن امتحان، اکثر آن فراموش می گردد. تکیه بر محفوظات نه تنها موجبات شکوفایی تواناییهای دانش آموزان و دانشجویان را فراهم نمی کند، بلکه حتی روحیه اعتماد به نفس را نیز در آنان تضعیف می کند، لذا خلأقت، نوآوری، ابداع و ریسک پذیری کاهش می یابد.

ج) گرچه گسترش آموزش و به ویژه آموزش عالی مثبت به نظر می رسد، اگر چنین گسترشی با حفظ معیارهای پذیرفته شده علمی همراه نباشد، باعث کاهش انگیزه در افراد مستعد خواهد شد. وقتی مؤسسات مختلف با انگیزه های متفاوت رشد کنند و جامعه سره را از ناسره به طور صریح جدا نکنند، بر حرمت علم و عالم خدشه وارد می شود و این خدشه در درازمدت آثار نامطلوبی را بر جای خواهد گذاشت. به علاوه، اگر در جامعه ای صاحبان علم و دانش که سالهای جوانی خود را صرف فراگرفتن دانش نموده اند، حرمت و شأن شایسته را نیابند، فرزندان آنها انگیزه کمی برای ادامه راه اولیای خود خواهند داشت.

د) از نکات مهمی که به نظر می رسد در کشورهای در حال توسعه از آن غفلت شده، گسترش علوم و دانشگاه ها با توجه به نیازهای کشور است. از تاریخ می آموزیم که در غرب دانشگاه ها برای حل مشکلات صنعت و مشکلات اجتماعی ناشی از صنعتی شدن آن جوامع ایجاد شدند. بنابراین، از ابتدا جهت گیری آنها رفع موانع رشد و توسعه بخشهای مختلف جامعه بود و ارتباط تنگاتنگی بین دانشگاه ها و صنعت پدید آمد، در حالی که در

کشورهای در حال توسعه چنین نبود و نشد. برای مثال، دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۷ تأسیس شد و در رشته های فنی کارشناس ارشد پیوسته تربیت می کرد، در صورتی که در جامعه آن روز فعالیتهای صنعتی جایگاه اندکی داشت و از این جهت در ابتدای راه قرار داشتیم. محتوای درسها مطابق دانشگاه های پیشرفته دنیا بود، ولی صنعت ما دوران جنینی خود را طی می کرد. در نتیجه، دانشگاه و صنعت فارغ از نیازهای یکدیگر پیش رفته اند.

۷. شایسته سالاری

مدتی است در جامعه شعار شایسته سالاری مطرح است و این آغاز مبارکی است، هر چند به نظر می رسد هنوز تا تحقق عملی آن راه درازی در پیش است. منظور از شایسته سالاری، سپردن امور جامعه به دست متخصصان متعهد به آرمانهای کشور در هر زمینه است. اگر چنین شد، باید به این مدیران اختیارات کافی نیز واگذار کرد. بدیهی است، در صورت حاکمیت مدیران شایسته، ایجاد مدیریتهای دو گانه یا چند گانه توجیهی نخواهد داشت و برای انجام هر مسئولیتی در جامعه باید یک سازمان، نهاد یا واحد مسئول وجود داشته باشد که در رأس آن مدیر شایسته حاکمیت دارد. نگاهی به مدیریتهای دو گانه یا بیشتر و نیز تشکیلات موازی در کشور، این موضوع را جدی تر می سازد. برای مثال، انقلاب فرهنگی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، شورای عالی برنامه ریزی وزارت آموزش و پرورش، در بخش آموزشی به سیاست گذاری مشغول هستند.

پدیده وجود تشکیلات موازی حتی در زمینه قانون گذاری نیز قابل مشاهده است. اگر روزی احتمالاً ضرورتهایی چنین وضعی را توجیه می کرده است، آیا زمان یک بازنگری جدی در این زمینه فرا نرسیده است؟ کمترین میزان خسارت نهادهای موازی، تعقیب خط مشی ها و سیاستهای ناهمگون و کم بهره از یک نگاه کلان به مسائل و هدفهای جامعه در شئون مختلف است.

نکته دیگری که اشاره به آن مفید به نظر می رسد، اتخاذ تمهیدات لازم برای ایجاد انگیزه کافی در مدیرانی است که براساس اصل شایسته سالاری انتخاب شده اند. بدیهی است، ایجاد انگیزه در ابعاد مختلف مادی و معنوی و نیز بستر سازی برای دستیابی به

کلام آخر اینکه مدیریت باید از ثبات نسبی برخوردار باشد تا فرصت لازم برای اجرای خلاقیتها و ابتکارهای خود را به منظور نیل به هدفهای سازمان داشته باشد. تغییرات سریع مدیریتی در کشور بخصوص در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از آفاتهای جدی مدیریت توسعه در کشور بوده است.

۸. کار، محور ارزش

بزرگ ترین ثروت و قوی ترین پشتوانه هر جامعه، کار مردم آن جامعه است. اگر کار نباشد، برخوردارترین جوامع از منابع طبیعی نیز فقیرترین آنها خواهند بود. تجربه دنیای امروز شاهد این مدعاست. کشوری مانند ژاپن با وجود منابع طبیعی اندک دومین تولید ناخالص ملی (GNP) دنیا را در اختیار دارد و کشورهای صادرکننده نفت که روی دریایی از انرژی خوابیده اند، اقتصادهایی توسعه نیافته و شکننده دارند. از عمده ترین دلایل این امر، برخورداری ژاپن از مردمی سختکوش و پرجار، در مقابل تلاش و جدیت کم گروه دوم است. به نظر می رسد باید این باور در مردم ایجاد شود که «کار» مبدأ همه ارزشهاست. نگرش یک ملت به کار یک امر فرهنگی است و تغییر آن به زمانی طولانی نیاز دارد، ولی می توان با سیاست گذاری صحیح آن را سرعت بخشید. برای مثال، آشنایی دانش آموزان و حتی نوآموزان از سنین اولیه آموزش با ارزش کار اهمیت زیادی داشته و ضرورت دارد کار را به عنوان یک امر مقدس در باور آنان ایجاد کرد. گفته می شود فرهنگ بعضی از کشورهای غربی به گونه ای است که فرزندان از سنین نوجوانی باید منزل را ترک کرده، برای خود کار پیدا کنند و صاحب درآمد از کار شرافتمندانه باشند. جای تأسف دارد که در ایران، هنوز کار جایگاه ارزشمند خود را نیافته است.

از سیاستهایی که می تواند به تقویت فرهنگ کار کمک کند، ایجاد بستر لازم برای کسب ثروتهای مشروع (ولو عظیم) از طریق کار است. واضح است، انواع کارهای فیزیکی و فکری مورد نظر است. نکته دیگر اینکه امور اقتصادی - اجتماعی باید به گونه ای تدوین شوند که امکان کسب ثروتهای بادآورده (که تضعیف کننده فرهنگ کار است) را فراهم نکنند.

در سالهای گذشته، سیاستهای نه چندان سنجیده، موجب پیدایش رانتهای مختلف برای اقشاری از جامعه شده و آنان با بهره مندی از این رانت ها و بدون تحمل سختی کار و کوشش، در زمانی اندک ثروتهای هنگفت کسب کرده اند که این وضعیت علاوه بر تضییع حقوق مردم، باعث کاهش انگیزه کار و تلاش در بین سایر اقشار جامعه شده است.

۹. قانون گرایی

قانون تنها مرجع صالح تنظیم کننده روابط فرد و جامعه و جوامع با یکدیگر است. گفتگو در باب ضرورت وجود قانون بیهوده است، اما آنچه در این قسمت مورد نظر است، ضرورت تهیه و تصویب قوانین کارآمد، شفاف و تسهیل کننده روند توسعه کشور است.

قانون نباید به حدی سخت و انعطاف ناپذیر باشد که انگیزه فعالیت و تولید را کاهش دهد و نه چنان کلی و بدون مرز که وجود و عدمش تفاوت چندانی نداشته باشد. قانون نباید هر روز در معرض تغییر و تحول باشد و به همین دلیل در قانون گذاری باید از شتاب زدگی پرهیز نمود.

شرط بعدی در بحث قانون، یکسان بودن همه افراد جامعه در مقابل آن است. اگرچه همیشه در مقام حرف چنین است، در عمل باید این یکسان نگری مجریان قانون محک زده شود. رسیدگی سریع به متخلفان از قانون نیز از لوازم قانون گرایی در هر جامعه است. برای مثال، جریان دادرسی نباید چندان طولانی و پرهزینه و مشکل باشد که مظلوم را از اعاده حقس ناامید کند و ظالم را بر ادامه ظلمش جری. اینکه چقدر در اجرای قانون و رسیدگی به دعاوی سرعت و دقت داشته و داریم، سؤالی است که باید با بررسیهای علمی به آن پاسخ داده شود. به طور خلاصه، آنچه از طرح بحث قانون گرایی مدنظر است، ضرورت و اهمیت تصویب و اجرای قوانین مساعدت کننده در روند توسعه کشور است که چنین قانونی باید توانایی ایجاد امنیت به معنای کامل کلمه را داشته باشد؛ از امنیت جان و مال و ناموس و آبرو گرفته تا تأمین امنیت فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی.

۱۰. امنیت

امنیت از نظر اهمیت، در رتبه نخست قرار دارد. بدون امنیت هیچ فعالیت مثبتی صورت نمی گیرد. اولین نیاز انسان، امنیت است. البته امنیت ابعاد مختلف دارد؛ امنیت در مقابل

خطرهایی که جان انسان را تهدید می کند، امتیّت حیثیت و آبرو، امتیّت شغل، امتیّت مال و... در این جا، بحث ما متوجه امتیّت اقتصادی و اجتماعی است (با فرض این که سایر جهات امتیّت فراهم است). یکی از بحثهای مهم در این بخش، امتیّت مالکیت و امتیّت سرمایه گذاری است. اگر به تاریخ گذشته کشورمان برگردیم، خواهیم دید حداقل در صد سال گذشته چندین بار مالکیتها، موقعیتها و... در معرض ناامنی قرار گرفته است. حوادثی مانند انقلاب مشروطه، حرکات محمد علی شاه قاجار، کودتای رضاخان، جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اصلاحات ارضی ۱۳۴۱، پیروزی انقلاب اسلامی و به دنبال آن ملی شدن صنایع بزرگ و خدمات عمده، تشکیل هیأت‌های هفت نفره، ملی کردن تجارت خارجی، تسخیر لانه جاسوسی، جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و... برای ایجاد تردید در فضای امتیّت کشور از توان لازم برخوردار بوده اند. بنابراین، ضرورت دارد پس از ایجاد ثبات سیاسی در کشور، تصویب و اجرای مجموعه قوانینی که تداعی کننده یک فضای امن برای فعالیتهای مجاز اقتصادی باشد، از اولویت نخست برخوردار گردد. ایجاد اعتماد در فعالان صحنه اقتصادی، اعم از داخلی و خارجی، کمک شایانی به هدایت سرمایه ها به سمت فعالیتهای مولد آشکار (بخش رسمی اقتصاد) به جای فعالیتهای پنهان (بخش غیررسمی) و جذب سرمایه های خارجی برای تأمین بخشی از سرمایه مورد نیاز و نیز فناوری مدرن و رقابتی کردن اقتصاد خواهد نمود.

۱. ناهماهنگی بین مقوم ها

بزرگترین آرمان جامعه بشری در طول دوره های مختلف تاریخی، بویژه پس از ظهور ادیان بزرگ الهی، همگرایی و دوشادوشی سه اصل دین، توسعه و عدالت اجتماعی بوده است. از همین رو در طول تاریخ، چه از ناحیه انسانهای هدفمند و چه از سوی ادیان توحیدی و الهی، وعده های فراوانی به بشر داده شده است؛ وعده روزی که دامن دین بر سرتاسر بسیط های گسترده شود، توسعه و تکامل در همه شئون زندگی بشری چهره خود را بنمایاند، و عدالت اجتماعی، فرشته دوست داشتنی همه افراد انسانی در همه ادوار زندگی بشر، سایه پر مهر خود را بر سر انسانها بگستراند. با این رویکرد در می یابیم که نظریه رشد متوازن اجتماعی، نظریه بسیار مهم و کارسازی است که در واقع حالتی تقابلی با رشدهای تکساحتی و تک مقوله ای دارد، به فعلیت رسیدن این نظریه محتاج همگرایی سه اقنوم دین، توسعه و عدالت اجتماعی است.

در واقع، فاصله گرفتن سه عنوان یاد شده و جدایی آنها از یکدیگر، نه تنها رشد در همان مقوله را به چالش می برد، بلکه آسیبهای فراوانی را نیز بر حیات و روابط اجتماعی، اخلاق، فرهنگ و وارد می سازد.

بدیهی است که تحقق این ایده یعنی همگرایی به خودی خود انجام نمی گیرد و به تلاشی مضاعف نیازمند است که بشر جهاد اقتصادی می تواند فرصت مناسبی را برای این همگرایی فراهم کند.

۲. عناصر انسانی نامطلوب

یکی از نقاط سیاه و تاریک در تاریخ ایران اسلامی در قرون اخیر، زایش روشنفکری

وارداتی و دست پرورده قدرتهای استکباری در این خطه از جهان اسلام است. اینان که به جای خودباوری و تکیه بر نیروها و امکانات خودی، از خود بیگانه گشته، با عینک کم بینی و بدبینی و عدم اعتماد به نیروهای مردمی بر این باور بودند که پیشرفت و رشد و ترقی کشور تنها در سایه اتکا به یک یا چند قدرت بزرگ جهانی امکان پذیر است. زیرا به اعتقاد این گروه کشوری مانند ایران همانند آستین لباسی است که برای به حرکت در آمدن، نیاز به دست کشوری مانند انگلستان دارد، و بدون وجود چنین دستی در این آستین هرگز ممکن نیست تحرکی در آستین به وجود آید. (۱) از این رو، در طول حیات سیاسی و اجتماعی خود بی وقفه تلاش کردند تا کشور را به یکی از قدرتهای زالوصفت استعماری در دوران سلطنت قاجار و پهلوی وابسته کنند. اینان در مقابل پیشرفت مادی و صنعتی جهان غرب آن چنان خود را باخته و حیرت زده شده بودند که بعضی از آنها مانند میرزا ملکم خان ارمنی معتقد بودند که «حتی در اخذ اصول تمدن جدید و مبانی ترقی عقلی و فکری حق نداریم در صدد اختراع باشیم، بلکه باید از فرنگی سرمشق بگیریم و در جمیع صنایع از باروت گرفته تا کفش دوزی محتاج سرمشق بوده و هستیم» (۲).

تربیت شدگان مکتب استعمار و استکبار پس از گذراندن یک دوره آموزشهای لازم به محیط زندگی خود باز می گردند و در هیأت «اسوه» گونه ای در قالب استاد و معلم و مدیری به ایفای نقش سکانداری اجتماع می پردازند و عناصر زیر دست آنان همواره به عنوان نمونه عالی» به آنان می نگرند و چون به حمایت آنان نیاز دارند، در تأثیرپذیری از آنان تلاش می کنند. این گروه در تحکیم مواضع و ترویج افکار و اندیشه ها و نشر فرهنگ اجنبی، نقشی تعیین کننده دارند.

ص: ۱۲۱

۱- نقوی، علی محمد، جامعه شناسی غربگرایی، ج ۱، ص ۷۹-۸۰.

۲- تاریخ تهاجم فرهنگی غرب، تدوین مؤسسه قدر ولایت، (۱۳۷۷)، ج ۱، ص ۸۲ به نقل از: فکر آزادی، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۳. تنظیم نشدن بودجه ها بر اساس نیازها و بهره گیری از اهرمهای سیاسی در بودجه ریزی

دولتها در ایجاد ساز و کار لازم برای تخصیص بهینه بودجه وظیفه مهمی دارند. می توان درجه اقتدار دولت را به گونه ای در نظام بودجه بندی آن یافت. در بودجه بندی دستگاه ها و سازمانهای دولتی این اندیشه حاکم است که هزینه ها تا حد ممکن باید بیشتر از نیازهای واقعی اعلام و اظهار شود، چون همه مدیران می دانند آنچه را که تقاضا کنند، بدون تغییر تخصیص داده نخواهد شد، و در مراحل مختلف رسیدگی بخشی از آن کاسته می شود. بر این اساس، گاهی دستگاهها و سازمانها در اعتبار در خواستی خود ممکن است سه برابر نیاز واقعی درخواست بودجه داشته باشند.^(۱) از طرفی، سیستم چانه زنی در بودجه ریزی دیده می شود که در قالب آن برخی از وزرا و نمایندگان مجلس و مدیران دولتی بدون توجه به این نکته که منابع باید در چارچوب یک برنامه راهبردی و بر اساس اولویتها اختصاص یابد، درخواستهایی را مطرح می کنند و با توجه به نفوذ خود در مجلس و دولت و قدرت چانه زنی، آن را در بودجه عملی می سازند. بنابراین، نبود انضباط مالی و نیز نهادینه نشدن اصل پاسخگویی در نظام بودجه بندی، عامل اتلاف منابع، کاهش کارایی و فساد مالی و اقتصادی می شود و از کارآمدی دولت در هدایت درست منابع می کاهد. از این رو، ساختار بودجه ریزی باید به گونه ای تنظیم شود که بتوان با نظارت مستقیم مجلس و مطبوعات و نیز افکار عمومی، از پنهان کاری در روابط اقتصادی جلوگیری کرد.

۴. مسأله مهاجرت به شهرها و حاشیه نشینی

اصطلاح حاشیه نشینی یا زاغه نشینی و ... در کشورهای در حال توسعه به محلات فقیرنشینی اطلاق می شود که در اطراف شهرهای بزرگ به وجود آمده و ساکنین این مناطق به علل گوناگون نتوانسته اند جذب نظام اقتصادی - اجتماعی شهر شده تا از امکانات و خدمات شهری استفاده نمایند.

بعد از انقلاب اسلامی، علیرغم تحولات ساختاری و اولویت بخشیدن به بخش

ص: ۱۲۲

۱- فرجوند، اسفندیار، فرا گرد و تنظیم تا کنترل بودجه، ص ۹۴.

کشاورزی و توجه بیشتر بر استمرار عواملی نظیر اختلاف سطح دستمزد و امکانات رفاهی بین شهر و روستا، علل دیگری نیز به وجود آمد که از آن جمله می توان تقسیم زمین در نقاط شهری و افزایش سطح آگاهی روستاییان را نام برد. سرمایه گذاری های دولت در بخش کشاورزی و ارائه ی امکانات خدماتی مانند: راه، آب و برق، خدمات بهداشتی و آموزشی و غیره، اگرچه موجبات دل بستگی بسیاری از روستایی را فراهم نمود، لکن زمینه مناسبی نیز برای مهاجرت کسانی که به لحاظ مالی تمکن بیشتری پیدا کرده بودند و یا به سطح بالاتری از سواد و تحصیلات دست یافته بودند، فراهم می کرد. در عین حال باید

خاطر نشان نمود که علیرغم تحولات صورت گرفته، معهذاً به دلیل نبودن امکانات زیربنایی برای ایجاد اشتغال در نقاط روستایی و سیاستهای اقتصادی خاصی که از اواخر دهه ۱۳۶۰ آغاز شد، مهاجرت به شهرها همچنان ادامه یافت، به طوری که رشد جمعیت شهری طی دوره یک ساله پیش از انقلاب (یعنی بین سالهای ۵۵-۱۳۳۵) با نرخ رشدی معادل ۵ درصد افزایش داشت و این روند طی دوره بیست ساله بعد از انقلاب (۷۵-۱۳۵۵) با نرخ معادل ۳/۴ درصد ادامه پیدا کرد.

۵. مهاجرت نخبگان علمی

بی تردید منابع انسانی آموزش دیده و فرهیختگان علمی جامعه رکن اصلی توسعه را تشکیل می دهد. اما از آنجایی که نظام آموزشی برگرفته و بر جا مانده از میراث استعمار در کشورهای مستعمره و نیز کشورهایی که مانند ایران بظاهر مستعمره نبودند ولی خود خواسته و یا ناخواسته تن به چنین نظام آموزشی دادند. به شیوه ای طراحی شده است که ثمره و حاصل این نظام که متخصصین و اندیشمندان هستند جذب بازار کار مؤسسات علمی و پژوهشی کشورهای غربی شوند.

از این رو برخی معتقدند که علت اصلی عقب ماندگی کشورهای جهان سوم مهاجرت مغزها از این کشورها است، کشورهایی که با هزار امید با همه مشکلات اقتصادی اجتماعی و... که دارند تلاش می کنند تا نیروی متخصص را تربیت کنند و در این راه هزینه های

سرسام آوری را متحمل می شوند تا نتیجه ای برای آنها حاصل شود. اما به آسانی این سرمایه های عظیم و سرنوشت ساز به کشورهای پیشرفته صنعتی منتقل می شود و سالیانه از این طریق میلیونها دلار هزینه را برای آموزش و تربیت چنین متخصصانی از دوش کشورهای پیشرفته صنعتی برمی دارد.

۶. وجود پارادوکس ها

الف) ناهمسوی سیاستهای اقتصادی

اشاره

شهروندان با شعور متعارف خود متوجه می شوند که بسته های سیاسی بعضاً در خود، طرح برنامه و پروژه هایی دارند که به جای ایجاد هم افزایی سیاستی، اثرات یکدیگر را خنثی می سازند. در بسته انسجام ملی برای اجرای جهاد اقتصادی، افزایش تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی، یکپارچگی سیاست اقتصادی بسیار کلیدی خواهد بود. عدم همسویی سیاست اقتصادی، منابع ملی را هدر داده و ریسک ابهام در اقتصاد ملی از نظر

ملی و بین المللی را بالا می برد.

در مسیر اجرای جهاد اقتصادی می بایست با شناسایی دقیق این پارادوکس ها نسبت به مدیریت هوشمندانه آنها

اقدامات لازم را انجام داد. بی توجهی نسبت به مدیریت اثربخشی این پارادوکس ها بعضاً منجر به نوعی سردرگمی ملی خواهد شد.

فهم دقیق پارادوکس ها براساس فلسفه حاکم، دکرترین نظام، سیاستهای کلان و سیاست عمومی امری

ضروری است.

تأثیر سیاستهای اقتصادی در هم گرایی و واگرایی

سیاستهای اقتصادی دولت نقش بسزایی در ایجاد و شکل گیری و نیز کاهش و افزایش شکاف درآمدی در جامعه داشته و دارد.

برآیند منطقی این سیاستها در صورت بروز و ظهور افزایش شکاف درآمدی یاس و سرخوردگی جامعه نسبت به دستیابی به عدالت اجتماعی است، که پیامد آن

آسیب پذیری و شکنندگی وحدت و انسجام اجتماعی است. در حالی که حرکت به سمت تعادل و توازن

درآمدی و کاسته شدن از فاصله طبقاتی امید و نشاط را در جامعه به وجود خواهد آورد که خود پیام آور وحدت و انسجام اجتماعی است.

(ب) توسعه از طریق رشد متمرکز با فقر زدایی

برنامه «دوم توسعه»، اگر چه دستیابی به عدالت اجتماعی را سرلوحه خود قرار داده بود، اما از آنجا که اساس تفکر این برنامه اندیشه تعدیل شده ای از تئوری «توسعه از طریق رشد» بود، امید بر آن بود که با گذشتن از مرحله ای از رشد اقتصادی متمرکز به توان شاهد سرریز شدن این رشد به گروه های اجتماعی و مناطق مختلف کشور و توزیع منایع و امکانات اقتصادی به سمت تعادل گردد. چنین اندیشه ای سبب شد که برنامه دوم به پیامدهای اجتماعی و فضایی عمل کرد بخشها کم بها داده شود. آنچه مسلم است، این است که تنها توجه بیشتر به امور رفاهی و اجتماعی در تحلیل نهایی نه فقر را از بین خواهد برد و نه به تعدیل نابرابریهای اجتماعی خواهد انجامید.

(ج) فردگرایی با تعدیل شکاف طبقاتی

رویکرد فلسفی فردگرایی با بیشینه سازی در آمد و رفاه، محیط رقابت مخرب را در جامعه توجه کرده است. (۱)

بی جهت نیست که، فقر و شکاف طبقاتی در جامعه رو به تزاید است و در نتیجه تزریق سرمایه از سوی دولتها ضرورت به رفع نارساییها منجر نمی شود و حتی پارادوکس هایی را در برخی از بخشها به وجود آورده که معضل را دو چندان نموده است. به عنوان مثال در بخش سرمایه گذاریهای عمرانی اگر چه در مواردی افزایش در آمد سرانه را در پی داشته است، اما به همان میزان حجم بزه کاری و جرایم اجتماعی را نیز تشدید کرده است.

در واقع مشکلات فراتر و پیچیده تر از آن است که تنها با مداخله نکردن دولت در کارها از میان برود، زیرا جهان واقعی آکنده از ابهامات و نارساییهای حقوقی، قضایی و زیرساختی است: ساختار اقتصادی عقب مانده، اطلاعات غیرشفاف، وجود انحصارات و

ص: ۱۲۵

نابرابریهای چشم گیر در ثروت و در آمد، اخلاقی گریزیهای ظریف و تار عنکبوتی، موانع اداری، فساد، رانت، فقر و محرومیت و ... بر این اساس هر گونه تلاش جهت تغییر نهادهای موجود و یا ایجاد نهادهای جدید با مخالفت گروه های با نفوذ مواجهه می گردد که از شرایط موجود نفع می برند. به طور کلی این گروه ها تا جایی تغییر سیاستها را می پذیرند که همچنان از رانت های انحصاری برخوردار گردند. (۱)

(د) وضع قوانین و افزایش قانون شکنی

همچنانی که مثلث رشوه خواری، قانون شکنی و رانت خواری دور باطلی است که در دراز مدت جامعه را از درون به نابودی می کشاند، زیرا محیط را برای فعالیتهای غیرقانونی مساعد می سازد. کنترل این پدیده نیز با وضع قوانین بیشتر و ایجاد محدودیت، عملی نیست، زیرا حجم انبوه مقررات و ابزاری برخورد کردن کارگزاران دولتی با فضای قوانین، زمینه هدایت سرمایه گذاریها را به سوی قانون شکنی فراهم می کند. (۲)

(ه) کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان

در نظام تخصیص منابع ایران همانند بسیاری از کشورها، حجم زیادی از منابع به سرمایه گذاری انسانی اختصاص یافته و شاخصهای توسعه منابع انسانی طی چند دهه گذشته، رشد قابل ملاحظه ای را تجربه کرده اند. با این حال، دو مقوله و روند تاسازگار در حال گسترش است: اول، دستیابی به توسعه علیرغم انباشت حجم عظیمی از سرمایه انسانی، همچنان به عنوان یک خواسته اساسی مطرح است و برای حصول به آن، توسعه منابع انسانی با عنایت به آموزش همچنان مورد تأکید قرار دارد؛ لذا به نظر می رسد انباشت سرمایه انسانی اثربخشی لازم را نداشته است. دوم، بروز مسائلی از قبیل بیکاری فارغ التحصیلان در پیش روی سیاستگذاران قرار دارد که خود به یک معضل اساسی تبدیل شده است. این روند،

ص: ۱۲۶

۱- رشیدی، علی، نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی اجتماعی و سیاسی، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۸۱-۱۸۲، ص ۵۷.

۲- سیف اللهی، سیف الله، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، ص ۴۳.

پارادوکس کمبود نیروی متخصص (برای دستیابی به توسعه) و بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را شکل داده است. (۱)

و) سیاست تعدیل اقتصادی و کاهش نرخ بیکاری

اشاره

از اوائل دهه ۱۹۸۰ میلادی، بسیاری از کشورها با مشکلات متعدد اقتصادی مواجه گردیدند. این دهه نقطه عطفی در سیاستهای اقتصادی جهان است و در مباحث اقتصادی واژگان اقتصاد سیاسی جدیدی به نام تعدیلات ساختاری اقتصاد پیدا شده است.

تعدیل به مفهوم تنظیم ساختاری اقتصاد است که براساس تصحیح ساختار قیمتها، آزادسازی اقتصاد و گرایش به خصوصی سازی استوار می باشد. (۲)

خصوصی سازی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی، در سال ۱۳۶۷، و آغاز دوران بازسازی اقتصادی، دولت کوشید بخش خصوصی را فعال کند و از این راه رشد تولید و اشتغال را شتاب بخشد. و برای تغییر شرایط نامطلوب حاکم بر بازار کار، سیاست های گوناگونی را به اجرا در آورد. که از مهمترین این سیاست ها روی آوردن دولت به خصوصی سازی و فروش و واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی است.

نقد و بررسی

خصوصی سازی و انتقال بنگاه های دولتی به بخش خصوصی باید با تقاضا و استقبال بخش خصوصی همراه باشد این تقاضا باید به علت امکان بخش خصوصی از سود آور نمودن بنگاه های تحت مدیریت دولت باشد، چنانچه نظریه های اقتصادی عامل کار آمدی فعالیت اقتصادی در بخش دولتی را ناشی از مدیریت دولتی می دانند که مالکیت؛ اما

ص: ۱۲۷

۱- نادری، ابوالقاسم، پارادوکس کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان، ماهنامه کار و جامعه، ش ۷۶-۷۵، ص ۵.

۲- رضایی، مجید، احیای نظام خراج در واگذاری مدیریت شرکتهای دولتی به بخش خصوصی اقتصاد اسلامی، ش ۱۵، ص ۴۵.

متأسفانه سیاستهای خصوصی سازی، به دور از مسایل مربوط به فساد و غیره عمدتاً متوجه انتقال مالکیت بوده که مدیریت آن (۱).

کوچک سازی دولت

تا پیش از تصمیم گیری بر تعدیل اقتصادی بخش عمده تقاضا در بازار کار را تقاضای دولتی تشکیل می داد و گاه تا ۸۰ درصد جذب نیروی کار به وسیله دولت صورت می گرفت و از آنجا که به طور کلی بخش خصوصی با توجه به آن چه گفته شد و نیز به علت عمدتاً تجاری بودن تا تولیدی بودن آن توان جذب و عرضه کار جامعه رو به رشد از نظر جمعیت جوان را نداشته، از این رو منع استخدام دولتی قبل از رفع موانع سرمایه گذاری و استفاده از عامل کار، سبب بالا رفتن نرخ بیکاری می گردد. تجربه برخی از کشورها از جمله آرژانتین، مراکش، پاکستان، مکزیک، فلیپین، اوگاندا، ساحل عاج، زامبیا، کنیا و نیز کورهای که با دریافت وام از صندوق بین المللی پول و بانک جهانی باعث اجرای سیاستهای تعدیل در کشور خود شدند، اما گزارشها نشان می دهد که علی رغم اجرای این سیاستها قادر به اصلاح ساختار اقتصادی خود نشده اند (۲).

به اعتقاد نویسنده مقاله «بررسی علل شکست سیاستهای تعدیل در فرآیند توسعه اقتصادی»: این سیاستها وقتی در یک ساختار غیر شفاف و نامناسب حقوقی، قضایی و نهادی اعمال گردند، نه تنها قادر به اصلاح وضعیت نشده بلکه خود منشأ مشکلات دیگری می شوند (همان).

در چنین شرایطی اتخاذ سیاستهای تعدیل منجر به فساد گسترده، تورم، بیکاری، رشد نازل سرمایه گذاری، تولید و سرخوردگی مردم و شهروندان از سیاستهای آزاد سازی می گردد و اقدامات ملی گرایی، شوونیزم و تروریسم را افزایش خواهد داد، و از این طریق مشروعیت مردم سالاری را زیر سوال می برد. در عرصه اقتصاد نیز این سیاستها موجب بروز

ص: ۱۲۸

۱- پژمان، محمد، اقتصاد بخش عمومی، ص ۱۲۵

۲- پوسفی، محمد قلی، بررسی علل شکست سیاستهای تعدیل کشور در فرآیند توسعه اقتصادی، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۲۳۲-۲۳۱، ص ۱۵۵.

ح) اشتغال و بیکاری پنهان

بیکاری پنهان یک واقعیت اساسی است که برآمده از نبود فضای اجتماعی قابلیت زا و نگرش نامناسب به اشتغال در کشور است. نسبت فعالیت در کشور حدود ۲۵ درصد است، یعنی تنها ۲۵ درصد مردم در بازار کار کشورند در حالی که این نسبت در کشورهای صنعتی بالای ۴۵ درصد است. با وجود ۱۸ میلیون نفر جمعیت فعال در کشور و ظرفیت بالای تولید و خلاقیت و نیز قابلیت زایی، صادرات، درآمد سرانه و تولید ناخالص ملی در کشور پایین است و این یعنی اتلاف شدید منابع تولید؛ از این رو، جمعیت شاغلی هم که داریم چیزی در حدود ۲ الی ۳ میلیون نفرشان هم بیکار پنهانند و چیزی به تولید ناخالص داخلی کشور نمی افزایند. (۱)

ص: ۱۲۹

۱- کریمی موغاری، زهرا، تاثیر نهادهای بازار کار ایران بر هزینه های مبادله، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۶۴-۱۶۳، ص ۳۷۷.

بخش سوم: راهبردها: تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی

اشاره

ص: ۱۳۱

اصلاح الگوها و روشها همسو با سند چشم انداز بیست ساله

برای دستیابی به اهداف جهاد اقتصادی که در قالب افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی که شعار محوری سال ۱۳۹۱ را تشکیل می دهد و در واقع تحقق این شعار نیز در بستر جهاد اقتصادی امکان پذیر خواهد بود حداقل دو مساله باید مورد توجه جدی قرار گیرد:

۱. اصلاح الگوها؛

۲. ایجاد بسترهای مناسب.

اتخاذ الگو بر اساس سند چشم انداز

سند چشم انداز، بیانگر رهیافتی راهبردی در برنامه ریزی کلان و بلند مدت کشور است که براساس آن ایران در سال ۱۴۰۴، کشوری توسعه یافته، فعال و تاثیرگذار در صحنه جهانی معرفی خواهد شد. بر مبنای این سند، جامعه ایرانی در پایان مدت این چشم انداز چنین ویژگیهایی خواهد داشت:

- توسعه یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود و متکی بر

ص: ۱۳۳

اصول اخلاقی و ارزشهای اسلامی و ملی، با تأکید بر مردم سالاری دینی، عدالت اجتماعی، آزادیهای قانونی، حفظ کرامت و حقوق انسانها و بهره مند از امنیت اجتماعی و قضایی.

- امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی، مبتنی بر بازدارندگی همه جانبه بیگانگان و پیوستگی مردم و حکومت.

- برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصتهای برابر، توزیع مناسب درآمدها، استحکام نهاد خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب.

- فعال، مسئولیت پذیر، ایثارگر، مؤمن، رضایتمند، برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، متعهد به هدفهای انقلاب و شکوفایی ایران و مفتخر به ایرانی بودن.

- دست یافتن به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری، در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه)، با تأکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

- دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان براساس عزت، حکمت و مصلحت. (۱)

این سند در آبان ۱۳۸۲ به عنوان سند حرکت بلند مدت کشور، مبنای تدوین چهار برنامه پنج ساله برنامه های چهارم تا هفتم قرار گرفت. سال مبنای اجرای چشم انداز، نیز سال ۱۳۸۴ همزمان با برنامه چهارم توسعه کشور در نظر گرفته شده است.

در این سند، واژه «چشم انداز» این گونه تعریف شده است:

چشم انداز آمیزه ای از ارزش، داوریهایی مبتنی بر ایدئولوژی نظام و واقعیتهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست محیطی جامعه است. چشم انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می کند که هرگاه در ذهنهای اعضای جامعه جای بگیرد، مسیر حرکت و دگرگونیهای آن جامعه هموارتر می گردد. (۲)

ص: ۱۳۴

۱- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور ۷۰=Bulletinid. <http://www.tehranedu۲.ir/Bulletirshow.aspx?Bulletinid=۷۰>

۲- همان.

تنظیم حرکت جهادی در راستای سند چشم انداز می تواند زبان و گفتمان مشترکی را در رابطه با موضوع جهاد اقتصادی با سر فصلهای معینی ایجاد و از پراکنده گویی و گسسته جویی پیش گیری کند.

جامع نگری و همپایی

جامع نگری و اندیشیدن در چارچوب سند چشم انداز، یکی از عوامل مهم سازگاری و هماهنگی در بین بخش های مختلف و همپایی در پیشروی و انجام برنامه توسعه در جهت تحقق جهاد اقتصادی، به شمار می آید.

در راستای اهمیت این جامع نگری و همپایی است که مقام معظم رهبری در بحث جهاد اقتصادی، به تبیین خط و مشی پرداخته و می فرماید:

البته محوریت اقتصاد که من عرض کردم، به معنای غفلت از عرصه های دیگر تلقی نشود. (۱)

از آنجا که دستیابی به هدفهای این سند در قالب چهار برنامه پنج ساله برنامه های چهارم تا هفتم باید محقق شود، آنچه در برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور به عنوان شاخص بیان شده، و رهبری هم در سخنرانی نوروزی شان بر آن اذعان و تأکید نمودند، رشد حداقل هشت درصدی است، که در این رشد، سهم بیشتر مربوط به بهره وری است. به تعبیر ایشان «یعنی ما بتوانیم از امکانات کشور به شکل بهتری استفاده کنیم». (۲)

بر مبنای آنچه گفته شد، به صورت طبیعی و منطقی راهبردها در دو فصل مورد بحث قرار می گیرند؛ یک فصل در راستای هدفهای کلی سند چشم انداز، که شاخصه های آن در سند چشم انداز در قالب شش بند جای داده شده و بیانگر شکل و ساختار الگوی توسعه اقتصادی کشور است. فصل دیگر، ابزارهای دستیابی به هدفهای اقتصادی سند چشم انداز است که در قالب برنامه های پنج ساله گنجانده شده است.

همان گونه که گذشت، در برنامه پنجم توسعه اقتصادی کشور حداقل رشد هشت درصدی باید از طریق افزایش بهره وری تأمین شود. حال بر مبنای این سند، به تبیین راهبردها پرداخته می شود.

ص: ۱۳۵

۱- مقام معظم رهبری، ۱/۱/۱۳۹۰.

۲- همان.

تولید الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه

در این فصل با بهره گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری به تبیین بن مایه های الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه پرداخته می شود، زیرا آن نظریه بدیعی که از متن پیامهای رهبری به دست می آید، راهکاری است که شبکه باورها و جدولهای ارزشی جامعه دینی را با ضرورتها و نیازهای اولویت دار متناسب و هماهنگی نموده و با ایجاد آهنگ واحد، می تواند نقش محوری و اساسی در طراحی و مهندسی الگوی مورد نظر را سامان دهی کند.

الگوشناسی مدیریت و اقتصاد اسلامی در تحلیل پیام رهبری

تحجر و سکولاریسم چون دو لبه قیچی، اسلام راستین را می درند. مفهوم شناسی دقیق تحجر و سکولاریسم، نشانه هایی از نزدیکی در برخی نقاط محوری و در نتایج و آثار دارد. اگرچه در اذهان، تحجر متعلق به گذشته و سکولاریسم وابسته به دنیای متجدد و مدرن است، حقیقت این است که امروز تحجرهای مدرن قابل رهیابی است، چنان که در گذشته نیز گونه هایی از سکولاریسم قابل جستجو است.

در این فصل، محور تحلیل، فرمایشهای رهبر فرزانه انقلاب حضرت آیت الله خامنه ای قرار گرفته است تا در دام تحجر گرفتار شویم و نه در چاه سکولاریسم سقوط نماییم؛ راه نجاتی که در دنیای ارزشها و باورهای دینی، معنوی و اخروی نقش اصلی دارد و طریق سعادت است که رشد و رستگاری معنوی و اخروی با اصلاح و آبادانی دنیای آدمیان و توسعه جامعه دینی منافات نداشته باشد. این، انقلابی فرهنگی در عرصه مدیریت اقتصادی جامعه دینی است. این نوشته بر اساس این باور شکل گرفته که ترکیب دو واژه «جهاد» و «اقتصاد» تربیت جامعه دینی در چنین راه و طریقی را به تصویر می کشد.

در نظامهای مادی آبادی وجود دارد؛ یعنی قدر مطلق پیشرفتهای مادی خوب است؛ اما در مورد همان پیشرفتهای مادی هم تعادل و نگاه عادلانه وجود ندارد. یعنی شما

الان مثلاً می بینید که در کشور ثروتمندی مثل آمریکا، ثروتمندش اولین ثروتمند دنیاست، لیکن فقیرش هم گاهی بدترین فقیر دنیاست؛ از سرما می میرد، از گرما می میرد، از گرسنگی می میرد. طبقه متوسطی در آن جا زندگی می کنند که اگر شبانه روز، تمام وقت، با همه توان کار نکنند، نمی توانند شکم شان را سیر کنند. این برای بشر خوشبختی نیست، این برای یک جامعه خوشبختی نیست. بله، تولید ناخالص داخلی را نگاه کنی، ده برابر یک کشور دیگر است؛ این که دلیل نشد. یعنی حتی در برخورداریهای مادی هم عدالت نیست، همه گیری نیست؛ یعنی همه برخوردار نیستند؛ چه برسد به برخورداری معنوی. آرامش روانی نیست، توجه به خدا نیست، تقوا و پرهیزگاری نیست، پاکدامنی و طهارت نیست، گذشت و اغماض نیست، ترحم و دستگیری از بندگان خدا نیست؛ و نیست و نیست و نیست. این، آن پیشرفتی نیست که کشور اسلامی و جامعه اسلامی دنبال آن است. آن خوشبختی ای که ما برای جامعه اسلامی، برخورداری ای که برای جامعه اسلامی قائلیم، فقط این نیست که شما اینجا نگاه می کنید؛ بلکه برخورداری مادی و معنوی. یعنی فقر نباید باشد، عدالت باید باشد، تقوا و اخلاق و معنویت و پرهیزگاری هم باید باشد. این، آن هدفی است که باید دنبال او برویم. (۱)

واژه های کلیدی در پیام جهاد اقتصادی

چنانچه به فرمایشهای رهبری در سال جهاد اقتصادی به دقت نگریسته شود، واژه ها و عبارتهایی در این سخنان مشهود است که کاملاً جنبه ارزشی دارد و در عمق باورهای دینی جامعه و در متن آموزه های اسلامی در مکتب اهل بیت (علیهم السلام) وجود و بروز و ظهور دارد؛ واژه ها و عبارتهایی نظیر «نیت الهی»، «اعلای کلمه حق»، «اعلای کلمه اسلام»، «وعدده الهی»، «تلاش لله»، «عدالت»، «پرهیز از اسراف و تبذیر» و... از طرف دیگر، همین واژه ها و عبارتهای ارزشی و عقیدتی با یک سری واژه ها و عبارتهایی گره خورده است که جنبه مادی و دنیوی دارد. واژه ها و عبارتهایی نظیر: ثروت، قدرت، سود، پیشرفت، مشکلات و نیازهای اقتصادی، نیروی کار و... پیوند و ایجاد ارتباط معنادار میان این دو دسته از مفاهیم، واژه ها و عبارتها در سخنان راهبردی رهبری برای نشان دادن خط مشی نظام اسلامی، خط ما را از سکولاریسم جدا می کند؛ زیرا سکولاریسم یعنی دیوارکشی میان این

ص: ۱۳۷

دو دسته از مفاهیم و تفکیک مفاهیم، عبارتها و واژه های دوم از ارزشها و باورهای دینی.

رویکرد دینی به آرمان شکوفایی اقتصادی، وجه ممیز توسعه در دولت دینی و دولت سکولار است. رویکرد دینی در توسعه چگونه شکل می گیرد؟ تزریق مفاهیم ارزشی دینی در بستر تلاشهای انسانی جوامع، راهکاری مدبرانه در ایجاد توجه خاص و عام به راه درست و شکل دهنده رویکرد صحیح است. استفاده هوشمندانه و مدبرانه رهبر فرزانه انقلاب از مفهوم ارزشی و اعتقادی «جهاد» در راه رسیدن به آرمانهای توسعه در جامعه دینی ستودنی است، زیرا نقطه عطفی است که پیامهای راهبر یک نظام ارزشی را از صورت متعارف به عمق یک نظریه بدیع در دانش مدیریت دینی هدایت می کند.

«جهاد اقتصادی» تنها یک توصیه به تلاش بیشتر نیست و چنین فروکاستنی اوج تحویلی نگری در رویارویی با پیام رهبری است»^(۱).

جهاد اقتصادی، صرفاً تلاش اقتصادی نیست. جهاد یک بار معنایی ویژه ای دارد. هر تلاشی را نمی شود گفت جهاد. در جهاد، حضور و رویارویی با دشمن، مفروض است. انسان یک تلاشی می کند، دشمنی در مقابل او نیست؛ این جهاد نیست. اما یک وقت شما می خواهید یک تلاشی را انجام دهید، که به خصوص یک دشمنی سینه به سینه شما ایستاده است؛ این می شود جهاد. ممکن است یک وقت این جهاد به شکل قتال باشد، ممکن است جهاد مالی باشد، ممکن است جهاد علمی باشد، ممکن است جهاد فنی باشد؛ همه اینها جهاد است؛ انواع و اقسام جهاد و مبارزه است. اگر بخواهیم در ادبیات امروز ما برای «جهاد» معادلی پیدا کنیم، می شود «مبارزه». جهاد اقتصادی، یعنی مبارزه اقتصادی.^(۲)

پرداختن به همین یک نمونه از مدیریت هوشمندانه دینی به طور مصداقی فاصله محسوس دکترین ولایت فقیه از دکترین های سیاسی کلیشه ای سکولار را نشان می دهد.

نظریه بدیعی که از متن پیامهای رهبری به دست می آید، راهکاری است که شبکه باورها و جدولهای ارزشی جامعه دینی را با ضرورتها و نیازهای اولویت دار متناسب و هماهنگ نموده و با ایجاد آهنگ واحد در ناخودآگاه نیروها و استعدادهای انسانی، نظام را در رسیدن به آرمانهای اصیل خود چابک می کند.

ص: ۱۳۸

۱- ظهیری، سید مجید، جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی، مقدمه.

۲- مقام معظم رهبری، ۸/ ۱/ ۱۳۹۰.

در دانش مدیریت راهبردی، یکی از مهمترین فرازاها توجه به چهار وجه نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصتها و تهدیدهاست که در هر نظامی پس از کند و کاوهای علمی در قالب یک ماتریس، شامل راهبردهایی برای پیشبرد هدفها و آرمانه‌های آن نظام در حالت‌های چهارگانه قوت - فرصت، ضعف - فرصت، قوت - تهدید و ضعف - تهدید شکل می‌گیرد.

نقاط قوت: به مؤلفه‌هایی گفته می‌شود که یک نظام در صورت داشتن آنها از توانایی قابل ملاحظه‌ای در رسیدن به هدفهایش برخوردار خواهد شد.

نقاط ضعف: مؤلفه‌هایی است که مانع رسیدن به موقع نظام به وضع مطلوب می‌کند.

فرصتها: ظرفیتهای نهفته‌ای است که بهره‌گیری از آنها، نظام را در رسیدن به هدفهای و آرمانهای کمک نموده و استفاده از آنها مزایای قابل ملاحظه‌ای را در پی آن خواهد داشت. در حقیقت، مزایای بالقوه‌ای هستند که زمینه‌ی بالفعل شدن آنها هنوز فراهم نشده است (درایت راهبران نظامها و تدابیر به موقع آنان تأثیر فوق‌العاده‌ای در بالفعل نمودن آنها دارد؛ چیزی که در پیامهای بیداری بخش رهبری در دهه‌ی اخیر به وضوح مشهود است).

تهدیدها: عوامل و مؤلفه‌هایی هستند که مانع چابکی و بالندگی یک نظام می‌شوند (و تدبیر هوشمندانه راهبران نظامها می‌تواند مانع بالفعل شدن آنها و حتی تبدیل شدنشان به فرصت شود؛ چیزی که در نظام اسلامی ایران با تدابیر به موقع و رهبر فرزانه انقلاب، بارها تحقق یافته و فتنه‌های تفرقه‌افکن را دفع و آنها را به وسیله‌ای برای انسجام بیشتر نظام مبدل نموده است).

آری، اگر کمی دقیق‌تر به ماهیت پیامهای رهبری بنگریم، آنها را بسیار فراتر از دعوتی متعارف و در چارچوب راهبردهای دینی بدیع در مدیریت راهبردی نظام می‌یابیم. پشت سادگی پیامها که از دو یا چند کلمه و واژه تشکیل شده‌اند و فراتر از آن، رفتار هوشمندانه رهبری، بنیانهای تئوریک را می‌بینیم که سامانه‌ی تحقق دانش مدیریت راهبردی دینی را نوید می‌دهد.

(۱)

ص: ۱۳۹

از این منظر، اگر درایت و هوشمندی رهبری در پیام جهاد اقتصادی را تحلیل کنیم، به موارد زیر می‌رسیم:

مهمترین تهدید بالفعل: فعالیت شدید و گسترده دشمن در زمینه‌های اقتصادی و اعمال تحریم‌های وسیع علیه ملت ایران.

مهمترین نقاط قوت نظام در رویارویی با این تهدید: ایمان و باورهای دینی مردم و سابقه مجاهدت در عرصه‌های مشکل‌گذاشته انقلاب و همراهی ایشان در مقابله با تحریم‌ها و هماهنگی با تدابیر مسئولان در سومین سال دهه پیشرفت و عدالت.

مهمترین نقاط ضعف نظام در رویارویی با این تهدید: نبود هماهنگی لازم میان مسئولان بلند پایه نظام به ویژه رؤسای قوای سه‌گانه و وجود فساد اداری و مالی در نظام مالی کشور.

مهمترین فرصت در این وضعیت: خوداتکایی و حرکت جهشی و جهاد گونه مسئولان و ملت در عرصه اقتصادی.

الگوی جهاد اقتصادی

اشاره

جهاد اقتصادی باید در چارچوبی روشن و براساس الگو و مدلی معین و تعریف شده انجام شود. در غیر این صورت، برداشتهای مختلف، سلیقه‌های متفاوت و روشهای گوناگون و گاه متعارض، باعث اتلاف منابع و استهلاک نیروها شده و برآیند تلاشها در جهت تقویت هم نخواهد بود. ارزش و اهمیت الگو و مدل در جهت دهی واحد به نیروها و تلاشهاست، به گونه‌ای که یکدیگر را تقویت کنند و به صورت تصاعدی باعث رشد و بالندگی در رسیدن به هدف و غایت اصلی شوند. از فرمایشهای متعدد حضرت آیت الله خامنه‌ای چنین استنباط می‌شود که اگر بخواهیم الگویی برای پیشرفت و شکوفایی کشور داشته باشیم، باید دست کم واجد خصوصیات و ویژگیهای ذیل باشد:

۱. سازگاری با استقلال و پرهیز از وابستگی

هر الگوی پیشرفتی بایستی تضمین‌کننده استقلال کشور باشد. این باید به عنوان یک شاخص به حساب بیاید. هر الگویی از الگوهای طراحی‌شونده برای پیشرفت که کشور را وابسته کند، ذلیل کند و دنباله‌رو کشورهای مقتدر و دارای قدرت سیاسی

و

نظامی و اقتصادی بکند، مردود است. یعنی استقلال، یکی از الزامات حتمی مدل پیشرفت در دهه پیشرفت و توسعه است. پیشرفت ظاهری - با وابسته شدن در سیاست و اقتصاد و غیره - پیشرفت محسوب نمی شود. امروز هستند کشورهایی - به خصوص در آسیا - که از لحاظ فناوری، از لحاظ دانش، از لحاظ مصنوعات، پیشرفتهای ظاهری دارند؛ خیلی از جاهای دنیا را هم تصرف کرده اند؛ اما وابسته اند. ملت و به تبع آنها دولت، از خودشان هیچ نقشی ندارند: نه در سیاستهای جهانی، نه در سیاستهای اقتصادی عالم و نه در طراحیهای مهمی که در عرصه بین المللی مورد توجه است. دنباله روند؛ غالباً هم دنباله رو آمریکا. این پیشرفت نیست و ارزشی ندارد. (۱)

۲. سازگاری با شرایط و هویت بومی

پیشرفت برای همه کشورها و همه جوامع عالم، یک الگوی واحد ندارد. پیشرفت یک معنای مطلق ندارد؛ شرایط گوناگون - شرایط تاریخی، شرایط جغرافیایی، شرایط جغرافیای سیاسی، شرایط طبیعی، شرایط انسانی و شرایط زمانی و مکانی - در ایجاد مدل‌های پیشرفت، اثر می گذارد. ممکن است یک مدل پیشرفت برای فلان کشور یک مدل مطلوب باشد؛ عیناً همان مدل برای یک کشور دیگر نامطلوب باشد. بنابراین یک مدل واحدی برای پیشرفت وجود ندارد که ما آن را پیدا کنیم، سراغ آن برویم و همه اجزاء آن الگو را در خودمان ایجاد کنیم و در کشورمان پیاده کنیم؛ چنین چیزی نیست. پیشرفت در کشور ما - با شرایط تاریخی ما، با شرایط جغرافیایی ما، با اوضاع سرزمینی ما، با وضع ملت ما، با آداب ما، با فرهنگ ما و با میراث ما - الگوی ویژه خود را دارد؛ باید جستجو کنیم و آن الگو را پیدا کنیم. آن الگو ما را به پیشرفت خواهد رساند؛ نسخه های دیگر به درد ما نمی خورد؛ چه نسخه ی پیشرفت آمریکایی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای غربی، چه نسخه پیشرفت اروپایی از نوع اروپای شمالی - کشورهای اسکانندیناوی، که آنها یک نوع دیگری هستند - هیچکدام از اینها، برای پیشرفت کشور ما نمی تواند مدل مطلوب باشد. ما باید دنبال مدل بومی خودمان بگردیم. (۲)

۳. پرهیز از جزمیت و جمود

البته اینکه ما می گوئیم ایرانی یا اسلامی، مطلقاً به این معنا نیست که ما از دستاوردهای

ص: ۱۴۱

۱- مقام معظم رهبری، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

۲- همان.

دیگران استفاده نخواهیم کرد؛ نه، ما برای به دست آوردن علم، هیچ محدودیتی برای خودمان قائل نیستیم. هر جایی که علم وجود دارد، معرفتِ درست وجود دارد، تجربهٔ صحیح وجود دارد، به سراغ آن خواهیم رفت؛ منتها چشم بسته و کورکورانه چیزی را از جایی نخواهیم گرفت. از همهٔ آنچه که در دنیای معرفت وجود دارد و می شود از آن استفاده کرد، استفاده خواهیم کرد... اگر ما توانستیم به حول و قوهٔ الهی، در یک فرایند معقول، به الگوی توسعهٔ اسلامی - ایرانی پیشرفت دست پیدا کنیم، این یک سند بالادستی خواهد بود نسبت به همهٔ اسناد برنامه ای کشور و چشم انداز کشور و سیاست گذاریهای کشور. یعنی حتی چشم اندازه‌های بیست ساله و ده ساله که در آینده تدوین خواهد شد، باید براساس این الگو تدوین شود. سیاست گذاریهایی که خواهد شد - سیاستهای کلان کشور - باید از این الگو پیروی کند و در درون این الگو بگنجد. البته این الگو، یک الگوی غیرقابل انعطاف نیست. آنچه که به دست خواهد آمد، حرف آخر نیست؛ یقیناً شرایط نوبه نوی روزگار، ایجاد تغییراتی را ایجاب می کند؛ این تغییرات باید انجام بگیرد. بنابراین الگو، یک الگوی منعطف است؛ یعنی قابل انعطاف است. هدفها مشخص است؛ راهبردها ممکن است به حسب شرایط گوناگون تغییر پیدا کند و حکم و اصلاح شود. (۱)

ما اگر نقاط افتراق پیشرفت با منطق اسلامی را با توسعهٔ غربی می شماریم، نباید از نقاط اشتراک غفلت کنیم. یک نقاط اشتراکی هم وجود دارد که اینها در توسعهٔ کشورهای توسعه یافتهٔ غربی کاملاً وجود داشته؛ روح خطرپذیری - که انصافاً جزو خلیقات و خصال خوب اروپاییهاست - روح ابتکار، اقدام و انضباط، چیزهای بسیار لازمی است. در هر جامعه ای که اینها نباشد، پیشرفت حاصل نخواهد شد. اینها هم لازم است. ما اگر باید اینها را یاد بگیریم، یاد هم می گیریم؛ اگر هم در منابع خودمان باشد، باید آنها را فرا بگیریم و عمل کنیم. (۲)

اقتصاد اسلامی در پرتو پیام جهاد اقتصادی

ترمینولوژی هر بحث حامل فرهنگ خاصی است که باید به آن توجه نمود. رشد، توسعه و ترقی در ترمینولوژی سکولار حامل مفاهیم و پشتوانه های فرهنگی خاصی است و همین واژگان در ترمینولوژی دینی دارای معانی و پشتوانه های فرهنگی دیگری است.

ص: ۱۴۲

۱- همان، ۱۰/۹/۱۳۸۹.

۲- همان، ۲۷/۲/۱۳۸۸.

علوم انسانی غرب مبتنی بر جهان بینی دیگری است؛ مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. این نگاه، نگاه غلطی است؛ این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی را ما به صورت ترجمه ای، بدون اینکه اجازه بدهیم هرگونه فکر تحقیقی اسلامی در آن پیدا کند، می آوریم در دانشگاههای خودمان و اینها را در بخشهای مختلف تعلیم می دهیم؛ در حالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن کریم جستجو و پیدا کرد. اگر این شد، آن وقت متفکرین و پژوهندگان و صاحب نظران در علوم مختلف انسانی می توانند بر این پایه و اساس بناهای رفیعی را ایجاد کنند. آن وقت می توانند از پیشرفتهای دیگران، غریبهها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید قرآنی باشد. (۱)

در تدوین علوم انسانی سکولار در غرب، حرکت از مفهوم به مصداق یا از تعریف به تحقق بوده است؛ اما در تدوین علوم انسانی اسلامی، به جای حرکت از مفاهیم به مصداقها، یا دست کم در کنار آن، می توان برای مصداقها تحقق یافته مفهوم سازی کرد و مقام تحقق را تعریف نمود. در این راه، کافی است رفتار رهبر فرزانه نظام و لیبیک قهرمانانه و فداکارانه مردم مسلمان ایران در فراز و فرودهای مختلف انقلاب، مورد تأمل و تدبیر جدی قرار گیرد.

انقلاب فرهنگی اسلامی یعنی دینی کردن عصر. عصر ما بیش از هر زمان و دوره دیگر به دیانت و معرفت نیاز دارد. مدعیان عصری کردن دین نگران نباشند. اگر تفکر دینی

قوت گیرد، تحجر می رود و لازم نیست برای دفع تحجر فاسد به تحجر افسد پناه ببرد. مشکل ما این است که روح غالب در عالم کنونی با تفکر دینی (نه با عادات)، عناد و ضدیت دارد و این روح تربیت دینی را گه گاه کم اثر و بی اثر می سازد. تا بنیاد تعلیم و تربیت، الهی و معنوی نشود، علم در خدمت مصالح بشر قرار نمی گیرد. (۲)

علوم انسانی اسلامی چیزی نیست که در خلأ به وجود بیاید یا فقط نظریه هایی انتزاعی باشد. علوم انسانی اسلامی، مفهوم سازی متناسب انسان تحقق یافته در دامن اسلام و جامعه اسلامی در مقامهای مختلف و در وجوه متنوع است.

اگر دین در جان مردم خانه کند و روابط و مناسبات مردم به حکم دین باشد، یعنی اگر بشر سر عبودیت در مقابل حق تعالی فرود آورد، تکلیف علم و فلسفه جدید و مناسباتی که در عالم کنونی وجود دارد، چه می شود؟ مسلمان بودن مدیران و اعضای جامعه مهم است،

ص: ۱۴۳

۱- همان، ۲۸/۷/۱۳۸۸.

۲- داوری اردکانی، رضا، فلسفه در دام ایدئولوژی، ص ۴۰۱.

اما آنچه لازم است این که جامعه دینی به مسائل با چشم ارزشهای اصیل اسلامی بنگرد. (۱)

با این مقدمات، چنانچه نگاهی دوباره به پیام «جهاد اقتصادی» بیندازیم، نگاهمان با بصیرتی نو توأم خواهد بود و در پس پرده سادگی و رابطه صمیمی امت و رهبری، هوش مندی و درایت ناشی از تحقق دانش دینی در ارتباط با شبکه باورها و عقاید و ارزشهای جامعه، قابل رصد خواهد بود.

بیشتر متفکران حوزه عدالت پژوهی کم و بیش بر جنبه نظری بحث متمرکز شده اند و در همین بُعد نظری نیز کمتر کسی به طور همه جانبه به همه ابعاد نظری بحث عدالت اجتماعی توجه نشان داده است و برخی فقط به تعریف عدالت و تقسیمات آن بسنده کرده اند و برخی به طور ناقص به ترسیم اصول عدالت پرداخته اند و برخی از منظر فلسفی مباحث ارزشی و اخلاقی حول عدالت را از نظر گذرانده اند.

اظهارنظرهای آیت الله خامنه ای در قلمرو عدالت از این امتیاز برخوردار است که به مباحث نظری اکتفا نکرده و به نکات ظریفی در قلمرو استقرار عملی عدالت در عینیت جامعه اسلامی عطف توجه کرده اند.

به اعتقاد ایشان، تحسین عدالت و عشق ورزیدن به آن و سخن گفتن فلسفی درباره آن کافی نیست، بلکه همت اصلی باید معطوف به پی ریزی مناسبات اجتماعی در

عرصه های مختلف حیات جمعی بر مبنای عدالت باشد. (۲)

عدالت و توسعه در گفتمان جهاد اقتصادی

در گفتمان جهاد اقتصادی در اندیشه اسلامی، عدالت و توسعه مفاهیمی پیوسته و جدایی ناپذیرند.

نظام اسلامی معتقد به جامعه ای ثروتمند و عاری از فقر و محرومیت است و رشد اقتصادی را در خدمت عدالت اجتماعی و رفاه عمومی می داند و با تبعیض در استفاده از امکانات عمومی که متعلق به همه آحاد کشور است، مخالفت می کند. از نظام سوسیالیستی نیز فاصله دارد، زیرا نظام سوسیالیستی فرصت ابتکار و میدان را از مردم می گیرد و کار، تولید، ثروت، ابزار تولید و منابع عمده سرمایه را در دولت متمرکز

ص: ۱۴۴

۱- همان.

۲- واعظی، احمد، بررسی عدالت در اندیشه آیت الله خامنه ای. <http://www.farnews.com/mewstext.php?>

nn=۹۰۰۱۰۸۴۷۷۵

اساس در نظام جمهوری اسلامی، عدالت است. بارزتر از همه مقاصد و هدفهای نظام اسلامی، عدالت است. (۲)

عدالت اجتماعی به مفهوم آن است که نظر دستگاه قدرت و حکومت باید نسبت به آحاد مردم در برابر قانون، امتیازات و برخوردها و رفتارها یکسان باشد و آحاد مردم از امتیازات و خیرات نظام اسلامی به صورتی عادلانه بهره مند شوند... عدالت اجتماعی پرچم جامعه اسلامی است. (۳)

این واقعیت که روح توحید و دعوت به اخلاق و معنویت و عبودیت جوهره اصلی تعالیم اسلامی است ما را به این نکته مهم می رساند که در چارچوب تفکر اسلامی، عدالت اجتماعی به تنهایی تأمین کننده فضایل یک جامعه اسلامی نیست و در کنار اندیشه عدالت باید معنویت نیز به دغدغه اصلی بدل شود. از این گذشته، حتی خود عدالت نیز در صورتی به طور واقعی و حقیقی دنبال می شود که با انگیزه معنوی همراه باشد. تجربه ثابت کرده است که منادیان صادق و راستین عدالت کسانی هستند که از پشتوانه قوی معنوی و مذهبی برخوردارند و صد البته اگر این معنویت و خداخواهی با تدبیر و عقلانیت کافی همراه نشود، به تنهایی نمی تواند ضامن تحقق عدالت باشد.

رهبر انقلاب اسلامی در بیانات متعددی بر این جنبه تأکید خاص دارند. ایشان از سویی بر این نکته اصرار دارند که تحقق عدالت نیازمند بسط اعتقاد به مبدأ و معاد و معنویت در سطح جامعه است و تا این اعتقادات در میان آحاد جامعه دامن گستر نشود، عدالت اجتماعی واقعی و مورد نظر اسلام پیاده نمی شود و از سوی دیگر بر لزوم برخورداری مسئولان دولتی و مجریان عدالت اجتماعی از معنویت و عقلانیت تأکید دارند. عقلانیت اقتضا می کند که مجریان و دست اندرکاران تحقق عدالت در هر عرصه از عرصه های اجتماع از تجارب عقلایی سایر ملتها و نیز از تدبیر و محاسبه و دقت کافی و بهره مندی از نظرات صاحب نظران که اقتضای کار معقول و سنجیده است، بهره مند باشند. ایشان در این باره می گویند: «در عدالت، هم عقلانیت باید مورد توجه باشد، هم معنویت. اگر معنویت با عدالت همراه نباشد، عدالت می شود یک شعار توخالی. خیلی ها حرف عدالت را می زنند اما چون معنویت و آن نگاه معنوی نیست، بیشتر جنبه سیاسی و شکلی پیدا می کند. دوّم، عقلانیت. اگر عقلانیت در عدالت نباشد، گاهی

ص: ۱۴۵

۱- مقام معظم رهبری، ۱۸ / ۸ / ۱۳۶۶ .

۲- همان، ۲۴ / ۲ / ۱۳۷۷ .

۳- . همان، ۶ / ۹ / ۱۳۷۵ .

اوقات عدالت به ضد خودش تبدیل می شود ... در عدالت، عقلانیت شرط اول است» (۱).

تحقق آرمان شکوفایی اقتصادی در جامعه دینی، مسیری کاملاً متفاوت با آنچه امروز در غرب می بینیم، دارد. پس از پیدایش صنایع در اروپا، بیشتر مردم، از کودکان سه ساله تا پیرمردان و پیرزنان، تحت استثمار صاحبان زر و زور بودند. برای نگاه به تاریخ خشونت بار غرب به منظور رسیدن به رشد اقتصادی، کافی است برخی داستانهای مشهور آنها را ورق بزنیم که حکایت پدیده های عینی و واقعی آن جوامع است؛ حکایت کودکانی که در کارخانه های پنبه پاک کنی دستی، زیر بار کارهای طاقت فرسا و شلاقهای سرکارگرهای خشن، جان خود را از دست دادند و کودکانی که در دوده تکانی کارخانه ها هر روزه خفه می شدند. در تاریخ غرب و حتی در ادبیات آن ثبت است جسد کودکانی را که در اثر استنشاق حجم زیادی از دوده خفه شده بودند، بی هیچ احساسی بیرون می آوردند و بلافاصله کودک دیگری را به درون دودکش می فرستادند. این واقعیات، جنایتهای بی سابقه ای است که در غرب اتفاق افتاده است. آنجا که غرب عزم خویش را بر رشد اقتصادی جزم کرده بود، خاطره تاریخی نظامهای فراعنه را در ذهنها تداعی می کرد. اهرام مصر باید ساخته می شد، اگرچه هزاران نفر زیر کارهای طاقت فرسا بمیرند. چرخهای صنایع

غرب نیز باید به چرخش درمی آمد، هر چند هزاران کارگر استثمار شده فقیر جان خود را از دست بدهند. اینها نمونه هایی از خشونت های سرمایه داری غربی با مردم خودشان برای رسیدن به رشد اقتصادی است. اما غرب برای رسیدن به رشد اقتصادی، با مردم سرزمینهای دیگر چه کرد؟ اگر امروز آفریقا عقب مانده است و غرب پیشرفته، علتش رشد علمی غرب است؟ در کتاب سیاهپوستان آمریکا آمده است حداقل صد میلیون جوان توسط صاحبان زر و زور آمریکا اسیر و برای بردگی به این کشور منتقل شدند. خروج صد میلیون نیروی جوان سرشار از استعداد و انرژی از یک منطقه، چه چیزی جز عقب ماندگی در همه زمینه ها را سبب می شود؟ هند، اندونزی، فیلیپین و بسیاری کشورهای دیگر با چنین جنایتهایی از سوی غرب مواجه شدند.

آیا مردم آفریقا و آسیا خاطره تلخ تاریخی تاراج سرمایه های مادی و استعداد های خود

ص: ۱۴۶

را توسط غرب از یاد خواهند برد؟ آیا تصرف سرزمینهای بکر سرخپوستان آمریکا با کشتار خونین آنها، تأثیری در شکوفایی اقتصادی غرب نداشته است؟

تردیدی نیست، مبنای اولیه حرکت غرب به سوی رشد اقتصادی و سرمایه اولیه لازم برای یک جهش عظیم اقتصادی از طریق جنایت و خشونت فراهم شد. علم نیز در خدمت قدرت قرار گرفت و زمینه تبدیل علوم به تکنولوژی نیز با همان سرمایه خونین اولیه فراهم گشت. (۱)

این حقایق تنها به تاریخ گذشته غرب مربوط نیست. اکنون نیز چنین است؛ فقط الفاظ تغییر کرده است. امروز هم همان اعمال در قالب الفاظ فریبنده حقوق بشر، سازمان ملل متحد، سپاه صلح، مبارزه با تروریسم و از این قبیل انجام می شود.

وقتی می گوئیم پیشرفت، نباید توسعه به مفهوم رایج غربی تداعی بشود. امروز توسعه، در اصطلاحات سیاسی و جهانی و بین المللی حرف رایجی است. ممکن است پیشرفتی که ما می گوئیم، با آنچه که امروز از مفهوم توسعه در دنیا فهمیده می شود، وجوه مشترکی داشته باشد - که حتماً دارد - اما در نظام واژگانی ما، کلمه پیشرفت معنای خاص خودش را داشته باشد که با توسعه در نظام واژگانی امروز غرب، نایستی اشتباه بشود. آنچه ما دنبالش هستیم، لزوماً توسعه غربی - با همان مختصات و با همان شاخصها - نیست. غربیها یک تاکتیک زیرکانه تبلیغاتی را در طول سالهای متمادی اجرا کردند و آن این است که کشورهای جهان را تقسیم کردند به توسعه یافته، در حال توسعه و توسعه نیافته. خب، در وهله اول انسان خیال می کند توسعه یافته یعنی آن کشوری که از فناوری و دانش پیشرفته ای برخوردار است، توسعه نیافته و در حال توسعه هم به همین نسبت؛ در حالی که قضیه این نیست. عنوان توسعه یافته - و آن دو عنوان دیگری که پشت سرش می آید، یعنی در حال توسعه و توسعه نیافته - یک بار ارزشی و یک جنبه ارزش گذاری همراه خودش دارد. در حقیقت وقتی می گویند کشور توسعه یافته، یعنی کشور غربی! با همه خصوصیاتش: فرهنگش، آدابش، رفتارش و جهت گیری سیاسیش؛ این توسعه یافته است. در حال توسعه یعنی کشوری که در حال غربی شدن است؛ توسعه نیافته یعنی کشوری که غربی نشده و در حال غربی شدن هم نیست. این جوری می خواهند معنا کنند. در واقع در فرهنگ امروز غربی، تشویق

ص: ۱۴۷

۱- ظهیری، سید مجید، رویکرد دینی به آرمان توسعه یافتگی و مقایسه آن با توسعه غربی، (اندیشه حوزه، ش ۳۱) ص ۷۵.

کشورها به توسعه، تشویق کشورها به غربی شدن است! این را باید توجه داشته باشید. بله، در مجموعه رفتار و کارها و شکل و قواره کشورهای توسعه یافته غربی، نکات مثبتی وجود دارد - که من ممکن است بعضی اش را هم اشاره کنم - که اگر بناست ما اینها را یاد هم بگیریم، یاد می گیریم؛ اگر بناست شاگردی هم کنیم، شاگردی می کنیم؛ اما از نظر ما، مجموعه ای از چیزهای ضد ارزش هم در آن وجود دارد. لذا ما مجموعه غربی شدن، یا توسعه یافته به اصطلاح غربی را مطلقاً قبول نمی کنیم. پیشرفتی که ما می خواهیم چیز دیگری است. (۱)

اما مسیر «جهاد اقتصادی» در منظومه اندیشه دینی، از طریق شیطانی غرب به طور کامل جداست. آغاز راه «جهاد اقتصادی» برای رشد و شکوفایی و توسعه، رفع تبعیض، ستم و خشونت است. توسعه در مفهوم دینی بر مدار مفهوم تکامل معنی پیدا می کند. در این تفکر، انسان مجموعه ای است از نیازهای مادی و معنوی - مؤثر در یکدیگر و متأثر از یکدیگر، اما به صورتی متعادل. او هرگز در مسیر رفع نیازهای مادی خویش افراط نمی کند، زیرا افراط در رفع نیازهای مادی، نیازهای کاذبی را به وجود می آورد و همین طور ادامه می یابد، تا جایی که مفهوم اسراف در زندگی به یک ضرورت تبدیل می شود. در دایره «جهاد اقتصادی» توزیع امکانات مادی نه تنها بر مدار حقوق به معنای عام قضایی آن، بلکه در بسیاری موارد براساس ایثار و از خود گذشتگی است. لذا، برای مثال، مالیات و انفاق در کنار هم و در یک راستا برای توزیع عادلانه امکانات مادی سازماندهی می شوند. در «جهاد اقتصادی» عنصر اخلاق و معنویت به فراموشی سپرده نمی شود و محبت و رأفت و تأکید بر آرامش جامعه و دغدغه قشر آسیب پذیر از ارکان آن است و همواره در ادبیات دولتمردان نظام اسلامی شنیده می شود. کافی است مبانی رشد و توسعه اقتصادی غرب را با «جهاد اقتصادی» در منظومه فکر دینی مقایسه کنیم تا به روشنی دریابیم آن یکی به کین استوار است و این یکی به مهر.

توانمندیهای موجود جهت دستیابی به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت و توسعه

همچنانکه در بخش اول در بحث از مبانی جهاد اقتصادی گذشت، مفهوم پردازی

ص: ۱۴۸

مجدد توسعه در پرتو مفاهیم انسانی، دین را از حاشیه تفکر اقتصادی به صحنه آورده و مفاهیم توسعه اقتصادی، انسانی و فرهنگی را در نظریه جامع و کامل تری در میان رویکردها به توسعه، مورد توجه قرار داده است.

در نگرش دینی، بهره مندی از نعمتهای الهی در این دنیا نه تنها با سعادت‌مندی انسان در دنیای دیگر منافات ندارد، بلکه انسانهایی که از طریق صحیح و دین پسند در پی فراهم کردن اسباب رفاه خود و دیگران بر می آیند، تشویق و تحسین می شوند. بر مبنای تعالیم اسلامی، خداوند دنیایی آباد را برای انسانها خواسته و تمامی اسباب آن را نیز آماده ساخته است. براساس این تعالیم، دنیا جلوه ای محدود از جلوه های بهشتی به شمار می آید. (۱) بر پایه چنین بینشی است که جامعه آرمانی اسلام که نمونه اعلائی آن جامعه مهدوی است از جمله ویژگیها و برجستگیهای آن که در احادیث و روایات اسلامی بر آن تأکید فراوان شده است، فراوانی نعمت و برخورداری انسانها از انواع و اقسام نعمتهای الهی است. به تعبیر امام صادق (علیه السلام) زمان قیام حضرت مهدی (علیه السلام) زمین گنجهای خود را آشکار می کند و مردم چنان بی نیاز می شوند که برای مصرف زکات نیازمندی یافت نمی شود. (۲) و نیز به بیان پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه و آله وسلم): «امت وی در آن زمان به نعمتهایی دست می یابند که تا آن زمان سابقه نداشته است. آسمان باران رحمتش را بر آنان ببارد و زمین چیزی از رویدادهای خود را پنهان ندارد». (۳)

بر مبنای چنین باور به توانمندی است که مقام معظم رهبری می فرماید:

مدل توسعه در جمهوری اسلامی به اقتضای شرایط فرهنگی، تاریخی، موارث و اعتقادات و ایمان این مردم، یک مدل کاملاً بومی و مختص به خود ملت ایران است.

از هیچ جا نباید تقلید کرد. (۴)

جامعیت اسلام برای پاسخگویی به نیازها

اسلام از مجموعه ای از اصول و باورها تشکیل شده است که رابطه یک مسلمان را با

ص: ۱۴۹

۱- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، ج ۵، ص ۲۱۲.

۲- دیلمی، حسن بن محمد، ارشاد القلوب الی الصواب، ج ۲، ص ۳۸۱.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۷۸.

۴- مقام معظم رهبری، ۲۷/۳/۱۳۸۳.

خدا و جامعه، هدایت و تنظیم می کند. از این رو، مجموعه ای از موازین رفتاری و اداره امور را در بر می گیرد که انسان را در ابعاد مادی و معنوی سامان می بخشد.

امام صادق(علیه السلام) در بین چنین جامعیتی برای اسلام می فرماید:

«ما من شی یحتاج الیه ولد آدم الا وقد خرجت فیه السنه من الله و من رسوله...»؛^(۱)

«چیزی نیست که مورد نیاز انسانها باشد، جز آن که از سوی خدا و پیامبرش، قانون و دستوری برای آن رسیده است».

کمال دین مقتضی آن است که با همه جانبه نگری، نسبت به چگونگی نظام اجتماعی و سیاسی پیروانش طرح و سخنی داشته باشد؛ اما داشتن طرح و سیستم به این معنا نیست که قالب معین، چارچوب خاص و شکل ویژه و تمام جزئیات لازم را پیش بینی کرده باشد، بلکه اصولی کلی مانند ضرورت حاکمیت خداوند بر تمامی قوانین و سیاستها، هدفها و وظایف کلی حکومت، مانند تأمین عدالت، قیام به قسط، نفی ظلم، رعایت حقوق مردم و ایجاد مساوات، نفی وابستگی به غیر، اصل شورا، و توجه به آرای مردم، آزادی اندیشه، و بسیاری از اصول دیگر را بیان کرده است؛ اما شیوه ها و تاکتیکهای اجرایی تحقق این اصول را به نخبگان، خرد جمعی و آرای انسانها گذاشته است.

بدین جهت است که به اعتقاد شهید مطهری:

در ساحت دین، اجتهاد و پویایی و تخصص و توانایی در درک مسائل و نیازهای دائم و متغیر و متحول انسان از مهمترین و عمده ترین عاملی است که می تواند نیروی محرکه دین و دانش دانسته شود، زیرا آنچه مسلم است، کلیات اسلامی ثابت و لایتنغیر و محدود است و اما حوادث و مسائل نامحدود و متغیر است و هر زمانی مقتضیات مخصوص خود و مسائل مربوط به خود را دارد. به همین جهت، ضرورت دارد که در هر عصر و زمانی گروهی مشخص و عالم به کلیات اسلامی و عارف به مسائل و پیشامدهای زمان، عهده دار اجتهاد و استنباط حکم مسائل جدید از کلیات اسلامی بوده باشند.^(۲)

ص: ۱۵۰

۱- ابن صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات الکبری، ص ۵۳۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲- مطهری، مرتضی، ختم نبوت، ص ۷۰.

جامعیت دین مبین اسلام نسبت به تمامی شتون زندگی فردی و اجتماعی، را گرچه از نظر برخی مورد مناقشه و تأمل قرار گرفته است، اما آنچه در آن جای هیچ گفتگو و تردیدی وجود ندارد، تأثیر این جامعیت در شکل گیری تمدن و فرهنگ اسلامی است که الهام بخش تمامی جریانهای علمی، فرهنگی، هنری، اجتماعی، نهادها و آداب و رسوم بوده است.

حتی برخی از علوم مانند علوم عقلی همچون فلسفه، منطق و کلام، و نیز علوم تربیتی مانند اخلاق و اقتصاد، با بهره گیری از آموزه های دقیق اسلامی توانستند افقهای تازه ای را در فراروی اندیشه وران بگشایند. در واقع، تأکید و تشویق و ترغیب آموزه های اسلامی بر اهمیت و جایگاه رفیع علم و دانش و فراگیری آن، بستری مناسب برای رشد و نمو انواع علوم گردید که این خود می تواند در مقام عمل، بهترین پاسخگویی به جامعیت اسلام را نشان دهد.

کشف قوانین علمی پنهان در گزاره های دینی

اعتقاد و باور به جامعیت دین مبین اسلام بیانگر این حقیقت است که گزاره های دینی □ اعم از قرآن و حدیث □ مشتمل بر قوانینی هستند که با توجه به نیازهای زمانه، از طریق کشف آنها می توان نظریه های جدیدی را تبیین نمود و نیازهای جامعه را پاسخگو بود، زیرا نظام پهناور کیهانی و سراسر جهان هستی، از آسمان و زمین و هر آن چه در آنهاست سفره احسان الهی و آموزشگاه انسانی است. تمامی علوم در تمامی رشته ها در این مدرسه آموزش داده می شوند. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (۱)، «آیا نمی بینید خداوند هر آنچه را در آسمان و زمین است، مسخر شما گردانیده است؟»

«وَسَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» «به تمامی آنچه در آسمان و زمین است، در اختیار شما قرار داد. تمامی از او هستند و همانا در این، نشانه هایی است برای گروهی که دارای تفکر و اندیشه هستند».

ص: ۱۵۱

معنای تسخیر در این آیات هرگز به معنای استیلای ویران‌گرانه انسان بر منابع طبیعی نیست، بلکه به معنای این است که خداوند متعال نظامی برقرار ساخته است که در آن نیازهای بشر از طریق اسباب و علل و قانونمندیهای معینی قابل برآورده شدن است.

نگاه ژرف و آینده‌نگر در این آیات، بیانگر این حقیقت است که خدای سبحان با دادن توانایی تسخیر به انسان در منابع طبیعی، انتظار استفاده بهینه را از او دارد نه انتظار به هدر دادن و از بین بردن آن را. از منظر قرآن کریم، تمامی آنچه در تأمین نیازهای بشر دخالت دارد، نعمتهای الهی به شمار می‌آیند و لازمه نعمت بودن آنها شکر گزاری است و حقیقت شکر گزاری استفاده بهینه از آنهاست. (۱)

در راستای همین تسخیر و تبیین جهان است که خلقت مادی انسان از خاک شروع می‌شود و موظف می‌گردد به رشد و توسعه همین زمین پردازد. «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (۲)

نظام آفرینش بر دو بخش تکوین و تشریح استوار است و انسان در هر دو بخش با کلمات الهی سرو کار دارد، و کلمات خداوند پایان‌ناپذیر است: «وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ» (۳) اگر تمامی درختانی که در زمین هستند، قلم گردند و دریاها با دیگر دریاها هفت گانه مرکب باشند، در شمارش کلمات الهی قلمها و مرکبها پایان می‌پذیرد، ولی کلمات خداوند پایان‌پذیر نیست.

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِمْدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مِمْدَادًا» (۴) «بگو اگر دریا مرکب از برای کلمات پروردگرم باشد، دریا تمام می‌شود، هر چند به مانند آن دریاها افزوده شود».

نظام تکوین و نظام تشریح از کلمات الهی تشکیل شده؛ بنابراین علوم و دانشهایی که به این دو نظام می‌پردازند، به کلمات خدا می‌نگرند و بازگشت دارند. از این رو، پویایی و

ص: ۱۵۲

۱- جاثیه (۴۵) آیات ۱۲-۱۳؛ لقمان (۳۱) آیه ۲۰؛ ابراهیم (۱۴) آیات ۳۲-۳۴.

۲- هود (۱۱) آیه ۶۱.

۳- لقمان (۳۱) آیه ۲۷.

۴- کهف (۱۸) آیه ۱۰۹.

نوآوری در زمینه علم و دانش و ابداع و ایجاد دانشهای نوین در بینش انسان دینمدار، کاملاً طبیعی و در حد انتظار است.

نقش تقوا در پویایی، نوآوری و تولید علم

در نگرش قرآن کریم، رابطه تنگاتنگی بین خداباوری و حفظ حریم آن در دستیابی به علوم و دانشها وجود دارد: « وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ » (۱). همچنانی که در سوره مبارکه انفال، تقوا را سبب پیدایش تمیز و عاملی می داند برای دستیابی به حقیقت « إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا » (۲).

در این بینش، تمامی علوم - اعم از نظری و عملی - از طریق ارتباط با خداوند و شناخت او، از انجام درونی بهره می برند و از تشتت و پراکندگی که در اثر به وجود آمدن برخی پیش فرضها ممکن است به وجود آید جلوگیری می شود.

نوگرایی و نو اندیشی

نوگرایی به معنای تضعیف سنتها، ایمان مذهبی و اصول اعتقادی جامعه نیست، بلکه به عکس، در این دیدگاه سنتها و اعتقادات بستر مساعدی برای تسریع روند توسعه علم و دانش هستند. به عنوان مثال، اعتقاد و ایمان به اینکه با تکیه بر توان فردی و جمعی که قرآن بر آن تأکید دارد «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَى» (۳) می توان در تمامی وجوه و زندگی بر توان فردی و اجتماعی جامعه تکیه کرد و با جهاد و تلاش اقتصادی، نیازهای جامعه را پاسخگو بود. چنین باوری عامل مهمی در تسریع روند کار و تلاش انسان در دستیابی به هدفهای اوست.

در نگرش انسان دینمدار، اگر طبیعت و فاعل های طبیعی مسخر علیت علت فاعلی الهی هستند، صنعت و فاعل های صنعتی نیز عیناً چنین بوده و کاملاً در حوزتسخیر الهی قرار دارند. نظری به برخی از آیات مرتبط با تسخیر در قرآن، این حقیقت را آشکار می سازد که حتی صنعت که حاصل کشف انسانی است، در واقع و حقیقت در حیطة تسخیر فاعلیت

ص: ۱۵۳

۱- بقره (۲) آیه ۲۸۲.

۲- انفال (۸) آیه ۲۹.

۳- نجم (۵۳) آیات ۳۹-۴۰.

الهی است، زیرا صنعت چیزی جز کشف روابط طبیعی واقعیتها و ترکیب مناسب آنها با یکدیگر عیبت بخشیدن به حاصل ترکیب نیست. (۱)

بدین جهت است که قرآن کریم بر این مطلب تصریح دارد که اشیاى مصنوع انسان از قبیل کشتی، لباس، خانه و حتی اسباب و اثاثیه خانه مخلوق الهی است و آن را مستقیم به خدا نسبت می دهد و می فرماید: «وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ وَ مَا تَعْمَلُونَ» (۲) و در سوره مبارکه نحل آیه ۸۰ و نیز در سوره مبارکه اعراف، با تصریح بر این مطلب که خانه و اثاث خانه انسانها و حتی لباسهای آنها همه مصنوع خداوند سبحان است، می فرماید:

«وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْاَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ اِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ اَصْوَافِهَا وَ اُوبَارِهَا وَ اشْعَارِهَا اَثْنَا وَ مَتَعًا اِلٰى حِينٍ» (۳) «خدا خانه هایتان را جای آرامش تان قرار داد و از پوست چهارپایان برایتان خیمه ها ساخت تا به هنگام سفر و به هنگام اقامت از حمل آنها در رنج نیفتید و از پشم و کرک و مویشان، تا روز قیامت برایتان اثاث خانه و اسباب زندگی ساخت». حتی برای تقریب بهتر و بیشتر بر فهم و درک انسان در برخی از آیات، مصنوع انسان را مانند کشتی به همراه چهارپایان که مستقیماً مخلوق الهی است آورده و به خود نسبت می دهد و چنین می فرماید:

«وَالَّذِي خَلَقَ الْاَزْوَاجَ كُلَّهَا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْفُلْكِ وَ الْاَنْعَامِ مَا تَرْكَبُونَ لِيَسْتَوُوا عَلٰى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ اِذَا اسْتَوَيْتُمْ عَلَيْهِ وَ تَقُولُوا سُبْحٰنَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هٰذَا وَ مَا كُنَّا لَهٗ مُقْرِنِينَ» (۴) و در سوره مبارکه انفال، خداوند عمل مؤمنان و پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) را ضمن آن که به ایشان نسبت می دهد، در همان حال آن را به خود نیز نسبت می دهد: «فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ قَتَلَهُمْ وَ مَا رَمَيْتَ اِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللّٰهَ رَمٰى» (۵)

بنابراین، از منظر قرآن کریم هر آنچه بشر بر مبنای علم و دانش و فناوری به وجود آورده و آنچه را در آینده پدید آورد، به طور مطلق مخلوق خداوند است و از حیطة قدرت

ص: ۱۵۴

۱- خرمشاهی، بهاء الدین، مباحثی در فرهنگ آفرینی قرآن، ص ۲۵ .

۲- بقره (۲) آیه ۲۸۲ .

۳- نحل (۱۶) آیه ۸۰ .

۴- زخرف (۴۳) آیات ۱۲-۱۳ .

۵- انفال (۸) آیه ۱۷ .

الهی خارج نیست. از این رو، سنتها و اعتقادات دینی که از زلال وحی سرچشمه گرفته باشند، نه تنها با نوگرایی در علم و دانش سر ستیز ندارند، بلکه مشوق و مؤید آنند.

چنین نگرشی به علم و دانش سبب می شود انسان از غروری بی جا در امان بماند؛ غروری که گریبان انسان معاصر را در قبال دستاوردهای علم و صنعت در دوران جدید گرفت و عزم او را بر «خود بنیادانگاری» جازم ساخت؛ به جهت آن که دانایی، توانایی آورد و توانایی، سبب خودرأیی گردید؛ و آدمی آرام آرام احساس بی نیازی از خدا نمود. و حتی خدا را مزاحم خود در طبیعت و صنعت پنداشت. (۱)

کمال دین مقتضی است که با همه جانبه نگری، نسبت به چگونگی نظام اجتماعی و سیاسی پیروانش طرح و سخنی داشته باشد؛ اما داشتن طرح و سیستم به این معنا نیست که قالب معین، چارچوب خاص و شکل ویژه و تمام جزئیات لازم را پیش بینی کرده باشد، بلکه اصولی کلی مانند ضرورت حاکمیت خداوند بر کلیه قوانین و سیاستها، هدفها و وظایف کلی حکومت، مانند تأمین عدالت، قیام به قسط، نفی ظلم، رعایت حقوق مردم و ایجاد مساوات، نفی وابستگی به غیر، اصل شورا، و توجه به آرای مردم، آزادی اندیشه و بسیاری از اصول دیگر را بیان کرده است. اما شیوه ها و تاکتیکهای اجرایی تحقق این اصول را بر عهده عالمان دینی و عارفان به پیشامدهای زمان با بهره گیری از کلیات اسلامی و به تخصص نخبگان، خرد جمعی و آرای انسانها گذاشته است.

بهره وری از پتانسیل های دین، عدالت و توسعه

در واقع الگوی اسلامی - ایرانی توسعه بهره گیری از پتانسیل های موجود در دین، عدالت و توسعه است که در اصل دوم قانون اساسی به روشنی بر آنها تصریح شده آنجا که به تشریح پایه های نظام پرداخته و می گوید:

جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- خدای یکتا (لااله الاالله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.

ص: ۱۵۵

- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین؛

- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان بسوی خدا؛

□ عدل خدا در خلقت و شریع؛

□ امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام؛

- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسؤولیت او در برابر خدا که از راه:

الف - اجتهاد مستمر فقهای جامع الشرایط بر اساس کتاب و سنت معصومین .

ب - استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفت بشری و تلاش در پیشبرد آنها.

ج - نفی هرگونه ستم گری و ستم کشی و سلطه گری و سلطه پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می کند.

و اصل سوم این قانون، دولت را موظف می کند برای دستیابی به این همگرایی، تمامی امکانات خود را به کار گرفته تا از طریق امور زیر این امر مهم محقق گردد:

- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان و تقوی و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

- بالا بردن سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه های گروهی و وسائل دیگر.

- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی،^(۱) تا در این راستا با پی ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه گامهای اساسی را جهت عملی ساختن این بهره وری بردارد.

ص: ۱۵۶

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۱۷ و ۱۹.

اشاره

از آنجا که جهاد اقتصادی در راستای افزایش «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» جز با حضور جدی مردم در صحنه کار و تلاش، و نیز صرفه جویی در مصرف و استفاده از تولیدات داخلی امکان پذیر نیست و با توجه به اینکه در دهه پیشرفت و عدالت قرار داریم، بی تردید آنچه می تواند مردم را در صحنه این جهاد عظیم وارد نموده و استوار و پا بر جا نگه بدارد، اهمیت دادن به عدالت اجتماعی است. بر این اساس در این فصل به قلمروهای عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در جامعه پرداخته می شود.

توجه به قلمروهای عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در جامعه

عدالت اجتماعی، هدف اساسی و بنیادین در ساختمان نظام اسلامی است. نبود عدالت در جامعه دینی، به منزله ناکارآمدی و شکست نظام در دستیابی به هدفهای اصلی خویش است، زیرا اگر در جامعه اسلامی به سبب اختلافهای فاحش طبقاتی و نابرابریهای اجتماعی، شخصیت حقیقی و واقعی انسانها مورد تجاوز قرار گیرد، هیچ رشدی حاصل نخواهد شد. چنین جامعه ای به سمت پیشرفت، علم، سازندگی، توسعه و رشد فضیلتهای اخلاقی پیش نخواهد رفت.

تغییرات همه جانبه و بنیادی جامعه، در گرو تحقق عدالت، به مفهوم واقعی کلمه در زندگی آحاد جامعه و در کلیت نظام اجتماعی در سطوح اقتصادی، قضایی، علمی و مقوله های دیگر است.

جامعه ای که در گیر وجود طبقات سودجوست و حالت دو قطبی دارد و در آن، قطبی مرفه و برخوردار و قطبی ضعیف و ناچیز وجود دارد، و مظاهر عدالت در آن به چشم نمی آید، جامعه ای ایستاست که به هدفهای عالیله نایل نمی شود.

عدالت اجتماعی به مفهوم قدر و منزلت هر کسی را شناختن و به هر کس به میزان استحقاقی که دارد، فرصتها، و امکانات را در اختیار نهادن و شرایط رشد وی را در مقوله های مختلف مهیا نمودن و نیز ظلم را از تمام ساحتهای وجودی او برطرف ساختن. عدالت اجتماعی، رعایت حقوق طبیعی و قراردادی و فطری آحاد جامعه انسانی است. هدف از استقرار عدالت اجتماعی، مقدمه هدفهای والاتری است، استعدادهای الهی انسان شکوفا و زمینه های ظهور منشهای عالی انسانی فراهم شود.

امام خمینی (قدس سرّه) معمار بزرگ، معنوی و الهی انقلاب اسلامی، عدالت فردی را مقدمه عدالت اجتماعی می داند؛ یعنی عدالت باید در افراد بشر صورتی نهادینه بیابد تا در نتیجه به کل ختم شود. این مقوله (عدالت اجتماعی) در سلسله هدفهای غایی انقلاب بزرگ اسلامی قرار گرفته که الزامهایی ساختاری دارد؛ لذا باید مفهوم عدالت اجتماعی و روند تحقق آن را در دورانهای سپری شده انقلاب بازکاوی و الزامهای نظری و عملی آن را بازگو کنیم.

چیستی عدالت اجتماعی

اشاره

مفهوم سازی روشن از عدالت اجتماعی و تفسیر بایسته آن، به اجرای آن در اجتماع کمک می کند. این تفسیر وجود ندارد، باید برای ایجاد آن کوشش کرد، زیرا تعریفها و تفسیرها، اساس و بنیاد عملیاتی شدن و همگانی شدن مفاهیم به شمار می روند. یک ارزش عالی و خوب، در درجه نخست باید خوب تفسیر و سپس خوب اجرا شود، زیرا اگر خوب تفسیر شد، افراد متعهد و روشن اندیش اجتماع در پی تحقق مفهوم برخواهند آمد و آن را به صورت ملکه با رویکردی عالی و ارزشی به وجود خواهند آورد. چنانچه مفهوم در نفوس انسانها ایجاد گردد، عملیاتی شدن آن ساده و آسان خواهد بود.

قانون خوب و عالی در درجه اول باید خوب تفسیر شود و در درجه دوم باید خوب اجرا و تنفیذ گردد. اگر خوب تفسیر نشود، فرضاً آنها که متصدی اجرا و تنفیذ هستند بخواهند خوب اجرا کنند فایده ندارد، زیرا همان طوری اجرا می کنند که تفسیر شده، و اگر هم قصد خوب اجرا کردن نداشته باشند، برای آنها چه بهتر! وقتی متصدیان تفسیر قانون، مطابق با نیت سوء اجرا کنندگان تفسیر کردند، عملاً و نتیجه خدمتی به آنها کرده اند و آنها را از زحمت و دردسر مردم نجات داده اند. خواه آن که تفسیر کنندگان از اول قصدشان این باشد که به قانون و مردم خیانت کنند و یا چنین

قصدی نداشته باشند، فقط روی کج فهمی بد تفسیر کنند. (۱)

حقیقتی که هرگز نباید آن را از یاد برد و غفلت از آن، نوعی فریب دادن خود و دیگران است، همین مسئله است که اصل عدالت اجتماعی، به شکل قاعده مند تفسیر نشده و تفسیر روشنی از آن در ذهنها و باورها وجود ندارد. این مسئله، منشأ انحراف تاریخی بزرگی از اصل عدالت اجتماعی شده و با آنکه اسلام این قدر به آن اهتمام داده و درباره اش حساسیت نشان داده، هرگز اجرا نشده است. بدین روی، یکی از نقاط محوری و تمرکز این نوشتار، ارائه تفسیری بایسته و روشن از عدالت اجتماعی است.

عدالت اجتماعی، لزوماً ریشه فردی دارد و تا همه به صفت عدل نفسانی آراسته نگردند، هرگز امکان تحقق اجتماعی آن وجود ندارد.

مرحوم نراقی در جامع السعادات، صفت عدل را اولاً و بالذات، صفتی عالی و نفسانی معرفی می کند که اگر این صفت عالی در صفحه روح ملکه ای نفوذ کرد، تحقق اجتماعی آن، امری ممکن و حتی سهل خواهد بود. و دیگر، تابع شعار و بخشنامه و دستور نخواهد بود، صفتی خواهد بود که از درون خواهد جوشید و همه امور را تابع خود قرار خواهد داد.

مرحوم نراقی، می نویسد:

و تحقق المقام ان انقیاد العقل العملي للعامله يستلزم ضبط قوتی الغضب و الشهوة تحت اشارة العقل، و سياسة اياهما، واستعلائه عليهما و هذا يستلزم اتفاق جميع القوى و امتزاجها فجميع الفضائل الصادرة عن قوتی الغضب و الشهوة، بل عن العاقله ايضا، انما تكون بتوسط العقل العملي و ضبطه اياهما، و العدالة انقیاد العقل العملي للقوة العاقله فالحق ان حقيقه العدالة هو مجرد انقیاد العامله للعاقله، و مثل الضبط و الاستعلاء و السياسة من لوازمه، و الفضائل الصادرة عن القوى الآخر بتوسط العقل العملي انما تندرج تحت لازم العدالة... (۲)

«تحقیق مهم بحث این است که انقیاد عقل عملی از قوه عاقله، مستلزم آن است که دو قوه غضب و شهوت تحت کنترل عقل درآید و عقل، آن را سیاست کند و عقل بر دو قوه غضب و شهوت حاکم خواهد شد. و این، مستلزم آن است که همه قوای درونی آدمی به وحدت و امتزاج برسند، پس جميع فضائل صادرة از ناحیه قوه غضب (مانند

ص: ۱۵۹

۱- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۴، ص ۸۰۹.

۲- نراقی، محمد، جامع السعادات، ج ۱، ص ۵۴.

حلم) و قوه شهوت (مانند عفت) و حتی فضایل صادره از ناحیه عقل (مانند حکمت) به واسطه عقل عملی خواهد بود که عقل عملی بتواند همه را کنترل نموده و در اختیار گیرد و عدالت، همین است که عقل عملی، تابع عقل نظری گردد و در عمل انسان متصف به عدالت شود و در روحش سریان یابد».

و به این صورت است که تمام فضیلت‌های دیگر وجودی آدمی، تابع عقل نظری می شود و همین است تفسیر حقیقی عدالت.

به همین دلیل است که مرحوم نراقی، باب دیگری را گشوده و می نگارد که عدالت، اشرف فضایل است و سپس چنین تعریفی را از عدالت ارائه می کند.

العدالة اشرف الفضائل و افضلها... لانها هیئته نفسانیة یقتدر بها علی تعدیل جمیع الصفات و الانعال و رد الزائد الناقص الی الوسط و انکسار سوره التخالف بین القوی المتعادیه(۱)

«عدالت شریف ترین فضیلتها و برترین آنهاست. چون عدالت، هیئتی نفسانی است که به وسیله این هیئت نفسانی، فرد قدرت می یابد که جمیع صفات و کارهای خود را بر آن تنظیم نموده و امور زائد و ناقص عملی خود را به آن بازگرداند و انگیزه های مخالف یا ضدیت بین روح و عمل را برطرف سازد».

نتیجه ای که از این فراز گرفتیم، آن است که عدالت باید به این عنوان و نوع تفسیر شود و برای آن زمینه سازی مناسب، در آموزش و تربیت و نظامهای آموزشی رخ دهد. از همین جا، به کاستی نظام آموزشی از ابتدائی تا سطوح عالی پی می بریم.

تفسیر عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی را می توان در یک تفسیر، گرایش نفسانی همه جامعه به صفت فاضله و کرامت و عدالت دانست که در نتیجه در جامعه نهادینه شده، عدالت شکل گیرد و ملموس و عینی گردد.

و همین است معنای آیه کریمه «لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»(۲)؛ «تا همه مردم قیام به قسط نمایند»؛ قیامی که از درون بجوشد و نهادینه روح و روان جامعه باشد. لذا، می توان عدالت اجتماعی را به معنای سریان عدالت از روح جامعه به پیکر جامعه دانست.

ص: ۱۶۰

۱- همان، ص ۷۷ .

۲- حدید (۵۷) آیه ۲۵ .

یعنی باید برای آحاد جامعه به گونه ای روشن و ملموس مشخص گردد و در روح و روان آنها شکل گیرد که ظلم، بد است و کار قبیح ناپسند است.

این مفهوم، البته به صورت واضح، باید در جامعه نموده شود که عدالت اجتماعی آن است که تمام افراد جامعه به حق خود دست یابند، اعم از حقوق مادی، سیاسی، اجتماعی، امنیت، علم، حرفه، اقتصاد، ابزار رشد، ابزار درآمد اقتصادی، رفاه عمومی و... پس عدالت اجتماعی به معنای اعطای حقوق طبیعی، فطری، ذاتی، حقوقی، سیاسی، اقتصادی هر شخص، به تناسب صلاحیت و نیازمندیهای فطری اوست.

با توجه به این کلیت، می توان گفت: دیگر عدالت اجتماعی، مسئله ای نیست که تفسیرهای گوناگون برتابد و هر کس به سلیقه، انگیزه، هدفهای شخصی، حزبی، گروهی، جناحی و طبقاتی خود، آن را تفسیر نماید.

تفسیر عدالت اجتماعی، تفسیری سره و روشن است که در بالا به آن اشاره کردیم.

اهمیت عدالت اجتماعی

عدالت اجتماعی، بسان اهرم اساسی حرکت سالم اجتماعی و عامل منحصر و اساسی آن است که در سر لوحه تعالیم و هدفهای عالیّه انبیا قرار گرفته، در قلمروهای اساسی چندی قابل تعقیب و پیگیری است که اگر در این قلمروها خود را نشان دهد، جامعه، حیاتی معقول، هدفمند و مبتنی بر معیار و ضابطه خواهد داشت.

تأکید فراوان اسلام بر مسئله عدالت اجتماعی، دلیل بر اهمیت بالای این مسئله حیاتی و نقش آفرین اجتماعی است.

اسلام به حکم این که مذهب است و به حکم این که دین خاتم است، بیش از هر مذهب آسمانی دیگر، برای برپاداشتن عدالت اجتماعی آمده است، و قهراً هدفش نجات محرومان و مستضعفان و ستیز با ستم پیشگان است. (۱)

عدالت اجتماعی، وسیله ای است برای رشد و تکامل گرایشهای معنوی و تحقق هدفهای عالیّه آفرینش انسان. بدین لحاظ است که اسلام عدالت اجتماعی را در همه قلمروهایش به گونه ای عام و فراگیر مورد توجه قرار داده است. قلمرو عدالت اجتماعی، قلمرو همه

ص: ۱۶۱

سرمایه های وجودی انسان است. این سرمایه ها بسیار متکثر و متنوعند.

بسیار چیزها را باید سرمایه زندگی شمرد. سلامت، یک سرمایه زندگی است، امنیت همین طور، علم و معرفت همین طور، داشتن همسر و فرزندان صالح همین طور، داشتن دوستان شایسته و صمیمی همین طور، تربیت عالی همین طور. سلامت روح و روان همین طور، همه اینها سرمایه های زندگی شمرد می شوند. هر کدام از اینها که نباشد، نقصی در سعادت و کمال انسان خواهد بود و انسان، یکی از سرمایه ها را از کف داده است. (۱)

و این سرمایه ها باید در خدمت همگان باشد.

پس راه آینده ما، همان راه گذشته ماست که انقلاب طی کرده، راه عدالت اجتماعی در ظل اسلام و آزادی و استقلال در ظل اسلام. واقعاً نباید در دولت اسلامی ظلمی واقع شود. واقعاً نباید اجحافی به کسی بشود، حتی به یک مجرم هم نباید اجحافی شود ولو یک مجرم مستحق القتل. (۲)

علت مسئله هم این است که گفتمان عدالت، نتایج بی شماری به بار می آورد که برترین آن، تحقق حرکت معنویت در جامعه است.

درد معنویت بشر را سلب مالکیت به تنهایی کفایت نمی کند، عدالت اجتماعی لازم است نه مالکیت. زیرا اگر در جامعه ای عدالت اجتماعی برقرار نباشد، پایه معنویت هم متزلزل خواهد بود. منطق اسلام این است که معنویت را با عدالت توأم با یکدیگر می باید برقرار کرد. در جامعه ای که عدالت وجود نداشته باشد، هزاران هزار بیمار روانی به وجود می آیند. محرومیتها ایجاد عقده های روانی می کند و عقده های روانی تولید انفجار، یعنی اگر جامعه به تعبیر علی (علیه السلام) به دو گروه گرسنه گرسنه و سیر سیر تقسیم شود، وضع به همین منوال باقی نمی ماند. بلکه صدها تالی فاسد دیگر به همراه خواهد آورد. یک گروه، گرفتار بیماریهایی نظیر تفرعن، خود بزرگ بینی و... می شوند و گروه دیگر دچار ناراحتیهای ناشی از محرومیت. (۳)

سرانجام، مقوله عدالت اجتماعی از بالاترین و پراثرترین رویکردهای فکری، معرفتی، اجتماعی بشر و ادیان الهی است که نقشی بسزا در همه حرکتهای انسانی دارد و اگر نباشد، حرکت تکاملی اجتماع متوقف و فضیلتها و کرامتها و روحيات انسانی و آرمانهای بلند،

ص: ۱۶۲

۱- همان، ج ۲۳، ص ۷۶۰.

۲- همان، ج ۲۴، ص ۱۷۷.

۳- همان، ج ۲۴، ص ۲۵۷.

همه نادیده گرفته خواهد شد و در واقع، به بوته ناکارآمدی، نسیان و فروپاشی منتهی می شوند.

قلمروهای عدالت اجتماعی

اشاره

فهم عمیق عدالت اجتماعی مستلزم فهرست نمودن کارها، یا قلمروها و محورهایی است که بدون تطبیق آنها با مقوله عدالت، هرگز تحقق نخواهند یافت. این محورها را چنین می توان طبقه بندی کرد:

الف) ایجاد فضایی متناسب جهت بهره وریهای اجتماعی به تناسب استعدادها و لیاقتها؛

ب) ایجاد فضا برای منع از تعرض به جان، مال و آبروی افراد جامعه و نیز حفاظت از آنها؛

ج) مجازاتهای متناسب و در خور تجاوزها، نسبت به همه افراد با حذف نسبتها و موقعیتها و شئون اجتماعی آنها؛

د) توزیع برابر سودها و امکانات در بین عناصر مختلف اجتماعی.

اگر این موارد چهارگانه به خوبی تحلیل شوند، درمی یابیم که عدالت اجتماعی، باید در قلمروهای زیر در درون جامعه بسط و گسترش و تحقق یابد.

۱. عدالت زمینه ای

عدالتی که باید زمینه را برای بهره وریهای اجتماعی به تناسب استعدادها، قابلیتها و لیاقتها فراهم سازد. به عبارت دیگر، عدالت زمینه ساز بهره وریها. در این نوع از عدالت، قلمروهای زیر تحقق می یابد:

الف) عدالت در فضا سازی برای بهره وریهای علمی؛

ب) عدالت در فضا سازی برای بهره وریهای معنوی؛

ج) عدالت در فضا سازی برای بهره وریهای مادی و معیشتی، نظیر حق انتخاب شغل، فضا سازی برای اشتغال و درآمدها و مواهب طبیعی و اجتماعی دیگر. این نوع از عدالت، عدالت اجتماعی حقوقی هم شناخته می شود.

۲. عدالت اجتماعی صیانتی

عدالت اجتماعی صیانتی، عبارت است از ایجاد فضای حفظ، صیانت و تعرض به غیر، اعم از ضرر رساندن به مال، جان، آبرو و ناموس مردم.

در جامعه اسلامی، به موجب عدالت صیانتی، هر فردی باید از ضرر رساندن به دیگران خودداری کند و هر فردی از تعرض به مال و جان و عرضش، مصونیت داشته باشد.

مرحوم نراقی درباره عدالت صیانتی، عبارتی دارند که به آن اشاره می کنیم.

الثانی ما یجری بین الناس بعضهم لبعض من اداء الحقوق و تأدیه الامانات و النصفه فی المعاملات و المعاوضات و تعظیم الاکابر و الرؤسای و اغاثه الملهوفین و الضعفاء ... و لا یظلم احدا حدا، و یقیم کل واحد من انباء لوئمه علی حقه بقدر الامکان، و لا یجور بعضهم بعضا و یؤدی حقوق اخوانه المومنین بحسب استطاعته ... یغفر زلته و یرحم غربته و یستر عورته و یقیل عثرته ... و یحفظ حللته و یرد سلامه... (۱)

«دومین نوع از عدالت آن نوعی است که بین مردم، بعضی شان با بعضی دیگر است که حقوق آنها را ادا کرده، امانتهای آنها را بدهند و در معامله ها انصاف ورزند و در معاوضات نیز. و بزرگان و رؤسای خود را احترام نهند، گرفتارها را نجات داده و ضعفا را دستگیر باشند و کسی به کسی ظلم نکند و هر کسی به قدر امکان حقوق دیگران را رعایت کند و کسی به کسی ستمی روا ندارد و حقوق مؤمنین را به حسب استطاعتش رعایت نماید. ... لغزشها را ببخشد و در غربت افراد حامی شان باشند و بدیهای آنها را بپوشانند و از لغزشها نیز در گذرند و...».

بنابراین همه افراد جامعه باید از تهدیدها در امان باشند، مالشان (شخصی و عمومی یعنی بیت المال) مورد تعرض قرار نگیرد، ناموس آنان در امنیت کامل باشد، حرمت یکدیگر را نگه دارند، به حریمهای اجتماعی و قوانینی که به نفع همه است حرمت بنهند و... .

۳. عدالت اجتماعی قضایی

عدالت قضایی، عبارت است از اقامه عدالت و کیفر رساندن متجاوزان و دفاع از مظلومانی که حقوق آنها در جامعه پایمال می گردد. موضوع اصلی این نوع از عدالت، مجازات و کیفر دادن مجرمان است؛ یعنی هر فرد مجرمی، بدون انتسابش و بدون

هیچ

ص: ۱۶۴

ملاحظه ای، تا وقتی به حریم اشخاص و یا اجتماع تجاوز می کند، نباید عدالت در حق او نادیده گرفته شود و به آحاد جامعه ظلمی فاحش برود. بنابراین، هر جا قرار باشد فرد یا افرادی به خاطر رفتارشان جریمه و تنبیه شوند، اصول عدالت قضایی راه می یابد. مجازات خطاکاران باید بر پایه اصول عدالت قضایی صورت گیرد؛ یعنی همین که «سزاواری» مطرح شد و کسی به دلیل جرمی، سزاوار مجازات شناخته شد، هیچ گونه مماشات و مداهنه ای اعمال نگردد. واضح است، ترفیع درجه متجاوزان، ظلمی بس سنگین تر از بی عدالتی و اجرا نکردن عدالت در حق اوست.

عدالت قضایی از بزرگ ترین هدفهای نظام اسلامی است و اساس آن، دادگستری نظام است. در پرتو عدالت قضایی افراد به حقوق خود نایل شده و کیفر اعمال ناروا، متناسب با آن عمل داده می شود. بدین لحاظ است که عملی شریف است، زیرا دادخواهیها و عدالت خواهیهای مربوط به حوزه قضا، عملیاتی گردیده و افراد، به حقوق قضایی خود نایل می گردند. پس عدالت قضایی بدین معناست که پس از ارتکاب جرایم یا تضییع حقوق مجریان عدالت، عدالت را درباره اصحاب دعوا و دادخواهان اجرا می کنند، که خود مراحل را شامل می گردد: تعقیب، محاکمه، مجازات و رسیدگی به شکایت فردی که مورد ظلم و یا تجاوز قرار گرفته است.

در ساختار عدالت قضایی، چند عمل مهم آن را محقق می سازد. تربیت انسانهای عدالت گرا، تلاش نکردن در جهت رهایی مجرمان از محاکمه، از بین نبردن اسناد اثبات جرم، چشم پوشی نکردن از اجرای عدالت در حق صاحبان مناصب، مسامحه نکردن در دستگیری و تعقیب مجرمان، فرار ندادن مجرم و

۴. عدالت اجتماعی توزیعی

عدالت اجتماعی توزیعی، از مهمترین رویکردهای محسوس مربوط به عدالت است و جامعه به آن اهمیتی فزون تر می دهد. این نوع از عدالت، اهمیت بیشتری نیز دارد.

به امکان درآمدی که به طور مساوی بین افراد جامعه تقسیم می شود و به طور یکسان در دست افراد قرار می گیرد، همچنین ایجاد زمینه های مساوی برای کسب درآمد و یا

کسب فضیلتها و بهره ها، عدالت توزیعی گفته می شود. در این نوع عدالت چند مسئله وجود دارد که در زیر به آن اشاره می شویم:

۱. تأمین نیازهای اساسی برای همه، بدون ترجیح؛

۲. کاهش نابرابریهای حاصل از ناحیه ثروت از طریق بالابردن ضریب برابری بر اساس لیاقت ها؛

۳. زمینه سازی برای تزکیه باطنی افراد که در نتیجه ثروت به ابزار گردنفرایها و انباشت بی حساب، منجر نگردد؛

۴. تقویت مبانی عدالت در نهاد افراد، به وسیله تربیت و پرورش ابعاد معنوی وجود انسان.

نتیجه دو عنوان اخیر آن است که افراد به ثروتهای حاصل از ربا، غضب، رانت و... روی نخواهند آورد و سلامت اقتصادی، روانی و امنیت اجتماعی حاصل خواهد شد. دولت، برای ایجاد عدالت توزیعی باید کلیه انحصارهای غیرشرعی را ممنوع و عموم شهروندان را در انواع مشخصی از اموال سهیم کند.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «مسلمانان، در سه چیز شریکند: آب، گیاه و آتش».^(۱) بنابر این، انواع دیگری از ثروت را می توان با دلیل قیاس و یا کلیت، تحت شمول کلی این حدیث درآورد.

بی توجهی به عدالت در مسلخ شعار

گاهی چنان برای عدالت فریاد زده می شود که هر عاقل اندیشمندی از این همه شعار عدالت گرایی متحیر و مبهوت می شود. در حالی که زیر لوای این شعارها، عدالت قربانی امیال حزبی، جناحی و طبقاتی می گردد. این، یعنی یک فرد نظامی، به کار سیاسی پردازد و یا فردی سیاسی به کاری اقتصادی گمارده شود و یا فردی صنعتگر، به مدیریت اجتماع پردازد و یا فردی مغرض به اداره نظام مشغول و گمارده گردد و...

این مهم وقتی دانسته می شود، که معنای عدالت را «وُضِعَ كُلُّ شَيْءٍ فِي مَوْضِعِهِ» بدانیم؛ یعنی هر چیزی را در جای حقیقی آن نهادن و انتظار منطقی داشتن.

ص: ۱۶۶

۱- ابن حجر عسقلانی، بلاغه المرام، ص ۱۶۹.

عدالت در یک نظریه راهبردی، یکی از مبانی اصلی نظام سیاسی اسلام است. عدالت تنها شعار نیست، زیرا شعارهای بدون عمل، دردی را دوا نمی کند و گاه نتیجه معکوس و نامطلوبی را هم در پی دارد. در اندیشه سیاسی اسلام، عدالت، امری عَرَضی نیست، بلکه ذاتی نظام سیاسی اسلام است.

شعارگرایی بدون عمل، نتیجه نامطلوبی را هم برای نظام سیاسی اسلام در پی دارد و هم برای دیگر هدفهای و غایتهای بلند دینی، همه را به مسلخ می برد و قربانی شعاره ای بدون عمل می سازد.

بی عدالتی، طیف گسترده ای از انحرافهای را در اجتماع انسانی فراهم می آورد. رشد رذیلتها به جای فضیلتها، رشد بی اعتمادی به جای اعتماد، رشد گسیختگی خانوادگی به جای انسجام، نقض حقوق اجتماعی به جای تأمین، فشارها و ناملایمات روحی، به جای تعادل روحی، رشد تبعیضها به جای تعادلها و... در نتیجه، می توان بی عدالتی را ام الرذائل اخلاقی و انحرافات اجتماعی برشمرد. اینجاست که در کلیت اندیشه اسلامی، شعار بدون عمل بسیار مورد نکوهش قرار گرفته است.

«یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ کَبْرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»؛ (۱) «ای کسانی که ایمان آورده اید، چرا سخنی می گوئید که عمل نمی کنید؟ نزد خدا بسیار خشم آور و گناهی بزرگ است که سخنی بگوئید که عمل نمی کنید».

این شعارگرایی به ویژه اگر از ناحیه دولت منتسب به اسلام باشد، خطر آن به مراتب بیشتر است، زیرا مهمترین نقش تربیتی را عدالت حاکمان دارد و مهمترین تأثیر منفی را هم بی عدالتی حاکمیت.

و غیر خفی ان اشرف وجوه العدالات و اهمها و افضل صنوف السياسات و اعمها هو عداله السلطان، اذ غیرها من العدالات مرتبطه بها و لولاه لم يتمکن احدمن رعایه العداله، کیف و تهذیب الاخلاق و تدبیر المنزل یتوقف علی فراغ البال و انتظام الاحوال و مع جور السلطان امواج الفتن متلاطمه و اخراج المحن متراکمه و عوائق الزمان متراحمه و طالبوا العلم کالهیاری ... (۲).

ص: ۱۶۷

۱- صف (۶۱) آیات ۲-۳.

۲- نراقی، محمد، جامع السعادات، ج ۲۱، ص ۸۵.

پوشیده نیست که برترین صورت عدالت و با اهمیت ترین صنف سیاستها و فراگیرترین آنها، عدالت سلطان است، زیرا غیر آن از اقسام عدالت در جامعه، مربوط به آن است و اگر عدالت سلطان نباشد هیچ کس قادر بر رعایت عدالت نخواهد بود. تهذیب اخلاق و تدبیر منزل به آن بستگی دارد و با ستمگری حاکمان، موجهای متلاطم فتنه و غم و اندوه ها و ناگواریهای زمانه خواهد آمد و طالبان علم سرگردان خواهند شد.

روند اجرایی عدالت اجتماعی

اشاره

درباره روند اجرایی عدالت اجتماعی در سه دهه ای که از انقلاب می گذرد، فرصت داریم این روند را تحلیل کنیم و تفاوت کلی این اقدامها، گفته ها، سیاستها، مدیریتها و نظارتها را آشکار سازیم.

برای پیشبرد این کلیت، به صورت استقرایی از بین نظریه ها، رفتارها و اقدامها، می توان مشخص کرد عدالت اجتماعی اجرا شده و یا در مسیری که حرکت می کند، قابل تحقق است؟

لذا باید چند متغیر اساسی را بررسی و تحلیل کرد. البته، همه متغیرها شامل مواردی نیست که در اینجا اشاره می شود.

۱. توزیع امکانات

چنانچه امکانات به خوبی توزیع شده باشد، نشانگر آن است که عدالت در سطح دین تحقق یافته است. اما اگر این متغیر سطح مطلوبی نداشته باشد، نشان می دهد عدالت توزیعی رخ نداده و ناکام بوده است.

۲. مبارزه با فساد مالی

متغیر سنجش دیگر برای تحقق عدالت اجتماعی، مبارزه با رانت خواری و فساد مالی است. اگر این مقوله هم کاهش یافته باشد، نشانه آن خواهد بود که عدالت اجتماعی، تا سطح بالایی تحقیق یافته است. ولی چنانچه فساد مالی، رانت خواری، اختلاس و... همچنان ادامه دارد، نشان روشنی از ناکارآمدی عدالت اقتصادی است.

۳. آزادیهای اجتماعی، مشروع و قانونی

مؤلفه سنجشی سوم، پیگیری امر عدالت اجتماعی در سطح اعطای حقوق شهروندی در حوزه و چارچوب قوانین الهی، اسلامی و قانونی است. اگر این متغیر هم توفیقی یافته به اندازه سطح توفیق، عدالت نهادینه شده و الا اگر این متغیر، همچنان حالت قهقرا دارد، نشانه تحقق نیافتن عدالت اجتماعی است.

۴. رشد میزان کارایی ها و بهره وریها

مؤلفه کارایی و بهره وری، مؤلفه پرنمودی است اگر کاراییها و بهره وریهای مختلف سطح بالایی را نشان دهند، نشانه رشد عدالت اجتماعی در سطح اجتماع است و چنانچه روند قهقرایی داشت، نشانگر تطابق نداشتن شعارها با عمل ها و اقدامهاست.

۵. پایداری و ثبات حیات جمعی

اشاره

پایداری و ثبات حیات جمعی، معیار بسیار مناسبی برای تحقق عدالت اجتماعی است.

در رویکردهای پایداری و ثبات، بالندگی و به روز بودن و اثرگذاری سیاستها نمایان می شود. از این زاویه، تجربه سالهای اولیه انقلاب اسلامی، مهم است که با وجود شرایط جنگی، اهتمامی اساسی برای زیربنا سازی وجود داشت. در چهار سال گذشته که با بالاترین سطوح درآمد نفتی روبرو بوده ایم، در مقایسه با برنامه های نخستین سالهای اولیه انقلاب مبارک اسلامی، به گفته کارشناسان افت ۴۹ درصدی در پایداری سازی و ثبات مشاهده می گردد.

در ادامه روند اجرایی عدالت اجتماعی را در هر یک از موارد یاد شده تحلیل می کنیم.

توزیع عادلانه امکانات

مقوله عدالت توزیعی از جمله مباحثی است که اندیشه اسلامی بسیار بر آن اصرار ورزیده است. توزیع عادلانه و منطقی امکانات، از مبانی مهم رشد و توسعه و نشانگر روند مطلوب اجرای عدالت است. عدالت توزیعی، روندی مهم و اثرگذار در تمامی زمینه هاست؛ از امکانات مادی نظیر ابزار تولید، ابزار صنعت و فناوری، ابزار رشد و... گرفته تا

علوم و زمینه های رشد علمی و هنری و ابتکارها و خلاقیتها.

انقلاب اسلامی در سه دهه گذشته دچار چالشها و آسیبهای گسترده ای بوده است و می توان گفت عدالت توزیعی به طور کامل اجرا نشده است.

وضعیت توزیع درآمدها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

راهبردهای جامعی به صورت اختیاری (انفاقات، صدقات و نذورات) و اجباری (زکات، خمس و مالیات) در عدالت توزیعی طراحی گردیده، با این هدف که از تمرکز ثروت در دست عده ای خاص جلوگیری شود در اندیشه های اقتصادی اسلام، عدالت توزیعی اهمیت بسزایی دارد.

توزیع دارای دو بخش ساختاری است:

الف) توزیع درآمد مبتنی بر ابزار تولید؛ یعنی باید ابزار تولید و امکانات در بین افراد جامعه، به تناسب قابلیتها و مهارتها توزیع گردد که خود، دارای چند هدف مهم است:

۱. تأمین نیازهای اساسی برای همه. این هدف به طور قطع در چارچوب هدفهای عدالت توزیعی قرار دارد؛

۲. کاهش نابرابریهای درآمد و ثروت که در قرآن آشکارا مورد توجه قرار گرفته است؛

۳. تزکیه باطنی افراد جامعه؛

۴. آموزش مهارتهای لازم برای کسب درآمدهای مشروع و حلال؛

۵. تقویت حس تعاون و برادری در میان آحاد جامعه؛

۶. توزیع عادلانه ثروت طبیعی؛

۷. شرکت دادن همه شهروندان در انواع مشخصی از اموال؛

۸. تحریم محلهای حفاظت شده توسط دولت که فردی به آن حریم تجاوز نکند.

ب) کنترل درآمدها و منابع در اختیار. دولت اسلامی همچنان که در توزیع ابزار تولید و امکانات و شرکت دادن همه شهروندان در نوع مشخصی از اموال و... وظیفه و مسئولیت دارد، در جنبه کنترل درآمدها و منابع در اختیار نیز دارای وظیفه و مسئولیت است.

اگر این دو مقوله را در باب عدالت توزیعی پس از انقلاب اسلامی با هم مقایسه کنیم،

به پیشرفت نسبی آن اذعان خواهیم نمود.

در آغاز این بررسی، به دیدگاه مقام معظم رهبری در نشست «اندیشه های راهبردی در باب روند اجرای عدالت» اشاره می کنیم.

وضع فعلی مطلقاً راضی کننده نیست، چرا که نظام اسلامی به دنبال اجرای حداکثر عدالت و تحقق کامل عدالت به مفهوم یک ارزش مطلق و همگانی است.^(۱)

رهبر معظم انقلاب همچنین در این نشست افزودند:

در سه دهه اخیر، در موارد زیادی، در باب عدالت به صورت آزمون و خطا عمل کرده ایم. اما از این پس، باید براساس تعاریف در روشهای متقن حرکت کنیم.^(۲)

یکی از مقوله های مهم که در بحث عدالت توزیعی باید مورد توجه قرار گیرد، توجه به آبادانی روستاها و دادن امکانات به روستائیان است. تردیدی وجود ندارد که جمهوری اسلامی ایران، به آبادانی و توسعه و عمران روستاها اهتمام فراوانی داشته و دارد، اما نکته مهمی که باید به آن توجه شود آن است که این همه کوشش و هزینه کردن اعتبارات فراوان، هدفهای بلند مدت کشور را برآورده کرده است؟

به عبارت دیگر، ما در مقابل یک سؤال مهم قرار داریم و آن این است که آیا راهبرد توسعه روستایی ما درست بوده است؟ به نظر می رسد اگر هم این راهبرد درست بوده باشد، دست کم باید مشمول بازنگری اساسی قرار گیرد، زیرا به اعتقاد برخی صاحب نظران اقتصادی «رویکرد ما به چگونگی پرداخت به آبادانی روستاها درست نبوده است، دلیل آن هم واضح است؛ باید در کنار عمران و آبادانی روستاها، امکانات تولید و اشتغال و در رأس آنها زمین و آب و دام، به نحوی در اختیار روستائیان قرار می گرفت تا درآمد ناشی از تولید و اشتغال می توانست امکان استمرار استفاده از اقدامات عمرانی دولت را فراهم آورد و از اعتبارات خرج شده حداکثر استفاده به عمل آید. اما متأسفانه عمده‌تاً چنین نشد و در نتیجه، ما امروز با روستاهایی مواجه هستیم که با وجود داشتن آب و برق و جاده و تلفن، به خاطر نداشتن امکانات اشتغال، خالی شده اند و قفلهای بسته شده بر درب منازل را فقط

ص: ۱۷۱

۱- سخنرانی مقام معظم رهبری در دومین نشست «هم اندیشی راهبردی با محوریت عدالت و توسعه» (۱۳۹۰).

۲- همان.

ایامی از سال برای عزاداری ایام محرم و صفر و یا استفاده از تعطیلات تابستانی، روستاییان مهاجر می‌کشایند»^(۱).

در هر حال، مسئله آب و برق و دادن این قبیل امکانات، تکاپوی کار را نمی‌کند. اینها باید ابزاری باشد برای جلوگیری از مهاجرت روستاییان. با دادن امکانات اشتغال و ابزارهای اشتغال زایی، باید ابزار برق و جاده روستایی، زمینه ایجاد واحدهای کارگاهی صنعتی و سهولت تردد و انتقال را فراهم آورد تا چرخه صنعت و اقتصاد کشور و به تبع آن اخلاق و ارزشهای اخلاقی فراهم شود.

به این مسئله باید به خوبی توجه کرد که عدالت توزیعی، امور مختلفه ای را شامل می‌شود؛ یعنی توزیع تمام امکانات مورد نیاز حیات انسانی، اعم از امکانات تولید، امکانات تحصیل، امکانات بهداشتی و ورزشی، رفاهی، تفریحی، شغل، حرفه و....

در ماده ۹۰ آیین نامه سلامت قانون برنامه چهارم توسعه، آمده است:

به منظور ارتقای عدالت توزیعی در دسترسی عادلانه مردم به خدمات بهداشتی و درمانی و در جهت کاهش سهم خانوارهای کم درآمد و آسیب پذیر از هزینه های بهداشتی و درمانی آنها، توزیع منابع و امکانات بهداشتی و درمانی باید به نحوی صورت گیرد که شاخص مشارکت عادلانه مالی مردم به نود درصد (۹۰٪) ارتقا یابد و سهم مردم از هزینه های سلامت حداکثر سی درصد (۳۰٪) افزایش نیابد و میزان خانوارهای آسیب پذیر از هزینه های غیرقابل تحمل به یک درصد (۱٪) کاهش یابد. وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مکلف است با مشارکت سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، آیین نامه چگونگی متعادل نمودن سهم مردم در تأمین منابع بهداشت و درمان برای تحقق هدفهای مذکور را ظرف مدت شش ماه پس از تصویب این قانون، تهیه و برای تصویب به هیئت وزیران ارائه نماید.^(۲)

روند مبارزه با فساد مالی

ساختار انحصاری قدرت در دولت، امکان خود کامگی را به دولت خواهد سپرد و همین مسئله موجب خواهد شد که بتدریج در ساختار اقتصادی کشور، فساد مالی رخنه کند. اقتصاد رانتهی و انحصارگرایی در منابع اقتصادی، از مظاهر روشن این مسئله است. در

ص: ۱۷۲

۱- سبحانی، حسن، «مجله اندیشه حوزه»، (شماره سوم، آذر و دی ۱۳۸۰) ص ۶۳.

۲- قانون برنامه چهارم توسعه، بخش سوم، تحت عنوان سلامت، امنیت، عدالت اجتماعی (فصل هفتم).

چنین وضعیتی، رابطه‌ها حرف اول را می‌زنند. دستیابی به اطلاعات اقتصادی از ناحیه وابستگی به دولت، برای عناصری خاص فراهم می‌گردد. عوامل اداری و کارکنان وابسته نقشی بسزا را ایفا می‌کنند، چنان که در اختلاس سه هزار میلیارد تومانی در نظام بانکی کشور، همین اتفاق افتاد و خود، سندی گویا بر وقوع نوعی از فساد اقتصادی در سامانه اقتصادی کشور است که به طور صریح مخالف مقوله عدالت اجتماعی در کشور است. گسترش بخش غیر رسمی، گسترش ارتشا، رشد سرطانی قاچاق، کلاهبرداریهای اقتصادی، رشد شرکتهای هرمی و کلاهبرداریهای اقتصادی که کم هم نیستند، نشانه‌هایی از شکست موفقیت در این خصوص است.

چنانچه با فساد مالی برخورد قاطع شده بود، افراد چنین جرأت و جسارتی را پیدا نمی‌کردند که اختلاسی را در چنین حجمی مرتکب شوند. این موضوع می‌رساند که مبارزه با فساد مالی روند مطلوبی نداشته است. این به معنای آن نیست که نظام مقدس اسلامی در مسیر مبارزه با فساد اقتصادی قرار ندارد. قطعاً یکی از هدفهای بلند که در سرلوحه هدفهای بنیادی قرار دارد، مبارزه با فساد اقتصادی است.

روند تحقق آزادیهای اجتماعی، بهره‌وریها و ثبات حیات اجتماعی

آزادیهای اجتماعی، بهره‌وریها و ثبات حیات جمعی، معیارهای مناسبی برای تحقق عدالت اجتماعی هستند. درصدی بالا از این مقوله‌ها تحقق یافته، در عین حال، در عرصه آزادیهای اجتماعی، برخی نابسامانیها مشاهده می‌شود.

همچنین در عرصه بهره‌وری از امکانات، چندان فراگیر نیست.

شاخص اساسی که برای این مسئله می‌توان در نظر گرفت، شاخص امنیت اجتماعی، شغلی و حیات جمعی است.

در قانون اساسی چنین می‌خوانیم:

اصل بیست و دوم: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است، مگر در مواردی که قانون تجویز می‌کند».^(۱)

اصل بیست و سوم: «تفتیش عقاید ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن

ص: ۱۷۳

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۳۴.

عقیده ای، مورد تعرض و مؤاخذه قرار داد». (۱)

اصل بیست و هفتم: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوقی دیگران نیست، برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید». (۲)

بدیهی است، انتخاب نوع و روشی که در توسعه مطرح است بحث کلیدی ما می باشد، یعنی آنچه موجب شد در برنامه دوم توسعه اشتغال لازم و مورد پیش بینی به وجود نیاید، برنامه ای بود که پس از یک دوره رونق در برنامه اول، به طور منطقی و طبیعی، به رکود توری در برنامه دوم توسعه انجامید و همواره قابل تکرار هم می باشد ولو آن که در آغاز دوره رونق به هدفهای خود برسد. در برنامه اول توسعه هم همین معنا اتفاق افتاد، یعنی در حالی که طبق آمارهای موجود میزان اشتغال ایجاد شده از میزان اشتغال مورد نظر برنامه بیشتر بود، در برنامه دوم عکس این وضعیت اتفاق افتاد و به نظر می رسد که میزان اشتغال ایجاد شده، نیمی از اشتغال مورد پیش بینی برنامه بوده باشد. از این رو، باید در بحث اشتغال متوجه نقش متدولوژی برنامه های منتخب بود تا موجب انتخاب گزینه های غیر متناسب نشوند. (۳)

بایسته های اجرایی در تحقق عدالت اجتماعی

اشاره

فلسفه اساسی تشکیل اجتماعات و تجمعات انسانی، علاوه بر دارا بودن مایه های فطری، نهادی و ذاتی، به امری اساسی بازمی گردد و آن، آگاهی بشر از این واقعیت است که تنها در ظرف اجتماع و نظام اجتماعی و تجمع عوامل انسانی است که انسان می تواند نیازهای اساسی خویش را تأمین کند و به راحتی بتواند خواسته های خود را برآورده سازد. اما دانستن این نکته بسیار حیاتی است که جامعه دارای منابعی است که وسیله تأمین آن نیازهای اساسی عمومی است. این منابع را می توان در سه گروه طبقه بندی کرد:

۱. قدرت؛

۲. موقعیت و منزلت اجتماعی؛

ص: ۱۷۴

۱- همان.

۲- همان.

۳- سبحانی، حسن، «مجله اندیشه حوزه»، (شماره سوم آذر و دی ۱۳۸۰) ص ۶۲.

هر فردی از هر موقعیت و منزلت اجتماعی، قادر خواهد بود با در اختیار داشتن منابع و امکانات ثروت، در تأمین معیشت و رفاه اقتصادی جامعه، نقشی پررنگ داشته و در مسیر این کلیت تأثیرگذار باشد. این مسئله تنها با رخداد آنچه با عنوان «عدالت اجتماعی توزیعی» از آن یاد شد، میسر خواهد بود. به این کلیت اشاره کردیم تا این نکته را بازگویم که برای تحقق چنین فرایندی اموری بایسته اند که در راستای تحقق عدالت اجتماعی الزامی اند و جنبه بایندی دارند و چنانچه آماده شوند و تحقق یابند، عدالت اجتماعی را محقق خواهند ساخت. در پایان فصل به این امور اشاره خواهد شد.

۱. بستر سازی مشارکت اقتصادی برای همه

باید بسترهای مشارکت همگان در فعالیتهای اقتصادی و معیشتی فراهم و عملیاتی گردد. مفهوم این سخن نفی انحصارگرایی است، زیرا سیاست اقتصادی اسلام، توزیع مساوی امکانات و مواهب خدادادی است که بین همه انسانها باید تداوم یابد، «کَلَّا لَا يَكُونُ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَعْتِيَاءِ مِنْكُمْ»^(۱) «تا این که فقط در بین اغنیا و ثروتمندان در چرخش نیفتد».

بنابراین، در اندیشه های اقتصادی اسلام همه امکانات برای همه در نظر گرفته شده است، نه همه امکانات برای بخشی و عده ای از افراد پر مدعا.

علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر می نویسد: «ایاک و الاستثثار بما الناس فیه اسوه...»^(۲)

«برحذر می دارم از انحصارطلبی در چیزهایی که مردم در آنها برابرند».

بر این اساس، دولت اسلامی، باید برای ایجاد تحول و تحقق جهاد اقتصادی، تمامی امکانات را به طور مساوی در اختیار همه افراد قرار دهد. البته، واضح است که عدالت توزیعی تنها در دادن یارانه ها که خلاصه نمی شود، بلکه توزیع عادلانه و برابر همه امکانات در خدمت همه مردم است.

۲. اهمیت دادن به نخبگان علمی و فکری

یکی از مؤلفه های تأثیرگذار در تحقق عدالت اجتماعی، نقش آفرینی نخبگان فکری در

ص: ۱۷۵

۱- حشر (۵۹) آیه ۷.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۴.

جامعه است. یعنی قوای فکری جامعه، بستر رشد و شکوفایی و تحقق عدالت را به مفهوم واقعی کلمه می توانند مهیا سازند.

«تنها عنصری که می تواند بر کمپانی ها و محدودیتهای تولید فایق آید، قوای دماغی نیروی انسانی است. دانش نظری و علوم پایه، از جمله مهمترین عواملی هستند که وقتی به صورت تکنولوژی درمی آیند، به انسان کمک می کنند تا با امکانات معینی هم که در اختیار دارد، به مراتب بیشتر از گذشته تولید کند، امانتدار تولید و خلق و توسعه مرزهای دانش کیست؟ بدیهی است، دانشمندان و متفکران هر کشور از جمله همین مجموعه های انسانی هستند که می توانند با نوآوری و غور و پژوهش در علوم، زمینه های ارتقای کشور را فراهم سازند.

«بدیهی است، کشورها باید برای تربیت، جذب و حفظ این دانشمندان اهتمام زیادی به خرج دهند و با لحاظ ظرایف حاکم بر کار علمی، قدردان تلاشها و کوششهای عملی آنان باشند. به نظر می رسد فرار مغزها معلول کم توجهی های معنوی و نه مادی، به دانشمندان و متفکران کشور است. آنان باید از حداقل آسایش برای به خدمت گرفتن دانش و علوم خود و توسعه مرزهای آن برخوردار باشند»^(۱). به همین جهت، علی (علیه السلام) در نامه به مالک اشتر، این نکته بدیع و مهم را یادآور می شوند: «و اکثر مدارس العلماء و مناقشه الحكماء فی تثبیت ما صلح علیه امر بلائکک و اقامه ما استقام به الناس قلبیک»^(۲) «و زیاد نما درسها و توسعه اندیشه های علما و مناقشات علمی را در تثبیت و استواری آنچه امر بر آن استوار است و در آنچه قوام مردم هم در گذشته بر آن بوده است».

فرمایش علی (علیه السلام) در این خصوص جهتی اساسی دارد و آن، این است که اندیشه های عالمان و نخبگان در تثبیت پایه های حاکمیت و استواری مردم، نقشی پررنگ و انکارناپذیر دارد که باید مورد توجه قرار گیرد، زیرا سهم عمده تحقق جهاد اقتصادی و رسیدن به پیشرفت، توسعه و عدالت اجتماعی و توسعه عدالت محور، متوجه اندیشمندان و به طور خاص اندیشمندان اقتصادی است که مسئولیتهایی مستقیم در این ارتباط دارند.

ص: ۱۷۶

۱- سبحانی، حسن، «مجله اندیشه حوزه»، (شماره سوم آذر و دی ۱۳۸۰) ص ۶۹.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۴۴.

۳. جلوگیری از مصرف گرایبی و تنبل پروری

برخی از سیاستهای اقتصادی، در کوتاه مدت، چهره خوشایندی دارد، اما در درازمدت، جامعه را مصرفی و تنبل و فاقد خلاقیت و ابتکار بار می آورد. اگر عمق قضیه را کالبد شکافی دقیق و علمی کنیم، پیراهه خواهد بود زیرا نتیجه ای جز مصرفی بار آوردن و تنبل پروری نخواهد داشت. واضح است، پرهیز از مصرف گرایبی و تجمل گرایبی و تنبل پروری، رکن نخست از ارکان جهاد اقتصادی شمرده می شود.

۴. مبارزه با فساد اقتصادی

جلوگیری از مفاسد اقتصادی، رسالت نهاد حاکمیت است. باید فساد اقتصادی با عوامل و شکل‌های گوناگونش ادراک و به کشف و مبارزه و تعقیب مجرمان و مفسدان اقتصادی منتهی گردد، بی آنکه مماشاتی در این زمینه صورت گیرد. فرمان رهبری مبنی بر مبارزه با فساد اقتصادی، معیار ارزشمندی در این راستاست که به متن آن اشاره می کنیم. این فرمان در سه شنبه ۲۶ دی ماه ۱۳۸۵ صادر گردیده است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، حضرات آقایان رؤسای محترم قوای سه گانه دامت تأییداتهم، تشکیل ستاد مبارزه با مفاسد اقتصادی و تهیه طرح مبارزه با فساد که دو قوه مجریه و قضائیه بدان همت گماشته اند، عزم جدی مسئولان را به اقدام در این امر اساسی و حیاتی نوید می دهد. حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند و این، جهادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر می طلبد. جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم و افزایش پرچم عدالت اسلامی، هدف و فلسفه ای ندارد، نباید در این راه، دچار غفلت شود. رفتار قاطع و منصفانه علوی را باید مد نظر داشته باشد. به کمک الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر می دانند. نام گذاری امسال به نام مبارک رفتار علوی، فرصتی مناسب است که شما برادران عزیز، خط مراقبت از سلامت نظام را که بحمدالله در سالهای گذشته همواره در کار بوده، فعالیتت تازه نفس و سازمان یافته ببخشید و با همکاری و اتحاد، افقها را در برابر چشم این ملت نجیب و مؤمن، روشن تر و شفاف تر سازید.

امروزه کشور ما تشنه فعالیت‌های اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه گذاری مطمئن است و این همه، به فضایی نیازمند است که در آن سرمایه گذار و

صنعت گر، و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه قشرها، از صحت و سلامت و ارتباطات حکومتی و امانت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیازطلبان و زیاده خواهان پر مدعا و انحصارجو طرد نشوند، سرمایه گذار و تولید کننده و اشتغال طلب، همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آنان به استفاده از راههای نامشروع و غیر قانونی تشویق خواهند شد. خشکاندن ریشه فساد مالی و اقتصادی و عمل قاطع و گره گشا در این باره، مستلزم اقدام همه جانبه، به وسیله قوای سه گانه، مخصوصاً دو قوه مجریه و قضائیه است.

قوه مجریه با نظارتی سازمان یافته و دقیق و بی اغماض، از بروز و رشد فساد مالی در دستگاهها پیشگیری کند، و قوه قضائیه با استفاده از کارشناسان و قضات قاطع پاکدامن؛ مجرم و خائن و عناصر آلوده را از سر راه تعالی کشور بردارد. بدیهی است که نقش قوه مقننه در وضع قوانینی که موجب تسهیل راه کارهای قانونی است و نیز در ایفای وظیفه دقیق نظارت، بسیار مهم و کارساز است. لازم است نکاتی را به حضرات آقایان و دیگر دست اندرکاران کشور که می توانند در مبارزه با فساد مالی ایفای نقش کنند تذکر دهم:

۱. با آغاز مبارزه جدی با فساد اقتصادی و مالی، یقیناً زمزمه ها و بتدریج فریادها و نعره های مخالفت با آن بلند خواهد شد. این مخالفتها عمدتاً از سوی کسانی خواهد بود که از این اقدام بزرگ متضرر می شوند و طبیعی است به دلایلی که با سعادت ملت و کشور مخالفند، با ساده دلانی که از القائات آنان تأثیر پذیرفته اند با آنان همصدا شوند. این مخالفتها نباید در عزم راسخ شما تردید بیفکند.

۲. ممکن است کسانی به خطا تصور کنند که مبارزه با مفسدان و سوء استفاده کنندگان از ثروتهای ملی، موجب ناامنی اقتصادی و فرار سرمایه هاست به این اشخاص تفهیم کنید که به عکس، این مبارزه، موجب امنیت فضای اقتصادی و اطمینان کسانی است که می خواهند فعالیت سالم اقتصادی داشته باشند تولید کنندگان این کشور خود نخستین قربانیان فساد مالی و اقتصاد ناسالمند.

۳. کار مبارزه با فساد را چه در دولت، چه در قوه قضائیه به افراد مطمئن و برخوردار از سلامت و امانت بسپارید. دستی که می خواهد با ناپاکی در بیفتد، خود باید پاک باشد و کسانی که می خواهند در راه اصلاح عمل کنند باید خود، برخوردار از صلاح باشند.

۴. ضربه عدالت باید قاطع ولی در عین حال دقیق و ظریف باشد. متهم کردن

بیگناهان، یا معامله یکسان میان خیانت و اشتباه، یا یکسان گرفتن گناهان کوچک با گناهان بزرگ جایز نیست. مدیران درستکار و صالح و خدمتگزار که بی گمان، اکثریت کارگزاران در قوای سه گانه کشور را تشکیل می دهند، نباید مورد سوء ظن و در معرض اتهام قرار گیرند و یا احساس ناامنی کنند، چه نیکوست که تشویق صالحان و خدمتگزاران نیز در کنار مقابله با فساد و مفسد، وظیفه ای مهم شناخته شود.

۵. بخشهای مختلف نظارتی در قوای سه گانه از قبیل سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و وزارت اطلاعات باید با همکاری صمیمانه، نقاط دچار آسیب در گردش مالی و اقتصادی کشور را به درستی شناسایی کنند و محاکم قضایی و نیز مسئولان، آسیب زدایی در هر مورد را یاری رسانند.

۶. وزارت اطلاعات موظف است در چارچوب وظایف قانونی خود، نقاط آسیب پذیر در فعالیتهای اقتصادی دولتی کلان مانند معاملات و قراردادهای خارجی و سرمایه گذاریهای بزرگ، طرحهای ملی، و نیز مراکز مهم تصمیم گیری اقتصادی و پولی کشور را پوشش اطلاعاتی دهد و به دولت و دستگاه قضایی در تحقق سلامت اقتصادی یاری رساند و به طور منظم به رئیس جمهور گزارش دهد.

۷. در امر مبارزه با فساد نباید هیچ تبعیضی دیده شود. هیچ کس و هیچ نهاد و دستگاهی نباید استثنا شود. هیچ شخصی یا نهادی نمی تواند با عذر انتساب به اینجانب یا دیگر مسئولان کشور، خود را از حساب کشی معاف بشمارد. با فساد در هر جا و در هر مسند باید برخورد یکسان صورت گیرد.

۸. با این امر مهم و حیاتی نباید به گونه شعاری و تبلیغاتی و تظاهر گونه رفتار شود. به جای تبلیغات، باید آثار و برکات عمل مشهود گردد. به دست اندرکاران این مهم تأکید کنید که به جای پرداختن به ریشه ها و ام الفسادها به سراغ ضعفها و خطاهای کوچک نروند و نقاط اصلی را رها نکنند. هر گونه اطلاع رسانی به افکار عمومی که البته در جای خود لازم است، باید به دور از اظهارات نسنجیده و تبلیغات گونه بوده و حفظ آرامش و اطمینان افکار عمومی را در نظر داشته باشند. از خداوند متعال اخلاص و جد و توفیق را برای خود و شما و همه مسئولان این امر مسألت می کنم و امیدوارم این اقدام مورد رضای حضرت بقیه الله الاعظم روحی فداه قرار گرفته و گام بلندی به سوی رفاه و آسایش عمومی را تدارک کند» (۱).

پس از انجام اختلاس بزرگ، مقام معظم رهبری، دردمندانه چنین فرمودند:

ص: ۱۷۹

«چند سال قبل از این - نمی دانم حالا- ده سال است یا بیشتر - من توصیه های مؤکدی راجع به مقابله با فساد اقتصادی به مسئولین کشور کردم، استقبال هم کردند. اما خوب اگر عمل می کردند، دیگر این فساد بانکی اخیر پیش نمی آمد. وقتی عمل نمی کنیم، دچار این حوادث می شویم. اگر با فساد مبارزه شود دیگر این چند هزار میلیارد (یا هر چه) سوء استفاده ای که افرادی بیایند بکنند، پیش نمی آمد، وقتی عمل نمی کنیم خوب پیش می آید...» (۱)

چنان که مقام معظم رهبری فرموده اند، در طول این ده سال پرونده مبارزه با فساد اقتصادی، برگی ندارد و حتی یک مورد به صورت دقیق و اساسی، مورد پیگیری و پیگرد قرار نگرفته است.

فساد، پدیده ای نیست که صرفاً بتوان فقط از راه حسابرسی و شفاف سازی به مقابله با آن برخاست، زیرا مقابله با فساد، به مجموعه ای از راهبردها، راه کارها و روشها و اقدامهای حاد نیازمند است. این مقوله نیازمند تقویت عزم و اراده سیاسی، تمرکز روشی، مشارکت توده ای، تمرکز بر آموزش مستمر در مبارزه با فساد، قاطعیت و اقدام عملی، اصلاح محرکهای فساد اجتماعی و... است. مقام معظم رهبری هم در بحث جهاد اقتصادی، همین راهبرد را مد نظر دارند.

ب) بستر سیاسی

اشاره

آنچه که در بستر سیاسی برای تحقق هدفهای جهاد اقتصادی بسیار حائز اهمیت است باور مسئولان، به خصوص مسئولان بلند پایه نظام به مبانی، اصول و اهداف نظام اسلامی است، و تلاش و کوشش در جهت دستیابی به اهداف آن است. در راستای تحقق این مسأله، این فصل با بهره گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری شکل یافته است.

انتخاب مسئولان حکومتی متعهد به مبانی و هدفهای نظام اسلامی بر مبنای رهنمودهای مقام معظم رهبری

در نظام اسلامی، مهمترین و کارآمدترین خدمت به مردم، تحقق هدفهای نظام اسلامی است، که بر پایه اصول و مبانی این نظام به وجود آمده و در رأس آن هدفها برقراری

ص: ۱۸۰

عدالت اجتماعی است، زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری «ایجاد دنیای حقیقتاً آباد مردم، به استقرار عدالت بستگی دارد، چرا که اگر رشد اقتصادی و درآمدهای کشور افزایش یابد، اما عدالتی در کار نباشد، تنها دنیای عده ای خاص آباد می شود، در حالی که اسلام به دنبال بهبود وضع زندگی عموم مردم است»^(۱) و از آنجا که اساس نظام اسلامی خدمت به مردم است، «مهمترین وظیفه مسئولان حفظ جهت گیری دینی نظام اسلامی و جلوگیری از کم رنگ شدن ارزشهای اسلامی این نظام و همسو شدن آن با جهت گیری نظم جهانی مورد نظر تمدن مادی غرب است». زیرا اگر قرار است نظام اسلامی به هدفهای اصلی خود، که همان خدمت به محرومان و استیفای حقوق آنهاست دست یابد و سیاستمداران نظام در چنبره قدرت گرفتار نشوند و سیاست نظام بر مدار منافع قدرتمندان نگردد، باید «امور کشور و آبادانی براساس هدفهای نظام اسلامی اجرا شود، [در این صورت است که] دیگر شاهد پدیده هایی مانند، اتراف، اشرافی گری و فاصله طبقاتی نخواهیم بود».

انقلاب اسلامی، حامی محرومان و مستضعفان، و به تعبیر بنیان گذار کبیر انقلاب، امام خمینی (قدس سرّه)، انقلاب پابرهنه هاست. بر این اساس:

«یک موی سر گودنشین ها و کوخ نشین ها بر همه کاخها و کاخ نشینها شرف و برتری دارد»^(۲).

زیرا که:

«جمهوری اسلامی، ره آورد آنان و با فداکاریهای آنان تحقق پیدا کرد، و بقای آن نیز مرهون خدمات آنان است»^(۳).

بنابر این:

«در کنار مستمندان و پابرهنه ها بودن، و خود را در عرض آنان دانستن و قرار دادن، افتخار بزرگی است که نصیب اولیا شده

است»^(۴).

انقلاب اسلامی، که رهین طبقه محروم است، با اصل قرارداد حمایت از منافع

ص: ۱۸۱

۱- . مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲ / ۶ / ۶ .

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۳۰ .

۳- همان، ج ۲۲، ص ۴۱۲ .

۴- همان، ج ۲۰، ص ۳۴۱ .

محرومان و مظلومان در برابر منافع قدرتمندان و صاحبان ثروت و مکت، مدعی طرح جدیدی در حکومت است که براساس آن، حکومتها از آلت دست سرمایه داران بودن نجات یافته و از انحراف محفوظ می مانند، زیرا به نظر امام خمینی (قدس سره):

«... صاحبان مال و منال در حکومت اسلامی هیچ امتیاز و برتری ای ندارند و ابداً اولییتی به آنان تعلق نخواهد گرفت»^(۱).

با توجه به این اصل مهم و مراقبت از آن است که مقام معظم رهبری، با دادن هشدار جدی، خطر نفوذ افرادی را که ممکن است به این اصل خدشه وارد کنند، گوشزد می نماید:

کسانی هستند که تلاش می کنند، و حقیقتاً در صدد این هستند، که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود بیاورند و به خاطر انتخابها و انتصابها و زرنگیها و دست و پاداریها و مشرف بودن بر مراکز ثروت و از طریق نامشروع، که با زرنگی آن را یاد گرفته اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه جدید، طبقه ممتازان و مرفهان بی درد درست کنند.

نظام اسلامی، با مرفهان بی درد و مخل، آن طور برخورد سختی کرد، حالا از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه مرفه بی درد جدید طلوع بکند؟ مگر این شدنی است؟! به فضل پروردگار، مخلصان انقلاب و اسلام نخواهند گذاشت چنین انحرافهای بزرگی به وجود بیاید.^(۲)

بی تردید، اگر سرمایه داران تحت عنوان طبقات ممتاز تصمیم گیرندگان و صاحبان نفوذ و سیاست گذاران اصلی امور در کشور گردند، جایی برای اجرای طرح جدید اسلام در حکومت باقی نخواهند گذاشت، و عملاً نظام اسلامی در مسیری قرار خواهد گرفت، که حکومتهای مدعی دموکراسی در آن قرار دارند.

اغلب دموکراسیهای جدید، سرمایه داریند. این دموکراسیها از طبقات مالک جانبداری می کنند. رأی، کالایی قابل فروش شده است، و برنده مزایده می تواند آن را خریداری کند.

آشکارا عده ای ثروتمند، یا بازرگان یا سرمایه داران بزرگ آن را می خرند و در نهایت حکومتها را در اختیار می گیرند، آنها از مطبوعات و تریبونها بهره برداری می کنند تا

ص: ۱۸۲

۱- همان، ج ۲۰، ص ۳۴۰.

۲- مقام معظم رهبری، ۱۳۷۶/۴/۲۶.

حمایت آنها را برای سیاستهای مطلوب خود به دست آورند. احزاب سیاسی با پول آنها فعالیت می کنند. اغلب سیاستمداران ابزار مناسبی در دست ثروتمندان هستند. (۱)

مسئولیت پذیری در راستای خدمت به مردم

در نظام اسلامی، خدمت به مردم ریشه در دین و باورهای دینی مردم داشته و دارد. برپایه چنین بینشی است که حکمرانی در نظام اسلامی، از پایه و اساس، با آنچه در دموکراسی غربی جریان دارد، فرق می کند. در نظام اسلامی حکمرانی چیزی جز مسئولیت پذیری در برابر خدا و مردم نیست. با توجه به این امر مهم است که رهبری می فرماید:

«یکی از وجوه تمایز مسئولان نظام اسلامی از نظامهای دیگر، نحوه نگرش آنان به مقام و مسئولیت و چگونگی استفاده از این فرصت است.» (۲)

بنابراین:

«منصب حکومتی باید وسیله ای نباشد برای راحتی و عیش و کسب دنیا برای خود. این یک کاسبی مثل بقیه کاسبی ها نیست. این یک مسئولیت پذیری است، اشتغال به این مسئولیت نمی تواند برای این باشد که انسان چیزی به دست بیاورد، مالی جمع کند، آینده خود و فرزندانش را از این راه تأمین کند و یا در دنیا خوش بگذراند. پس هدف از قبول مناصب دولتی در نظام جمهوری اسلامی و نظام اسلامی چه باید باشد؟ هدف اجرای عدالت، تأمین آسایش مردم، فراهم کردن زمینه جامعه انسانی برای شکفتن استعدادها، برای تعالی انسانها و برای هدایت و صلاح بنی آدم باید باشد.» (۳)

از این رو به اعتقاد رهبری :

«... فلسفه مسئولیت پیدا کردن مسئولان در کشور این است که برای مردم کار کنند، مسئولان برای مردمنده و خدمتگزار و مدیون و امانتدار آنها هستند. مردم محورند، کسی که در نظام جمهوری اسلامی مسئولیتی به دست می آورد، باید همه هم و غمش برای مردم باشد. هم برای دنیای مردم، هم برای مادیت مردم، هم برای معنویت مردم، هم برای ایجاد عدالت در میان مردم، هم برای احیای شأن انسانی مردم، هم برای آزادی مردم، اینها جزو

ص: ۱۸۳

۱- عالم، عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاست، صص ۳۰۴-۳۰۵.

۲- همان، ۱۶/۳/۱۳۸۰.

۳- همان، ۲۶/۹/۱۳۷۹.

وظایف اصلی حکومت است»^(۱).

در نگاه رهبری، آنچه در نظام اسلامی برای یک حاکم اسلامی به عنوان اصلی از اصول اولیه باید مورد توجه و دقت قرار بگیرد، رعایت حدود و حقوق مردم و تلاش برای ایجاد عدالت در جامعه و تأمین نیازهای آنان است.

لذا به اعتقاد ایشان:

«یک روی مسئله مردم سالاری این است که مردم مسئولان را انتخاب می کنند، آن سوی دیگر این است که وقتی مسئولان بر سر کار آمدند، همه همتشان رفع نیازهای مردم و کار برای آنهاست»^(۲).

به نظر ایشان:

«نقطه محوری همین مسئولیت هم رعایت حدود و حقوق مردم، رعایت عدالت در میان مردم، رعایت انصاف در قضایای مردم و تلاش برای تأمین امور مردم است. برای حاکم اسلامی، حوائج و نیازهای مردم اصل است»^(۳).

از این رو:

«مسئولان نظام وظیفه دارند از همه توان خود استفاده کنند، برای این که بتوانند یک قدم جلو بروند و کاری انجام بدهند و یکی از مشکلات را حل کنند و گره ها را بکشایند، و این با اخلاص، با صفا و همکاری، با حفظ مبانی ای که این انقلاب براساس آن به وجود آمده، ممکن است»^(۴).

تلاش در جهت تحقق عدالت اجتماعی

آنچه مردم را نسبت به اسلام علاقه مند نموده، جدا از بحث حقانیت آن، باور مردم به این است که در سایه اسلام و نظام اسلامی می توانند به حقوق واقعی خود دست یابند و عدالت اجتماعی اسلام را در زندگی روزمره خود دیده و لمس کنند و از آن بهره مند شوند، زیرا از هدفهای اصلی نظام اسلامی تحقق عدالت اجتماعی در جامعه است. از این

ص: ۱۸۴

۱- همان، ۱۶/۳/۱۳۸۰.

۲- همان، ۲۶/۹/۱۳۷۹.

۳- همان، ۳۰/۳/۱۳۷۹.

۴- همان.

رو، رهبری خطاب به مسئولان نظام می فرماید:

«آنچه که در این بین بایستی با وسواس و دقت دنبالش باشید، مسئله عدالت اجتماعی است... «عدالت» هدف است... آن روزی که در کشور عدالت اجتماعی نباشد، اگر بتوانیم باید آن روزی را تحمل نکنیم»^(۱).

اولین انتظار بجایی که انقلاب در مردم ایجاد نمود، این بود که تداوم بخش حکومت علوی و زمینه ساز حکومت مهدوی باشد، که «یملأ الله الارض قسطاً و عدلاً» است، زیرا که مشخصه هر دو حکومت، عدالت گستری است.

انقلاب اسلامی آمد و راه عدالت اجتماعی را باز و مسیر را هموار کرد، اما باید عمل کنیم. کسی که قانون می گذارد، کسی که تصمیم می گیرد و کسی که برنامه ریزی می کند، باید ملاحظه عدالت اجتماعی را بکند.

بر این اساس:

«تکلیف اصلی مسئولان کشور، تلاش برای استقرار عدالت است و مشروعیت همه مسئولان کشور در هر رده و مقامی به عدالت خواهی آنها و مبارزه شان با تبعیض و فساد وابسته است، بنابر این هر مسئولی دنبال استقرار عدالت نباشد، حضورش در آن پست و مقام نامشروع است»^(۲).

لذا به اعتقاد رهبری:

«امروز فراهم آوردن امکان زندگی آسوده برای مردم در سراسر کشور، به ویژه نقاط محروم، و شکوفا کردن استعدادهای فراوان انسانی کشور، دو هدف عمده و مهم نظام جمهوری اسلامی و مسئولان است»^(۳).

در راستای دستیابی به این دو هدف مهم است که مقام رهبری با هشدار به مسئولان قوه قضائیه می فرماید:

«با کسانی که در تلاشند تا با داشتن پول، با داشتن پشتیبانی قوم و عشیره - چه قوم و عشیره به شکل قدیم آن، چه قوم و عشیره به شکل مدرن و امروزی آن، یعنی حزب بازی و

ص: ۱۸۵

۱- همان، ۹/۶/۱۳۷۴.

۲- همان، ۶/۶/۱۳۸۲.

۳- همان، ۱۵/۲/۱۳۷۹.

گروه بازی - حقوق عمومی را ندیده بگیرند، حق مردم را تضییع کنند، فرصتها را منحصرأً به اشغال خود دریاورند و جلوی عدالت را بگیرند، قوه ی قضائیه مقتدر، با صلابت، ارزشمند و عالم می تواند جلو اینها را بگیرد» (۱).

نفوذ صاحبان قدرت اقتصادی در ارکان حکومت، از آفات بسیار خطرناک برای انحراف حکومتها از مسیر خدمت به مردم است؛ بویژه حکومتهایی که تلاش می کنند به آرمان عدالت خواهی در جامعه جامه عمل بپوشانند.

ج) بستر فرهنگی

آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی

به طور کلی در نظام اجتماعی اسلام نمی توان از وجود رابطه تنگاتنگ و عمیق میان فرهنگ و اقتصاد چشم پوشی کرد. در این بینش، به نظام ارزشی اسلام و فرهنگ تعالی

جوی آن به مثابه بن مایه تمامی کنش ها اجتماعی از جمله اقتصاد نگریسته می شود. بر این اساس فرهنگ دینی نه تنها به تصورات و رفتارهای فردی جهت می دهد، بلکه تعیین کننده رفتارهای جمعی است. بدین ترتیب، آوردن دین در متن زندگی فردی و اجتماعی می تواند کمک شایانی بر سرعت بخشیدن به روند جهاد اقتصادی و هموار سازی بستر برای افزایش تولید ملی داشته باشد.

باورمندی به ایجاد پیوند بین دنیا و آخرت و مسؤلیت پذیری

تعالیم و آموزه های دینی بر تمامی شئون زندگی انسان مسلمان اثر انکارناپذیری دارد. در این میان، تأثیر نگرش خاص اسلام در زمینه ارتباط دنیا و آخرت بر رفتارهای اقتصادی شخص مسلمان، به وضوح در آیات و روایات فراوانی دیده می شود. از منظر اسلام، اعتقاد به آخرت و اصالت دادن به آن، چارچوبی برای رفتارهای فرد مسلمان پدید می آورد که آن را به عنوان قالب رفتارهای اقتصادی خود در پیش خواهد گرفت.

بر مبنای آموزه های دینی، زمانی که در جهان بینی اسلامی به طور یقین پذیریم که

ص: ۱۸۶

خداوند متعال، خالق، مالک و رب جهان هستی است و از سوی دیگر، انسان جانشین خدا و مسئول در برابر اوست، نتیجه این گزاره ها آن می شود که انسان در تصرف امکانات و منابع، محدود به حدودی است که مقتضای مسئولیت او در برابر خدای متعال است. در نتیجه، آزادی او در تصرف منابع و امکانات نامحدود نیست، بلکه آزادی او مسئولانه و تکلیف مدارانه در برابر خدای متعال است. بدین جهت است که مقام معظم رهبری در تأیید و تأکید و اهمیت بر این مطلب، می فرماید:

این را همه بدانند، تدین جوانان ما، در امور دنیایی هم به ملت و به جامعه کمک می کند. خیال نکنند که متدین شدن جوانان، اثرش فقط در روزهای اعتکاف در مساجد یا در شبهای جمعه در دعای کمیل است. اگر یک ملت جوانانش متدین باشند، از هرزگی دور خواهند شد؛ از اعتیاد دور خواهند شد؛ از چیزهایی که جوان را زمینگیر می کند، دور خواهند شد. استعداد آنها به کار می افتد، کار می کند، تلاش می کنند در زمینه علم، در زمینه فعالیت‌های اجتماعی، در زمینه فعالیت‌های سیاسی، کشور پیشرفت می کند. در اقتصاد هم همین جور است. روحیه معنویت و تدین، نقش بسیار مهمی دارد. (۱)

رویکرد دین به تأثیر روابط انسانی در پدایش برخی پدیده ها

بعد اجتماعی

پیشگیری از آسیبها و نیز بروز مشکلات و ناهنجاریهای اجتماعی

در یک نگاه کلی می توان گفت به طور کلی قرآن تمامی مشکلات اجتماعی را نتیجه و حاصل رفتارهای انسانها می داند.

برخی از آیاتی که به وجود آمدن بسیاری از پدیده های اجتماعی را کارکرد روابط انسانی می داند، از این قرارند:

آیه کریمه «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ»، بیانگر این مطلب است.

چنان که مشاهده می شود، این آیه شریفه به روشنی دلالت دارد بر این که پدیده های

ص: ۱۸۷

ناهنجار و آسیبهای اجتماعی کار کرد اعمال و رفتارهای فردی و اجتماعی خود انسانهاست.

در آیات متعددی قرآن کریم به توضیح و تفصیل این مطلب پرداخته و نسبت به وجود برخی از پدیده های اجتماعی و سبب پیدایش آنها، رهنمودهای مهمی را بیان می کند. برای مثال، خدای سبحان وقتی به شرح حال قوم بنی اسرائیل در سوره مبارکه مائده می پردازد، علت و سبب پیدایش پدیده قساوت و بی رحمی و نبود عاطفه را در میان آنها شکستن عهد و پیمان و میثاقهای الهی دانسته و می گوید:

«فَبِمَا نَقَضْتُمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً» (۱)

و یا در آیه کریمه «الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ» (۲)

، وجود روابط ناسالم اقتصادی را در جامعه سبب پیدایش پدیده ای به نام جنون می داند. در واقع، یک دسته روابطی هستند که کارکرد آنها برخی پدیده های اجتماعی است؛ مانند قساوت و بی رحمی، ظلم و جنایت، خود فراموشی و...

تأثیر روابط انسانی بر حوادث طبیعی

کارکرد دسته ای از روابط انسانی به وجود آمدن حوادث طبیعی است. این حوادث و پدیده ها شامل دو قسمت می شود.

۱. پدیده هایی که پیامدهای ناگواری در زندگی انسانها به وجود می آورد. مانند زلزله، طوفان، سیل، آفات نباتی، قحطی، خشکالی، و..

از این رو، می بینیم که قرآن کریم علت حادثه طوفان نوح و غرق شدن در آب را ستم پیشگی آنها ذکر می کند:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ» (۳)

قرآن کریم علاوه بر قوم نوح، از اقوام دیگری نام می برد که به علت کجروی و انحراف از راه راست و پیروی نکردن از انبیای الهی و در نتیجه ستم پیشگی، سرنوشتی جز

ص: ۱۸۸

۱- مائده (۵) آیه ۱۳.

۲- بقره (۲) آیه ۲۷۵.

۳- عنکبوت (۲۹) آیه ۱۴.

هلاکت و نابودی را برای خود رقم نزدند «وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا...» (۱).

۲. پدیده‌هایی که سبب رفاه و آسایش و خوشی و آرامش روحی و روانی اجتماع می‌گردد، مانند فراوانی و وفور نعمت و ... نمونه‌ای از آیاتی که به این مطلب تصریح دارند، عبارتند از:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ»؛ (۲) اگر اهل قریه‌ها ایمان می‌آوردند و پرهیزکاری پیشه می‌کردند، بر کاتمان را از آسمان و زمین بر آنها روان می‌ساختیم.

«فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا» (۳).

در این آیه کریمه، خدای سبحان از زبان نوح پیامبر مطلب را این گونه بیان می‌کند که نوح به قومش گفت:

«از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده است، تا از آسمان برایتان پی در پی باران فرستد، و شما را به اموال و فرزندان مدد کند و برایتان بستانها و نهرها بیافریند.» (۴)

«وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ»؛ (۵) خدا قریه‌ای را مثل می‌زند که امن و آرام بود، روزی مردم اش به فراوانی از هر جای می‌رسید، اما کفران نعمت خدا نمودند و خدا به کیفر اعمالشان به گرسنگی و ترس وحشت مبتلایشان ساخت.»

در یک نگاه و تصویر کلی و همه‌جانبه به آموزه‌های دینی، به خوبی می‌توان این حقیقت را دریافت که چگونه شبکه پدیده‌های روابط انسانی بر شبکه و نظام روابط طبیعی حاکمیت دارد. برای نمونه، احادیث و روایاتی که در باب «امر به معروف و نهی از منکر» وجود دارد، به روشنی بیانگر این مطلب است.

ص: ۱۸۹

۱- یونس (۱۰) آیه ۱۳.

۲- اعراف (۷) آیه ۹۶.

۳- نوح (۷۱) آیات ۱۰-۱۲.

۴- همان.

۵- نحل (۱۶) آیه ۱۱۲.

برای مثال، در این روایات به عواملی که سبب پیدایش پدیدهٔ ظلم و ستم و پایمال شدن حقوق انسانها توسط حاکمان و متولیان امور در جوامع می‌گردد، پرداخته و عامل آن را ترک امر به معروف و نهی از منکر می‌داند: «لَا تَتْرُكُوا الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ فَيُؤَلَّى عَلَيْكُمْ أَشْرَارُكُمْ شِرَارُكُمْ ثُمَّ تَدْعُونَ فَلَا يُسْتَجَابُ لَكُمْ» (۱).

و یا در باب نقش اخلاق و کارکرد آن در رابطه رونق یافتن و سودآور شدن معاملات و افزایش رزق و روزی افراد و پیدایش پدیدهٔ امنیت اقتصادی و اجتماعی در جامعه و کاهش هزینه‌های اجتماعی و روانی قراردادها، احادیث و روایات بسیاری وجود دارد، که به رابطهٔ کارکرد اخلاق امانتدار و اخلاق خیانت پیشه پرداخته و آثار و پدیده‌هایی را که به وسیله این دو نوع از اخلاق پیدا می‌شود، بیان می‌کند.

برای نمونه، در حدیثی از پیامبر اکرم (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ وَ سَلَّمَ) و علی (علیه السلام) چنین آمده است:

«الْأَمَانَةُ تَجْلِبُ الْغِنَاءَ وَ الْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ»؛ (۲) «امانتداری سبب افزایش روزی و خیانت ورزی سبب فزونی فقر می‌شود».

«الْأَمَانَةُ تَجْبُرُ الرِّزْقَ وَ الْخِيَانَةُ تَجْبُرُ الْفَقْرَ»؛ (۳) «امانتداری سبب افزونی روزی می‌گردد، و خیانت ورزی باعث افزایش فقر می‌شود».

بر مبنای این اصل کلی است که امام رضا (علیه السلام) به عنوان یک هشدار جدی می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا اللَّهَ فِي نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَلَا تُنْفَرُوا عَنْكُمْ بِمَعَاصِيهِ بَلِ اسْتَدِيمُوهَا بِطَاعَتِهِ وَ شُكْرِهِ عَلَى نِعْمِهِ وَ أَيَادِيهِ»؛ (۴) «ای انسانها، حریم الهی را در نعماتش که بر شما ارزانی داشته نگه دارید و آنها را با عصیان و گناه از خود دور نکنید و با فرمانبرداری و شکرگزاری و سپاس، دوام نعمتها را سبب شوید».

در کلامی دیگر، آن حضرت در بیان رابطهٔ متقابل بین ایجاد و انجام گناه و پیدایش بلاها و مشکلات جدید، می‌فرماید:

«كُلَّمَا أَحْدَثَ النَّاسُ مِنَ الذُّنُوبِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَعْمَلُونَ أَحْدَثَ اللَّهُ لَهُمْ مِنَ الْبَلَاءِ مَا لَمْ

ص: ۱۹۰

۱- شهیدی، سید جعفر، ترجمهٔ نهج البلاغه، ۱۳۷۹، ص ۳۲۱.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۱۴.

۳- همان، ج ۷۸، ص ۶۰.

۴- شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۶۹.

يَكُونُوا يُعْدُونَ»؛ (۱) «هر زمانی که مردم گناهی تازه انجام دهند که در گذشته وجود نداشته است، خداوند بلاهای تازه ای را به آنان دهد که به حساب نمی آوردند».

بُعد اقتصادی

افزایش بهره وری و نیز کاهش آن

کارکرد عوامل غیراقتصادی در اقتصاد، اهمیت ویژه ای دارد. این عوامل را می توان به دو بخش تقسیم نمود:

- عواملی که کارکرد آنها سبب رشد و شکوفایی و کارایی اقتصاد می گردد.

- عواملی که نتیجه و کارکرد آنها رشد منفی اقتصادی و در نتیجه فقر و ناکارآمدی و هدر رفتن سرمایه هاست.

برخی از عوامل دسته اول عبارتند از:

۱. شکرگزاری در برابر نعمتهای الهی؛

۲. جود و بخشش؛

۳. دوری و پرهیز از گناه و محرمات الهی؛

۴. پرداخت حقوق مالی و انفاقهای واجب؛

۵. انگیزه سالم و الهی در کارها و فعالیتهای.

عوامل دسته دوم را می توان نبود عوامل دسته اول دانست.

۱. عدم شکرگزاری در برابر نعمتهای الهی؛

۲. بخیل و حریص بودن؛

۳. بی پروایی نسبت به گناهها و محرمات الهی؛

۴. فرار از پرداخت حقوق واجب مالی؛

۵. نداشتن انگیزه سالم در فعالیتهای اقتصادی. (۲)

١- حرانى، ابو محمد حسن بن على، تحف العقول، ص ٤٣٤ .

٢- ر. ك: حر عاملى، محمد بن حسن، وسايل الشيعه، ج ١٢-١٣؛ محدث نورى، سفينه البحار، ج ١٥؛ مجلسى، محمد باقر، بحارالانوار، ج ٧٢؛ كلينى، محمد بن يعقوب، كافى، ج ٥؛ آمدى، عبدالواحد، غرر و درر، ص ٦٩ .

امروزه در جامعه شناسی اجتماعی و اقتصادی، «سرمایه اجتماعی» جایگاه گسترده ای یافته و در بین محققان و صاحب نظران این رشته بسیار مورد توجه است. پژوهشها و تحقیقاتی نیز در رابطه آن به طور گسترده و وسیع انجام گرفته و می گیرد. این در حالی است که به یقین یکی از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی، صداقت، اعتماد، امانتداری و پابندی به تعهدات و قراردادهاست.

بی تردید، وقتی مردم معاملات و داد و ستد خود را آسان انجام می دهند و نیازی به وثیقه های سنگین نیست و به گفتار یکدیگر اعتماد می کنند، سرمایه اجتماعی در سطح بالایی قرار دارد. این امر معاملات روزمره را کم هزینه تر، روان تر و روابط اجتماعی را در جامعه مستحکم تر می سازد.

اسلام با درهم آمیختن رفتارها و تلاشهای اقتصادی با مبانی اعتقادی، از طریق فرق گذاشتن بین رفتارهای نیک اقتصادی به عنوان عمل صالح و رفتارهای ناپسند اقتصادی به عنوان عمل غیر صالح، می تواند تحول عظیمی را در افکار و اندیشه های اقتصادی مسلمانان به وجود آورد و با تغییر نظام ارزشهای اقتصادی، ارزشهایی مانند قسط و عدل، تعاون، مواسات، ایثار و برابری را در عالی ترین جایگاه قرار دهد. خداوند سبحان در تمجید از انسانهای تربیت یافته چنین مکتبی می فرماید:

«وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (۱)

«اینان دیگران را بر خود ترجیح می دهند، هر چند خودشان نیازمند بدان باشند».

آثار و نتایج

ایجاد اعتماد و امیدواری به آینده بهتر

شکل گیری اعتماد، صداقت، توجه به نهادهای کارساز چون حفظ حقوق، توجه به قراردادهای وجدان کاری، مشارکت و پدید آوردن ارتباط معقول با دیگران، مسئولیت شناسی، مسئولیت پذیری، احترام متقابل و تلاش برای انجام کار مولد، از عناصر اصلی و مبنایی اعتماد و پویایی و کارآمدی در ایجاد و تقویت و تحکیم توازن اجتماعی در جامعه

ص: ۱۹۲

اسلامی به شمار می آیند، که نتیجه و یافته های فردی و اجتماعی آن کاهش دغدغه ها و جرایم و ناملایماتهای اجتماعی و حصول به توزیع عادلانه درآمدها و ثروتها، فراهم شدن فضای تعامل منطقی و دستیابی به نوعی آرامش روحی، جسمی و روانی در بلند مدت، ترسیم دورنمای پیش برنده و آگاهی بخش، رسیدن به یک توازن و تعادل اجتماعی است. (۱)

تأثیر آموزه های دینی در تقویت فرهنگ کار آفرینی

در میان عوامل تولید، کار جایگاه ممتازی دارد، به ویژه که با انسان و اراده او سر و کار دارد. از این رو، می تواند جهت گیریهای مختلف و متفاوتی داشته باشد. جهت گیریهای متفاوت، آثار فردی و اجتماعی متفاوتی نیز در سطح هر جامعه بر جای خواهد گذاشت. به همین دلیل، ضرورت دارد جهت گیریهای مطلوب در این امر شناخته شود. به نظر می آید مهمترین جهت گیریها، توجه به راهبرد توسعه کار آفرینی است که در برنامه چهارم توسعه نیز بر آن تأکید شده است. (۲)

زیرا از یک سو، مسئله ای که در برآوردهای آماری اشتغال را با نارسایی مواجه کرده، وجود نوعی «بداشتغالی است که در برخی موارد، افزایش اشتغال به قیمت افزایش بیکاری پنهان و هم جهت با بداشتغالی و نادیده گرفتن تخصیص بهینه، بوده است.

از دیگر سو، بیکاری یک مسئله اجتماعی و نشان دهنده اتلاف انرژی نیروی انسانی است. از این رو، از جمله دلایل توجه به توسعه کار آفرینی، قدرت آن در ایجاد کسب و کارهای جدید با ارزش افزوده بالا، توسعه کسب و کارهای موجود، افزایش درصد استفاده از ظرفیتهای بدون استفاده تولید و به تبع آن رشد اقتصادی و رفاه اجتماعی، کاهش نرخ بیکاری، افزایش سرانه تولید و عدالت اجتماعی است که از مهمترین دغدغه های نظام اسلامی به شمار می آید.

کار آفرینی در برنامه چشم انداز بیست ساله

براساس سند چشم انداز، جامعه ایرانی در زمینه بازار کار باید به گونه ای برنامه ریزی و عمل کند که در پایان برنامه چشم انداز در وضعیت اشتغال کامل باشد، علاوه بر آن،

ص: ۱۹۳

۱- شارع پور، محمود، ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی، ص ۶۵.

۲- انصاری، محمد و غفارزاده، ایرج، کار آفرینی سازمانها و مراکز کشور، ص ۲۶۸.

فرصتهای برابر، توزیع مناسب در آمد و اتکا بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی نیز، از ویژگیهای مرتبط با بازار کار است که در سند چشم انداز مورد توجه و دقت قرار گرفته است. به نظر می آید آنچه بیشترین کارآمدی را در این بخش می تواند ایفا کند بهره گیری از آموزه های دینی در رابطه با کار و کارآفرینی است.

تعریف فرهنگ کار و کارآفرینی

اشاره

به نگرشها و باورهای ذهنی و ساختاری پذیرفته شده توسط افراد یک جامعه یا سازمان نسبت به کار، فرهنگ کار آن جمع گفته می شود. بر مبنای این تعریف، فرهنگ کارآفرینی عبارت است از: مجموعه ارزشها، باورها و دانشهای مشترک و پذیرفته شده یک گروه کاری در انجام فعالیتهای معطوف به تولید و یا ایجاد ارزش افزوده.^(۱) با توجه این تعریف، می توان چنین نتیجه گرفت که باورها و اعتقادات دینی در تقویت و تضعیف فرهنگ کارآفرینی تأثیر بسزایی دارند.

از آموزه های دینی برای تبدیل کارآفرینی به فرهنگ و پیوند آن با هنجارهای اجتماعی می توان استفاده نمود. برخی از این آموزه ها که در احادیث و روایات بیانگر ابزارهای تشویقی هستند، عبارتند از:

کار آفرینی به عنوان تکلیف و وظیفه

کار و تلاش در نگرش دینی برای تأمین نیازهای فردی و اجتماعی، ضرورتی اجتناب ناپذیر است که تمامی لحظات زندگی را دربرمی گیرد. از این رو، در آموزه های دینی از

آن به عنوان وظیفه و تکلیف یاد شده است. پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) در این باره می فرماید: «طلب الحلال فریضه علی کل مسلم و مسلمه»؛^(۲) طلب کردن روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است. و نیز می فرماید: «طلب الکسب فریضه بعد الفریضه».^(۳)

ص: ۱۹۵

۱- ر.ک: جعفری، مصطفی و حبیبی، محمد، فرهنگ کار، مجله تدبیر، شماره ۱۲۵، ص ۷۱.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۳، ص ۹.

۳- همان، ص ۱۷ و نیز ج ۱۰۰، ص ۹ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۳ ص ۱۲.

کار و کار آفرینی به عنوان جهاد در راه خدا

در آموزه های دینی، کار آفرین جهادگری دانسته شده است که در صحنه کارزار با دشمنان خدا به نبرد پرداخته و از حریم دین دفاع می کند. به تعبیر پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم): «الکاذ علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله»؛^(۱) «کسی که برای تأمین زندگی خانواده خود کار و تلاش کند، همچون مجاهد در راه خداست». امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز در این باره می فرماید: «ما غدوه أحدکم فی سبیل الله بأعظم من غدوته یطلب لولده و عیاله ما یصلحهم»؛^(۲) «درآمدن شما صبحگاهان برای جهاد در راه خدا، از درآمدن آن کس که برای تأمین زندگی خانواده خود تلاش می کند، بالاتر نیست».

کار و کار آفرینی، وسیله سعادت

به طور کلی، انسان در نگرش دینی آمیزه ای از عقیده، فکر و اندیشه، کار و تلاش است که سعادت و رستگاری خود و جامعه را در کار شایسته و بایسته می داند. بر این اساس است که قرآن کریم ایمان همراه با عمل صالح را وسیله ی رستگاری می داند.^(۳) و در تعالیم علوی، چه دور دانسته شده که با اراده سست و گرایش به بیکاری و خوشگذرانی، انسان به سعادت دست یابد،^(۴) بلکه در این تعالیم سعادت‌مندی در آن دانسته شده است که انسان به انجام کارهای ارزنده نایل شود.^(۵)

کار و کار آفرینی، وسیله عزت نفس

کار و تلاش سازنده برای اصلاح و ساماندهی زندگی فردی و اجتماعی، ضروری و اجتناب ناپذیر است؛ چنان که در راستای تعالی ارزشها و عزت فردی و اجتماعی، کار و

ص: ۱۹۵

- ۱- محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۴۲۴؛ حر عاملی، محمد حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱؛ حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول، ص ۳۲۸.
- ۲- محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۲، ص ۴۱۵.
- ۳- قصص (۲۸) آیه ۶۷.
- ۴- ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۴۶۰.
- ۵- همان، ص ۴۶۱؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۴۳؛ آمدی، عبدالواحد، غررالحکم و درر الکلم، ص ۳۲۶.

تلاش و خلاقیت و نوآوری عرصه نمایش عزت و قدرت یک جامعه است. (۱) از این رو، اسلام اجازه نمی دهد انسان در صورت امکان حتی در سخت ترین شرایط از کار و تلاش و سازندگی دست بردارد و در نتیجه عزت و آبروی خود را زیر سؤال ببرد، که به تعبیر پیامبر عظیم الشان اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم): «لو أن رجلاً أخذ حبلاً فبأنتى بحزمه حطب على ظهره، فبيعهها فيكف بها وجهه، خير له من أن يسأل»؛ (۲) «اگر انسان ریشمانی بگیرد، پشته ای هیزم را بر دوش کشد و آن را بفروشد و از این رهگذر نیازهای زندگی خود را برآورد، بسی بهتر است از این که از دیگران درخواست کمک کند» (۳).

کارآفرینان در ردیف انبیا

ایمان بی بهره از کار و تلاش سازنده، ادعایی خالی از معنا و ارزش است. از این رو، بهترین ها و شایسته ترین ها که انبیای الهی هستند، پیشتازان وادی کار و تلاش و کوشش اند. بر این اساس است که در نگرش نبوی «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي عِدَادِ الْأَنْبِيَاءِ وَ يَأْخُذُ ثَوَابَ الْأَنْبِيَاءِ»؛ (۴) «هر کس از دسترنج خود بخورد، روز قیامت در شمار انبیا خواهد بود».

همان طور که دیده می شود، در آموزه های اسلامی با نگرش تکلیفی به کار و کارآفرینی و جهاد خواندن آن، انگیزه کارآفرینی را بالا برده است. همچنان که از طریق مبارزه با بیکاری، به احیا و تقویت «فرهنگ کار و کارآفرینی» اقدام کرده است.

عوامل تنبیهی

اشاره

احادیث و روایاتی که به بیان ابزارهای تنبیهی در جهت تقویت فرهنگ کارآفرینی پرداخته اند، به طور خلاصه عبارتند از:

دوری از رحمت خدا

در نگرش دینی، زندگی سعادت‌مندانه و رحمت الهی شامل حال فرد و جامعه ای می شود

ص: ۱۹۶

۱- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۴۴۳.

۲- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۱۳۲.

۳- شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ص ۱۸۳.

۴- محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷.

که تمامی اعضای آن به کار و تلاش سازنده دست یازند و در هیچ زمانی از سعی و تلاش و کوشش بازنايستند. در غير اين صورت، از رحمت الهی دور و مورد لعن و نفرین قرار می گیرند. در حدیث نبوی آمده است: «ملعون من ألقى كلة علي الناس»؛^(۱) «هر کس بار زندگی خود را بر دوش دیگران گذارد، از رحمت الهی به دور است».

امام باقر(علیه السلام) در کلامی از موسی بن عمران(علیه السلام) این گونه نقل می کند که: موسی بن عمران از خدای سبحان سؤال کرد: پروردگارا از کدام یک از بندگانت بیشتر نفرت داری؟ خداوند فرمود: آن کس که شب هنگام چون مردار است و روز بیکار.^(۲)

تضییع حقوق دیگران

در آموزه های دینی، کسی که در پی کسب و کار و تلاش و کوشش نیست و عمرش را به بیکاری و بی عاری و سستی و تنبلی سپری می کند، تضییع کننده حقوق خود و دیگران است. از این رو، پیامبر عظیم الشان اسلام(صلی الله علیه و آله وسلم) با نهی از داشتن چنین خصلتی می فرماید: «یا علی ... ایاک و خصلتین: الضجر و الکسل، فانک ان ضجرت لم تصبر علی حق، و ان کسلت لم تود حقا».^(۳) امام صادق(صلی الله علیه و آله وسلم) نیز می فرماید: «ایاک و الضجر و الکسل، انهما مفتاح کل سوء، انه من کسل لم یود حقا، و من ضجر لم یصبر علی حق».^(۴) علی(صلی الله علیه و آله وسلم) «من اطاع التوانی، ضیع الحقوق»؛^(۵) «آن کس که به کاهلی و سهل انگاری گردن نهد، حقوق دیگران را ضایع می سازد».

فساد و تباهی

اراده ی الهی بر کار و تلاش سازنده و فعالیت انسان ها در زندگی دنیوی آنان تعلق

ص: ۱۹۷

۱- حر عاملی، محمد حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸؛ محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۳، ص ۱۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۴، ص ۱۲.

۲- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۸۰؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۷.

۳- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۶، ص ۶۶؛ طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۵۰۲.

۴- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۹.

۵- شهیدی، سید جعفر، نهج البلاغه، ص ۵۱۰ و محدث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۱۲، ص ۶۶.

گرفته است. چه این که حتی آفرینش مرگ و حیات نیز برای سنجش سعی و تلاش‌ها است. «الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيُبْلُوَكُمْ أَئِنَّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» (۱). بر این اساس، صلاح و سداد زندگی به کار و تلاش و کوشش بی‌وقفه بستگی دارد؛ همچنانی که فساد و تباهی در زندگی فردی و اجتماعی در پی سستی و بیکاری به وقوع خواهد پیوست، که به تعبیر امام صادق (علیه السلام) «الکسل یضر بالدين و الدنيا»؛ (۲) «کاهلی و تنبلی به دین و دنیای انسان آسیب می‌رساند». آن حضرت همچنین بیکاری را عامل فساد و تباهی می‌دانند: «ان یکن الشغل مجهده فاتصال الفراغ مفسده» (۳).

فقر و نابسامانی

به طور کلی، توسعه و رشد در گرو کار و تلاش و سعی و کوشش است. جامعه‌ای که از تلاش و کوشش و سختکوشی روی گردان است، چاره‌ای جز پذیرش فقر و بدبختی نخواهد داشت. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «من لم یصبر علی کد یده، صبر علی الافلاس»؛ (۴) «فرد و جامعه‌ای که نتواند از کار و تلاش خود حیات اقتصادی و اجتماعی خود را سامان دهد، سرانجام پذیرای تهیدستی و فقر و نابسامانی خواهد شد».

هلاکت و نابودی

کار و تلاش، گوهر ذاتی انسان و مایه عزت و کرامت انسان و سبب دوام زندگی و حیات اوست. بنابراین، سعادت‌مندی و رسیدن به کمال مطلوب، در پی کار و تلاش و کوشش میسر است. هر قدر جامعه‌ای در وادی کار و تلاش کوشاتر و بر مشکلات صابرتر باشد، میزان دستیابی او به ماندگاری و ثبات بیشتر خواهد بود؛ چنان که به هر مقدار از سعی و تلاش خود بکاهد و به سستی و تنبلی روی آورد، از میزان دوام و پایداری او کاسته خواهد شد. به تعبیر علی (علیه السلام) «فی التوانی و العجز انتجت الهلکه»؛ (۵) «در تنبلی و احساس

ص: ۱۹۸

۱- ملک (۶۷) آیه ۲.

۲- حرانی، محمد بن حسن، تحف العقول، ص ۲۱۹.

۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۲.

۴- آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۵۵.

۵- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۴۲۱.

تعامل بین فرهنگ و کارآفرینی

تعامل و ارتباط میان فرهنگ و کارآفرینی، از دو جهت قابل بحث و بررسی است. از یک جهت، نتایج کارآفرینی است که بر جامعه تأثیر می گذارد و از جهت دیگر، فرایند کارآفرینی و فرهنگ حاکم بر آن است که هم متأثر از مبانی فرهنگ جامعه است و هم می تواند در آن تحولات اساسی ایجاد کند.

کارآفرینی با ایجاد فرصتهای شغلی و تولید ثروت و بهبود شرایط اقتصادی، پیش زمینه ای اساسی برای ارتقای سطح فرهنگی جامعه است، زیرا با برآورده شدن نیازهای اولیه معیشتی، زمینه برای بروز نیازهای عالی تر انسانی فراهم می شود که اگر در مسیری صحیح هدایت شود، به شکوفایی و تعالی انسانها می انجامد.

از دیگر سو، نوآوری که از ویژگیهای اساسی کارآفرینی است، به تولید محصولات جدیدتر و ارائه خدمات بیشتر و متنوع تر منجر شده و به این ترتیب قدرت انتخاب افراد افزایش می یابد و زندگی راحت تر می شود. با افزایش سطح رفاه و آسایش و اوقات فراغت، فرصتهای بیشتری برای فعالیتهای فرهنگی ایجاد می شود.

فرهنگ سازی در زمینه کار مولد

اصرار آیات به انجام عمل صالح و تصریح و تأکید احادیث و روایات به کار و تلاش سازنده و مفید و مولد، بیانی است برای تبیین ارزشی کار مولد در جامعه. بدین جهت است که در سیره معصومین (علیهم السلام) بر کار و کوشش تأکید بسیاری شده و انسانها از بیکاری، تن پروری و تنبلی منع شده اند. در آموزه های معصومین (علیهم السلام) رابطه فقر و بیکاری، معنادار است؛ چنان که ارتباط بین فقر و کفر نیز، از نظر آنان غیرقابل دفاع است. زیرا: «كاد الفقر ان یکون کفراً»^(۱).

در نگرش معصومین (علیهم السلام) کار کردن وظیفه ای الهی و انسانی است. توازن اجتماعی نیز نتیجه کار مولد و فرصتهای برابر است؛ چنان که هر فردی می تواند از تمام توانایی خود در

ص: ۱۹۹

کار استفاده و از بابت کار و تلاش خود پاداش دریافت کند.

بهره گیری از عوامل معنوی

در بینش معصومین (علیهم السّلام) همراه با تلاش و کوشش مادی و بدنی برای به دست آوردن درآمد و کسب روزی و افزایش آن، استفاده از عوامل معنوی مانند دعا و توجه به خدا و خواستن از او و توکل بر او نقش بسزایی دارد. از منظر معصومین (علیهم السّلام) خداوند متکفل رزق و روزی همه موجودات از جمله انسان است: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ»؛ (۱) «خداوند روزی دهنده همه موجودات و دارای قدرتی استوار است».

برقراری ثبات در نظام اقتصادی

با توجه به آنچه گذشت، می توان چنین نتیجه گرفت که تثبیت نهادهای اخلاق عملی در آموزه های دینی به عنوان یک حرکت کار ساز در پدید آمدن و حفظ و نگهداری روابط انسانی و تقویت و ایجاد کارآفرینی، نقش اساسی را دارد. تشویق آحاد مردم به همکاری با یکدیگر، تبلیغ برادری و نوع دوستی، ایثار و درستکاری، حفظ قراردادها، ممنوعیت کاربرد هر نوع حيله در مبادلات و معاملات، مبارزه با نهادینه شدن مفسد اقتصادی و تلاش برای نهادینه شدن زمینه های بالندگی اقتصادی، کارآمدی و کارآفرینی جهاد اقتصادی را می رساند.

تحریم ربا، تحریم کنز، تحریم رشوه، تحریم اسراف و تبذیر، تشویق به کاهش مصرف، تشویق به کار گروهی، تشویق به کار شرافتمندانه و عبادت تلقی کردن کوشش برای امرار معاش، تثبیت و نهادینه ساختن توجه به حقوق کارگر، مانند پرداخت حقوق کارگر پیش از اتمام کار، ارتباط دادن رضایت اخروی خداوند به کوشش مولد در امور دینی - که به تعبیر رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله و سلّم): «من طلب الرزق فی الدنیا استعفافا من الناس و توسیعا علی اهله لقی الله یوم القیامه و وجهه مثل القمر» (۲) - عناصری هستند که در ساختار و مرکزیت نظام اقتصادی ثبات و پایداری را به وجود می آورد.

ص: ۲۰۰

۱- ذاریات (۵۱) آیه ۵۸.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، ص ۷۷.

از جمله بسترهایی که می تواند کارآمدی جهاد اقتصادی در راستای افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را در میدان عمل ثابت کند بستر اقتصادی است. زیرا امید به تولید ثروت و در پی آن کاهش فقر را در این بستر باید انتظار داشت. در پاسخ به چنین انتظاری است که اصلاح ساختار اقتصادی در راستای سند چشم انداز ضروری به نظر می رسد. این فصل در پی تبیین اصلاح ساختارها به خصوص اصلاح بازارها در راستای افزایش بهره وری و استفاده بهینه از منابع برخواهد آمد.

اصلاح ساختار اقتصادی در راستای سند چشم انداز

ضرورت توجه به ضعف ساختارها و سازمانهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی امری اجتناب ناپذیر است. زیرا بدون اصلاح این ساختارها شکل دادن به تحولات جامعه، و دست یابی به رشد اقتصادی در راستای دست یابی به عدالت اجتماعی ممکن نیست. زیرا تحولات اقتصادی با اوضاع و دگرگونیهای اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی جامعه رابطه نزدیک دارد.

امروزه با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب و پیش از دو دهه از جنگ تحمیلی، اقتصاد ایران هنوز گرفتار همان مشکلات از قیل یکاری، رشد اقتصادی کم و وابستگی به درآمد نفت، و عدم رشد قابل توجه صادرات غیر نفتی، و مسائلی از این قبیل را داراست.

از منظر مقام معظم رهبری، از جمله مهمترین هدفهای جهاد اقتصادی، تولید ثروت و کاهش فقر ملی است

اعتبار هر جامعه به تولید سرانه مادی و معنوی آن بستگی دارد که این امر از حجم سرمایه، کارایی و اثربخشی آن مایه می گیرد. سرمایه ها در جامعه عبارتند از:

- سرمایه تکنولوژیک، که به تولید بهینه و کارایی می انجامد؛ - سرمایه فیزیکی، مانند منابع طبیعی دارایی، در آمد، ماشینها و ابزارها، مستغلات؛

- سرمایه انسانی، مانند تحصیلات، سواد، سطح دانش عمومی، آموزشها و مهارتهای کاری؛

- سرمایه مالی، که توانایی تبدیل شدن به سرمایه فیزیکی را دارد؛

- سرمایه فرهنگی، که به پرورش فرد بازمی‌گردد و به مسائلی مانند نگاه آینده‌نگر، انضباط شخصی، پرکاری، اهمیت دادن به دانش‌اندوزی و برنامه‌ریزی مربوط است.

در صورتی می‌توان نهایت بهره‌وری را از این سرمایه‌ها داشت که آنها را به صورت مجموعه‌ای هم‌پا و هم‌سو در برنامه توسعه کشور در قالب سند چشم‌انداز گنجانید.

چنانچه سرمایه فرهنگی که زیرمجموعه تمامی بخش‌ها را تغذیه می‌کند مورد بی‌مهری قرار بگیرد، به طور طبیعی توقع کار جهادی از دیگر بخش‌ها، امری عبث و بیهوده است. این مطلب به خوبی در تعریفی که در سند چشم‌انداز آمده به دست می‌آید، زیرا در تعریف چشم‌انداز این گونه آمده است:

... چشم‌انداز، تصویری از آینده مطلوب را ترسیم می‌کند که هرگاه در ذهنهای اعضای جامعه جای بگیرد، مسیر حرکت و دگرگونیهای آن جامعه هموارتر می‌گردد. (۱)

بنابر این، اگر قرار است کار جهادی در امور اقتصادی محقق شود، کارآمدترین و متناسب‌ترین مسیر، مسیری است که سند چشم‌انداز آن را ترسیم نموده است. از این رو، باید ساختارها را بر مبنای سند چشم‌انداز اصلاح و تنظیم کرد.

تأکید سند چشم‌انداز بر افزایش بهره‌وری

همان‌گونه که در سند چشم‌انداز، با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل مورد توجه قرار گرفته است، بخشی از آن باید با ارتقای بهره‌وری تأمین شود. برای دستیابی به این هدف، از طریق بهره‌وری، در سیاستهای کلی نظام و برنامه چهارم توسعه در بندهای ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷ بهره‌وری مورد توجه واقع شده است.

بر این اساس، برای نمونه، در طول برنامه چهارم توسعه، سهم سرمایه‌گذاری از رشد تولید بخش صنعت ۶۱٪ و سهم بهره‌وری ۳۹٪ پیش‌بینی شده است. بدین ترتیب، بهره‌وری

ص: ۲۰۲

کل عوامل تولید سالانه به طور متوسط، باید ۴/۴٪

رشد کند. (۱) آمارهای ارائه شده از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی گویای این است که بخش صنعت توانسته پاسخگوی هدفهای تعیین شده برای این بخش باشد. براساس این آمارها، رشد ارزش افزوده این بخش در سال ۱۳۸۴، نسبت به سال ۱۳۸۳، معادل ۷/۱٪، و در سال ۱۳۸۵ نیز ۹/۵٪ بوده است. این در حالی است که رشد ارزش افزوده کل اقتصاد در سال ۱۳۸۴ معادل ۴/۵ و در سال ۱۳۸۵، ۶/۲٪ بوده است. از این رو، می توان بخش صنعت را یکی از محورهای اساسی رشد اقتصادی به شمار آورد. (۲)

رشد بهره وری نیروی کار و سرمایه، مؤثرترین عامل در رشد اقتصادی برنامه های توسعه عمرانی کشور به شمار می آید. بی تردید، بهره وری بیشتر سبب استفاده بهتر از عوامل تولید خواهد شد که در نتیجه می تواند کشور را در رسیدن به رشد اقتصادی مستمر و هدفهای چشم انداز یاری دهد. بدین جهت است که اصلاح بازارها برای افزایش بهره وری ضرورت دو چندان دارد.

رویکردها برای دستیابی به رشد اقتصادی

برای دستیابی به رشد اقتصادی، رویکردهای متفاوتی را می توان در نظر گرفت:

- رشد اقتصادی، با ایجاد ظرفیتهای جدید؛

- رشد اقتصادی، با افزایش بهره وری از ظرفیتهای موجود؛ - رشد اقتصادی، با استفاده از روش ترکیبی.

امروزه با مطرح شدن نظریه های رشد، اقتصاددانان، بهره وری را به عنوان عامل محوری و اساسی در نظریات خود مورد توجه جدی قرار داده اند. زیرا، اولاً، رشد بهره وری کل عوامل تولید، سبب کاهش هزینه های تولید و افزایش قدرت رقابت تولید کننده در بازار خواهد شد. ثانیاً، سبب کاهش هزینه های کالا و خدمات و در نتیجه افزایش سودآوری می گردد. نتیجه این امر، افزایش تقاضا و افزایش حجم سرمایه گذاری برای پاسخگویی به این تقاضاست.

ص: ۲۰۳

۱- ر.ک: سیاستهای کلی نظام و مضامین دوازده گانه قانون برنامه چهارم، فصل ۲۴.

۲- ر.ک: سازمان مدیریت و برنامه ریزی، گزارشهای اقتصادی ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵.

اشاره

نقش سرمایه در تولید و اهمیت سرمایه‌گذاری در افزایش درآمد ملی و تأثیر متقابل افزایش درآمد ملی بر ایجاد پس‌انداز در تشکیل سرمایه، از مسائلی است که در سیاست توسعه اقتصادی اهمیت اساسی دارد. عوامل مؤثر مالی در توسعه اقتصادی مانند درآمد، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، به شکل متقابل یکدیگر را در معرض تأثیر و تأثر قرار می‌دهند؛ به گونه‌ای که نبود یا کمبود هر یک از این عوامل، اقتصاد کشور را به رکود ممتد و توسعه ناپایدار دچار می‌سازد و منشأ بحران و تضعیف مؤلفه‌های قدرت ملی می‌شود و به عامل تهدید کننده امنیت ملی تبدیل می‌گردد. (۱)

مدیریت سرمایه‌ها در مسیر تولید

در نگاه دین، مال و ثروت، وسیله تأمین نیازمندیها و سبب قوام جامعه دانسته شده است. و در نتیجه، کنز و راکد نگه داشتن آن ممنوع و مردود شناخته شده است. در قرآن کریم کارکنندگان به شدت توبیخ و تهدید گردیده و به آنان وعده عذاب دردناک داده شده است. این امر، بیانگر پیامدهای جبران ناپذیر کتر اموال در جامعه است، که به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر آیه کریمه «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فُتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ» (۲):

مفهوم «کنز»، بیانگر نگهداری، ذخیره و منع جریان مال در معاملات است و مفهوم «فی سبیل الله»، نماینده هر چیزی است که برپایی دین خدا و جلوگیری از فروپاشی بینانهای آن همچون جهاد، مصالح واجب دین و امور جامعه اسلامی، به آن بستگی دارد.

پس هر کس مال را به خود اختصاص دهد «كَنْزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ» به خدا و پیامبرش (در امانتی که به او سپرده شده) خیانت کرده است و اگر ثروت خود را به هرچند زیاد - در

ص: ۲۰۴

۱- دری نجف آبادی، قربانعلی، محورهای استراتژیک توسعه در قرن بیستم، راهبردی شماره ۱۰، ص ۱.

۲- توبه (۹) آیات ۳۴-۳۵.

در چرخه سرمایه گذاریهای تولیدی و تجاری قرار دهد و به دیگران خدمت کند، هیچ گونه منعی ندارد. بنابراین، این آیه اختصاص به نکوهش نپرداختن زکات ندارد، بلکه جلوگیری از گردش اموال در تأمین همه ضروریات جامعه دینی را شامل میشود. (۱)

در آموزه های معصومین (علیهم السّلام) با توجه به زیانهای اقتصادی را کدنگه داشتن مال و ثروت و عدم استفاده آن در فعالیتهای اقتصادی و عدم سرمایه گذاری در بخش تولید، هشدارهای جدی داده شده است. برای نمونه، امام صادق (علیه السلام) در پرهیز از کتر اموال، می فرماید:

«ما یخلف الرجل بعده شیا اشد علیه من المال الصامت...» (۲)

در آموزه های معصومین (علیهم السّلام) شیوه استفاده از سرمایه های مادی به اندازه ای حایز اهمیت است که در حدیثی امام صادق (علیه السلام) بقای اسلام و مسلمانان را متوقف بر مدیریت صحیح اموال و بودن آن را در دست کسانی که این مدیریت را بدانند، می داند.

«إن من بقاء المسلمین و بقاء الاسلام ان تصیر الاموال عند من یعرف فیها الحق و یصنع المعروف و ان من فناء المسلمین ان تصیر الاموال فی ایدی من لا یعرف فیها الحق و لا یصنع فیها المعروف» (۳)

بی تردید، بقای مسلمانان و اسلام در این است که ثروتها در دست کسانی باشد که شیوه به کارگیری صحیح آن را می دانند، همچنان که نابودی اسلام و مسلمانان در این است که ثروتها در اختیار کسانی باشد که از مدیریت صحیح و سالم آن بی خبرند.

زیانهای اقتصادی وجود نقدینگی

اشاره

حجم بالای نقدینگی در جامعه از معضلات اساسی اقتصاد کشور است. حجم بالای نقدینگی که باید به آسانی مشکل سرمایه را در کشور حل کند، نه تنها در تولید مشارکت ندارد و تنگناها را برطرف نمی سازد، بلکه بر حجم تنگناها و معضلات می افزاید.

تورم

درباره تورم و علل آن به ویژه رابطه آن با افزایش حجم پول و نقدینگی، بررسیهای

- ١- ر.ك: طباطبائي، الميزان، ج ٩، صص ٣٣٢-٣٣٤.
- ٢- شيخ صدوق، من لا يحضره الفقيه، ج ٣، ص ١٧٠.
- ٣- حر عاملي، محمد بن حسن، وسایل الشيعه، ج ١١، ص ٥٢١.

فراوانی انجام شده که اغلب از پولی بودن تورم کشور نشان دارد. سایر عوامل، از جمله عوامل مربوط به سمت عرضه یا فشار هزینه، آثار کمتری بر افزایش سطح عمومی قیمت‌ها داشته است. «نیلی» (۱۳۶۶) به این نتیجه رسیده که ۱۰٪ افزایش نقدینگی سبب ۱۲٪ افزایش در قیمت‌ها می‌شود. (۱) «کمیجانی و بیدآباد» (۱۳۶۹، ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱) به این نتیجه دست یافتند که در بلند مدت، ۹۹٪ تغییرات سطح عمومی قیمت‌ها، ناشی از افزایش حجم نقدینگی است. (۲) «نائینی» (۱۳۷۶) این نسبت را ۶۴٪، «کمیجانی و علوی» (۱۳۷۸) اثر بلند مدت رشد نقدینگی بر تورم را ۸۸٪ و اثر میان مدت آن را ۹۲٪ برآورد کرده اند. (۳) به طور کلی، آنچه از این تحقیقات و پژوهش‌ها به دست می‌آید، این است که رابطه محکمی بین رشد عرضه پول و تورم در ایران وجود دارد.

پیامدهای تورم

یکی از ویژگی‌های بارز و آشکار پدیده تورم، عدم تناسب و ناهماهنگی تغییرات قیمت‌ها و درآمدهاست؛ به این صورت که قیمت برخی از کالاها و درآمدهای برخی از طبقات و گروه‌ها، با آهنگی بسیار شدید افزایش می‌یابد؛ در حالی که قیمت دیگر کالاها و درآمدهای دیگر به گندی افزایش می‌یابد و یا ممکن است ثابت بماند. این نبود تناسب، سبب می‌شود درآمد و ثروت حقیقی برخی از طبقات و گروه‌ها به ضرر برخی طبقات و گروه‌های دیگر از دارندگان درآمد ثابت مانند پس اندازکنندگان و کارمندان، افزایش یابد. (۴) به خلاف اصول و هدفهای فقرزدایی و تأمین رفاه اجتماعی باشد.

جایگاه بانک در نظام اقتصادی

در اقتصاد کنونی، بانکها و مؤسسه‌های پولی و مالی قلب تپنده اقتصاد قلمداد می‌شوند که پول را همانند خون در فعالیتهای اقتصادی به جریان درمی‌آورند. بانک مرکزی و

ص: ۲۰۶

- ۱- نیلی، مسعود، بررسی آثار افزایش حجم پول بر نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر، فصلنامه برنامه و توسعه، شماره ۹.
- ۲- کمیجانی، اکبر و بیژن بیدآباد، تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران.
- ۳- کمیجانی، اکبر و سید محمود علوی، اثر متقابل رشد و تورم در ایران، نهمین کنفرانس سیاستهای پولی و ارزی، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی.
- ۴- فریدمن، میلتن، اقتصاد مکتب پولی، ص ۱۲۳.

شورای پول و اعتبار، نیروی محرکه این قلب به شمار می آیند که تصمیمهای آنها باعث رونق یا رکود نظام بانکی و به تبع آن، کل اقتصاد خواهد بود. حساسیت بانک مرکزی به اندازه ای است که نه تنها سیاست غلط، بلکه درست اما دیرهنگام یا زودرس آن برای تعمیق رکود یا لجام گسیختگی تورم کافی است، به گونه ای که شاید مدتها کوشش و تلاش مستمر نتواند تورم نهادینه شده را التیام بخشد.

سؤالی که ذهن هر آشنای به مسائل بانکی را دائم به خود مشغول می کند، این است که با گذشت بیش از سه دهه از انقلاب اسلامی و گرایش ظاهری و باطنی مردم به اسلام و قوانین اقتصادی آن و ترجیح راهکارهای شرعی بر غیرشرعی، چگونه است که برخی از صاحبان پس انداز و سرمایه گذاری، به سمت بازارهای غیرقانونی و ربوی کشیده می شوند، در حالی که بانکها با نرخهای سود ۱۲ تا ۲۴ درصدی، تسهیلات اعطا می کنند. چرا سرمایه گذارانی پیدا می شوند که از بازارهای غیررسمی با نرخهایی که اغلب از میزان سود نظام بانکی و رسمی بیشتر است (و گاهی حتی ممکن است به ۳۶ تا ۶۰٪ هم برسد) تأمین مالی می کنند. (۱)

ضرورت اصلاحات در نظام بانکی

انجام اصلاحات در نظام بانکی برای رسیدن به نظامی سالم، کارآمد و پویا، ضرورت دارد. بانکها باید به منزله بنگاه اقتصادی، با به کارگیری اصول و روشهای پذیرفته شده بنگاه به فعالیت اقتصادی بپردازند و با ایجاد رقابت سالم در عرصه پولی و مالی، هر روز به ابزارهای جدید و کارآمد دست یابند تا بتوانند پس اندازهای سرگردان، راکد و غیرمولد را به سمت فعالیتهای مولد هدایت کنند.

چنان که معیار کلیدی در خصوص سلامت فعالیتهای نظام بانکی این است که منافع آن فراگیر باشد و به گروهی خاص محدود نگردد.

باید گفت، نه تنها نظام بانکی توفیق چندانی در راستای هدفهای مورد نظر در رابطه با معیارهایی که در بخش اول گفته شد نداشته است، بلکه برخی از بانکها با ارائه تسهیلات به افراد خاص، معضل گرانی را در بخش مسکن دو چندان نمودند.

ص: ۲۰۷

سیاست پولی نیز به عنوان یکی از انواع سیاستهای اقتصادی، عبارت است از:

«استفاده از ابزارهای پولی معین در جهت رسیدن به هدف های اقتصادی مشخص. و به عبارت دقیق تر، سیاست های پولی به مجموعه تدبیرها و تصمیم هایی اطلاق می شود که از طریق بانک مرکزی برای کنترل حجم پول و اعتبار گرفته می شود» (۱).

هدفهای سیاست پولی

اشاره

در باره هدفهای، بحثهای فراوانی صورت گرفته است. برخی مانند «موریسن»، هدفهای اقتصادی را در دو گروه مثبت و دفاعی، خلاصه کرده اند:

الف. هدفهای مثبت که به طور مستقیم مربوط به تأمین معاش و افزایش بهزیستی افراد جامعه می باشد؛ مانند تأمین رشد اقتصادی، بهبود بخشیدن در توزیع درآمدها و ثروتها، و تأمین اشتغال کامل و تخصیص مطلوب منابع.

ب. هدفهای دفاعی که مربوط به دفاع از وضعیت فعلی و ممانعت از احتمالات و تزلزلات مربوط به بهزیستی است؛ مانند دفاع از قدرت خرید پول و... (۲).

برخی مانند «پیگو» نیز گفته اند:

افزایش حجم تولید و درآمد جامعه، تنظیم و توزیع عادلانه آنها، به منزله هدف نهایی سیاست اقتصادی است. (۳)

گروه دیگری، مانند «تینبرگن» هدف را تأمین اشتغال کامل توأم با تعادل پولی و متضمن حداکثر درآمد و مصرف سرانه، تلقی می کنند. (۴)

در باره هدفهای سیاست پولی، اکثر منابع به چهار هدف کلی اشاره کرده اند. این هدفهای عبارتند از:

۱. تسریع رشد اقتصادی

نقش سیاست پولی را در این زمینه می توان در تشویق سرمایه گذاری خلاصه کرد. بدین

ص: ۲۰۸

۲- منتظر ظهور، محمود، اقتصاد خرد و کلان، ص ۱۳.

۳- همان.

۴- همان.

منظور، مقامهای پولی می توانند با ایجاد تسهیلات لازم در زمینه افزایش حجم پول و کاهش هزینه های سرمایه گذاری، روند افزایش سرمایه گذاری را سرعت ببخشند.

۲. ایجاد اشتغال کامل

یکی از مهمترین زمینه ها برای تحقق رشد و عدالت در جامعه، بالا بردن سطح اشتغال و ایجاد فرصتهای شغلی مناسب برای عموم افراد است.

۳. تثبیت سطح عمومی قیمتها

مقصود از تثبیت سطح عمومی قیمتها، ثابت نگه داشتن آن در یک سطح نیست، زیرا به طور معمول در اقتصاد، خیزش قیمتها با نرخ کم (دو تا سه درصد) سبب افزایش سرمایه گذاری و در نهایت گرایش اقتصاد به سمت اشتغال کامل و رسیدن به رشد اقتصادی می شود. افزایش بی رویه قیمتها اقتصاد را دچار اختلال و نابسامانی می کند؛ تا آنجا که اگر در برابر آن نسبت به جبران درآمد واقعی برخی از اقشار و طبقات جامعه چاره ای اندیشیده نشود، سبب ظلم به آنها شده، توزیع درآمد را به نفع طبقه ای خاص به هم می زند.

۴. ایجاد تعادل در تراز پرداختها

از جمله هدفهای سیاست پولی، ایجاد تعادل میان دریافتها و پرداختهای خارجی و تثبیت ارزش پول ملی است؛ زیرا هرگاه حساب تراز پرداختهای یک کشور به طور مداوم دچار کسری باشد، علاوه بر بروز اختلالهایی در متغیرهای درونی اقتصاد - مانند اثر بر روی سطح قیمتها - سبب کاهش و از بین رفتن اعتبار آن کشور و ایجاد مشکل در روابط تجاری با سایر کشورها شده، وابستگی اقتصادی را پدید می آورد.

کاهش نرخ سود تسهیلات بانکی

براساس مصوبه مجلس شورای اسلامی، دولت و بانک مرکزی موظفند ساز و کار تجهیز و تخصیص منابع بانکی را چنان سامان دهند که سود تسهیلات بانکی در عقود با بازدهی ثابت طی برنامه چهارم به گونه ای کاهش یابد که پیش از پایان برنامه، نرخ سود این گونه تسهیلات در همه بخشهای اقتصادی یک رقمی شود. شورای پول و اعتبار در اسفند ۱۳۸۴ نرخ سود را برای اجرا در سال ۱۳۸۵ برای همه بخشهای اقتصادی با ۲ واحد درصد کاهش، در سطح ۱۴٪ یکسان اعلام کرد؛ و برای بانکهای غیردولتی در جلسه ۲۷ اسفند

۱۳۸۴ شورای پول و اعتبار این نرخ به ۱۷٪ افزایش داده شد.^(۱)

پایین آوردن نرخ سود سبب افزایش سرمایه گذاری می شود. در دوران رکود، پایین آوردن نرخ سود عاملی است برای جذب کارفرمایان برای گرفتن وام و انجام سرمایه گذاری، همچنان که به عکس آن، در شرایطی که تورم در جامعه وجود دارد، با افزایش نرخ سود سعی در کاهش سرمایه گذاری شده تا از این طریق بتوان تورم را کنترل و شرایط ضد تورمی را به وجود آورد. بنابراین، در حالی که نرخ تسهیلات داده شده در شبکه غیربانکی و بازار غیررسمی پول و صدها صندوق و بنیاد اعتباری با بیش از دو برابر این نرخ داد و ستد می شود، پایین آوردن نرخ سود پیش از پایین آوردن نرخ تورم، با وجود انتظارهاست تورمی، جایی برای منطق اقتصادی ندارد.^(۲)

بدین جهت است که می بینیم یکی از مقامهای ارشد پولی کشور برای جبران ضرر بانکها در این رابطه می گوید:

«... یکی از کارکردهای نظام قرضی ما این است که نظام قرض الحسنه به عاملی برای تجهیز منابع ارزان قیمت بانکها تبدیل شده است تا بتواند بخشی از ضرر پرداخت یارانه یا عدم انجام عقود سرمایه گذاری را جبران کند».^(۳)

وی در توضیح شیوه کار بانکها در این رابطه می گوید:

«اگر بانکها در سال ۸۶ با نرخ ۱۶ تا ۱۸٪ سپرده گیری کردند و با نرخ ۱۲٪ تسهیلات دادند، راز این کار، وجود عقد قرض الحسنه منابع ارزان قیمتی بود که ضرر و زیان بانکها را جبران می کرد، ولی هدف قرض الحسنه این نیست که منابع ارزان قیمت را در اختیار بانکها قرار دهد».^(۴)

کارآمد نمودن بخش خصوصی

«دولت باید تلاش جدی کند با کارآمد نمودن بخش خصوصی، براساس اصل ۴۵

ص: ۲۱۰

۱- ر.ک: قدیری اصلی، باقر، نگاهی به سیاستهای اقتصادی دولت، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۳۱-۲۳۲، ص ۱۵۰.

۲- همان.

۳- مظاهری، طهماسب، این سه مسئله حیاتی، روزنامه جام جم، ۱۷/۱/۱۳۸۷، ص ۴.

۴- همان.

قانون اساسی، که انفال و ثروتهای عمومی را در اختیار نظام اسلامی قرار داده است، در راستای مصالح عمومی مورد استفاده قرار داده شود در اختیار بخش خصوصی قرار دهد»^(۱).

در اصل ۴۳ همین قانون از جمله مصداقهای مصالح عمومی، تأمین زمینه ها و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی است که توانایی انجام کار را دارند؛ ولی وسایل کار ندارند. بر این اساس، دولت می تواند زمینهای موات، معادن و... را در اختیار بخش خصوصی قرار دهد تا با کار بر روی آن، زمینه اشتغال فراهم گردد و رشد و توسعه اقتصادی پدید آید.^(۲)

آنچه در اصل ۴۳ حایز اهمیت است و در راستای تحقق عدالت اجتماعی و پیشگیری از بروز و ایجاد شکاف طبقاتی نقش اساسی دارد، وجود دو قیدی است که در این اصل ذکر شده است، که عبارتند از:

۱. تأمین زمینه ها و امکانات کار نباید به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه های خاص منتهی شود؛

۲. دولت نباید به صورت کارفرمای بزرگ مطلق در آید.^(۳)

بنابراین، باید با دقت تعیین شود که مالکیت بخش دولتی در کشور تا چه حد باید محدود شود. آیا تمام صنایع موجود باید از دست دولت بیرون آید و در بورس اوراق بهادار به بخش خصوصی واگذار شود یا به بخش خصوصی اجازه داده شود تا صنایع بزرگ ایجاد کند؟ بی تردید، بخشهای بزرگ اقتصادی که انحصار طبیعی دارد، سود بسیاری را نصیب صاحبان آن می کند و واگذاری آن، زمینه تداول و تمرکز ثروت را فراهم می سازد. بدین جهت، مناسب است از روش واگذاری مدیریت بدون انتقال مالکیت استفاده شود. در واقع، مالکیت عمومی بر شرکتهای دولتی حفظ، ولی اداره و مدیریت آن به مدیران با کفایت واگذار شود و دولت با حذف یارانه های آشکار و پنهان، اجاره و سهم مالکانه خود را افزون بر مالیات دریافت کند. البته، برخی از مواردی که در بخش دولتی اصل ۴۴ آمده است، سودآوری فراوانی دارد و هیچ گاه زیانده نیست. مانند بازرگانی

ص: ۲۱۱

۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، ص ۴۱.

۲- همان، ص ۳۹.

۳- همان.

ب) اصلاح بازار کار

اشاره

بازار کار، یکی از بازارهای مهم چهارگانه در اقتصاد دارای دو مؤلفه اصلی عرضه و تقاضای نیروی کار است.

آنچه مسلم است، عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار، در بازار کار، نمود بارزی از عملکرد نامناسب نهادهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی است. لذا بسیاری از صاحب نظران اقتصادی بر این باورند که افزایش میزان تولید ملی، ارتقاء سطح زندگی مردم، و افزایش فرصتهای شغلی به همان اندازه که تابع متغیرهای اقتصادی استراتژیک چون پس انداز سرمایه گذاری، تولید، قیمت عوامل و نرخ ارز است تحت تأثیر ارزشها، باورها، انگیزه ها، نیز هست.

تأثیر این موضوع به قدری است که به عنوان نمونه بخش خدمات با همه اهمیت که در بخش اشتغال زایی و افزایش درآمد ملی دارد به جهت برداشت نامناسب از آن نتوانسته نقش اساسی خود را در اقتصاد کشور ایفا نماید. همچنین تأثیر باورها نسبت به نوع شغل در پایگاه اجتماعی افراد به همراه برخی دیگر از عوامل سبب شدم بین مهارتها و شغل افراد در موارد بسیاری تطابق وجود نداشته باشد. در نتیجه ناکارآمدی در بازار کار دو چندان شود.

توجه به تطابق شغل با مهارتهای تحصیلی

در نظام تخصیص منابع ایران همانند بسیاری از کشورها، حجم زیادی از منابع به سرمایه گذاری انسانی اختصاص یافته و شاخص های توسعه منابع انسانی طی چند دهه گذشته، رشد قابل ملاحظه ای را تجربه کرده اند. با این حال، دو مقوله و روند ناسازگار در حال گسترش است:

اول، دستیابی به توسعه علیرغم انباشت حجم عظیمی از سرمایه انسانی، همچنان به

ص: ۲۱۲

۱- رضایی، مجید، احیای نظام خراج در واگذاری مدیریت شرکت های دولتی به بخش خصوصی، اقتصاد اسلامی، ش ۱۵، ص ۸۹.

عنوان یک خواسته اساسی مطرح است و برای حصول به آن، توسعه منابع انسانی با عنایت به آموزش همچنان مورد تأکید قرار دارد، لذا به نظر می رسد انباشت سرمایه انسانی اثر بخشی لازم را نداشته است.

دوم، بروز مسائلی از قبیل بیکاری فارغ التحصیلان در پیش روی سیاستگذاران قرار دارد که خود به یک معضل اساسی تبدیل شده است. این روند، پارادوکس کمبود نیروی متخصص (برای دستیابی به توسعه) و بیکاری فارغ التحصیلان دانشگاهی را شکل داده است. (۱)

بنابر این، زمانی که توسعه ظرفیتهای انسانی از طریق سرمایه گذاری آموزشی به بهترین وجه انجام شود، اما افراد آموزش دیده به هر دلیلی، وارد بازار کار نشوند عملاً این بخش از تخصص ها در فرایند رشد و توسعه قرار نخواهد گرفت، و از لحاظ رویکرد توسعه منابع انسانی، ظرفیت های ایجاد شده غیر ثمر بخش خواهند بود.

همچنانکه ممکن است نیروی انسانی مطابق برنامه های تدوین شده، آموزشهای لازم را بند و پس از فارغ التحصیلی به فعالیت و حرفه مورد نظر و منطبق بر رشته تحصیلی و تخصص کسب شده، جذب کار شوند، اما چنانچه انگیزه های لازم و ساختارهای مناسب که نیروهای انسانی را وادار به استفاده مؤثر از تخصص ها نمایند، وجود نداشته باشد، در عمل بخشی از مهارتها و تخصص های ایجاد شده، بلا استفاده باقی خواهد ماند.

همچنین، زمانی که بین مهارتهای به دست آمده و زمینه کاری تطابق مناسبی برقرار نباشد مهارتها و تخصص های بدست آمده تأثیر مناسبی بر رشد بهره وری و توسعه نخواهد گذاشت.

اصلاح باورها نسبت به کار و شغل

با توجه به آنچه گفته شد ضرورت جدی دارد که نسبت به اصلاح برداشتها و باورها در

ص: ۲۱۳

۱- نادری، ابوالقاسم، پارادوکس کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان، ماهنامه کار و جامعه، ش ۷۶-۷۵، ص ۵.

رابطه کار و شغل در قالب کار فرهنگی تلاش مستمر صورت گیرد، تا به مرور بتوان ارتباط تنگاتنگ بین کار و پایگاه اجتماعی را در صورت ممکن حذف و یا حداقل بسیار کم رنگ نمود.

اصلاح برداشتها از بخش خدمات

در فرهنگ جامعه ما تعبیر درستی از خدمات وجود ندارد و بخش خدمات به اشتباه در مقابل بخش تولید قرار داده می شود. به عبارت دیگر، عموماً، ایجاد خدمت یک فعالیت غیر تولیدی و غیراقتصادی تلقی می شود.

به دلیل همین ذهنیت منفی، معمولاً، خدمات را متضمن دلال بازی و سوء استفاده از شرایط موجود و کسب سودهای کلان و باد آورده، بدون انجام فعالیت و سرمایه گذاری می دانند. در حالی که بخش خدمات شامل طیف وسیعی از فعالیتهای اقتصادی است که اساس و پایه رفاه و توسعه را در جامعه تشکیل می دهد.

نقش خدمات در فرایند تولید و اشتغال

توسعه اشتغال و ایجاد فرصتهای شغلی، متناسب با افزایش عرضه نیروی کار، همچنانکه گذشت یک ضرورت غیرقابل انکار، در اقتصاد ایران، به حساب می آید، که نیازمند سرمایه گذاری در بخشهایی است که به سرعت بتواند به این نیاز پاسخ داده و هزینه ایجاد بک فرصت شغلی در آن بخش نیز، به نسبت، کمتر از دیگر بخشهای اقتصادی باشد.

تجربه کشورهای که توانسته اند به وضعیت اشتغال در کشور خود سر و سامانی بدهند و آن را در حال نسبتاً مطلوبی نگه دارند، نشان از آن دارد که بیشترین سهم در زمینه اشتغال را بخش خدمات، در مقابل بخش صنعت و کشاورزی، به خود اختصاص داده است.

اما در کشور ما، عمدتاً به دلیل نگرش منفی که نسبت به بخش خدمات وجود داشته و دارد، و نوع آن را در فعالیتهای واسطه گری و دلالی دیده و می بیند، نتوانسته جایگاه واقعی خود را در اقتصاد به دست آورد.

در حالی که نباید خدمات در برابر تولید قرار گیرد، بلکه خدمت در مقابل کالا است. از

این رو ارزش افزوده در بخش خدمات به میزان ارزش افزوده در بخش صنعت و کشاورزی حائز اهمیت است. بر این اساس لازم است برای توسعه اشتغال در برنامه ریزیهای خرد و کلان کشور به این بخش توجه خاصی معطوف گردد.

برای بررسی و تحلیل بخش خدمات ابتدا باید واژه خدمات تعریف گردد و مشکل از همین جا آغاز می گردد، زیرا ارائه یک تعریف جامع و مانع از خدمت، کاری بسیار مشکل و شاید غیرممکن باشد. از قدیم الایام بنگاهی که محصول آن غیر مرئی و غیر ملموس بود، به عنوان یک بنگاه خدماتی شناخته می شد و به همین جهت تعریف خدمات را در مقابل تعریف کالا قرار می دادند. همچنان که گذشت در فرهنگ جامعه ما تعبیر درستی از خدمات وجود ندارد و بخش خدمات در مقابل بخش تولید قرار داده می شود. از این رو، ایجاد خدمت یک فعالیت غیر تولیدی و غیراقتصادی تلقی می شود.

به دلیل همین ذهنیت منفی، معمولاً، خدمات را متضمن دلال بازی و سوء استفاده از شرایط موجود و کسب سودهای کلان و باد آورده، بدون انجام فعالیت و سرمایه گذاری، می دانند. در حالی که بخش خدمات شامل طیف وسیعی از فعالیتهای اقتصادی است که اساس و پایه رفاه و توسعه را در جامعه تشکیل می دهد.

امروزه نمی توان جامعه ای را تصور نمود که بدون آموزش، بهداشت، بیمه، حمل و نقل، ارتباطات و مخابرات به حیات خود ادامه دهد.

ویژگیهای خدمات

معمولاً بنگاههای اقتصادی را در یک دسته بندی کلی به دو گروه تولید کننده کالا و ایجاد کننده خدمات تقسیم می کنند و بنگاه خدماتی به بنگاهی اطلاق می شود که محصول آن به صورت کالای غیرمشهود و غیر ملموس باشد. آنچه مسلم است خدمات ماهیتی متفاوت از کالاها دارند. گرچه در محاسبات تولید ناخالص ملی و درآمد ملی، تولید یک واحد پولی از کالا و یا به عبارت دیگر خدمات و یا ایجاد یک واحد ارزش افزوده، توسط بنگاه تولید کننده کالا و یا ایجاد کننده خدمت، دقیقاً به یک اندازه، تولید ملی و درآمد

ملی را تحت تأثیر قرار می دهد.

وجوه تمایز کالا و خدمات معمولاً در موارد زیر عنوان می شود:

- خدمات جنبه غیر فیزیکی دارند.

- خدمات قابلیت ذخیره شدن ندارند.

- خدمات از ذینفع آن قابل جدا شدن نیست و نمی تواند مورد خرید و فروش مجدد قرار گیرد.

- خدمات قابل لمس نیستند.

- خدمات قابل مشاهده نیستند.

- بین تولید خدمات و مصرف آن فاصله زمانی وجود ندارد. یعنی برعکس کالاهای خدمات در لحظه ی تولید به مصرف می رسند.

تفاوتهای دیگری نیز بیان می شود که از اهمیت کمتری برخوردار است. در حسابداری درآمد ملی خدمات طبقه بندی و به زیربخشهای متعددی تقسیم می شود و ارزش تولید هر زیربخش، به طور جداگانه، محاسبه و منظور می گردد. روش دیگر در محاسبه ارزش تولید بخش خدمات آن است که پس از محاسبه ارزش تولید بخشهای کشاورزی و صنعت فعالیتها را که امکان دسته بندی آنها در دو بخش فوق الذکر وجود ندارد در بخش خدمات منظور می دارند. به هر حال ارائه یک تعریف جامع و مانع از خدمات و ترسیم یک مرزبندی دقیق بین کالا و خدمات تقریباً غیرممکن است، گرچه این مطلب از اهمیت اقتصادی بخش خدمات نمی کاهد.

خدمات در حسابداری اقتصادی ملی

در تقسیم بندی فعالیتهای اقتصادی در بخشهای سه گانه کشاورزی، صنعت و خدمات، به دلیل گستردگی و تنوع فعالیتها در بخش خدمات، این بخش به زیربخشهای متفاوتی تقسیم می شود. در این قسمت مینای طبقه بندی و زیربخشهای عنوان شده برای بخش خدمات تقسیم بندی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در محاسبه حسابهای مالی و به شرح

مذکور در ذیل می باشد. ابتدا لازم است باد آوری شود که بانک مرکزی خدمات را این گونه تعریف کرده است:

خدمات در واقع کالای غیر قابل لمس است؛ نظیر خدمات بهداشتی، آموزشی، حمل و نقل، و استفاده از مسکن

(۱) بازرگانی، رستوران و هتل داری این بخش طیف وسیعی از فعالیتها را در بر گرفته و شامل موارد زیر می باشد:

۱-۱) بازرگانی داخلی، که فعالیت کارگاههای بازرگانی شامل عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایط نقلیه، کالاهای شخصی و خانگی را شامل می شود.

۱-۲) بازرگانی خارجی، که مبادلات بازرگانی، سایر کشورها و فعالیتهای مربوط به صادرات و واردات را در بر می گیرد.

۱ - ۳) رستوران و هتل داری که امور مربوط به تأسیسات و فعالیت کلیه کارگاههایی که به امر فروش نوشابه و اغذیه آماده برای مصرف نهایی و خدماتی نظیر تدارک اتاقهای کرایه ای با تسهیلات لازم را ارائه می نمایند.

۲) حمل و نقل، انبارداری و ارتباطات

این بخش شامل کلیه فعالیت های مربوط به جابجایی مسافر و کالا، نگهداری انبارها و سردخانه ها، اعم از خصوصی و فعالیت ارتباطات مربوط به پست، تلگراف و تلفن و مخابرات را شامل می شود.

۲ - ۱) حمل و نقل زمینی، شامل کلیه فعالیتهای حمل و نقل از طریق شبکه های راه آهن و مسیرهای شوسه و جاده ها و سایر امور مربوطه می باشد.

۲ - ۲) حمل و نقل آبی، که امور مربوط به بنادر و کشتیرانی را در بر می گیرد.

۲ - ۳) حمل و نقل هوایی، شامل کلیه فعالیتهای مربوط به امور فرودگاهها و نقل و انتقال مسافر و بار توسط هواپیما و ارائه خدمات مربوط به آن می باشد.

۲ - ۴) انبارداری، شامل فعالیتهای مربوط به نگهداری کالاها در انبارها و سردخانه های

کشور می باشد.

۲-۵) ارتباطات، که در بر گیرنده امور مربوط به پست و مخابرات و زیربخشهای آنهاست.

۳) خدمات مؤسسات مالی

بنا به تعریف سیستم حسابهای مالی سازمان ملل متحد، خدمات مؤسسات مالی، مشتمل بر خدمات حاصل از فعالیت بانکها، مؤسسات اعتباری غیربانکی نظیر شرکتهای پس انداز و وام مؤسسات اعتباری و شرکتهای سرمایه گذاری، امانی است. بر این اساس فعالیت کلیه مؤسسات و شرکتهایی که به گونه ای به امر واسطه گری مالی بین عرضه کنندگان وجوه و تقاضا کنندگان پول و سرمایه اشتغال دارند، در چارچوب این تعریف قرار می گیرد. در نظام حسابداری اقتصادی کشور خدمات مؤسسات مالی از زیر بخشهای زیر تشکیل شده است:

۳-۱) پول و بانک، شامل کلیه فعالیتهای انجام شده توسط شبکه بانکی و دیگر مؤسسات دولتی و غیردولتی ارائه دهنده مشابه بانکی می باشد.

۳-۲) بیمه، که امور مربوط به تضمین و جبران خسارت در کلیه زمینه های بیمه ای را در بر می گیرد.

۳-۳) بورس با بخشی از بازار سرمایه، که مبادلات مربوط به سهام شرکتهای و امور مشابه را شامل می شود.

۳-۴) سایر فعالیتهای مالی

۴) خدمات مستغلات و خدمات حرفه ای و تخصصی

این بخش شامل موارد زیر است:

۴-۱) مستغلات، شامل واحدهای مسکونی، واحدهای غیر مسکونی و خدمات دلالت مستغلات می باشد.

۴-۲) خدمات حرفه ای و تخصصی، شامل فعالیتهای خدماتی، از قبیل خدمات حقوقی،

ص: ۲۱۸

خدمات و کلای دادگستری، خدمات دفاتر اسناد رسمی، خدمات دفترداری و حسابداری، خدمات ارزی، خدمات تبلیغاتی و تجاری و خدمات کرایه ماشین آلات و وسایل می باشد.

۵) خدمات عمومی

در حسابهای ملی ایران خدمات عمومی شامل سه مجموعه فعالیت خدماتی، در سطوح مذکور در ذیل می باشد

۵-۱) خدمات دولت مرکزی، شامل فعالیتهای جاری کلیه وزارتخانه ها، بنگاههای دولتی و سازمانهای وابسته به دولت که در درآمد و هزینه آنها در بودجه عمومی کشور منظور و تأمین مالی فعالیتهای آنها از طریق خزانه داری کل صورت می گیرد.

۵-۲) خدمات دولتهای محلی، که در سیستم حسابهای ملی ایران عموماً خدمات شهرداریها است.

۵-۳) خدمات سازمان تأمین اجتماعی.

۶) خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی

خدمات اجتماعی، شخصی و خانگی شامل موارد زیر می شود:

۶-۱) خدمات اجتماعی شامل موارد شش گانه زیر می شود:

- خدمات آموزشی خصوصی؛

خدمات بهداشتی و درمانی خصوصی؛

خدمات مؤسسات تحقیقاتی و علمی؛

-خدمات خیریه و مذهبی؛

- خدمات تفریحی؛

- خدمات انجمن های حرفه ای و کارگری.

۷) خدمات شخصی و خانگی

خدمات شخصی و خانگی، شامل طیف وسیعی از فعالیتهای خدماتی بخش خصوصی است؛ از قبیل خدمات تعمیری، خدمات لباسشویی ها، گرمابه های آرایشگاهها، عکاسی های،

خدمات متفرقه شخصی و خدمات خدمتگزاران منازل و... این خدمات در قالب کد دو رقمی ۹۵ طبقه بندی ISIC می باشد.

اهمیت بخش خدمات در تولید ناخالص داخلی و اشتغال

به طوری که در طبقه بندی فرق ملا-حظه می گردد، خدمات بخش وسیعی از فعالیتهای اقتصادی را در بر گرفته و نقش قابل ملا-حظه ای در حسابهای ملی هر کشور به عهده دارد خدمات در واقع تسهیل کننده بسیاری از فعالیتهای اقتصادی است. خدماتی همچون حمل و نقل، ارتباطات و خدمات مالی، پشتیبانی لازم را برای هر گونه کسب و کار فراهم می سازد. خدمات حرفه ای، زمینه های کارشناسی و تخصصی لازم برای افزایش تولید، بالابردن کیفیت و رقابت پذیری بهتر واحدهای تولیدی را میسر می سازد. خدمات آموزشی، بهداشتی و تفریحی، کیفیت کار و تولید را تحت تأثیر قرار می دهد.

در دنیای جدید و اقتصاد پویای جهانی می توان گفت که نقش بخش خدمات در فرآیند جهانی شدن بیش از سایر بخشها بوده و متقابلاً تحت تأثیر جهانی شدن، تحولات اساسی در این بخش به وقوع پیوسته است. از بین انواع مختلف خدمات، خدمات اطلاعاتی و ارتباطاتی IT و ICT همچون بزرگراهی است که بخش وسیعی از فعالیتهای اقتصادی از طریق آن امکان پذیر می گردد. تغییرات تکنولوژیکی که در خصوص نظامهای اطلاع رسانی و ارتباطات پیش آمده، به این بخش اهمیت فراوانی داده است. بسیاری از خدماتی که غیرقابل مبادله تصور می شدند، هم اکنون، در مقیاس بین الملل مورد مبادله قرار می گیرند و دسترسی سریع و قابل اتکا به فناوری های نوین اطلاعاتی به افزایش کارایی و بهره وری و در نتیجه رشد و توسعه بخشهای اقتصادی انجامیده و ضمن کاهش هزینه ها و افزایش درآمد حاصل از فعالیتهای اقتصادی زمینهای مناسب برای سرمایه گذاری مجدد و افزایش اشتغال را فراهم ساخته است.

نوع مهم و تأثیر گذار دیگری که امروزه در بخش خدمات به آن توجه بیشتری مبذول شده، خدمات آموزشی است که در تأمین نیروی انسانی ماهر مورد نیاز بخشهای

مختلف اقتصادی نقش برجسته ای را برعهده گرفته است. در روند رقابت بین الملل تنها ارزان تر تولید کردن مزیت نیست، بلکه تولید کالای ارزان با کیفیت مناسب اهمیت یافته است. از این جهت نیروی کار ارزان هنگامی اهمیت می باید که از آموزش مناسب نیز برخوردار باشد. از این جهت اقتصادهای موفق جدید را اقتصادهای دانایی محور عنوان می کنند.

بخش خدمات، به دلیل گسترش بیش از حد، در آمارهای حسابداری اقتصاد ملی، در زمینه تولید و اشتغال، گوی سبقت را از سایر بخشها ربوده و در هر دو زمینه سهم بیشتری را از آن خود ساخته است.

یکی از گزارشهای آماری اونکتاد، ساختار بخشی اقتصاد جهان را به تفکیک کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، در بیست ساله اخیر، در جدول ذیل نشان داده است.

درصد تولید ناخالص داخلی تولید شده در بخشهای مختلف (سال ۱۹۹۵) (۱)

از کشورهای توسعه یافت - کشورهای در حال توسعه

عکس جدول

به طوری که ملاحظه می شود، در هر دو گروه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، کشاورزی کمترین نقش و خدمات بیشترین سهم را در تولید ناخالص داخلی به عهده داشته است.

ص: ۲۲۱

بنابراین، با توجه به اهمیت بخش خدمات، از دیدگاه اشتغال زایی، لازم است که در برنامه ریزیهای کوتاه مدت و بلند مدت کشور و به ویژه در تدوین برنامه عمرانی کشور، توجه خاص به این بخش معطوف گردد. در واقع حل معضل بیکاری مستلزم عنایتی خاص به بخش خدمات به ویژه خدمات اطلاعاتی، ارتباطی و آموزشی است تا بتوان در عرصه تولید خدمت، خدماتی قابل رقابت در عرصه بین الملل ارائه نمود.

(ج) بازار تولید

ایجاد ساز و کار لازم در بازار برای تولید توازن

اشاره

از جمله مشکلات نظام بازار آن است که رقابت به انگیزه نفع شخصی و بدون توجه به ارزشهای اخلاقی، فقر و نابرابری را می افزاید. در واقع بازار مولد بی عدالتی است. از این رو، دولتها به ناچار باید این نقیصه را جبران کنند. هزینه جبران این بی عدالتی های پدید آمده به سبب بازار، بی تردید بر شانه دولتها سنگینی می کند، و بر کسری بودجه آنها می افزاید و آنها را در دام استقراض گرفتار خواهد نمود.

برای رفع این نقص به نظر می آید دو کار باید انجام شود:

(۱) تلاش برای ایجاد رقابت سالم

آنچه که بازار را در این جهت می تواند باری دهد تعدیل انگیزه نفع شخصی به وسیله ارزشهای اخلاقی مورد نظر اسلام است، که در این صورت به جای رقابت ناسالم، رقابت سالم به وجود خواهد آمد و این هنگامی میسر است که ارزشهای اسلامی در باور افراد شکل گرفته، و به میدان عمل نیز کشیده شود. این امر خود نیازمند تقویت و ترویج روح ایمان در افراد و ساختار جامعه است.

(۲) ترویج تعاون و مشارکت

اشاره

اسلام، مسلمانان را برادر یکدیگر قرار داده و بر این اساس، تضاد منافع را تبدیل به اشتراک منافع و همدلی و همیاری نموده است. در این نظام، انسانها اعضای یک پیکر

اصل تعاون، بیانگر مسئولیت افراد و بنگاهها در فعالیت های اقتصادی نسبت به یکدیگر است. بر مبنای این مسئولیت، آنان نه تنها موجبات ورشکستگی بنگاههای دیگر را فراهم نمی کنند، بلکه داوطلبانه با کمک رسانی و واگذاری فرصتهای رشد اقتصادی به یکدیگر از ورشکستگی و سقوط آنها جلوگیری می کنند.

اهمیت تعاون در قانون اساسی

بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران جایگاه رفیع و ارزشمندی دارد. قانون گذار، بخش تعاون را یکی از روشهای مهم رسیدن به مرحله رشد اقتصادی قرار داده و راه رسیدن به اشتغال کامل و توزیع عادلانه امکانات و وسائل کار و تولید را گسترش بخش تعاونی معرفی کرده است.

قانون گذار در فصل چهارم و در بخش اقتصاد و امور مالی، دو هدف اصلی و یک هدف فرعی یا متوسط برای نظام جمهوری اسلامی تعریف کرده است. این سه هدف عبارتند از:

(۱) عدالت اقتصادی، یعنی محرومیت زدایی، فقرزدایی و توزیع عادلانه ثروت و درآمد در جامعه.

(۲) استقلال اقتصادی که هم از اهداف اصلی است و هم زمینه ساز تحقق عدالت اقتصادی است.

(۳) رشد اقتصادی و رفع نیازهای مادی انسانهاست. این هدف فرعی است بدان معنا که رشد اقتصاد بدون تحقق عدالت و استقلال همه جانبه کشور مورد تأیید اسلام نیست.

دو دغدغه عمده در ذهن قانون گذار سبب شده است که به صراحت این اهداف را که برگرفته از آموزه های دینی در اقتصاد است، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بگنجاند. آن دو دغدغه عبارت بودند از:

ص: ۲۲۳

۱) نتایج سالها فعالیت اقتصاد سرمایه داری در بخش عمده ای از جهان، گسترش فقر، بی عدالتی، تمرکز ثروت در دست عده ای اندک، از بین رفتن معنویت و اخلاق انسانی و کرامت و شخصیت انسانی انسان و خلاصه حاکمیت سرمایه بر جامعه بوده است.

۲) حاکمیت نظام اقتصادی سوسیالیستی در بخش دیگری از جهان نیز آثار منفی چون تبدیل شدن دولت به انحصارگر مطلق و زیر پا گذاشتن همه کمالات و غرایز انسانی که نتایجی به مراتب بدتر از نتایج سرمایه داری لیبرال را داشته است.

قانون گذار در پرتو آموزه های اسلام و برای جلوگیری از تحقق نتایج غیر انسانی پیش گفته در ایران اسلامی، اهداف مذکور را برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به صراحت اعلام و راه هایی را برای تحقق آن پیش بینی و ارائه کرده است. یکی از راههای عمده ای که قانون مطرح کرده، گسترش تعاون و تشکیل تعاونی هاست. بدین منظور در بند (۲) اصل چهل و سوم گفته است که یکی از راههای رسیدن به این اهداف این است:

تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند؛ ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره با هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای

بزرگ مطلق در آورد. (۱)

بنابراین، از دیدگاه قانون گذار، اهمیت تعاون در اقتصاد جمهوری اسلامی از این جهت بوده که عامل و ابزاری برای رسیدن به رشد پایدار، همراه با حفظ کرامت و منزلت انسانی افراد و همچنین تحقق عدالت اقتصادی تلقی شده است.

این ویژگی سبب شد که قانونگذار در اصل چهل و چهارم همین قانون تعاون را به صورت بخش مستقل اقتصادی در کنار دو بخش دیگر (بخش خصوصی و بخش عمومی) پذیرفته و بدان اجازه فعالیت بدهد. در این اصل آمده است:

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با

ص: ۲۲۴

برنامه ریزی منظم و صحیح استوار است. (۱)

از این اصل چنین استفاده می شود که به لحاظ اهمیت بخش تعاون، باید به موازات رشد و گسترش دو بخش دیگر، این بخش نیز توسعه یابد. وظیفه برنامه ریزان اقتصادی است که در برنامه ریزی خود و توزیع امکانات و بودجه ملی، هر سه بخش را در حد نیاز و در جایگاه هر یک در اقتصاد جمهوری اسلامی، مورد توجه قرار دهند، در حالی که این مسأله تاکنون اتفاق نیفتاده است و به رغم تشکیل وزارتخانه ای مستقل برای تصدی امر تعاون، تصمیم جدی بر گسترش تعاون گرفته نشده است. (۲)

بهره گیری از سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی

تحقق اهداف چشم انداز بیست ساله کشور همان گونه که گذشت با حضور و مشارکت تمامی بخشهای اقتصادی اعم از دولتی، خصوصی و تعاونی امکان پذیر است این امر در سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی به خوبی مد نظر قرار گرفته که با تهیه و تدوین روشهای اجرایی آن، بستر مناسبی را جهت افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی با بهره گیری از پتانسیل موجود در سیاستهای اصل ۴۴ می توان فراهم نمود. زیرا تصویب و ابلاغ این سیاستها، در حقیقت نوعی انقلاب و دگرگونی و تغییر بنیادین را در اقتصاد کشور به وجود خواهد آورد که در پی آن تغییرات ساختاری، فرهنگی و تکنولوژیکی را به همراه خواهد داشت با توجه به این پتانسیل موجود در این اصل است که رهبری فرمودند:

اگر سیاستهای اصل ۴۴، در همان چارچوبی که تبیین شده اجرا شود قطعاً مکمل اقتصاد عدالت محور خواهد بود. (۳)

راهبردهای عملی جهت تحقق اصل ۴۴

برخی از راهبردهای عملی برای اجرای این اصل را می توان این گونه برشمرد:

ص: ۲۲۵

۱- همان ، ۴۱.

۲- سبحانی ، مجله تعاون ، ش ۵۴

۳- مقام معظم رهبری ، در دیداری با دانشجویان ۱۶ / ۵ / ۱۳۹۱.

- دست اندرکاران و نهادهای مجری این اصل باید در جهت ایجاد یک عزم ملی و جلب حمایت عمومی به هر طریق ممکن تلاش و کوشش کنند.

یکی از کارهایی که برای جلب نظر حمایت عمومی به نظر ضروری می آید تبیین مبانی ارزشی این اصل و مغایرت آن با سرمایه داری در نظام سرمایه داری است در راستای تبیین همین امر است که مقام معظم رهبری با صراحت فرمودند:

اگر سیاستهای اصل ۴۴، آن گونه که تبیین شد، اجرا شود قطعاً به سرمایه داری در تصمیمات کلان کشور منتهی نخواهد شد. (۱)

- قوانین و مقرراتی را که به نظر شان مانع انجام کار می شود را شناسایی و در رفع و حذف آن از مجاری قانونی اقدام لازم را به عمل آورند.

- قوانین و مقرراتی را که سبب بهبود، تسهیل و روان سازی برای اجرای این اصل می شود تدوین و تصویب و مراجع ذیربط ابلاغ نمایند.

- مراقبت و دقت در اجرای این قانون و پرهیز از شتاب زدگی.

زیرا به تعبیر مقام معظم رهبری اگر در این مسأله مراقبت نشود نتیجه معکوس خواهد داد، از این رو ایشان با هشدار به مسئولین امر می فرماید:

افرادی با دور زدن قانون، برخی کارخانه ها را می خرنند و بعد هم با فروش تجهیزات و زمین آن به میلیاردها آلف و الوف می رسد و در نهایت کارگران کارخانه بیکار

می شوند، لذا همه مسئولان باید مراقب باشند. (۲)

خلاصه اینکه، انجام اصلاحات اقتصادی بر مبنای اصل ۴۴ قانون اساسی باید به گونه ای صورت پذیرد که انعطاف پذیری بازارها را افزایش داده و عوامل کارآمدی را در آنها تقویت کند.

ص: ۲۲۶

۱- همان.

۲- مقام معظم رهبری در دیدار با کارگران ۱۳۸۹ / ۲ / ۹

رشد تولید ناخالص داخلی

توجه بیشتر به بازارهای داخلی، به همراه رعایت استانداردهای لازم در جهت مرغوبیت و داشتن کیفیت مطلوب کالاها و خدمات، عاملی است که بنگاهها را به افزایش سرمایه گذاری ترغیب کرده و زمانی که این مسئله با افزایش تقاضای داخلی همراه گردد، دو مؤلفه بسیار مهم در اتحاد درآمد ملی یعنی مصرف و سرمایه گذاری رونق گرفته، در نتیجه سبب رشد تولید ناخالص داخلی خواهد گردید.

افزایش سرمایه گذاری

گسترش بازار داخلی و دسترسی مصرف کنندگان به تولیدات بیشتر و متنوع تر با رعایت استانداردهای لازم با ثابت بودن سایر شرایط، از یک سو، سبب افزایش مصرف سرانه می گردد که خود نمایان گر افزایش رفاه اجتماعی است. و از دیگر سو، انگیزه و محرک قوی است برای واداشتن بنگاههای تولیدی را در جهت افزایش سطح فعالیت تولیدی خود که منجر به افزایش سرمایه گذاری و به کار گیری سرمایه ها در مسیر تولید و در نتیجه افزایش اشتغال و در نهایت بالا رفتن و افزایش توان ملی را در پی خواهد داشت.

ارتقاء سطح بهره وری

همچنین توسعه و گسترش بازارهای داخلی سبب توسعه و گسترش بنگاههای تولیدی را در داخل کشور به همراه دارد که این امر باعث افزایش رقابت در بین این بنگاهها را فراهم می سازد در که این امر می تواند تأثیر به سزایی در افزایش و ارتقاء سطح بهره وری و کارایی اقتصادی را داشته باشد تردیدی وجود ندارد. زیرا رقابت سبب می گردد تا رخوت مدیریتی که به دلیل قدرت انحصاری به وجود آمده، از بین رفت و با حداقل کاهش یابد انگیزه برای بهبود کارایی از طریق نوآوری در محصول و فرایند تولیدی ایجاد شود.

از آنجا که وجود رقابت در بنگاههای تولیدی از یک سو، سبب افزایش کیفیت کالاها و خدمات تولیدی گردیده، و از دیگر سو، عاملی است برای ارتقاء و افزایش بهره وری که این امر باعث کاهش هزینه های تولیدی بنگاه گردیده و راه را برای حضور حتی در بازارهای جهانی می گشاید.

بهبود توزیع درآمدی

زمانی که این امکان به وجود آید که با خلق بازارهای جدید محصولات تولیدی و یا با گسترش بازارهای موجود داخلی، بازار اشتغال رونق بگیرد و بیکاری که خود یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در افزایش شکاف درآمدی است کاهش یابد به طور طبیعی نابرابری در درآمدها کاهش یافته و درآمدها به سمت بهبود توزیع درآمدی پیش خواهد رفت. این مسئله خود از دو سو می تواند افزایش تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی را در پی داشته باشد. از یک سو، صاحبان درآمد جدید که از متقاضیان جدید در بازار به شمار می آیند با ورودشان به بازار مصرف، بازار با افزایش تقاضای داخلی همراه خواهد شد که این امر مانع رکود، و باعث افزایش تولید می گردد. از دیگر سو، افزایش تقاضا در بازار مصرف و در پی آن افزایش تولید، افزایش تقاضا برای سرمایه را در پی خواهد داشت در نتیجه رونق در بازار سرمایه را نیز فراهم خواهد کرد.

اهمیت بخش کشاورزی در توسعه بازار

اهمیت ابعاد منطقه ای و بین المللی کشاورزی در ایران مطلب غیرقابل انکاری است. جایگاه ویژه ایران در اقتصاد خاورمیانه به ما امکانات فراوانی در خصوص صدور محصولات و صنایع کشاورزی به کشورهای عربی، آفریقایی و جمهوریهای تازه به استقلال رسیده اتحاد جماهیر شوروی سابق ارزانی می دارد که غفلت از آنها نه تنها ما را از مداخله فعال در تجارت بین المللی محروم خواهد کرد، بلکه یکی از راههای اصلی خروج ما را از اقتصاد نفت پایه و گسترش صادرات غیرنفتی را مسدود خواهد کرد.

پیش‌گیری از مهاجرت

بررسیها نشان می‌دهد که عوامل اقتصادی، از عمده علل اصلی مهاجرت‌هاست، انگیزه‌های اقتصادی در دو زمینه جستجو برای کار و کسب درآمد بیشتر خلاصه می‌شود، بیکاری و کم‌کاری در بخش کشاورزی از جمله عوامل مهمی است که مهاجرین را به طرف نقاطی که فرصتهای بیشتری برای اشتغال وجود دارد، سوق می‌دهد. جمعیتی که از مناطق روستایی به مناطق شهری سرازیر می‌شود در واقع به گسیختگی در هر دو منطقه جذب و دفع نیروی مهاجر دامن می‌زند. خالی شدن مناطق مهاجر فرصت از نیروی کار و تمرکز نامتناسب آنها در شهرها از مهمترین مسائل به وجود آمده توسط مهاجرت بی‌رویه است. (۱) توجه به بخش کشاورزی می‌تواند از آهنگ شتابان مهاجرت‌های بی‌رویه از روستا به شهر را حداقل کاهش داده و از سرعت پیدایش و رشد روزافزون حاشیه‌نشینی در اطراف شهرها نیز بکاهد. (۲)

توسعه بخش صنعت

توسعه کشاورزی و برطرف ساختن مشکلات آن بی‌تردید نمی‌تواند جدای از دیگر بخشها، به ویژه بخش صنعت، انجام پذیرد. در این راستا نیازهای نوین در بخش کشاورزی که باید از طریق بخش صنعت تأمین شود به خوبی می‌تواند زمینه را برای توسعه و ارتقاء محصولات صنعتی در بخش کشاورزی را فراهم آورد و از این طریق نیازهای متنوع بخش کشاورزی را بدون اتکا به مواد اولیه و ماشین‌آلات خارجی برطرف سازد که در نتیجه راه را برای توسعه بازار محصولات صنعتی افزایش می‌یابد. (۳)

رشد همراه با توزیع عادلانه در آمد

بدیهی است که حصول حتی یک نرخ رشد خالص اقتصادی مثبت الزاماً سطح زندگی

ص: ۲۲۹

۱- مشهدی زاده دهاقانی، ناصر، تحلیل از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، ص ۹۸

۲- ر. ک. به فیندلی، سلی، برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی، ص ۲۳۷

۳- رزاقی، ابراهیم، اقتصاد ایران، ص ۲۶۸

همه افراد جامعه را به نحو یکسانی تحت تأثیر قرار نمی دهد. این که رشد مورد بحث ناشی از رشد تولید در کدام یک از بخشهای اقتصادی باشد آثار متفاوتی را برجای خواهد گذاشت؛ به عنوان مثال اگر رشد اقتصادی در اثر افزایش تولید در بخش کشاورزی باشد از آنجا که در کشور در حال توسعه ای مانند ایران که حدود ۸۵ درصد تولیدات کشاورزی در مناطق روستایی کشور ایجاد می شود، موجب رفاه بیشتر در جامعه روستایی که از اقشار

کم درآمد جامعه می باشند شده و بنابراین رشد همراه با توزیع عادلانه در آمد اتفاق خواهد افتاد؛ یعنی رشدی که با اهداف عدالت اجتماعی نیز سازگار است. اما اگر همین رشد در بخش صنعت رخ دهد، از آن جا که اغلب صنعتگران ساکن شهرها می باشند موجبات افزایش درآمد ساکنان شهرها را فراهم می کند؛ یعنی در این وضعیت رشد اقتصادی ممکن است با بهبود در توزیع درآمد همراه باشد. نهایتاً اگر رشد اقتصادی در اثر افزایش ارزش افزوده بخش خدمات باشد، به دلیل تمرکز این فعالیتها در شهرها همان نتیجه فوق عاید خواهد شد.

بنابراین توزیع بخشی رشد اقتصادی توزیع منطقه ای در آمد را نیز در پی خواهد داشت، چرا که رشد ناشی از صنعت موجب برخورداری بیشتر مناطق (قطبهای)، صنعتی خواهد شد. از آنجا که این مناطق از سطوح توسعه بالاتری برخوردارند ناهمگنی بین مناطق را خواهد افزود (رشد همراه با نابرابری بیشتر).

از توزیع بخشی و منطقه ای رشد اقتصادی که بگذریم، این که رشد اقتصادی نتیجه افزایش تولید در چه گروه از کالاها باشد نیز از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. رشد اقتصادی در بخش کشاورزی از یک سو، می تواند کشور را از وابستگی به محصولات استراتژیک مانند گندم، برنج و مانند آن بی نیاز سازد. از دیگر سوی، جلوی خروج سالانه میلیونها دلار ارز جهت واردات مواد زیر از کشور را بگیرد. این مواد عبارتند از:

- خوراک دام و طیور، انواع پروتئین های مصرفی؛

- انواع اسیدهای آمینه و آلی؛

- انواع کاغذ و خمیر آنها؛

- انواع اسانس ها برای مصارف صنایع غذایی و بهداشتی.

در حالی که ضایعات و پسماندهای مزارع اصلی تأمین مواد مذکور می باشند. در ایران قریب به نیمی از محصولات کشاورزی بدون اینکه به مصرف برسد در مراحل مختلف از بین می رود و صنایع تبدیلی موجود در کشور به آن حد از رشد نرسیده که بتواند از تمامی اجزاء یک محصول کشاورزی بهره کافی ببرد. (۱)

بنابراین، با توجه به نقشی که بخش کشاورزی در تهیه غذا، تأمین شغل، تولید ناخالص ملی و صنایع جنبی دارد، بی تردید توسعه و خود کفایی در این بخش تاثیر به سزایی در توسعه اجتماعی و اقتصادی جامعه خواهد داشت.

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله ی تورم حل خواهد شد؛ مسئله اشتغال حل خواهد شد؛ اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. (۲)

د) اصلاح بازار مصرف

اشاره

در بررسیهای اجتماعی - سیاسی و فرهنگی این حقیقت علمی روز به روز آشکارتر می شود که در همه جوامع انسانی و در همه دوره های تاریخی سیاست و فرهنگ و اقتصاد یک کل همبسته را می سازند و تنها با درک این وحدت می توان مسائل و مشکلات اجتماعی را بررسی کرد و برای آنها راهکار به دست داد. (۳)

الگوی مصرف

اشاره

مصرف تنها تابعی از تولید و توزیع نیست، بلکه از جهتی، تولید و توزیع هم تابع مصرف است. در نتیجه، الگوی مصرف در زندگی فردی و اجتماعی تأثیر فراوانی بر دیگر

ص: ۲۳۱

۱- ر.ک. به: رحمانی، حمید رضا، کشاورزی پایدار و چالش های تولید محصول سالم، ص ۲۱۸-۲۱۹

۲- مقام معظم رهبری، پیام نوروزی ۱۳۹۱

۳- رواسانی، شاپور، آیا دوران تازه ای در تاریخ بشر آغاز شده است؟، ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۳۳-

عرصه های اقتصادی خواهد گذاشت. بنابراین، رفتار مصرف کننده و چگونگی تخصیص درآمدها، نقش بسزایی در شکل دهی فعالیتهای اقتصادی خواهد داشت.

به طور کلی، جوامعی که توان تولیدی بالا و میانه روی در مصرف دارند، رشد و پیشرفت بیشتر و بهتری دارند. مصرف گرایی یکی از آفات مهم اقتصاد در جوامع به شمار می آید.

در نگرش دینی، رفتار اقتصادی انسان مسلمان در رابطه با مصرف باید تابع چهار اصل کلی قرار گیرد:

۱. مالکیت خداوند

در بینش معصومین (علیهم السّلام)، کمال انسان در این است که تمامی دارایی و ثروتی را که در اختیار اوست، متعلق به خدا بداند. به این جهت است که می بینیم وقتی شخصی از امام صادق (علیه السّلام) در رابطه با حق بندگی خدا می پرسد که «حقیقت بندگی خداوند در چیست؟» در پاسخ به آن شخص می فرماید: «... یرون المال مال الله، یضعونه حیث امرهم الله به...» (۱).

هدف از این تعالیم در سیره معصومین (علیهم السّلام) این است که وابستگی انسان به دارایی و ثروت کاهش یابد و به این درک عمیق برسد که وی امانتدار است و تنها در مواردی که خداوند اجازه داده است، می تواند از دارایی و ثروت خود استفاده کند. در نتیجه، با توجه به ودیعه بودن اموال، تصرف در آنها تنها با اجازه صاحب مال جایز است، که به تعبیر امام صادق (علیه السّلام):

«انما اعطاکم الله هذه الفضول من الاموال، لتوجهوها حیث وجهها الله و لم یعطکموها لتکنزوها»؛ (۲) «این دارایی و ثروتی که خدا به شما داده است، برای آن است که در آن راهی

که خدا خواسته به کار ببرید و نداده تا آن را کنز و انباشته کنید».

لذا در نگرش معصومین (علیهم السّلام) به دارایی و ثروت، داشتن و نداشتن ثروت و دارایی دلیلی بر عزت و عظمت انسان، و یا دلیلی بر ذلت و بی مقداری او نخواهد بود. بلکه همان گونه

ص: ۲۳۲

۱- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴؛ طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۲۵.

۲- کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۴، ص ۳۲.

گذشت دارایی و ثروت امانت و مسئولیتی است که خداوند در اختیار برخی از انسانها گذارده است. بدین جهت است که امام صادق (علیه السلام) می فرماید:

«اترى الله اعطى من اعطى من كرامته عليه، و من منع من منع من هوان به عليه؟ لا، و لكن المال مال الله يضعه عند الرجل ودائع، و جوز لهم ان ياكلوا قصدا و يشربوا قصدا و يلبسوا قصدا و ينكحوا قصدا و يعودوا بما سوى ذلك على فقراء المومنين...» (۱)؛ آیا چنین میبنداری کسی را که خداوند به او (مال و ثروت) عطا کرده خواسته او را مورد کرامت منزلت قرار دهد، و آن کسی که به او (مال و ثروت) داده نشد به جهت پستی و بی مقداری او در پیش خداست؟ خیر، (هرگز چنین نیست) بلکه مال، مال خداست که آن را در نزد افراد به امانت گذاشته است، و به آن ها اجازه داده که از آن به اندازه ی نیازشان در خوردن، آشامیدن، پوشش و ازدواج استفاده کنند، و باقی مانده آن را به فقراء مومن گردانند».

۲. اعتقاد و باور به معاد

این اصل افق زمانی انسان مسلمان را تا پس از مرگ گسترش می دهد. در نتیجه، زندگی پیش از مرگ و زندگی پس از مرگ با یکدیگر ارتباطی نزدیک دارند. چنین باوری، بر رفتار مصرف کننده دو تأثیر را بر جای خواهد گذاشت:

تأثیر اول؛ نتیجه انتخاب یک عمل از دو بخش تشکیل می شود: نتیجه فوری آن در زندگی این جهانی و ثمره آن در زندگی دیگر. از این رو، مطلوبیتی که از چنین انتخابی به دست می آید، برآیند ارزش فعلی این دو اثر است.

تأثیر دوم؛ تعداد راه های ممکن برای صرف درآمد با احتساب تمام منافی که تنها در جهان دیگر قابل دستیابی است، افزایش می یابد. از جمله این راههای ممکن عبارتند از: دادن قرض الحسنه، بخشش به فقرا و...

بنابراین، مصرف کننده مسلمان، بر مبنای این دو تأثیر رفتار مصرفی خود را در راستای تأمین معاد خود شکل می دهد.

ص: ۲۳۳

۳. رضای خداوند

در بینش اسلامی، موفقیت با معیارهای «رضای الهی» تعریف می شود. از این رو، تقوا، بندگی و اطاعت خداوند رمز دستیابی به رضای او به شمار می آید.

بر این اساس، اگر انسانی می خواهد به بندگی خداوند نایل گردد، باید بداند که بهره برداری از نعمات الهی موجود در نزد او نه تنها یک امتیاز، بلکه وظیفه و فریضه ای است که خدای مَنان به آن امر نموده است. «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ»؛^(۱) «اوست که زمین را رام شما گردانید. پس بر روی آن سیر کنید، و از رزق خدا بخورید و بازگشت شما به سوی اوست».

۴. ثروت و درآمد

در نگرش دینی، دارایی و ثروت مفهومی منحصر به فرد دارد و آن این که، موهبت و بخششی است از جانب خداوند، که انسان می توان آن را در راه خوب و بد به کار گیرد. از آنجا که دارایی و ثروت، بخششی از جانب خداست، انسان دیندار آن را در راستای رضای بخشنده آن به مصرف خواهد رساند.

بر مبنای این چهار اصل است که می توان رفتار مصرف کننده مسلمان را در قالب حداکثر کردن مطلوبیت، چنین تعریف نمود: دستیابی به اطاعت و فرمانبرداری از خداوند که از ارضای خواسته های مادی انسان به نمایش گذاشته می شود.

در همین راستاست که می بینیم قناعت و ساده زیستی و پرهیز از اسراف و تبذیر و انجام انفاقها، در رفتار اقتصادی به عنوان اموری مهم در بحث مصرف، جلوه گر می شود.

پرهیز از اسراف و تبذیر

اسراف به معنای «تجاوز از حد در هر کاری» است.^(۲)

و تبذیر به معنای تضييع مال و مصرف آن در غير مسير صحيح است.^(۳)

وجود این دو پدیده در رفتارهای اقتصادی را می توان از آسیبهای نظام مصرفی در

ص: ۲۳۴

۱- ملک (۶۷) آیه ۱۵ ج ۷۱، ص ۴۲۱.

۲- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ قرآن، ص ۲۳۶.

۳- همان، ص ۳۷.

نظامهای اقتصادی دانست. در قرآن کریم و آموزه های معصومین (علیهم السّلام) هر دو واژه به طور مکرر و فراوان به کار رفته و تعبیر تندی در مورد اسراف کنندگان و مبذرین به چشم می خورد تا جایی که مسرفین اهل آتش و مبذرین برادران شیاطین معرفی شده اند.^(۱)

اعتدال و کفاف

امامان معصوم (علیهم السّلام) تلاش می کردند تا از طریق آموزش و تعالیم اسلامی، برای مسلمانان حدود و دامنه رفتارهای اقتصادی، به خصوص مصرف را مشخص کنند. این در حالی است که آنان برای کار و تلاش و فعالیتهای اقتصادی تا مرز جهاد در راه خدا ارزش قایل بودند،^(۲) و افراد را به کار و تلاش دائمی فرامی خواندند. در عین حال، بر میانه روی و کفاف در مصرف تأکید داشتند:

«طوبی لمن، اسلم و کان عیشه کفافاً»؛^(۳) «خوشا به حال کسی که اسلام آورده و معاش او کفاف او کند».

اعتدال و میانه روی به عنوان یک ضابطه، در تمامی تلاشها و رفتارهای اقتصادی در آموزه های دینی مورد توجه است. بدین جهت است که در آموزه های دینی به همان اندازه که به اعتدال و میانه روی سفارش شده، از اسراف، اتلاف و تبذیر نیز منع گردیده است.

در اسلام، چه برای مصرف شخصی و چه برای مصرف اجتماعی، دو حد پایین و بالا در نظر گرفته شده است که حد بالا عبارت است از اسراف و حد پایین عبارت است از بخل.

به طور کلی آنچه در باب مصرف از متون و آموزه های دینی برمی آید این است که اسلام به عنوان دینی کاملاً جامع و همه جانبه گرا، به خوبی می تواند هنجارهای فردی و اجتماعی در سطح جامعه را چنان تعریف کند که برآیند حاصل از آن سوق دادن جامعه به سمت تعادل و توازن، توزیع مناسب درآمدی، برخورداری هر چه بیشتر از رفاه اجتماعی و در سطح بالاتر و عالی خود، سعادت بشری باشد.

ص: ۲۳۵

۱- ر. ک: اعراف، ۳۱، ۸۱؛ انعام، ۱۴۱؛ غافر، ۴۳؛ انبیاء، ۹؛ اسراء، ۲۷ و

۲- مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳.

۳- همان، ج ۶۹، ص ۵۹.

بی تردید، مصرف درآمد در تأمین نیازهای خود و خانواده به نظر امری طبیعی است. اما صرف درآمد برای رفع نیاز دیگران و حتی گاهی مقدم داشتن آنان بر خود، بر خلاف طبیعت اولیه انسان است. از این رو، انجام چنین کاری برآمده از روح متعالی است که از انسانهای تربیت یافته در مکتب الهی انتظار می رود.

جهت دهی به احساسات خیرخواهانه

اسلام با استفاده از حسّ خیرخواهی مردم، عبادتهایی مانند وقف، حبس، وصیت، صدقه، نذر و کفارات و قرض الحسنه را مقرر داشته و با بالا بردن نیروی ایمان و ایثار به جای خودخواهی ها، تجمل پرستی ها و انحصارطلبی ها؛ ثروتمندان را تشویق کرده است تا با کمال آزادی و اشتیاق، اموال و دارایی مازاد خود را برای همیشه از حالت خصوصی و انحصار در آورند و در راه خدا مورد استفاده عموم قرار دهند.

قرآن کریم در سوره مبارکه کهف، تابلوی بسیار زیبایی را ترسیم نموده از تأویل و عاقبت کار نیکوکاران که اموال و دارایی خود را به خیرات تبدیل می کنند:

«وَ اضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا كَمَاۤ اُنزِلْنَا مِنْ السَّمٰوٰتِ فَاخْتَلَطَ بِهٖ نَبَاتٌ الْاَرْضِ فَاَصْبَحَ هَشِيْمًا تَدْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَ كَانَ اللّٰهُ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا الْمَالُ وَ النَّبُوْنَ زِيْنَةُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَ الْبٰقِيٰتُ الصّٰلِحٰتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ اَمْلًا»؛ (۱) «برایشان زندگی دنیا را مثل بزن که چون بارانی است که از آسمان ببارد و با آن گیاهان گوناگون به فراوانی بروید، ناگاه خشک شود و باد بر هر سو پراکنده اش سازد و خدا بر هر کاری تواناست. دارایی و فرزند پیرایه های این زندگانی دنیاست و کردارهای نیک که همواره بر جای می مانند، نزد پروردگارت بهتر و امید بستن به آنها نیکوتر است».

در قرآن کریم و سیره معصومین (علیهم السلام)، انفاق امری مهم و بزرگ دانسته شده است، که جهت گیری الهی و ریشه در توحید و اخلاص دارد. بدین جهت، دین مبین اسلام انسانها را به این امر مهم برمی انگیزد. در حدیثی، پیامبر عظیم الشأن (صلی الله علیه و آله وسلم) اسلام چنین می فرماید:

ص: ۲۳۶

«لم نبعث لجمع المال و لكن بعثنا لانفاقه»؛^(۱) «ما برای جمع آوری مال برانگیخته نشدیم، بلکه برای انفاق آن برگزیده شده ایم».

توزیع ثروت

یکی از اصول مهم تشکیل دهنده نظام ارزشی سیره اقتصادی معصومین (علیهم السّلام) به شمار می آید. «نفاق» در بینش معصومین (علیهم السّلام) نقش مؤثری در توزیع ثروت و رفع نیازهای فردی و اجتماعی دارد، به اندازه ای که در بسیاری از موارد فقر معلول عدم پرداخت حقوق مالی و گریز از انفاق دانسته شده است.

حتی در برخی موارد، امامان معصوم (علیهم السّلام) تنها علت محرومیت و فقر را بیداد اغنیا و ثروتمندان برشمرده اند.

برای نمونه، علی (علیه السّلام) در کلامی در این باره چنین می فرماید:

«ان الله سبحانه فرض في اموال الاغنياء اقوات الفقراء فما جاع فقير الا بما متع غني»؛^(۲) «بی تردید خدای سبحان نیاز فقرا را در دارایی و ثروت ثروتمندان قرار داده است، پس هیچ فقیری گرسنه نمی ماند، مگر به کامیابی توانگران».

در حدیثی امام صادق (علیه السّلام) نیز در این رابطه می فرماید:

«... و لو ان الناس ادوا زكات اموالهم ما بقى مسلم فقيرا محتاجا لاستغنى بما فرض الله عزوجل له و ان الناس ما افتقروا و لا احتاجوا و لا جاعوا و لا عروا الا بذنوب الاغنياء...».^(۳)

در این حدیث شریف، حضرت علت فقر و محرومیت نیازمندان را گناه و عصیان ثروتمندان از پرداختن حقوق مالی خود می داند.

در کلامی از امام حسن عسکری (علیه السّلام) در توصیف ثروتمندان بعد از زمان خودش به ابی

ص: ۲۳۷

۱- طبرسی، رضی الدین حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، ص ۳۷۹.

۲- شهیدی، سید جعفر، ترجمه نهج البلاغه، ص ۴۲۰.

۳- ر. ک: حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۱۲؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ج ۲، ص ۳.

هاشم جعفری این گونه آمده است: «... اغنیا و هم یسرقون زاد الفقراء...» (۱).

«... ثروتمندان عامل فقر در جامعه هستند زیرا آنها زاد و توشه فقرا را سرقت می کنند».

بی جهت نیست که خداوند در قرآن کریم به افرادی که از پرداختن حقوق مالی خود سرباز می زند هشدار می دهد و می فرماید:

«وَلَا يَحْسِبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ هُوَ خَيْرًا لَّهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَّهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخُلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ»؛ (۲) «آنان که در نعمتی که خدا به آنها عطا کرده است بخل می ورزند، میندارند که در بخل ورزیدن برایشان خیر است. نه، شر است. در روز قیامت آنچه را در بخشیدنش بخل می ورزیدند، چون طوق به گردنشان خواهند آویخت و از آن خداست میراث آسمانها و زمین و او به هر کاری که می کنید، آگاه است.

آنچه از آموزه های معصومین (علیهم السّلام) بدست می آید این است که علاوه بر انفاقهای واجب مانند زکات و خمس و مواردی از این قبیل، در دارایی و ثروت اغنیا، خداوند حقوق دیگری را نیز قرارداد داده است که اندازه و مقدار آن به اختیار خود شخص واگذار شده است.

امام باقر (علیه السّلام) در این باره می فرماید: «شخصی خدمت امام سجاد رسید و از آن حضرت خواست تا او را نسبت به معنی و مفهوم این کلام خداوند «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ» آگاه سازد. آن حضرت (علیه السّلام) فرمودند: «حق معلوم» مقداری است که انسان از مال خود بیرون می کند، جدای از زکات و خمس.

«آن شخص به حضرت عرض کرد: اگر غیر از زکات و خمس است، پس چیست؟ امام (علیه السّلام) در پاسخ فرمودند: این مقداری است که هر کس از مالش به فراخور دارایی و ثروتش از مال خود جدا می کند و به مصرف نیازمندان می رساند» (۳).

ص: ۲۳۸

۱- حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۱۲؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال، ج ۲، ص ۳.

۲- آل عمران (۳) آیه ۱۸۰.

۳- ر. ک: حر عاملی، وسایل الشیعه، ج ۹، ص ۴۹.

شریعت اسلامی در عرصه نظام اجتماعی در پی رسیدن به هدفهایی است که دستیابی به آنها بدون استفاده بهینه از منابع ممکن نیست. بر این اساس، هر گونه اتلاف و اسراف در منابع را ممنوع و مردود می‌شمارد، زیرا در باور دینی، خداوند سبحان برای فلاح و رستگاری انسان که هدف نهایی خلقت به شمار می‌آید، طرحی جامع و راهی روشن را قرار داده است، که در این طرح جامع، نوع باورها و اعتقادات، تمامی بایدها و نبایدهای کلی و نیز احکام لازم برای روابط بین افراد، افراد با منابع و طبیعت وجود دارد.

در آموزهای دینی، استفاده غیرکارا از امکانات و منابع، نوعی تباه کردن آنهاست. بدین جهت، بهره‌گیری صحیح و بهینه از امکانات جامعه که در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از آن تعبیر به استصلاح شده، به خوبی پیداست. آن بزرگوار فرمودند: «به صلاح در آور هر نعمتی را که خداوند بر تو ارزانی داشته و هیچ یک از نعمتهای الهی نباید نزد تو تباه گردد...» (۱).

از مصادیق بارز اصلاح، اصلاح در امر مصرف با تغییر دادن الگوی مصرف، و روی آوردن به مصرف تولیدات داخلی است.

تلاش در جهت تغییر الگوی مصرف

آنچه بیش از هر چیز دیگری در رابطه با تغییر الگوی مصرف، دارای اهمیت است، تغییر فرهنگ مصرفی حاکم بر جامعه می‌باشد. تلاشهای زیادی برای تغییر الگوی مصرف و کنترل واردات کالاهای مصرفی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در کشور صورت پذیرفته است. ولی از آنجا که فرهنگ مصرفی حاکم بر جامعه، فرهنگ مصرف بی‌رویه بوده که به مرور زمان ریشه در فرهنگ جامعه دوانده است، و در فرهنگ مصرفی یک نوع عطش به مصرف وجود دارد، و در واقع این مصرف است که حاکمیت دارد و با توجه به چنین حاکمیتی است که تلاشهای انجام شده در راستای تغییر الگوی مصرف نتوانسته به انتظارات خود جامعه عمل به پوشاند. در حال حاضر فرهنگ مصرفی بخش قابل توجهی از

ص: ۲۳۹

درآمدهای ارزی کشور را به خود اختصاص می دهد. در حالی که با تغییر الگوی مصرف کنونی، و کاهش آهنگ رشد آن، می توان انباشت سرمایه در کشور را تسریع نمود و از این طریق امکان افزایش ظرفیت های تولیدی را فراهم ساخت. (۱)

فرهنگ سازی در جهت استفاده از تولیدات داخلی

تولید ملی نیازمند حمایتی به نام «فرهنگ مصرف تولیدات داخلی» است و این زمانی میسر است که «حمایت از کار و سرمایه ایرانی» در قالب یک فرهنگ به دغدغه تمامی افراد کشور تبدیل شود. این مستلزم آن است که افراد جامعه به درجه ای از شخصیت و منش ملی برسند که با تکیه بر اعتماد به نفس به عنوان نشانه داشتن منش ملی برای تولیدات ملی ارزش قائل شوند. مقام معظم رهبری در تأکید و اهمیت بر این مطلب می فرمایند:

... ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای یک فریضه بدانیم که هر کالایی که مشابه داخلی آن وجود دارد و تولید داخلی متوجه به آن است، آن کالا را از تولیدات داخلی مصرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه ها: زمینه های مصارف روزمره و زمینه های عمده تر و مهم تر. (۲)

پرهیز از خودباختگی و تقویت وجدان کاری

از معیارهای وجود اعتماد به نفس در یک جامعه احساس عمومی (وجدان عمومی) آن جامعه در هنگام مواجهه با مصنوعات کشور بیگانه است. اگر احساس عمومی برتر دانستن تولیدات خارجی به خصوص تولیدات کشورهای غربی باشد، به نظر می رسد اعتماد به نفس کافی وجود ندارد؛ به عنوان مثال اگر باور عمومی در جامعه این باشد که کالای با کیفیت و دارای ارزش و قابل اعتناء کالاهای ساخته شده کشورهای غربی است، چنین باوری دال بر وجود مراتب پایینی از اعتماد به نفس در جامعه است که از نشانه های خودباختگی فرهنگی است.

همچنان که در بخش دوم در بحث و وجدان کاری گذشت، جامعه ای می تواند از اعتماد به نفس برخوردار باشد، که دارای وجدان کاری است، در مقابل سرنوشت جامعه، منابع و

ص: ۲۴۰

۱- ر.ک: ابریشمی، حمید، اقتصاد ایران، ص ۲۶۳.

۲- مقام معظم رهبری، پیام نوروزی ۱۳۹۱.

امکانات جامعه، انسانها، محیط زیست و ... و نیز تقید به رعایت استاندارد لازم در تولید کالاها و ارائه خدمات مورد نظر، احساس مسئولیت می کند. براین اساس برای افزایش «تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی» چاره ای جز ایجاد اعتماد در مردم نسبت به تولیدات داخلی وجود ندارد. اعتماد جز با ارتقای کیفی محصولات امکان پذیر نیست و ارتقای کیفیت جز با تقویت وجدان کاری در آحاد افراد جامعه و درک منافع آینده دور نسبت به توجه صرف به منافع کوتاه مدت تحقق پذیر نخواهد بود.

پرهیز از تبلیغات وسوسه انگیز

هر گاه تغییرات اجتماعی در عرصه های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به واسطه سرعت تغییر ارزشها و هنجارها شتاب پیدا کند، هنجارشکنان به طور طبیعی به پیامها و هشدارهای ناظران اجتماعی کمتر توجه و یا به سختی آن را باور می کنند. برای مثال، وقتی ارزش و فرهنگ ایثار، از خود گذشتگی و ساده زیستی با سرعت تمام به تجمل گرایی مبدل شود و تبلیغات شهری به جای اشاعه مفاهیمی نظیر ایثار و گذشت و فداکاری، عشق به خدا و دین و ... به تبلیغ لوازم آرایشی و کالاهای لوکس و مصرفی و تشویق به روحیه تجمل گرایی اختصاص یابد، مشخص است چه سرنوشتی در انتظار جامعه خواهد بود.

جلوگیری از قاچاق کالا

گسترش بخش غیررسمی اقتصاد، که در قالب رشد سرطانی قاچاق سازمان یافته کالا، که بر تمامی شئون اقتصاد - اجتماعی جامعه تأثیرهای منفی بر جای می گذارند و علاوه بر رشد دلالی و فقر، جامعه از دستیابی به هدفهای خود، از جمله «عدالت و توازن اجتماعی» روز به روز بیشتر فاصله می گیرد و زمینه های لازم برای رشد فساد اقتصادی نیز افزون تر می گردد.

طبیعی است، در جامعه ای که قاچاق کالا - گسترده شود و کالاهای وارداتی قاچاق از هر گونه عوارض معاف باشند، قدرت رقابت از کالاهای تولیدی داخل سلب و به تدریج سبب می شوند تا سطح تولیدات داخلی کاهش یابد. در چنین حالتی، فرصتهای شغلی مولد یا از بین می روند و یا رشد نمی کنند و سرمایه گذارهای جدید تولیدی نیز انجام نمی گیرد و

سرمایه ها - به منظور کسب سود راحت و بی دردسر و بدون مالیات - به سمت دلایلی کالای قاچاق وارداتی سوق یافته، فرایند توزیع درآمد از طریق ایجاد فرصتهای شغلی دچار اختلال می شود. در این صورت، اقتصاد کشور، نه تنها فاقد ابزارهای اعمال حاکمیت می گردد، بلکه در بسیاری موارد در بخشهای اقتصادی کشور، نقش حاکمیتی دولت با نقش تصدیگری وی در هم آمیخته و تداخلهای نابجا را در جهت نبود تعادل و توازن - به وجود می آورد، به طوری که در فرایند «عرضه و تقاضای کالا»، دولت برای مقابله با قاچاق کالا، وارد کننده و یا تولید کننده کالاهای مصرفی بادوام و بی دوام شده و در بازار با تولید کنندگان داخلی همان کالاها رقابت می کند و سیاستهای حمایتی خود از تولیدات داخلی را خنثی می سازد.

ص: ۲۴۲

قرآن کریم

آزاد ارمکی، تقی: اندیشه اجتماعی متفکران مسلمان، تهران، مؤسسه نشر جهاد، ۱۳۷۷.

آمدی، عبدالواحد: غررالحکم و دررالکلم، ترجمه محمد علی انصاری، بی نا، بی تا.

آنتونی، آر. بلاستر: لیبرالیسم غرب، ظهور و سقوط، ترجمه عباس مخبر، چاپ سوم، تهران، ۱۳۷۷.

ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی: بلوغ المرام، بیروت، دارالکتب العلمیه.

ابن خلدون، عبدالرحمان: المقدمة، بیروت، دار احیاء التراث، بی تا.

ابن منظور، محمد بن مکرم: لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ق.

احمدی، بابک: مدرنیته و اندیشه انتقادی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۲.

از کیا، مصطفی و غلامرضا غفاری: توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران، نشر نی،

۱۳۸۳.

اصغری، سید محمد: بررسی فقهی و حقوقی در مسئله رشوه و احتکار در پرتو در مقوله (حقوق و اخلاق فرد و جامعه)، پیشگفتار از جلال رفیع، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۷. الیاسی، حمید: واقعیات توسعه نیافتگی، تهران، برنامه و بودجه، ۱۳۵۹.

ای. اف. شوماخر: کوچک زیباست، ترجمه علی رامین، تهران، نشر نیما، ۱۳۶۲.

بشر، جان: خاستگاه های سرمایه داری، ترجمه رامین کامران، تهران، نشر البرز، ۱۳۷۰.

برمن، ادوارد: کنترل فرهنگ، ترجمه حمید الیاسی، چاپ دوم، تهران، نشر نی، ۱۳۶۶.

بی آزار شیرازی، عبدالکریم: زمینه سازی برای تحقق عدالت اقتصادی، مجموعه مقالات فارسی اولین

مجمع بررسی های اقتصاد اسلامی، جلد ۱، تهران، ۱۳۶۹.

بی نا: صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای امام خمینی، تهران، انتشارات سازمان مدارک فرهنگی، ۱۳۶۹.

بی نا: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸.

پژمان، محمد: اقتصاد بخش عمومی، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۶۷.

ص: ۲۴۳

تارو، لستر: آینده سرمایه داری، ترجمه عزیز کیاوند، تهران، دیدار، ۱۳۷۶.

تفضلی، فریدون: اقتصاد کلان: نظریه ها و سیاستهای اقتصادی، تهران، نشر نی، ۱۳۶۷.

تودارو، مایکل: توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجامی، تهران، انتشارات برنامه و بودجه، ۱۳۶۶.

ثواقب، جهانبخش، نگرشی تاریخی بر رویارویی غرب با اسلام، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، مرکز انتشارات، ۱۳۷۹. جلالی نائینی، سید احمد رضا: بررسی روند تورم و سیاست های پولی، ارزشی و اعتباری در اقتصاد

ایران، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

جندی، انوار اسلام و جهان معاصر ترجمه حمید رضا آژیر، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۱. جون، رایینسون: جنبه هایی از توسعه یافتگی و توسعه نیافتگی، ترجمه حسن گلریز، تهران، نشر نی، ۱۳۶۵.

حرانی، ابو محمد حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ق.

حر عاملی، محمد بن حسن: وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۳ ق.

خورشید احمد: مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، ترجمه محمد جواد مهدوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

داوری اردکانی، رضا: فلسفه در دام ایدئولوژی، تهران، چاپ و نشر بین الملل، چاپ دوم، ۱۳۸۹.

دریابندری، نجف: درد بی خویشتن، تهران، نشر پرواز، ۱۳۶۹.

دریفوس، هیربرت و رایینو، پل: میشل فوکو، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه: مبانی اقتصاد اسلامی، قم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۷۴.

دورانت، ویلیام جیمز: تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام و ... تهران، انقلاب اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۸.

دورانت، ویلیام جیمز: لذات فلسفه، ترجمه عباس زریاب خوئی، تهران، نشر اندیشه، ۲۵۳۷.

دیلمی، حسن بن محمد: ارشاد القلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ ق.

دیوب، اس. س: نوسازی و توسعه، ترجمه سید احمد موسوی تهران، قومس، ۱۳۷۷.

راسل، برتراند: تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندری، تهران، پرواز، ۱۳۶۵.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد: مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دار القلم و بیروت الدار الشامیه، ۱۴۱۶ ق.

رزاقی، ابراهیم: اقتصاد ایران، تهران نشر نی، ۱۳۶۷.

رشاد علی اکبر: دموکراسی قاسمی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۹.

روژه گارودی: آمریکا پیشتاز انحطاط، ترجمه قاسم صنعوی، تهران، نشر نی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

روستو، والت ویتمن: نظریه پردازان رشد اقتصادی، ترجمه مرتضی قره باغبان، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴. ری شهری، محمد: میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲.

زاکس، ولفگانگ: نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.

زمانی فراهانی فرد، مجتبی: پول، ارز و بانکداری، تهران، نشر ترمه، ۱۳۷۸.

سلیمی، علی و محمد داوری: جامعه شناسی کجروی، تهران، انتشارات حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰.

سیف اللهی، سیف الله: جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، تهران، موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا،

۱۳۸۱.

شارع پور، محمود: ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

شریعتی، علی: مجموعه آثار، تهران، الهام، چاپ هفتم، ۱۳۷۸.

شمس الدین، محمد مهدی نظام حکومت و مدیریت در اسلام، ترجمه مرتضی آیت الله زاده شیرازی، تهران، دانشگاه تهران.

شهیدی، سید جعفر: نهج البلاغه، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هفدهم، ۱۳۷۹.

شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه: عیون اخبار الرضا، انتشارات جان، ۱۳۷۸ ق.

شیخ صدوق، محمد بن علی بن الحسین بن بابویه: من لا یحضره الفقیه، چاپ سوم، قم، انتشارات جامعه

مدرسین، ۱۴۱۳ ق.

صادقی، حسین و قنبری، علی: تحولات اقتصادی ایران (۲)، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم

انسانی دانشگاهها (سمت)، ۱۳۸۸ ق.

صبوری، منوچهر جامعه شناسی سازمان ها، بوروکراسی مدرن ایران، تهران، سخن، ۱۳۸۰.

صدر، سید کاظم: نظام اقتصاد صدر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۴.

صدر، سید محمد باقر: اقتصادنا، المجمع العلمی الشهد صدر، ۱۴۰۸ ق.

صدر، سید محمد باقر: اقتصادنا، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

طباطبایی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، انتشارات

اسلامی، بی تا.

طبرسی، ابوالفضل: مشکات الانوار فی غرر الأخبار، نجف، انتشارات کتابخانه حیدرآبه، ۱۳۸۵ق.

طبرسی، حسن بن فضل: مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۳ق.

طیبیان، محمد و داود سوری: بررسی تحولات متغیرهای کلان اقتصادی کشور، در اقتصاد ایران، تدوین و تنظیم مسعود نیلی، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه ریزی و توسعه، ۱۳۷۶.

عبدالستار، عثمان محمد: مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، ایرانشهر، دارالعلوم حقانیه، ۱۳۷۶.

عبداللهی، محمد اسماعیل: جهاد اقتصادی در جهان بینی اسلامی، مشهد، مرکز بین المللی ترجمه و نشر

المصطفی، ۱۳۹۰.

عبدالرحمن عالم: بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، ۱۳۷۶.

عبدالمالک، ابی محمد: سیره ابن هشام، بیروت، دار الجبل، ۱۹۷۵.

عسل، ابراهیم: توسعه در اسلام، ترجمه عباس عربی، مشهد، شرکت به نشر، ۱۳۷۸.

غزالی، محمل جنایات عربی در شرق، ترجمه مصطفی زمانی، قم، پیام اسلام، ۱۳۶۹.

فرج وند، اسفندیار: فراگرد و تنظیم تا کنترل بودجه، تبریز، گلباد، چاپ ششم، ۱۳۸۰.

فروغی، محمد علی: سیر حکمت در اروپا، تهران، زوار، ۱۳۴۴.

فرزب، علی رضا: بودجه ریزی دولتی ایران، مؤسسه آموزش و پژوهش مدیریت دولتی، پانزدهم، ۱۳۸۱.

فریدمن، میلتن: اقتصاد مکتب پولی، ترجمه مهدی تقوی و حسن مدرکیان، تهران، مرکز آموزش

مدیریت دولتی، ۱۳۷۵.

فیندلی، سلی: برنامه ریزی مهاجرت‌های داخلی، ترجمه عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۷۲.

قربانی، زین العابدین علل پیشرفت اسلام و انحطاط مسلمین، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ

سوم، ۱۳۶۸.

قره باغیان، مرتضی، اقتصاد رشد و توسعه، تهران، نشر نی، ج ۲، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

قطب، سید محمد: عدالت اجتماعی در اسلام، ترجمه محمد علی گرامی، سید هادی خسروشاهی، تهران،

شرکت سهامی انتشار، ۱۳۵۲.

کراچکی، ابوالفتح: معادن الجواهر، تهران، کتابخانه مرتضویه، ۱۳۴۹.

کرزن، جرج ن.: ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی

چاپ سوم، ۱۳۶۷.

کلینی، محمد بن یعقوب: فروع کافی، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸.

کميجانی، اکبر و بیژن بید آباد: تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان پذیری حصول اهداف برنامه پنج ساله اول توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۶۹.

کميجانی، اکبر و سید محمود علوی: اثر متقابل رشد و تورم در ایران، نهمین کنفرانس سیاست های پولی

و ارزی، تهران، مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۸. کوزر، لوئیس: زندگی و اندیشه بزرگان جامعه شناسی، ترجمه محسن

ثلاثی، تهران، انتشارات علمی،

چاپ ششم، ۱۳۷۶.

لوبون، گوستاو تمدن اسلام و عرب، ترجمه سید هاشم حسینی، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۴۷.

لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات اقبال، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.

محدث نوری: مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ ق.

مشهدی زاده، ناصر: تحلیل از ویژگیهای برنامه ریزی شهری در ایران، تهران، انتشارات دانشگاه علم و

صنعت، ۱۳۷۴.

مطهری، مرتضی: امدادهای غیبی، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۶۷.

مطهری، مرتضی: انسان کامل، تهران، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۲.

مطهری، مرتضی انسان و سرنوشت، تهران، صدرا، چاپ یازدهم، ۱۳۷۱.

مطهری، مرتضی، بررسی اجمالی از نهضت های اسلامی در صد سال اخیر، تهران، صدرا، ۱۳۷۱.

مطهری، مرتضی پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، صدرا، چاپ شانزدهم، بی تا.

مطهری، مرتضی: ختم نبوت، تهران، صدرا، چاپ ششم، ۱۳۷۰.

مطهری، مرتضی: خدمات متقابل اسلام و ایران، تهران، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۶۲.

مطهری، مرتضی عدل الهی، تهران، صدرا، چاپ هفتم، ۱۳۷۲.

مطهری، مرتضی: علل گرایش به مادیگری، تهران، صدرا، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۰.

مطهری، مرتضی: مجموعه آثار، تهران، صدرا، ۱۳۷۷. مطهری، مرتضی: نظری به اقتصاد اسلامی، تهران، صدرا، چاپ هشتم،

۱۳۷۸.

ص: ۲۴۶

مطهری، مرتضی، نقدی بر مارکسیسم، تهران، صدرا، ۱۳۶۳.

مطهری، مرتضی نظام حقوقی زن در اسلام، تهران، صدرا، چاپ هشتم، ۱۳۵۷.

ممتحن، حسینعلی: کلیات تاریخ عمومی، تهران، دانشگاه ملی ایران، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

منتظر ظهور، محمود: اقتصاد خرد و کلان، تهران، انتشارات دانشگاه، ۱۳۷۶.

موسایی، میثم دین و فرهنگ توسعه، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

موسوی چک، حسن، توسعه جرائم و آسیب های اجتماعی، مجموعه مقالات همایش چالش ها و چشم اندازهای توسعه ایران.

نراقی، محمد مهدی: جامع السعادات، مطبوعه نجف اشرف، ۱۹۶۳ م ۱۳۸۳ ق.

نصر، سید حسین: جوان مسلمان و دنیای متجدد، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران، طرح نو، ۱۳۷۳.

نصر، سید حسین: نیازی به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، قم، انتشارات طه، ۱۳۷۹.

تقوی، حیدر: اقتصاد توسعه یک الگوی جالیف، ترجمه حسن توانایان فرد تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۸.

نقوی، علی محمد: جامعه شناسی غرب گرایی، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

نیکسون، ریچارد فرصت را دریابیم، ترجمه حسین حسینی نژاد، تهران، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۱.

هادوی تهران، مهدی مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، ۱۳۷۸.

هونکه، زیگربد: فرهنگ اسلام در اروپا: خورشید الله بر فراز مغرب زمین، ترجمه مرتضی رهبانی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.

هیوبرت، در یفوس: پل رابینو، ترجمه حسین بشیریه، تهران، نشر نی، ۱۳۸۲.

یاسپرس، کارل: آغاز و انجام تاریخ، تهران، انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۳.

یان، رابرتسون در آمدی بر جامعه، ترجمه حسین بهروان، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴.

یوسف پور، قربان: انتقال تکنولوژی در جهان سوم و ایران، تهران، نشر تندیس، ۱۳۷۶.

(ب) مجلات

احمد پور داریانی، محمود: «آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه‌ها را تغییر می‌دهد؟»، رهیافت، ش ۲۹، ۱۳۸۲.

بی‌نا: ایران در کانون پیمانهای جدید بازرگانی، ماهنامه صفحه اول، سال اول، ش ۹، ۱۳۷۱

حاجی یوسفی، امیر محمد: «رانت، دولت، رانتیر و رانتیریسیم؛ یک بررسی مفهومی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۱۲۵ - ۱۲۶، ۱۳۷۶.

حسن زاده، ع. و ارشادی، ع.: «نقش اعتبارات خرد در توسعه روستایی»، سیزدهمین کنفرانس سیاست‌های پولی و ارزی، تهران، بانک مرکزی، پژوهشکده پولی و بانکی، ۱۳۸۲.

رضایی، مجید: «احیای نظام خراج در واگذاری مدیریت شرکت‌های دولتی به بخش خصوصی»، اقتصاد اسلامی، ش ۱۵، ۱۳۸۳.

روزنامه خراسان، ۱۳۸۶/۶/۲۳.

روزنامه خراسان، ۱۳۸۷/۲/۲۹.

رئیس دانا، فریبرز: «تورم، خصوصی سازی و گسترش فساد اداری»، صنعت حمل و نقل، ش ۱۵۳، ۱۳۷۵.

ص: ۲۴۷

رشیدی، علی: «نقش تحولات اقتصادی بر متغیرهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی»، ماهنامه اطلاعات

سیاسی - اقتصادی، شب ۱۸۱-۱۸۲، ۱۳۸۱.

رواسانی، شاپور: «آیا دوران تازه ای در تاریخ بشر آغاز شده است، ماهنامه اطلاعات سیاسی □ اقتصادی، ش ۱۳۳-۲۳۴، ۱۳۸۵.

سبحانی، حسن: «عدالت اجتماعی و چگونگی روند آن در برنامه اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی کشور

اندیشه حوزه، شماره ۳۱، آذر و دی ۱۳۸۰.

شریعتی، شهروز، «جهانی شدن و الزامات استراتژی ملی در صنایع غذایی ایران» راهبرد یاس، شماره ۱۲، ۱۳۸۶.

شریعتی، محمد تقی، «نگاره جدید در تحول کشاورزی و توسعه روستایی»: ماهنامه اطلاعات سیاسی -

اقتصادی، شماره ۱۶۴-۱۶۳، ۱۳۸۱.

ظہیری، سید مجید: «رویکرد دینی به آرمان توسعه یافتگی و مقایسه آن با توسعه غربی، اندیشه حوزه،

شماره ۳۱، آذر و دی ۱۳۸۰.

عبیری، غلامحسین: «معمای آزادسازی» تازه های اقتصاد، ش ۵۹، ۱۳۷۵.

علوی، سید ابوالفضل: «کارآفرینی و رسالت دانشگاه، رهیافت، ش ۲۹، ۱۳۸۲.

غلامی، کوروش، «آموزش کارآفرینی در مدارس»، گاهنامه مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی

آموزشی، سازمان سنجش آموزش کشور، ش ۷، ۱۳۸۲. فراهانی فرد، سعید: «توسعه پایدار بر محور عدالت»، اقتصاد اسلامی،

شماره ۱۹، سال ۱۳۸۴.

قدیری اصلی، باقر: «نگاهی به سیاست های اقتصادی دولت» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۳۲-۲۳۱،

۱۳۸۵.

قربان نیا، ناصر: «نگاهی به فقر از منظر جرم شناسی» نامه مفید، ش ۱۷، ۱۳۷۸.

کریمی موعاری، زهرا: «تأثیر نهادهای بازار کار ایران بر هزینه های مبادله»، ماهنامه سیاسی - اقتصادی

ش ۱۶۴-۱۶۳، ۱۳۸۰.

مظاهری، طهماسب «این سه مسئله حیاتی، روزنامه جام جم، ۱۷/۱/۸۷.

میسرا، پراساد: «برداشتی نو از مسایل توسعه»، ترجمه حمید فراهانی راد، گزیده مسایل اقتصادی - اجتماعی، شماره ۴۶، سال ۱۳۶۷.

نادری، ابوالقاسم: «پارادوکس کمبود نیروی انسانی متخصص و بیکاری فارغ التحصیلان»، ماهنامه کار و جامعه، ش ۷۶-۷۵، ۱۳۸۵.

نیکسون ریچارد: «غفلت از نقش جهانی»، ماهنامه صفحه اول، سال اول ش ۹: ۱۳۷۱.

نیلی، مسعود: «بررسی آثار افزایش حجم پول در نظام اقتصادی کشور در دو دهه اخیر، فصلنامه برنامه و توسعه، ش ۹، ۱۳۶۶.

<http://www.khamenei.ir>

<http://www.tehranedu۲.ir/Bulletirshow.aspx?Bulletinid=۷۰>

<http://www.farnews.com/mewstext.php?nn=۹۰۰۱۰۸۴۷۷۵>

ص: ۲۴۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

